

✓ **عباس آخوندی: راه نجات اقتصاد ایران**

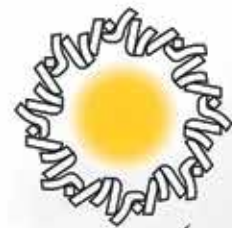
✓ **علی سنگینیان: بیمار نمی‌تواند بیمار دیگر را مداوا کند**

✓ **سرنوشت سازوکار مالی ویژه اروپا**

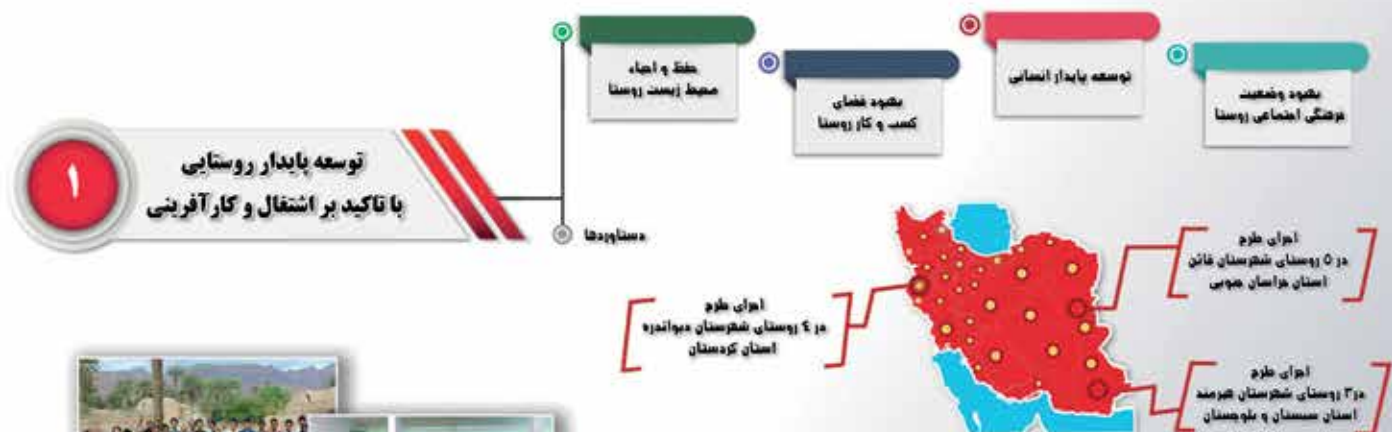
با آثار و گفتارهایی از: سعید اسلامی‌بیدگلی، ضیاالدین صبوری، حسن بهشتی‌پور، علیرضا موسوی‌زاده، جلال میرزایی
مریم محمدزاده، مجید شریفی، غلامرضا سلامی، سید حسین سلیمی، بهرام شکوری و نیکام بیری

موگرینی آیا ترامپ را به محاق می‌برد؟





جامعه نیکوکاری ابرار
وابسته به اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران



تربیت نیروی انسانی توانمند،
خلاق و ارزش آفرین



مشارکت در ایجاد مراکز آموزشی، فرهنگی، مذهبی و تولیدی



ایجاد و تجهیز
۱ فضای آموزشی
و ۲ مرکز فرهنگی

تأمین و تجهیز
۱ فضای آموزشی
و ۲ مرکز فرهنگی

اطلاعات تماس:

شماره دفتر مرکزی: ۸۵۷۲۲۸۳۱
فکس: ۸۸۳۴۶۷۲۵
آدرس سایت: www.abrarcharity.ir
ایمیل: abrar@iccima.ir



ویراستار: فاطمه ابراهیمیان
حروفچین: حمیدرضا خدابخش
ویرایش عکس: عرفان اسلامی
نشانی: تهران، خیابان طالقانی،
نیش خیابان شهید موسوی
(فرست)، پلاک ۱۷۵
کد پستی: ۱۵۸۳۶۴۸۴۹۹
تلفن: ۰۰ ۸۵۷۳ (۰۲۱)
فاکس: ۸۵۷۳۳۳۳۳ (۰۲۱)

چاپ: امکان ۸۸۹۳۲۷۹۳
خیابان دماوند، خیابان ناصری، پلاک ۳

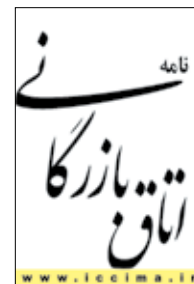
جانشین مدیر مسئول: محمدرضا عرب
سر دبیر: محمدصادق جنان صفت

معاون سر دبیر:
محمدعلی توحید

تحریریه:
محمدرضا ستاری، منصوره نصرتی کردکندی
حمید باقریان، مونا مشهدی رجبی
حسن صادقی و رامین مقربی

با تشکر از: حجت سپهوند

مدیر هنری: علی صائمی



شماره ۱۱۸
آذر ماه ۱۳۹۷

صاحب امتیاز: اتاق بازرگانی، صنایع
معادن و کشاورزی ایران
زیر نظر شورای سیاستگذاری
مدیر مسئول: علیرضا اشرف

در این شماره می‌خوانید:

دیدگاه



۷

انتخاب سر دبیر



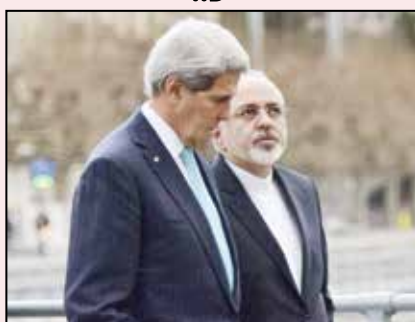
۱۵

اروپا



۲۱

آمریکا



۳۵

بازارها



۴۷

چند ملیتی‌ها



۵۵

تجارت امروز



۶۹

صنعت ایران



۸۳

داستان نیشکر



۸۹

موگرینی آیا ترامپ را به محاق می برد؟



محمدصادق جنان صفت
سردبیر

پیش‌بینی‌های جدید سازمان‌های معتبر بین‌المللی مثل صندوق بین‌المللی پول نشان می‌دهد اقتصاد ایران در سال ۲۰۱۸ و ۲۰۱۹ میلادی با رشد منفی اقتصادی مواجه خواهد شد. بر اساس آمارهای ارائه شده از سوی این نهاد نرخ رشد بیکاری و نرخ تورم در ایران روندی فزاینده را تجربه خواهد کرد. این پیش‌بینی‌ها نشان می‌دهد کسب‌وکار ایرانیان به دلیل تشدید تحریم‌های آمریکا علیه ایران در سال‌هایی که می‌آید چندان روزگار خوبی را تجربه نخواهد کرد. در این وضعیت که سرمایه‌گذاران خارجی به ایران نمی‌آیند و شرکت‌های آمده به ایران نیز بازار را رها کردند پرسش این است که چه می‌توان کرد؟ برخی راه‌حل‌ها این است که ایران باید دست روی زانوی خود بگذارد و بدون اینکه از دیگران کمک بخواهد با اتکا به امکانات و منابع طبیعی خود از این گردنه سخت عبور کند. این گروه از افراد که شایسته استقلال ایران برایشان معنی و مفهومی گسترده دارد از اینکه ایران حتی به روسیه و چین چشم امید داشته باشد حتی اگر در یک دوره‌ای رفاه کل جامعه ایرانی کاهش یابد باید راه خودکفایی در پیش گیرد و جلو برود. بدیهی است این دیدگاه با وجودی که در دنیای امروز و خصومت‌های پنهان و پیدا چندان بیراهه نمی‌رود اما در عمل قابلیت اجرا ندارد.

گروه دیگری از ایرانیان باور دارند که ایران دست کم تا رسیدن به نقطه امن در اقتصاد که یک بازیگر برتر شود و نیاز جهان به ایران محسوس شود باید با دنیا تعامل کند و راه انزوا در پیش نگیرد. این گروه با استناد به ابعاد تجارت خارجی و اینکه اقتصاد ایران بدون درآمدهای حاصل از صادرات نفت خام و فرآورده‌های پتروشیمی که مزیت خود را از گاز به دست آورده است نمی‌تواند پابرجا و استوار بماند. این گروه می‌گویند که درآمد سالانه معادل ۵۰ میلیارد دلار درآمد حاصل از فروش نفت خام اساس

ایران همچنین تاکید کرد در صورتی که توافق هسته‌ای از هم پاشیده شود، هیچ کشوری از آن سود نخواهد برد و «هرج و مرج حاکم خواهد شد.» صالحی اذعان داشت که اروپا «حداکثر تلاش را در جهت عملی کردن قول‌هایش انجام می‌دهد.» پس از خروج آمریکا از برجام با بازگشت تحریم‌ها علیه ایران، کشورهای اروپایی از ایجاد سازوکار ویژه مالی (SPV) برای تجارت غیروابسته به «دلار» برای ایران خبر دادند اما به گزارش رویترز به نقل از منابع اروپایی، تاکنون هیچ یک از کشورها میزبانی این سازوکار را نپذیرفته‌اند. با این وجود، مسئول انرژی اتحادیه اروپا گفت که نباید بر اراده کشورهای اروپایی برای عملی کردن سازوکار ویژه مالی (SPV) شک کرد: «این اقدامات از منظر فنی بسیار پیچیده است و پیشرفت‌های خوبی در طول هفته‌ها و روزهای گذشته صورت پذیرفته است.»

♦ موگرینی نماد خیر نسبی

حالا و در شرایطی که به نظر می‌رسد موگرینی رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا همانند سابق دنبال کار ایران نیست و انگلستان نیز به هر دلیل کمتر درگیر این موضوع می‌شود این پرسش وجود دارد که قدرت اتحادیه اروپا واقعا چقدر است؟ اگر به هر کشور بزرگ اروپایی به طور جداگانه نگاه کنیم خواهیم دید که رهبری سیاسی این کشورها به ویژه آلمان و فرانسه توانایی متقاعد کردن شرکت‌های بزرگ خود برای ماندن در ایران را نیز نداشتند. از سوی دیگر نگاه ناپکیارچه هر کدام از اعضای اتحادیه اروپا به مسئله تحریم ایران نشان‌دهنده قدرت ناکافی این اتحادیه است. با این همه نباید امور را به همین سادگی فرض کرد و همه چیز را تمام شده دانست.

فدریکا موگرینی که گفته می‌شود به زودی دوره فعالیتش در منصب رئیس سیاست خارجی اروپا تمام می‌شود دست کم تا روزی که هست می‌تواند نماد خیر نسبی برای اقتصاد ایران باشد. مقام‌های دیپلماتیک ایران باید از زمان باقی‌مانده فعالیت این دیپلمات برجسته اروپایی که علاقمند است در این روزها و هفته‌های آتی کاری کند استفاده بکنند. تحریک و تشویق موگرینی

اقتصاد ایران است و باید این درآمد به هر شکل به تن و جان اقتصاد تزریق شود. در این وضعیت تازه حاکم شده اما فروش نفت خام نیز با دردسر مواجه شده است و علاوه بر آن حتی اگر فروش نفت به هر شکل انجام شود نمی‌توان به انتقال آسان منابع ارزی حاصل از صادرات امید داشت. به این ترتیب اکنون این پرسش مطرح است که اقتصاد ایران برای اینکه حداقل‌هایی برای ادامه گردش کار پیدا کند کدام پنجره باز برایش وجود دارد. آیا چین کمونیست و متحد اصلی اقتصاد آمریکا که اکنون با همه دشمنی‌ها سالانه نزدیک به ۴۵۰ میلیارد دلار به این کشور صادر می‌کند آیا می‌تواند عصای دست ایران باشد؟ تجربه نشان می‌دهد رهبران حزب کمونیست چین هرگز خواستار پذیرش ریسک‌های بالا برای حفظ بازار ایران در برابر از دست دادن بازار آمریکا نیستند. روسیه نیز به دلیل اقتصاد ضعیف و رنجورش اصولاً توانایی ندارد از ایران حمایت کند. کارشناسان می‌گویند در این وضعیت تنها اروپایی‌ها هستند که می‌توانند به ایران کمک کنند.

مقامات اتحادیه اروپا و ایران روز دوشنبه ۱۶ نوامبر (۵ آذر) تعهد خود را نسبت به حفظ توافق هسته‌ای اعلام و تاکید کردند که با وجود خروج دولت ترامپ از برجام، درصدد زنده نگاه داشتن آن هستند. یگل آریاس کانیتیه، مسئول انرژی اتحادیه اروپا و علی‌اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی پیش از برگزاری سمینار «همکاری‌های صلح‌آمیز هسته‌ای ایران و اتحادیه اروپا» در بروکسل طی یک نشست مطبوعاتی بر تعهد طرفین در جهت حفظ توافق هسته‌ای تاکید کردند. مسئول انرژی اتحادیه اروپا با اشاره به اینکه برجام فعالیت‌های هسته‌ای ایران را محدود کرده است گفت: «ما جایگزین قابل اعتماد دیگری برای حفظ صلح در نظر نداریم.» آقای کانیتیه برجام را توافقی «حیاتی برای امنیت اروپا، منطقه و جهان» دانست. علی‌اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی ایران نیز توافق هسته‌ای را «با وجود نقص‌های آن تنها توافق امکان‌پذیر» خواند و گفت: «امیدوارم جامعه بین‌المللی و کشورهای عضو توافق هسته‌ای تلاش کنند تا همبستگی آن حفظ شود.» رئیس سازمان انرژی اتمی

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

برای افزودن بر تلاش‌هایش به منظور پیدا کردن راه‌حلی مناسب برای موضوع دادوستد مالی یک راه‌حل منطقی است. از طرف دیگر باید توجه داشت که رها کردن اروپا در این وضعیت می‌تواند آخرین حلقه‌های وصل ایران به یک قطب بزرگ سیاسی و اقتصادی را پاره کرده و ایران را در دنیای امروز تنها تر کند.

♦ شر ترامپ

دونالد ترامپ را باید نماد شر برای ایران در این مقطع از تاریخ تلقی کرد. این رهبر امروز کاخ سفید که در سال نخست فعالیت خود تا اندازه‌ای حواس پرت به نظر می‌رسید اما در راهی افتاده است که می‌تواند برای ایران خطر ساز باشد. هرگز نباید به این فکر باشیم که ترامپ تاجر است، ترامپ نمی‌داند چه کند، ترامپ قدرت تصمیم‌گیری ندارد و... این رئیس دولت آمریکا اکنون از فلسفه پنهان و پیدای جمهوری خواهان و اتفاقا طیف تندروی این حزب برخوردار شده و اندیشمندان این جریان می‌خواهند و توانسته‌اند دیدگاه‌های خود نسبت به جهان را به این رئیس‌جمهور القا کنند که تا اندازه زیادی توانسته‌اند. اما برخی از مخالفان دولت می‌گویند اروپا نمی‌خواهد به کاهش اثرات تحریک کمک کند اصولا توانایی کافی برای ایران هر روز بیشتر در مشکلات سرچشمه گرفته از تحریم فرو می‌رود. در این روزهایی که تفکر غالب همان حرف دولت آمریکا شده است و این تصور پیش آمده که اروپا توانایی لازم برای جلوگیری از آسیب‌پذیری اقتصاد ایران به دلیل اعمال مقررات تحریمی ندارد روزنامه آمریکا وال استریت ژورنال به نقل از دیپلمات‌ها گزارش داده است فرانسه و آلمان در صدد هستند با ارائه طرح‌هایی مانع شکست سازوکار ویژه معروف به «اس‌پی‌وی» بشوند. طبق این گزارش به دنبال خودداری اتریش و لوکزامبورگ از میزبانی مکانیزم کانال مالی دادوستد با ایران، فرانسه و آلمان طرح‌هایی ارائه کرده‌اند که بر اساس آنها یکی از این دو کشور میزبان این سازوکار ویژه خواهد بود. وال استریت ژورنال در این گزارش تصریح کرده است، بریتانیا نیز در حال بررسی چگونگی پیوستن به این طرح‌های جدید است. طبق این گزارش، در صورتی که فرانسه میزبان این سازوکار باشد، مدیر آن یک آلمانی خواهد بود و چنانچه

آلمان میزبان این سازوکار باشد، مدیر آن فرانسوی خواهد بود. وال استریت ژورنال می‌گوید که این طرح‌ها هنوز نهایی نشده‌اند و قرار است مذاکرات در این باره در حاشیه نشست سران گروه ۲۰ در پایان ماه جاری میلادی و در پایتخت آرژانتین ادامه یابد. خروج آمریکا از توافق هسته‌ای شش قدرت جهانی با ایران موسوم به برجام در روز ۱۸ اردیبهشت امسال، کلیه تحریم‌هایی که ایالات متحده در چارچوب این توافق علیه ایران تعلیق کرده بود بار دیگر به اجرا گذاشته شدند. این در حالی است که کشورهای اروپایی در صددند که توافق هسته‌ای با ایران را حفظ کنند و در همین راستا در تلاش‌اند با ایجاد این کانال مالی ادامه مبادلات مالی و بانکی با ایران از طریق «اس‌پی‌وی» را امکان‌پذیر کنند. به عبارت دیگر این سازوکار قرار است امکان دورزدن تحریم‌های آمریکا را برای شرکت‌های اروپایی که خواهان همکاری با ایران هستند را فراهم کند. اما تاکنون هیچ یک از کشورهای بیست‌وهشت‌گانه عضو اتحادیه اروپا حاضر به میزبانی این سازوکار نشده بود. پیش از این رسانه‌ها گزارش‌هایی درباره اینکه اتریش و لوکزامبورگ حاضر نشده‌اند میزبان این سازوکار ویژه را بپذیرند، منتشر شده بود. این در حالی است که مقام‌های ایران می‌گویند از زمان توافق هسته‌ای ایران و شش قدرت جهانی در سال ۱۳۹۴ تاکنون آژانس انرژی اتمی «۱۳ بار» پایبندی ایران به مفاد توافقنامه هسته‌ای برجام را تایید کرده است. اما به رغم این پایبندی، ایران همچنان از مزایای اقتصادی برجام بهره‌مند نشده است. ترامپ و یاران سخت‌سرسش در مناصب وزارت امور خارجه و شورای امنیت ملی آمریکا عزم خود را برای فشار به ایران تا آخرین حدی که می‌توانند جزم کرده‌اند و این یک رخداد خطرناک است. ایران نباید فریب حرف‌هایی را بخورد که ترامپ را یک سیاستمدار ضعیف معرفی می‌کند و باید خود را مهيای هر اتفاق ممکن کند.

♦ تقویت اروپا

آیا ایران می‌تواند بدون امتیاز دادن در چارچوب منافع ملی به اعضای مهم اتحادیه اروپا و ریاست سیاسی این اتحادیه کارش را پیش ببرد. برخی دیدگاه‌ها در این باره تردید دارند و باورشان این است که ایران برای حفظ اتحادیه اروپا بر مواضع

کنونی‌اش باید برخی رفتارهای مداراجویانه را در دستور کار قرار دهد. این رفتارهای تعدیل یافته می‌تواند در چارچوب منطقی تعریف و مرحله به مرحله اجرایی شوند. حفظ قدرت و یکپارچگی اعضای مهم اتحادیه اروپا در پشت سر موگرینی یک مزیت برای ایران است که نباید آن را به سادگی از دست داد. برخی اوقات برای جامعه‌ها زمانه گونه‌ای می‌شود که برای منافع بلندمدت و ابدی خود برای یک دوره کوتاه از برخی فایده‌ها و منافع کوتاه‌مدت چشم‌پوشی کنند. به طور مثال می‌توان به موضوع‌هایی مثل شرایط یمن فکر کرد و دنبال راه‌حلی بود که بتوان آن را به مثابه یک امتیاز به اتحادیه اروپا عرضه کرد و در مقابل خواستار حفظ و استواری این اتحادیه در برابر ایران شد. مردم یمن به هر حال در هر وضعی در آینده گرایش‌های تاریخی خود را دنبال خواهند کرد و ایران می‌تواند از این دیدگاه حمایت کند تا در کوتاه‌مدت شرایط به نفع صلح تغییر کند. واقعیت این است که اتحادیه اروپا و رئیس سیاست خارجی این اتحادیه و ۳ رهبر اصلی آن یعنی ماکرون، مرکل و می‌نیاز دارند از سوی ایران برخی تعدیل‌ها صورت بگیرد و آن را به مثابه پایه‌ای برای کاهش قدرت آمریکا در داستان ایران به کار گیرند. شرایط آیا به طور مثال چشم‌پوشی از برخی ملاحظات منطقه‌ای می‌تواند اتفاق بیفتد؟ آیا ایران می‌تواند مجادله داخلی درباره موضوع پولشویی و مبارزه با منابع تامین اعتبار برای تروریست‌ها را به جای خوبی برساند؟ اگر ایران چنین تعدیل‌هایی در رفتار داشته باشد بدون تردید و با توجه به اجماعی که ممکن است از سوی دوستان اروپا رخ دهد تقویت اروپا و نماد آن یعنی فدریکا موگرینی امکان مصالحه را فراهم می‌کند. بپذیریم یا قبول نکنیم، ایران در شرایطی نیست که بخواهد یا تمایل داشته باشد همه پل‌های پیوند با قطب‌های قدرت در جهان را خراب کند. اتحادیه اروپا یک قطب بزرگ اقتصاد در دنیاست که آلمان، فرانسه، انگلستان و ایتالیا از اعضای بزرگ آن به حساب می‌آیند و به جز انگلستان ۳ کشور دیگر مناسبات اقتصادی خوبی با ایران داشتند و می‌توان این مراودات را تکرار کرد. اکنون و در آستانه اثربخشی تحریم‌های آمریکا و گسترش دامنه و ژرفای تحریم‌ها به نظر می‌رسد می‌توان با نماد قرار دادن خانم موگرینی در برابر ترامپ به نفع اتحادیه اروپا فعالیت کرد.



نامه‌های بدون جواب

محمد عرب محمدی

داستان دوستی و جدایی دولت یازدهم و دوازدهم با بخش خصوصی داستان تلخی است که اگر برخی از اعضای هیأت رئیسه اتاق درباره بدعهدی دولت سکوت می‌کردند بیان آن شاید قابل کنار گذاشتن بود. اما در حالی که اعضای هیأت رئیسه اتاق ایران با مدارا، خویشن‌داری و بردباری شاهد رفتارهای خارج از پیمان دوستی مدیران دولتی هستند به نظر می‌رسید سکوت معنی نداشت. رئیس اتاق ایران با نارضایتی از بی‌پاسخ ماندن نامه‌های پاییزی ارسال شده از سوی اتاق به دولت، یادآور شد که دولت دوازدهم دیگر آن اظهار دوستی سابق را نیز از اتاق دریغ می‌کند. نایب‌رئیس اتاق ایران نیز یادآور شده است که برخی در دولت تلاش می‌کنند تعریف ناکارآمدی نهاد دولت در سیاست‌های ارزی و تجاری را به زمین بخش خصوصی شلیک کنند. وی تاکید کرد به دلیل تبلیغات منفی که بخشی از آن از سوی اعضای دولت است، بخش خصوصی ایران نامحبوب جلوه داده می‌شود و نگاه شهروندان به بخش خصوصی نگاه دوستانه نیست. علاوه بر این برخی از اعضای هیأت رئیسه اتاق از اینکه یادآوری‌ها و هشدارهای پر شمار اتاق به بخش دولتی در داستان ارز و فساد نادیده گرفته شده است و این موجب آزار ذهنی می‌شود.

واقعیت نیز همین است که اعضای ارشد اتاق ایران در گفته‌ها و نوشته‌های خود فاش می‌سازند. نهاد دولت در ایران عموماً به دلیل ماهیت این نهاد که در تمرکز و بسط قدرت زاد و رشد کرده و بر بستر دلارهای نفتی آرمیده است و خود را بی‌نیاز از بخش خصوصی می‌داند، نمی‌خواهد با نهادهای مدنی همراه باشد. این ناهمراهی ذاتی دولت و سازهای ناکوکی که این روزهای آن شنیده می‌شود و مضمون ویژه‌ای دارند یک رفتار کاملاً سیاسی به حساب می‌آید. دولت ایران در یک سال اخیر به رغم همه هشدارهای بخش خصوصی درباره راهبردهای اداره اقتصاد، راه خود را رفته و حالا می‌داند و می‌بیند که به بیراهه رسیده است. دولت در یک سال تازه سپری شده با رفتارهای غیر کارشناسانه در سطح کلان موجب کاهش قدرت خرید مردم شده و از گوشه و کنار می‌شنود که مردم ناراضی‌اند. کاهش حدود ۸۰ درصدی قدرت خرید مردم در کمتر از یک سال چیزی نیست که مردم

آن را فراموش کنند، یا ببخشند. این اتفاق اگر در هر کشور دیگری رخ می‌داد دولت با واکنش‌های بسیار سخت شهروندان مواجه می‌شد اما مردم ایران بردبارانه این وضع را تحمل می‌کنند، اما دولت نیک می‌داند که زمینه‌های نارضایتی وجود دارد. برای دولت که حالا در کنار خود برخی گروه‌ها و احزاب غیرقانونی مارکسیستی و حتی برخی از مدیران ارشد دولتی و سیاست‌ورزان مخالف اصلاحات را می‌بیند که هدف مشترکشان بدنام کردن بخش خصوصی است از فرصت استفاده کرده و توپ افزایش قیمت‌ها را بر دوش بازرگانان، صنعتگران و فعالان اقتصادی بگذارد. برخی از مدیران دولتی در روزها و هفته‌های اخیر این ساز را کوک کرده و به بخش تولید یورش آورده‌اند و آنها را مسبب عرضه ناکافی می‌دانند. دولتی‌ها در حالی از کارخانه‌های خصوصی می‌خواهند قیمت‌ها را کاهش دهند که نیک می‌داند آنها برای تولید با قیمت‌های بالا زیر فشار بوده‌اند. آیا این منطق دارد که کارخانه‌های نهادهای تولید را با دلار حتی نیمایی که حدود ۹ هزار تومان است تولید کرده‌اند را با قیمت‌های مورد نظر دولت به فروش برسانند، این به معنای زیان مطلق است. وقتی ریاست محترم جمهوری در گفت‌وگویی فاش می‌گوید که وقتی دلار ۴۲۰۰ تومانی داده شد به بخش خصوصی اطمینان داشتیم که با این دلار کالا وارد می‌کنند و آن را با همان قیمت عرضه می‌کنند اما این‌طور نشد، آیا این حرف به معنای بدبین کردن شهروندان به بخش خصوصی نیست؟ وقتی ریاست محترم جمهوری در این باره تردید نمی‌کند و بی‌اعتمادی به نهادهای مدنی حتی خانواده‌ها را به نوعی ترویج می‌کند به معنای این نیست که مجوز بی‌اعتمادی صادر شده است.

بخش خصوصی ایران در این شرایط سخت که تولید و ماندن در بازار کار سترگی است، در بازار مانده و همه نیروی خود را برای مراعات چارچوب‌هایی که به حفظ کشور منتهی می‌شود را در دستور کار قرار دارند و سرمایه تاریخی خود را در این مسیر به کار گرفته‌اند نباید با آزار ذهنی و کلامی مواجه شوند. ریاست محترم دولت نگران است که وضعیت شهروندان بیش از پیش آسیب نبیند و حق هم دارند و وظیفه‌شان هم این است که راه‌های بدتر شدن کسب و کار مردم را مسدود

کنند اما باید منصفانه دنبال این باشیم که دلایل و عوامل اصلی را پیدا کنیم. نمی‌توان به بهانه‌های گوناگون دولت را در شرایط طلبکار بخش خصوصی نشاند و آنچه سیاست‌های ارزی، تجاری، پولی و بانکی دولت است را در بدتر شدن روزگار مردم نادیده گرفت.

برخی افراد، احزاب و گروه‌ها نیز در این شرایط سخت کشور به جای ایجاد همدلی و مشارکت همه افراد برای بیرون رفتن از وضعیت فعلی التهاب‌آفرینی علیه بخش خصوصی را دنبال می‌کنند در حالی که می‌دانند آنچه و آنکه مشکل درست کرده است بخش خصوصی نیست. وقتی دولت نمی‌تواند مالیات بگیرد و به جای استفاده از سرمایه‌های خارجی در کشور شغل تازه‌ای ایجاد نمی‌شود و وقتی سیاست‌های ارزی دولت مسیر رشد تورم را هموار می‌کند بخش خصوصی ایران چه کاری از دستش برمی‌آید و چه باید کند که در معرض اتهام نباشد؟ نهاد دولت باید توجه داشته باشد که سکوت نسبی مدیران ارشد بخش خصوصی ایران در برابر هجوم گاه و بی‌گاه دولت برای این است که آخرین پیوندهای دوستی گسسته نشود. بخش خصوصی ایران بردبار است و از جنس مداراجویی خارج نمی‌شود اما نمی‌تواند ساکت بماند تا توپ‌ها به زمین آنها شلیک شود و هیچ راه‌حلی برای جلوگیری از ورود توپ‌ها تهیه نشود. مدیران هزاران بنگاه صنعتی، معدنی، کشاورزی و بازرگانی آنقدر گلايه‌های ریز و درشت از رفتار برخی مدیران دولتی دارند که اگر بخواهند آنها را فاش سازند دولت تحت فشار تازه‌ای قرار می‌گیرد. اعضای ارشد اتاق‌های بازرگانی در دفاع از کیان بخش خصوصی حوصله به خرج می‌دهند اما اگر بی‌اعتمادسازی ادامه یابد بنا بر حکم قانونی و وظیفه اخلاقی واکنش نشان خواهند داد و این واکنش می‌تواند برای دولت ناراحتی واقعی ایجاد کند. بهتر است دولت به جای گلايه و ایجاد ناراحتی برای بخش خصوصی نامه‌های چهارگانه فرستاده شده قبلی را به دقت خوانده و در زمان مناسب پاسخ کارشناسانه دهد. بخش خصوصی ایران مگر چه می‌گوید و مگر دنبال چیست؟ نامه‌های ارسال شده به دولت در یک مسیر قرار دارند و آن رانت‌زدایی، حذف انحصارها و حذف کاهش فساد است. آیا این خواسته‌ها ناحق است و طلب به حساب می‌آید.

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر



راه نجات اقتصاد ایران

دکتر عباس آخوندی | اقتصاد ایران در حالیکه

با گرفتاری‌های تاریخی در حوزه سیاستگذاری کلان مواجه است این روزها با تحریم شدید آمریکا نیز باید دست و پنجه نرم و از این شرایط دهشتناک عبور کند. این یک رخدادی است که باید در کوتاه‌مدت انجام شود و اقتصاد ایران در مسیری بیفتد که بتوانیم توسعه آن را در دستور کار قرار دهیم. برای اینکه در مسیر توسعه قرار بگیریم چه باید کرد؟ برای اینکه در مسیر توسعه قرار بگیریم باید به کدام مقوله و عنصر تکیه کنیم. قبل از آنکه جواب این پرسش را بدهیم باید به این پرسش جواب بدهیم که نقش نهاد دولت چیست

و چرا باید این نهاد را تقویت کرد و کدام دولت است که می‌تواند مسیر توسعه را طراحی و در اجرای آن به جامعه کم کند؟

به نظرم می‌رسد نهاد دولت یکی از مدرن‌ترین نهادهایی است که جامعه‌های انسانی در پویش تاریخی خود آن را کشف کرده و به مرور زمان آن را به یک نهاد نیرومند تبدیل کرده است. در مخالفت با این نهاد نیرومند شده در دهه‌های اخیر برخی دیدگاه‌ها وجود دارد که البته به لحاظ فلسفه سیاسی به شکل نظری قابل بحث است اما در عمل جامعه بدون دولت را نمی‌توان به لحاظ ذهنی قبول کرد و شرایط در

بی‌دولتی بهتر نخواهد شد. اما در عمل باید دولت و اقتدار و قدرت آن مهار شده و در چارچوب و آداب حکمرانی خوب عمل کند. مهم‌ترین وظیفه نهاد دولت به نظر من صیانت از حقوق مالکیت فردی و گسترش آزادی به ویژه آزادی اقتصادی است. دولتی که نتوانیم آن را در مسیر آزادیخواهی اقتصادی و برنامه‌ریزی برای صیانت از حقوق مالکیت فردی قرار دهیم البته بسیار نهاد دردسرسازی خواهد شد. نهاد دولت باید در چارچوب حکمرانی خوب فعالیت کند و چارچوب حکمرانی خوب نیز رعایت کردن قواعدهای دموکراتیک است.

برگزاری انتخابات آزاد و سالم با هدف گردش دموکراتیک قدرت میان احزاب و گروه‌ها و شخصیت‌های سیاسی که علاقه و توانایی اداره جامعه را دارند از ویژگی‌های دولت خوب و دموکرات به حساب می‌آید. دولتی که قبول کند در شرایط و چارچوب‌های قانونی قدرت در اختیارش را به نهادهای مدنی مثل خانواده و بنگاه و احزاب واگذار کند از جمله دولت‌های خوب در چارچوب حکمرانی مطلوب قرار می‌گیرد. بدیهی است که دولت‌ها حتی در دموکرات‌ترین کشورها نیز حاضر نخواهد شد قدرت در اختیار خود را به سادگی به نهادهای مدنی واگذار کنند. به طور مثال کدام دولت حاضر است که قدرت در اختیارش در امور مالیاتی و حق تعرفه وارداتی را به بنگاه‌ها واگذار کند یا از قدرتش بکاهد؟ دولت‌ها می‌خواهند تا جایی که می‌توانند از این ابزارها برای توسعه و گسترش قدرت خود استفاده کنند. دولت‌هایی که در اروپا و برخی از کشورهای دارای سابقه دموکراتیک فعالیت می‌کنند نیز تا جایی که لازم باشد برای حفظ ابزارهای قدرت مقاومت کرده و حاضر نیستند که به سادگی قدرت را در اختیار نهادهای مدنی قرار دهند.

♦ دولت در ایران

نهاد دولت در ایران به ویژه دولت نسبت به کشورهای دارای سنت‌های دموکراتیک سابقه کمتری دارد. دولت مدرن در ایران شاید با روی کار آمدن برخی تکنوکرات‌ها و دیوان‌سالاران در دهه ۱۳۳۰ در ایران متولد شد و تحت شرایط خاص سیاست داخلی و خارجی رشد و توسعه را تجربه کرد. نهاد دولت مدرن در ایران اما از همان روز تولدش تا امروز چند خصلت داشته و دارد که آن را از دولت‌های خوب تحت چارچوب‌های حکمرانی خوب خارج می‌کند. تمرکز قدرت در نهادهای ویژه و حتی فراتر از نهاد دولت در همه سده اخیر از ویژگی‌های دولت در ایران به حساب می‌آید. نهاد دولت در ایران به ویژه پس از آنکه توانست درآمدهای حاصل از صادرات نفت را به خود اختصاص دهد و آن را یکسره در خزانه خود بریزد به مرور از نهادهای مدنی خود را بی‌نیاز دید. قدرت نهادهای دیگر مثل خانواده‌ها در برابر نهاد دولت و قدرت چندان بالا نبوده و نیست. شهروندان ایرانی تنها از مسیر رای دادن برای انتخاب رئیس دولت و مجلس قانونگذاران آن هم در ۴ دهه اخیر می‌توانند بخشی از قدرت مستقر در دولت را جابه‌جا کنند. این بی‌نیازی از مردم به ویژه در حوزه اقتصاد کاملاً عریان بوده و هست. نماد این بی‌نیازی دولت از خانواده‌ها در اندازه کم و سهم اندک میزان مالیات دریافتی نسبت به کل درآمدهای دولت و سهم آن از کل بودجه و تولید ناخالص داخلی مشهود است. نهاد

دولت همچنین با بنگاه‌های خصوصی و تشکلهای کارفرمایی نیز پیوند عمیقی نداشته و ندارد. حضور جدی چندین سازمان نظارتی که دخالتشان از الف تا ی فعالیت‌های بنگاهی آشکار شده است نشان می‌دهد که نمی‌توان دولت غیرمداخله‌گر را در ایران دید. نهاد دولت در ایران با حضور جدی در بخش تولید و ایجاد انحصار در بخش‌های گوناگون تولید و توزیع و همچنین در قیمت‌گذاری کالاها و خدمات تولیدی و خدماتی مالکیت فردی را در عمل نقش می‌کند.

♦ رقابت در محاق

یکی از بدترین رخدادهای در مناسبات میان نهاد دولت و نهادهای مدنی در ایران در همه دهه‌های اخیر فقدان مقوله و عنصر بسیار نیرومند «رقابت» در کار، زندگی و رفتار خانواده‌ها و بنگاه‌هاست. نهاد دولت تنها جایی که رقابت را تشویق می‌کند و می‌کرده است ایجاد فضای رقابتی میان خود و بخش خصوصی است که در آن دست برتر را دارد. در حالی که در دنیای معاصر از ابزار رقابت برای پیشرفت هر فعالیت مربوط به جامعه انسانی استفاده می‌شود، در ایران اما رقابت به معنای این است که نهادهای دولتی حق انحصاری خود را افزایش دهند. رقابت برای کسب رانت در ایران به دلیل وجود رانت‌های عظیم نهفته در بخش دولتی یک ویژگی ایران شده است. تمرکز قدرت سیاسی و اقتصادی در نهاد دولت راه را برای افرادی که ذهنیت رانت‌خواری دارند باز کرده و آنها در اینکه چه کسی رانت بیشتری نصیبش شود رقابت می‌کنند. اما متأسفانه رقابت در میان نهادهای خصوصی به دلیل حضور پررنگ دولت رنگ باخته است. وقتی قرار است کالاها و خدمات تولیدی با نظارت قیمت‌گذاری یک نهاد دولتی به بازار عرضه شود و هر بنگاهی که آن را رعایت نکند متخلف به حساب آید برای تولیدکنندگان چه فرقی می‌کند که کیفیت کالایشان چه باشد چون نمی‌توانند بیش از

آنکه نهاد نظارتی می‌گوید از مصرف‌کنندگان حتی با رضایت آنها دریافت کنند.

♦ خصوصی‌سازی

یکی از راهبردهای دولت‌ها در ۴ دهه اخیر برای عبور از اقتصاد دولتی و کاهش تمرکز اختیارات در اختیار نهاد دولت خصوصی‌سازی بنگاه‌ها و فعالیت‌هایی بوده و هست که مالکیت و مدیریت آن در اختیار دولت بوده است. این راهبرد که ابتدا در ذهن اندیشمندان علوم اجتماعی پدیدار شود و شاید از باورهای جان لاک سرچشمه می‌گرفت می‌گوید که شرکت‌ها، سازمان‌ها و موسسه‌های دولتی ابزار حکمفرمایی دولت‌ها به حساب می‌آیند و تازماتی که آنها هستند خانواده‌ها و بنگاه‌ها به مثابه نهادهای مدنی توانایی‌هایشان در روندی کاهنده قرار می‌گیرد. وقتی دولت فولادسازی‌های بزرگ تحت مالکیت و مدیریت خود را دارد و می‌تواند با وضع قانون و مقررات منافع فولادساز بزرگ خود را تضمین کند بخش خصوصی ناتوان خواهد ماند. این داستان در سایر بخش‌ها نیز وجود دارد. انحصارهای دولتی در خودروسازی یا تولید بنزین و گازوئیل حق شهروندان را مراعات نمی‌کنند و کیفیت و کمیت تولید در اختیارشان قرار می‌گیرد. اما خصوصی‌سازی بدیلی برای کاهش قدرت نهاد دولت بوده و هست. دولت‌های مدرن از اواخر دهه ۱۹۷۰ به مرور سهام بنگاه‌های تولیدی و توزیعی حتی در سطح امری مثل آب، برق و بنزین را نیز به بخش غیردولتی واگذار کردند. در ایران اما خصوصی‌سازی به معنای تفویض قدرت از دولت به بخش خصوصی و نهادهای مدنی در ذهن مدیران نبوده و نیست. شمار قابل اعتنايي از خصوصی‌سازی‌هایی که در دهه ۱۳۷۰ توسط سازمان صنایع ملی انجام شد با هدف کسب درآمد برای دولت و خلاص شدن از شر بنگاه‌های دولتی بوده و هست. خصوصی‌سازی در ایران موقعی انجام می‌شود که مدیران بداند بنگاه قابل واگذاری سودآوری‌اش کاهش یافته است و دولت دیگر



یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

سیاستمداران و بی‌اعتنایی به اقتصاددانان

شدن اقتصاد سخن نگفت و جسورانه‌ترین لفظی که در توصیف اقتصاد مطلوب خود به کار می‌برد عبارت‌هایی مانند «اقتصاد غیردولتی»، «اقتصاد مختلط» و «مشارکت مردم» بود. حتی هنوز هم بر سر در جایگاه‌های سوخت ایران به جای لفظ خصوصی، از لفظ نادرست «اختصاصی» استفاده می‌شود و هراسی همگانی درباره دفاع از اقتصاد خصوصی، بر اذهان مستولی است. طرفداران اصلاحات اقتصادی چنان ناتوان بودند که هرگز نتوانستند دو فصل بنیادی اقتصاد آزاد یعنی «منع مداخله‌گرایی» و «منع حمایت‌گرایی» را رسماً وارد برنامه‌های خود کنند. جانمایه سخن همه سیاستمداران، بدون حتی یک استثنا، این بود و هست که شرایط ایران با آن چیزهایی که در درسنامه‌های دانشگاهی گفته می‌شود فرق دارد و «اصلاحات اقتصادی مورد نظر لیبرال‌ها» موجب له شدن ضعفا زیر پای اقویا خواهد شد. اینها یا نمی‌دانستند یا منافع شخصی‌شان اجازه نمی‌داد این نکته بدهی را بپذیرند که هیچ کشوری در هیچ جای عالم منابع بی‌حد و حصری در اختیار ندارد که در عین هرچه دلش می‌خواهد مصرف کند و در عین حال به توسعه اقتصادی هم دست یابد.

هراس سیاستمداران و سیاستگذاران اقتصادی از «آزادی کسب و کار»، اقتصاددانان و کارشناسان را کاملاً به حاشیه راند و آنان را به کارگزاران اراده سیاستمداران تبدیل کرد. نگاهی به پیش‌نویس‌هایی که کارشناسان و اقتصاددانان دولت از سال ۱۳۶۸ تاکنون برای رتق و فتق امور اقتصادی نوشته‌اند تا خروجی نهایی آنها از دولت و مجلس و مجمع تشخیص مصلحت، نشان می‌دهد که سیاستمداران هرگز نسخه اقتصاددانان و کارشناسان را اجرا نکرده‌اند. سیاستمداران، هر جا برنامه‌ای موفق شده، آن را به نام خود ثبت کرده‌اند و هر جا برنامه‌ای ناکام مانده، آن را به کارشناسان نسبت داده‌اند و مخالفان اقتصاد آزاد، آن را به حساب «اجرای برنامه‌های لیبرال و نتولیرال» گذاشته‌اند؛ حال آنکه میان اقتصاد آزاد و لیبرالیسم و نتولیرالیسم هیچ پیوند وثیقی و هیچ رابطه علت و معلولی وجود ندارد و دست بر قضا، مبانی نظری اقتصاد آزاد و معاملات اشخاص خصوصی در فقه اسلامی و سنت‌های ایرانی نیرومندتر و کهن‌تر از مبانی و سنن غربی درباره این موضوع است.

محمود صدری
تحلیل‌گر مسائل ایران



هر بار که بحران‌های اقتصادی ادواری پدیدار می‌شوند، سیل انتقادات و کنایه‌ها و سرزنش‌ها به سوی طرفداران اقتصاد آزاد سرازیر می‌شود. محور تهاجم هم این است که در همه سال‌های پس از انقلاب، حتی در دوره شگفت‌انگیز ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲، اداره اقتصاد ایران در اختیار «تکنوکرات‌های طرفدار اقتصاد آزاد» بوده و ایشان مجری سیاست‌های صندوق بین‌المللی پول بوده‌اند و برنامه‌هایشان وضع اقتصادی را روز به روز بدتر کرده است. نتیجه‌ای هم که از این نقدها گرفته می‌شود این است که اصلاحات اقتصادی به سبک طرفداران اقتصاد آزاد نتیجه‌ای ندارد مگر افزایش قیمت‌ها و افزایش بیکاری. اینجا دو پرسش پیش می‌آید: آیا واقعا اداره اقتصاد ایران در ۴۰ سال گذشته در دست طرفداران اقتصاد آزاد بوده است؟ آیا نابسامانی‌های امروزی حاصل اجرای سیاست‌های اقتصاد آزاد بوده است؟

۱- کسانی که تحولات اقتصادی ایران را در دهه منتهی به انقلاب اسلامی و چهار دهه پس از انقلاب رصد کرده باشند حتما متوجه یک موضوع بسیار مهم شده‌اند که همانا تابو بودن الفاظ «اقتصاد آزاد» و «اقتصاد بازار» تا همین چند سال پیش است. اواخر دهه ۱۳۷۰ که نظام جمهوری اسلامی تصمیم گرفت از اقتصاد دولتی و کوپنی فاصله بگیرد، طرفداران آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی، با احتیاط فراوان ابتدا لفظ «تعدیل اقتصادی» را که یکی از روش‌ها و تکنیک‌های آزادسازی و خصوصی‌سازی است به کار می‌بردند و پس از آنکه پاره‌ای آثار مثبت این سیاست‌ها آشکار شد، جسورتر شدند و لفظ «اقتصاد رقابتی» باب شد. یعنی اینکه طراحان و مجریان اصلاحات اقتصادی حتی آنقدر قدرت نداشتند که با صراحت بگویند منظور از اصلاحات اقتصادی، سپردن امور اقتصادی به اشخاص خصوصی و محدود کردن مداخله دولت در فعالیت‌های اقتصادی است. حتی مرحوم هاشمی رفسنجانی که سلسله‌جنبان اصلاحات اقتصادی بود، هرگز با صراحت از خصوصی

نمی‌تواند برای اداره آن هزینه کند. این گونه شده است که از دل آن داستان نیشکر هفت‌تپه پدیدار شده و شاهد شرایط سخت هستیم. دولت در ایران اما در شرایطی قرار دارد که باید حتی پول خورده شده یک گروه از افرادی که برای خود درآمدهای بالا کسب کرده‌اند را باید پرداخت کند.

♦ قانون راه نجات است

حالا برسیم به اینکه راه نجات اقتصاد ایران چیست و در این وضعیت چه باید کرد؟ به نظر من و پاره دیگری از دوستان همفکرم، راه نجات اقتصاد ایران از مسیر برگشت به قانون می‌گذرد. باید به قانون برگردیم و امور را از این مسیر سامان دهیم. بدون برگشت به قانون امکان توسعه وجود ندارد. شاید بگویند که قانون هست ولی قانون خوب نداریم. من باور دارم که حتی قانون‌های ضعیف هم اگر اجرا شوند به جاهای بهتری می‌رسیم. وقتی قانون اجرا شود امور و فعالیت‌های آدمی و گروه‌ها از حالت غیرقابل پیش‌بینی بیرون آمده و پیش‌بینی‌پذیر می‌شوند. وقتی رفتار افراد در چارچوب قانون و مقررات پیش‌بینی‌پذیر شد حالا می‌توان شفافیت بیشتری را ملاحظه کرد. پیش‌بینی‌پذیر بودن رفتارها به واکنش‌های درست و بهنگام و کارآمدتر منجر می‌شود. پیش‌بینی‌پذیر بودن یعنی اینکه یک فرد یا یک سازمان و گروه از دولت ناگهان تصمیم نگیرد که مثلاً دلار را برایش نرخ واحد بگذارد و آن را برای همه الزامی کند و اگر بازار از این رقم عبور کرد دنبال متخلف باشیم. راه نجات اقتصاد ایران برگشت به قانون و پیش‌بینی‌پذیر کردن نهادهاست. در شرایطی که همه بپذیریم قانون باید مراعات شود همه نهادهای قدرت آن را اجرایی کنند منازعه شکل بهتری پیدا می‌کند و شرایط مساعد می‌شود. اگر بنگاه‌ها بدانند دولت در شرایط سخت قرار است کدام تصمیم مهم را اتخاذ کند و فراتر از قانون نیز نمی‌رود راحت‌تر خود را با سخت‌ترین شرایط تطبیق می‌دهند. به نظر من همه افراد، گروه‌ها و احزاب و سازمان‌های مدنی باید در مسیری بیفتند که مطالبه اصلی آنها قانون‌گرایی و برگشت به قانون باشد. اساس کار اقتصاد آزاد نیز قانون‌گرایی و پیش‌بینی‌پذیر کردن رفتارهاست. اگر در دنیا مشهور شود که ایران یک کشور قانون‌گراست و رفتار دولت و نهادهای مدنی آن مطابق با قانون و مقررات است شرکت‌های بزرگ راحت‌تر و با آسودگی خیال به ایران می‌آیند و سرمایه‌گذاری می‌کنند. من اصرار دارم که این موضوع به یک پارادایم در جامعه و به ویژه میان روشنفکران تبدیل شود و به سمتی برویم که قانون را مراعات کنیم. اگر این اتفاق بیفتد نهادهای قدرت نیز خیالشان آسوده می‌شود که هر رخدادی در هر گروهی در چارچوب قانون است و نیاز به رفتارهای خاص نخواهد بود.

بیمار نمی‌تواند بیمار دیگر را مداوا کند



علی سنگینیان
عضو هیأت‌نمایندگان
اتاق تهران

سرانجام این بانک‌ها بودند که پیروز شدند. در سال‌های پس از ۲۰۰۷ که نظام بانکی در برخی از کشورها با آسیب جدی مواجه شد، دیدیم که آنها به جای دادن داروهای زودبازده که دردها را تسکین می‌دهد اما پنهان نیز می‌کند به اصلاح ساختاری روی آوردند.

◆ نگاه بدبینانه و تعارض منافع

نظام بانکی ایران با وجود این همه دشواری‌هایی که خود دارد و انواع بیماری‌هایی که از درون این نظام سر برآورده و یا از محیط پیرامونی وارد پیکره آن شده‌اند، نزد برخی از فعالان اقتصادی نیز به بدکاری مشهور شده است. بسیار شنیده و خوانده‌ایم که می‌گویند بانک‌های ایرانی تمایلی ندارد که به صنعت کمک کنند و از دادن وام و اعتبار به واحدهای صنعتی امتناع می‌کنند. صنعتگران به بانک‌ها اتهام سفته‌بازی می‌زنند و می‌گویند بانک‌ها پول مردم را به فعالیت‌های غیرمولد می‌دهند و سودهای بالا دریافت می‌کنند. این گروه البته مدیران دولت در صنعت و معدن و حتی بخش‌های زیربنایی‌تر تصورشان از بانک این است که آنها قلق صنعت‌اند و باید پس‌اندازهای مردم را به آنها دهند. از این زاویه که به فعالیت‌های بانکی نگاه کنیم آنها را تحت ستم می‌توان تلقی کرد. این یک ادعای بی‌معناست که بانک‌های کشور ریسک‌ها را قبول کنند و پس‌انداز شهروندان را گرفته و به آنها سود خوب بدهند و دست آخر این سپرده‌های شهروندان را دو دستی تقدیم بنگاه‌های صنعتی که فاقد قدرت رقابتی‌اند پرداخت کنند. این یک معضل قدیمی و ساختاری شده است و به استیلائی یک دیدگاه خاص که تصور می‌کرد فقط فعالیت‌های صنعتی اصالت دارند، برمی‌گردد. این دیدگاه اصرار داشت و هنوز نیز رگه‌هایی از این دیدگاه وجود دارد که باید بانک‌ها به صنعت وام ارزان و ترجیحی بدهند و البته برخی از این واحدها نیز به دلیل ناتوانی در بازار رقابتی توانایی پرداخت وام و اعتبارات دریافتی را نداشته و مطالبات بانکی شکل گرفته است. رشد حیرت‌انگیز مطالبات بانک‌ها از دولت، صنعت و بخش‌های دیگر اما بانک‌ها را به این فکر انداخت راه تازه‌ای برای سودآوری پیدا کنند.

که معضل بانکی چیزی نیست که تنها به تخریب مسائل بانک و سپرده‌گذاری و بازار پول منحصر شود بلکه همه نیک می‌دانند اگر این انفجار در نظام بانکی رخ دهد بدون تردید سایر بازارها و ارکان اقتصاد کلان را نیز با خود به سرازیری می‌برد. مسأله عجیب‌تر اما این است که مدیران دولت از نظام بانکی که خود ده‌ها بیماری ریز و درشت دارد و با زور آمپول و قرص و انواع درمانگرهای کوتاه‌مدت فعالیت می‌کند و از پایفتاده و ظاهراً سرپا مانده است می‌خواهند که اقتصاد کلان کشور را مداوا کند. این یک دیدگاه عجیب و غریب است که از یک موجود بیمار بخواهم موجود بیمار بزرگ‌تری که دردهایش متنوع و عمیق‌تر است را مداوا کند. با این همه و به رغم اینکه این همه و به رغم اینکه این کار غیرمنطقی است اما می‌بینیم که برخی افراد و مدیران برای اینکه صنعت و واحدهای صنعتی جان بگیرند، از بانک‌ها خواستند ۱۶ هزار میلیارد تومان برای رونق صنعت و حل مسائل واحدهای صنعتی دارای مشکل اعتبار پرداخت کنند. بانک مرکزی که خود استقلال کافی و لازم برای ایستادگی در برابر نهاد دولت را ندارد و متأسفانه ساز آن با آهنگ دولت کوک می‌شود در بهمن ۱۳۹۶ سرانجام تسلیم شد و دستور پرداخت وام رونق تولید داد.

برای اینکه معضل نظام بانکی را بتوان به خوبی در برابر دیدگان کارشناسان، اقتصاددانان، فعالان اقتصادی و علاقمندان به اقتصاد سیاسی قرار داد بهترین راه نشان دادن بخش‌نامه‌های ارسالی از طرف بانک مرکزی است که می‌توان آن را بخش‌نامه درمانی نیز نامید. بانک مرکزی برای اصلاح بخشی از امور بانکی مدام بخش‌نامه صادر می‌کند اما واکنش نظام بانکی و بانک‌ها به این بخش‌نامه‌ها سرد است و به دلیل ضعف ساختاری نمی‌تواند آنها را اجرایی کنند. به طور مثال بانک مرکزی در سال به بانک‌ها ابلاغ کرد که آنها نیز مطابق با آنچه که بانک‌های مدرن جهان بر اساس مقررات جهانی پذیرفته شده انجام می‌دهند صورت‌های مالی خود را تنظیم کنند که نشد و یکی، دو بانک که انجام دادند معلوم شد عمق ورشکستگی آنها زیاد است و می‌تواند به تراژدی منجر شود و جلوی گرفته شد. بانک مرکزی مدتی مقاومت کرد و اجازه نداد سهام آنها در بورس خرید و فروش شود اما

زاد و رشد نظام بانکی در ایران به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی با تناقض و مشکل بود و حالا پس از سپری شدن ۴ دهه از این نظام بانکی، کار به جایی رسیده است که اگر آن را سامان ندهیم و دردهایش را درمان نکنیم می‌تواند کلیت اقتصاد ایران را از کار بیندازد. در همه دهه‌های گذشته هرگاه موضوع اصلاح نظام بانکی در دستور کار مجادله‌های کارشناسی قرار می‌گرفت یک رخداد و سیاسی مانع کار می‌شد. در دهه ۱۳۸۰ تا نیمه اول دهه ۱۳۹۰ نیز موضوع پرونده هسته‌ای و تحریم‌های اقتصادی علیه ایران سد راه اصلاح بانکی بود. پس از سال ۱۳۹۲ و روی کار آمدن دولت تازه و پس از رسیدن به یک توافق هسته‌ای که به برجام مشهور شد، بهترین زمان برای اصلاح نظام بانکی بود. دولت در سال ۱۳۹۲ و ۱۳۹۳ توانست نرخ تورم را از شتاب سال‌های پیش دور نگه دارد و آن را مهار کند و بازار ارز نیز پس از جهش فوق‌العاده سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ در نقطه تعادل قرار گرفته بود و می‌شد که اصلاحات نظام بانکی به عنوان یکی از مهم‌ترین بحث‌های اقتصاد در عمل در دستور کار قرار گیرد اما دولت یازدهم به هر دلیل و از جمله شاید غروری که به دلیل مهار نرخ تورم گریبان‌ش را گرفته بود اصلاح نظام بانکی را در کانون توجه قرار نداد. یکی از مسائلی که شاید راه را برای مداوای دردهای پرشمار نظام بانکی بست این بود که دولت یازدهم – البته همانند سایر دولت‌ها – تلاش کرد معضل نظام بانکی را با راهبرد تقلیل‌گرایانه نگاه کرده و چون مشکل بزرگی هم دیده نمی‌شد کلیت معضل نظام بانکی را با ساده‌انگاری و کوچک کردن از نگاه‌ها درو کرد. این کار دولت مثل این می‌ماند که کسی زباله‌ها و آشغال‌های خانه‌اش را برای اینکه دیده نشود به زیر فرش‌ها هدایت کند. این کاری است که متأسفانه دولت‌های ایران انجام داده‌اند و ممکن است روزی به انفجار نظام بانکی منجر شود.

از سوی دیگر به نظر می‌رسد مدیران ارشد اقتصادی – سیاسی دولت توجه کافی ندارند

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

◆ خودمان می‌توانیم

این وضعیت که در بالا توضیح دادم سرانجام سهامداران و مدیران بانک‌ها را به این فکر انداخت که برای کسب سود و درآمد بهتر است به جای پرداخت وام و اعتبارات به فعالان سایر بخش‌ها بهتر است خودشان فعالیت کنند. این گونه بود که شرکت دارای بانک‌ها به مثابه پادزهر پرداخت وام و اتیار به صنعت ضعیف و ناکارآمد در دستور کار قرار گرفت و شاهد رشد پرداخت اعتبارات بانکی به شرکت‌های تحت پوشش خود بودیم. در این شرایط بود که از نیمه دوم دهه ۱۳۸۰ به بعد بانک‌های ایرانی سرمایه‌گذاری در سایر بازارها از جمله و به ویژه بازار مسکن را به مثابه یک بازار سودآور در دستور کار قرار دادند و هزاران میلیارد تومان از منابع خود را برای مصرف در این بازار اختصاص دادند. در سال‌های پس از آن اما وقتی بازار مسکن به گرداب رکود افتاد کار بانک‌ها سخت شد و آنها با دستکاری در برخی اقلام خود را سودآور نشان می‌دادند. این معضل به عدم تعادل در دارایی و بدهی بانک‌ها منجر شد و بسیاری از کارشناسان باور دارند که دارایی بانک‌ها موهومی است و به همین دلیل سودآوری آنها نیز با توهّم سهامداران همراه است.

◆ معضل تورم

یکی دیگر از بیماری‌های ساختاری که از بیرون نظام بانکی بر آن تحمیل می‌شود تطابق دادن نرخ تورم با نرخ بانکی است. به این معنی که در دهه‌های اخیر همواره نرخ تورم دو رقمی بوده و بالاتر از نرخ بانکی می‌ایستاده است. این مسأله خود به خود برای بانک‌ها سودآوری داشت. آنها همواره ۵-۶ درصد و برخی اوقات حتی تا ۱۰ درصد زیر نرخ تورم به سپرده‌گذاران سود می‌دادند و مابه‌التفاوت قابل اعتنایی برای آنها وجود داشت. دلیل زاد و رشد چنین پدیده‌ای اصرار دولت بر روند کاهنده نرخ بهره بانکی بود زیرا این تصور وجود داشت به این ترتیب هزینه تولید کاهش می‌یابد اما چنین نماند و دیدیم که در سال‌های مه‌ار تورم بانک‌ها با دردسر مواجه شدند. روزهایی را شاهد بودیم که نرخ تورم زیر نرخ بهره بانکی قرار گرفت و بانک‌های دیگر آن خوشبختی سابق که دارایی‌هایشان با رشدهای بالا مواجه بود را از دست دادند. این وضعیت موجب کوچک‌تر شدن کیک بانکداران شده و عدم تعادل‌های جدی در دارایی و بدهی آنها ایجاد کرده است. بانک‌ها سود باآورده‌ای را از دست داده‌اند و حساب

و کتاب و دخل و خرجشان از تعادل خارج شده و یک حسابرسی دقیق و کارشناسانه شاید نشان دهد که تراز مالی بانک‌ها تعادل دارد یا کفه زیان و ورشکستگی احتمالی برخی از آنها سنگین‌تر است.

◆ فقط مدیران مشکل‌ساز نیستند

واقعیت این است که باید به سویی حرکت کنیم که نور کافی بر عملیات پیدا و پنهان نظام بانکداری بیندازیم و از تاریک و روشن این بخش از فعالیت‌ها که اساس بازار پول و حتی اساس بازار سرمایه است اطلاعات کافی و کارشناسانه به دست آوریم. در این صورت می‌توان امیدوار بود که همه گرفتاری‌های نظام بانکی به طور کامل استخراج شده و سهم هر کدام از عوامل در بدتر شدن روزگار بانک‌ها را اندازه‌گیری کیفی و کمی کنیم. الان شرایط و اخبار و تحلیل‌ها به سویی در جریان است که گویی همه تنگناهای نظام بانکی را مدیران این بنگاه‌ها ایجاد کردند و دولت و سایر بازیگران سهمی ندارند. در چنین وضعی با این نگاه ممکن است در مسیر پیدا کردن راه‌حل برای برطرف کردن معضلات به بیراهه کشیده شویم. مشکلات بانک‌ها به هر دلیل که باشد الان حاد و شدید شده است و باید با بسیج همه امکانات درصدد برطرف کردن این تنگناها باشیم. یکی از راه‌هایی که می‌تواند و باید در راه برطرف کردن بیماری‌های بانکی مورد استفاده واقع شود استفاده از تجربه‌های بانکی است. در همین دهه‌ها اخیر کشورهای مثل کره جنوبی، ترکیه و ایتالیا با معضل و گرفتاری بانکی مواجه شدند و مشکلات خود را برطرف کردند. یک درس از این راه‌حل‌ها این است که دولت باید پیشگام شده و نسبت به حل معضل توهّم دارایی بانک‌ها اقدام کند. یکی از راه‌های اصلاح ساختار بانکی همین است. خرید دارایی بانک‌ها با استفاده از ابزارهای کارآمد راهی است که می‌تواند معضل عدم تعادل در تراز بانک‌ها را تا اندازه‌ای برطرف کند و این کاری است که دولت می‌تواند انجام دهد.

◆ عظمت مشکل

یک درس و عبرت در موضوع نظام بانکی همین مسأله‌ای است که به ظاهر کوچک می‌آمد اما گرفتاری درست کرد. یک موسسه اعتباری نتوانست در برابر درخواست وجوه مشتریان رفتار کارآمدی نشان دهد و کار به جایی رسید که اکنون نزدیک به ۲ سال است این مشکل پابرجا مانده است. دولت

زیر فشارهای سیاسی و مردمی ناگزیر شد هزاران میلیارد تومان از پول مردم را به طلبکاران این موسسه بدهد. این روش کار چند بدآموزی داشت. یک بدآموزی این بود که بقیه موسسه‌ها را تشویق کند همین کار را انجام دهد و بدآموزی دیگر این بود که مردم به بانک مرکزی بی‌اعتماد شده و از طرف دیگر می‌دانند که دولت پول آنها را پس خواهد داد. واقعیت این است که اگر معضلات بانک‌ها سروقت و با کارآمدی حل نشود و یکی از بانک‌ها به وضعیت موسسه یاد شده برسد جمع کردن کار بسیار دشوار خواهد بود. عظمت مشکلات بانکی را باید خوب دید و در زمان مناسب واکنش نشان داد. بدترین کار این است که چشم‌هایمان را بر تنگناهای بزرگ نظام بانکی ببندیم و امیدوار باشیم مرور زمان مسأله را حل کند. شاید با برخی روش‌های کوتاه‌مدت بتوانیم حتی برای چند سال این نظام بانکی را با همین دردهای پرشمار زنده و سرپا نگه داریم، اما یادمان باشد که این کار برای همیشه ناممکن است. باید ژرفا و گستردگی که این بازار دارد و می‌تواند با عدم تعادل خود سایر بازارها را نیز از تعادل خارج کند را جدی فرض کنیم و از اینکه بخواهیم درمان این بیماری‌ها را باز هم به عقب بیندازیم امتناع کنیم. حالا که بانک مرکزی در وضعیت تازمائی قرار گرفته است و به نظر می‌رسد رئیس بانک قدرت بیشتری نسبت به رئیس قبلی دارد نباید با آسان‌گیری غیرمنطقی اصلاح ساختاری بازار پول را هر روز به روز بعد حواله داد. چرخ‌های این بازار پول با همین ذینفعان که منافع متعارضی دارند و هر کدام از زاویه حفظ و توسعه منافع خود به آن نگاه می‌کنند با همین روش‌های معیوب می‌تواند تا چند سال دیگر بچرخد اما این لنگ زدن‌ها در یک نقطه ممکن است به ایست کامل منجر شود و در آن روز جمع کردن کار سخت است. باید در اصلاح نظام بانکی جدی باشیم، همه مسائل و عوامل دخیل در پدیدار شدن روزگار امروز که کار را به مرزهای تهدیدآمیز رسانده است را به صورت همه‌جانبه شناسایی کرده و در اصلاح ساختاری نظام بانکی برنامه‌ای پیشگام و مدرن تهیه کنیم. در غیر این صورت کارشناسان اندکی وضع موجود را تایید خواهند کرد و اکثریت کارشناسان و متخصصان به سرعت از شرایط فعلی خود را کنار کشیده و به کار بی‌زحمت‌تری می‌پردازند.

تحریم‌ها و ناکارآمدی سیاست‌گذاری



سعید اسلامی بیدگلی
تحلیل‌گر اقتصادی

این نکات به‌طور مستقیم درباره چالش‌های اقتصادی ایران است، شرح چالش‌های اقتصادی ایران نشان می‌دهد بخش بسیار اندکی از این چالش‌ها از ماجرای تحریم سرچشمه می‌گیرد و عمده این چالش‌ها به تحریم مربوط نیست. ایران با چالش‌های اجتماعی و چالش‌های زیست محیطی و چالش‌های سیاسی و بین‌الملل مواجه است. عمده این چالش‌ها به واسطه ۴ دهه اشتباه در سیاست‌گذاری رخ داده است. اگر ترامپ از صبح فردا شیعه شود باز هیچ کدام از مشکلات ایران حل نخواهد شد. و اگر همین بازی را ادامه دهیم قطعاً همین مسیر را همچنان طی خواهیم کرد. سه چالش را با شرح مفصلی می‌آورم. و در ادامه یادآور می‌شوم که تحریم در کدام چالش و کدام بخش تأثیر بیشتری خواهد داشت. همه ما با ساز و کارهای چالش‌ها آشنا هستیم و در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی موضوعاتی وجود دارد که مطبوعات فراوان درباره آنها می‌نویسند و مردم نیز با آنها آشنایی دارند و درباره آنها فراوان صحبت می‌شود، پس کماکان با ساز و کار این چالش‌ها آشنا هستید. مشکلی که ما امروز بطور مشخص داریم همزمانی این چالش‌ها با هم دیگر است که منجر به پیچیده شدن راه‌حل‌ها شده است.

ایران با چالش‌های زیست محیطی و آب مواجه است که مشخصاً هیچ پیوند مستقیمی با به مسئله تحریم‌ها ندارد. چالش صندوق‌های بازنشستگی که چالش آینده ما خواهد بود و احتمالاً در پنج سال آینده بیشتر درباره آن خواهیم شنید یا بحران بیکاری و چالش‌های بانکی از مسائل مهمی است که به تحریم‌ها ربطی ندارند. ایران بطور مداوم با چالش ارزی روبرو است و ربطی به دولت اصلاح‌طلب و اصولگرا ندارد و مسئله علاقه حاکمیت به سیاست‌های پوپولیستی اقتصادی و سرکوب ارزی و آزاد شدن این فنر بعد از چند دوره است. اقتصاد ایران چندین دوره با این مشکل روبرو بود جهش ارزی در دوران ریاست‌جمهوری آقای هاشمی‌رفسنجانی و کمتر در دوران خاتمی و در دوران آقای احمدی‌نژاد و در دوره آقای دکتر روحانی تجربه شده است و همواره با مسئله چالش

کسری بودجه روبرو هستیم. و این هم به دولت خاصی مربوط نیست و در همه دولت‌ها دیده می‌شود. اقتصاد ایران اقتصاد توزیع رانت است و بطور طبیعی سیاست‌گذاری که می‌خواهد رای جمع کند باید بخشی از این رانت را در بین مردم توزیع کند که این نکته در بلندمدت به نفع کشور نخواهد بود. مسئله عدم قطعیت‌های خارجی را بطور مداوم طی این سال‌ها داشتیم و مسئله‌ای که چون ابری سنگین بر همه مشکلات سیاسی و اقتصادی کشور سایه انداخته مسئله فساد است. ما امروز درباره کشوری حرف می‌زنیم که در جدیدترین گزارش شاخص فساد آن از ۱۸۰ کشور مورد بررسی به رتبه ۱۳۰ رسیده است. فساد حلقه‌ای است که درون آن تعدادی برنده و بازنده تعریف می‌شود وقتی فساد گسترده می‌شود همه ما جاهایی برنده هستیم و نمی‌پذیریم که اصلاح از بخشی که ما در آن برنده هستیم شروع شود. بنابر این حل مسئله پیچیده‌تر می‌شود. ایران با متولدین دهه شصت و مسئله آنها مواجه است. موجی که وارد بازار کار شده و جمعیت فعال را زیاد کرده و نرخ بیکاری به شدت افزایش پیدا کرده است. این جمعیت احتمالاً شکمی پایین‌تر از خودش را درست می‌کند و این شکم امروز در حال شکل‌گیری است و یک‌بار دیگر در دو دهه دیگر بطور جدی با این چالش روبرو خواهیم شد ولی امروز اوج این چالش را طی پنج سال آینده خواهیم داشت. من سناریوهای مختلف را عرض می‌کنم. طبق آمار، جمعیت ده ساله و بیشتر ایران نزدیک به ۶۶ میلیون نفر است. که ۵۹ درصد یعنی نزدیک به ۶۰ درصد از این جمعیت غیرفعال است و فقط ۴۰ درصد جمعیتی فعال به حساب می‌آیند. و نرخ بیکاری رسمی در کشور ما ۱۲٫۲ درصد که در استانداردهای جهانی نرخ بسیار بالا است. جمعیت شاغل نیز با بحرانی جدی روبرو و آن این است که بخش بزرگی یعنی ۳۰ درصد از این جمعیت مشاغلی دارند که کمتر از استاندارد ساعتی شغلی عادی کار می‌آفریند. بخش شاغل ما با مشکل جدی دیگری مواجه است و آن ناشی از بزرگ بودن بدنه حاکمیت و پایین بودن حقوق‌ها است که ادبیات جهانی با آن آشنا نیست و این معضل شاغل فقیر نیز هست. در کشورهای دنیا دولت‌ها چتری اجتماعی می‌سازند و اگر درآمد شغلی کمتر از استانداردها باشد شما ترجیح می‌دهید بیکار بمانید. یعنی هر شغل باید حداقل معیشت شما را تامین کند وگرنه شما از این شغل

بیرون می‌روید. و بیمه بیکاری می‌گیرید. در کشور ما برای اینکه آمار فاجعه بار اشتغال خود را کمی بهبود بدهیم. یک شغل را بین چهار نفر تقسیم می‌کنیم و هم کیفیت کار پایین می‌آید چون آنها آدم‌هایی با کیفیت پایین‌تر خواهند بود و کار به درستی انجام نمی‌شود و فقط نرخ اشتغال بالا می‌رود و ما با مسئله شاغل فقیر روبرو می‌شویم که مسئله‌ای در کشورهای توسعه نیافته است. و در کشورهایی که نظام تامین اجتماعی درستی دارند دیده نمی‌شود.

فرض کردیم جمعیت در سن کار جامعه در سال ۱۴۰۰ تنها ۵ درصد رشد داشته باشد و نرخ بیکاری را در سطح ۱۰ درصد نگه داریم و کمتر نباشد، در این صورت اگر نرخ مشارکت به نرخ مشارکت کشورهای نیمه توسعه یافته جهان برسد و به حدود ۵۰ درصد برسیم باید سالانه در حدود یک میلیون و هشتصد و نود هزار شغل تولید کنیم که هیچ سالی در طی چهل سال فعالیت جمهوری اسلامی بیشتر از ششصد هزار شغل تولید نکرده است. یعنی باید خیال خود را راحت کنیم این عدد برای این نظام سیاست‌گذاری رقمی رویایی است برای اینکه من بتوانیم با نرخ مشارکت ۵۰ درصد سطح بیکاری را به ۱۰ درصد برسانیم با این جمعیت بزرگی که وارد بازار کار می‌شود. بحران بیکاری از این نظر اهمیت دارد که پشت سر خود بحران‌های سیاسی و اجتماعی ایجاد می‌کند بنابر این جزء مهم‌ترین متغیرهای اقتصادی است که بطور جدی مورد توجه قرار می‌گیرد. در ۱۳ سال گذشته در حدود ۳٫۳ میلیون نفر بر تعداد شاغلین کشور اضافه شده است و در ۵ سال دولت آقای روحانی فقط ۲٫۶ میلیون نفر بر جمعیت شاغل اضافه شده است. یعنی در این سال‌ها که سال‌های خوبی بوده و رشد اقتصادی مثبت داشتیم و در سال‌های اول به بازارهای جهانی برگشتیم تقریباً سالی ۵۰۰ هزار شغل ایجاد شد و به نظر می‌رسد که این وضعیت بحران‌زا خواهد بود.

مسئله دیگر نظام یارانه در کشور است. یارانه‌های موجود ما با تمرکز بر یارانه انرژی باید بررسی شود. اگر دهک فقیر جامعه ایرانی را با در نظر گرفتن جمعیت ایرانی‌ها نگاه کنید در حدود ۸ میلیون ایرانی فراموش شده داریم که ۵۲ درصد از این ۸ میلیون نفر هیچ فرد شاغلی را در خانوار خود ندارد و ۳۲ درصد نیز هیچ فرد باسوادی را در خانوار خود ندارند. میانگین هزینه ماهانه هر خانوار برای آموزش فرزندان خود فقط ۳۰۰ تومان

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

است یعنی دهک پایین جامعه را در گرداب فقر انداخته‌ایم و این دهک فقط برای حیات خود تلاش می‌کند. در کنار این وضعیت ۱۶۰ هزار میلیارد تومان یارانه از مرداد ۹۲ تا مرداد ۹۷ فقط به واردکنندگانی که با ارز دولتی کالا وارد می‌کنند پرداخت شده است. و ۹ هزار میلیارد تومان یارانه فقط به مسافران خارجی در بهار و تابستان ۱۳۹۷ پرداخت شده است. یعنی کمک بلاعوض ایران به صنعت توریسم در کشورهای مالزی و تایلند و ارمنستان و ترکیه و... در مورد جامعه‌ای صحبت می‌کنیم که ۸ میلیون نفر فقط ماهانه ۳۰۰۰ تومان صرف آموزش خانوار در ماه می‌کنند. سهم فقیرترین دهک‌های درآمدی در واردات با دلار دولتی و هم‌منطور در مسافرت‌های خارجی چیست؟ هم‌زمان ۱۲ هزار میلیارد تومان یارانه برای توزیع سکه طلای دولتی در طرح بانک مرکزی داشتیم. و ۴۸ هزار میلیارد تومان یارانه به بنزین و گازوئیل فقط در شهرپور و مهر ۱۳۹۷ داشتیم. با فرض اینکه هر دلار ۸۲۰۰ تومان ارزش دارد که می‌دانیم این عدد نیست و میانگین قیمت ۶۰ سنت برای هر لیتر بنزین در کشورهای همسایه ما مواجه هستیم. اگر نگاهی به میانگین هزینه ماهانه بنزین در دهک‌های دیگر بکنیم می‌بینیم که دهک پر درآمد ما چیزی از قواره ده برابر هزینه مصرف سوخت دارد و هر چه یارانه به بنزین و سوخت می‌دهیم عملاً ۱۰ برابر یارانه بیشتر به دهک پر درآمد پرداخت می‌کنیم و سهم بسیار کمتری را به دهک فقیر می‌پردازیم. بنابراین نوع یارانه‌ای که به مصرف است طبیعتاً منجر می‌شود که سهم یارانه‌ای طبقه پر مصرف افزایش پیدا کند و در این نظامی که شما می‌دانید ما با وضعیت بحرانی در تعیین خط فقر و حتی متأسفانه تعریف خط فقر مطلق روبرو هستیم. هدف از این سیاست‌های شتابزده چیست؟ می‌توانم لیستی ۲ هزار تایی از ۲۲ بهمن ۵۷ تا امروز به دست دهم. یعنی مسأله مربوط به نظام تصمیم‌گیری اردیبهشت ۹۷ تا امروز نیست. آیا هدف ما کاهش فقر است یا هدف ما کاهش تورم است؟ کدامیک در کشور ما رخ داده است؟ تنها کشور جهان هستیم که بیش از ۴۰ سال تورم دو رقمی داشته‌ایم هیچ کشور دیگری در تاریخ اقتصاد جهان با چنین آمارهایی روبرو نبوده است. یعنی تورم در دنیا مسأله‌ای حل شده و ۱۸۰ کشور جهان با تورم یک رقمی مسأله خود را کاملاً حل کرده‌اند و این مشکل در نظام سیاستگذاری وضعیتی بحرانی به خود گرفته است. برای سطح مقایسه کشور چند مثال می‌زنم چون فکر می‌کنیم با ابر قدرت‌های دنیا مقایسه می‌شویم. سطح مقایسه کشور ما چیست؟

میانگین تورم کشوری در سه ساله اخیر چقدر بوده است. قیمت بنزین و گازوئیل در این کشور شناور بود و با تغییر روزانه بود؟ میانگین قیمت سالانه بنزین در سه سال گذشته ۶۰ سنت بود که معادل قیمت متوسط جهانی است. دلار دولتی نیز در ده سال اخیر وجود نداشته است. و کشور هرگز دلار دولتی تعیین نکرده است و تمام تلاش سیاستگذار ایرانی عملاً این بوده است و ما از او می‌خواهیم دیگر از این تلاش‌ها نکند. کشوری که مثال زدیم افغانستان است. امروز افغانستان در شرایط جنگی به وضوح بهتر از ایران اداره می‌شود. مثال دیگری می‌زنم. کشور دیگری میانگین تورم سه سال اخیرش را ۲,۲٪ درصد اعلام کرده و میانگین تورم کشور ما تا آخر ۹۸ چیزی در حدود ۳۰ درصد خواهد بود قیمت بنزین و گازوئیل شناور است و با تغییر روزانه اعمال می‌شود و مشکلی که امروز داریم این است که دولت نمی‌پذیرد قیمت‌ها را سه ماه به سه ماه بروز کنیم برای آنها مشکل است و تغییرات را روزانه می‌پذیرند میانگین قیمت سالانه لیتری ۰,۷ دلار است و حتی از مقیاس جهانی بیشتر و دلار دولتی نیز وجود ندارد و مفهومی به این نام نیست. این کشور آنگولا است. کاری که ما انجام می‌دهیم این است که تورم را بطور دورهای کنترل کنیم. که کنترل تورم طی دوره اول دکتر روحانی دلایل خاص خود را داشت. از جمله افت قیمت کالاها در بازارهای جهانی که دوستان فعال در بازارهای مالی به خوبی متوجه این موضوع می‌شوند. در بازار مسکن و برای همه قابل پیش‌بینی بود که حداقل برای یک سیکل تجاری یا یک نیم سیکل تجاری قیمت‌های مسکن رشد نکنند و همین اتفاق افتاد و تقریباً چهار سال شاهد عدم رشد قیمت مسکن بودیم و به دلیل مسأله کاهش ناگهانی نرخ تورم بانک‌ها با مسأله پانزی گیم مواجه بودند بنابر این شروع به بالا بردن نرخ‌های بهره کردند و پولی که تولید می‌شد از بانک‌ها خارج نمی‌شد تا به چرخه تورم برسد. این سه عامل عوامل اصلی کنترل تورم بود که هیچ یک در اختیار دولت نبود و عامل اصلی هیچ کدام از این عوامل دولت نیست. البته انضباط پولی و سطح اعتماد عمومی به حوزه سیاستگذاری نیز موثر بود. ایران در بهترین زمان‌ها تورم خود را به ۱۰ درصد رسانده است که در دوران آقای خاتمی و ۸,۲ در دوران آقای روحانی رسیده‌ایم. در هر دو سپس مکانی بسیار جدی را تجربه کردیم. میانگین تورم جهانی در سال گذشته ۱,۶ درصد بود. این مسأله‌ای حل شده است که ما هم چنان با آن روبرو هستیم. در سیاست مرتب به بخش‌های مختلف یارانه می‌دهیم. دلار دولتی انرژی ارزان وام بدون بهره مواد

اولیه ارزان زمین رایگان و معافیت‌های مالیاتی و بیش استخدای سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی. در یک مقایسه بگویم شبکه جهانی بی‌بی سی با آن همه نفوذ رسانه‌ای یک‌سوم صدا و سیمای ما پرسنل دارد. ایران ایر همین امروز با چیزی در حدود یک صدم پروازهای بین‌المللی به اندازه ایر فرانس پرسنل دارد. بیش استخدای به‌طور جدی یارانه بی‌خودی است که پرداخت می‌شود. و بعد بودجه دولتی به جبران وام‌های سوخته شده هدر می‌رود، می‌دانید در حدود ۳۵ هزار میلیارد تومان در همین سال ۹۷ به آدم‌هایی بخشیده شد که وام گرفتند و وام‌های خود را پس نداده‌اند. میزان کمک‌های دولت به صندوق‌های بانزینستگي در سال ۹۷ به رقم ۷۵ هزار میلیارد تومان رسید و پیش‌بینی می‌شود که در افق ۱۴۰۴ این رقم به حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان برسد. بخش بزرگی از همه درآمدهای کشور صرف این کمک‌ها می‌شود. و نمایندگان مجلس سن بانزینستگي را پایین می‌آورند و این کاری است که در دنیا انجام نمی‌شود.

آنچه من در این بخش بولد کردم مواردی است که ما گمان می‌کنیم تحریم‌ها بر آنها اثر گذاشته است ولی انداختن این تصویر به گردن کشوری دیگر و به گردن یک ماجرای بین‌المللی فرار رو به جلو است بخش بزرگی از آنچه توضیح دادم ربطی به نظام بین‌الملل ندارد. ساختاری که در نظام بین‌الملل وجود دارد منجر به عدم شفافیت و فساد بیشتر شده و این تصمیم‌ها به راحتی اخذ می‌شوند. تنها اتفاق این است. مسأله چالش ارزی و مسأله کسری بودجه و عدم شفافیت و فساد ما و بحران بیکاری و عدم قطعیت‌های خارجی و چالش سرمایه‌های اجتماعی ما مسأله‌ای است که به‌طور مستقیم از تحریم‌ها اثر خواهند گرفت و در وضعیتی بدتر قرار می‌گیرند ولی این نکته که چرا وقتی تحریم‌ها فشار بیشتری داشتند وضعیت این چنین نبود به این نکته اشاره دارد که ما در آستانه تحمل خود قرار گرفته بودیم. یعنی از جایی به بعد حتی یک درصد هم برای ما غیرقابل تحمل محسوب می‌شود. چالش یارانه‌های سیاه از این جهت رنگی شده چون از آنجایی که اقتصاد کشور با مشکلات فراوانی روبرو شده است می‌تواند سیاستمداران را عاقل کند تا بخشی از یارانه‌های سیاه را جمع کنند همان‌طور که امروز هم زرمه‌هایی برای جمع کردن یارانه انرژی وجود دارد. همچنین می‌تواند سیاستگذار را مجدداً به سمت رفتارهای پوپولیستیک و توزیع ته مانده ثروت و منابع کشور ببرد.

همایش اقتصاد و سیاست ایران در پیچ تحریم‌ها- انجمن علوم سیاسی ایران

در جازدن و عقب رفتن ناراحت کننده



محمد علی توحید
عضو هیأت تحریریه

هیچ ایرانی دلسوز به این آب و خاک کهن نیست که نداند کشورها و جامعه‌ها روزهای تلخ و شیرین دارند و شرایط همواره همان‌طور که همه شهروندان آرزو دارند نخواهد بود. ایرانیان وفادار به آبادانی و رفاه مردم نیک می‌دانند که سرازیری و سربالایی رفتن و درجا زدن بخشی از رخدادهای گریزناپذیر هر جامعه‌ای است و باید آن را قبول کرد. اما همین شهروندان که نیک می‌دانند روزهای ناخوش در زندگی تاریخی کشور را باید قبول کنند در پنهان خویش یک پرسش دارند، چرا روزهای تلخ و روزهای ناخوش در ایران پدیدار می‌شوند، دلایل و عوامل ناخوش‌کننده حال و روز شهروندان کدام عوامل هستند و این وضعیت تا کجا ادامه دارد و چگونه می‌توان راه را برای عبور از آن هموار کرد. برای رسیدن به پرسش‌های یادشده و اینکه درباره روزهای خوش صحبت کنیم باید قبل از هر چیز قبول کنیم که روزگار ایرانیان خوش نیست. این مسأله بسیار اهمیت دارد که همه کسانی که به هر میزان قدرت اثرگذاری در مثبت یا منفی شدن روندها دارند بپذیرند که کشور در شرایط بد قرار دارد. اکنون که به اخبارها، تحلیل‌ها و گزارش‌های ارائه شده از سوی مقام‌های رسمی در بالاترین سطح و حتی در میانه جامعه نگاه می‌کنیم می‌شنویم و می‌خوانیم که این وضعیت نامساعد ایران و ایرانیان دیگر انکارناپذیر شده است. حالا دیگر هیچ آدم عاقل و دانایی نمی‌گوید ایران در بهترین موقعیت قرار دارد و این یک گام به پیش است. متأسفانه تا همین چند ماه پیش اگر یک فرد غیرحاضر در نهادهای قدرت و حتی یک فرد در نهادهای قدرت با اشاره و کنایه می‌گفت که حال ایران ناخوش است با انواع تهمت‌ها و یورش‌ها مواجه می‌شود و البته این وضع هنوز ادامه دارد اما شدت خرابی روزگار ایرانیان به اندازه‌ای رسیده که دیگر انکار آن ناممکن شده است. پس از پذیرش این واقعیت است که حالا می‌توان پرسش اصلی را مطرح کرد: کدام عوامل و کدام دلایل موجب شده است ایران در بدترین شرایط اقتصادی قرار گیرد و راه شناخت چیست؟

برخی افراد و احزاب و گروه‌های بانفوذ ایران با قاطعیت در این باره نظر داده و می‌دهند و باورشان این است که نظام حاکم بر جهان که تحت تأثیر خواست‌ها و اراده غرب به ویژه آمریکایی‌هاست دنیا را در شرایط نامساعد قرار داده و با ایران نیز خصومت تاریخی و جدی دارد. این گروه از افراد تردیدی ندارند که رهبری کاخ سفید به طور عام از ۴ دهه پیش به این طرف و رهبری جدید آمریکا در دو سال اخیر تلاش گسترده و ژرف برای براندازی رژیم سیاسی کشور و آزار دادن مردم داشته و دارد و بخش اصلی تنگناهای بر سر راه رشد راه مادی و اقتصادی کشور ناشی از این دشمنی فزاینده است. درباره این دیدگاه چند دیدگاه دیگر نیز وجود دارند که باور دارند باید به نکات دیگر نیز توجه کرد. یک دیدگاه این است که رفتار خصمانه آمریکایی‌ها با نظام سیاسی ایران انکارناپذیر است و آنها از هر روزنه‌ای برای ضربه زدن به ایران استفاده می‌کنند و حرف مدعیان در این باره دقیق است. اما پرسش این است که چرا شرایط را گونه‌ای نمی‌کنیم که این دشمنی و خصومت دیرینه نظام سیاسی آمریکا با ایران در یک روند کاهنده و یا حتی در موقعیت تثبیت و در موقعیتی قرار گیرد که قابل پیش‌بینی باشد. اگر در همه ۴ دهه سپری شده می‌شد هر سال و در هر مقطع یکی از دلایل دشمنی واقعی آمریکا با ایران را کارشناسانه بررسی و در مسیر حذف آن گام برداشت شاید اندازه خصومت به این جا نمی‌رسید که در یک دوره کمتر از ۱۰ سال تحریم گسترده اقتصادی ایران اتفاق بیفتد. یک گروه دیگر نیز باور دارند که ضمن پذیرش دشمنی آمریکا با ایران اما انداختن همه نارسایی‌ها و کاستی‌ها و کج‌راه رفتن‌ها در زمین آمریکا و نادیده گرفتن مدیریت ناکارآمد و مدیریت ضعیف در داخل یکی از بدترین راهبردها بوده و هست. این دیدگاه باور دارد مدیران دولت در سطوح گوناگون مدیریتی با سوءاستفاده از شرایط سیاست خارجی همه توپ‌ها را به زمین آمریکا می‌اندازند و ناکارآمدی و ناکارآمدی خود را پشت این داستان پنهان می‌کنند. گروه اخیر می‌گویند آیا بازسازی و زنده‌سازی و قدرت دادن به سازمان‌هایی که در همه دوران فعالیت خود یک گام در مسیر اصلاح و بهبود اقتصاد برداشته و با دخالت‌های غیرضرور کار را بر تولید سخت می‌کنند نیز کار آمریکایی‌هاست؟ اگر بخش خصوصی

ایران در همین ۵ سال اخیر بارها و بارها خواستار حذف دخالت‌های آسیب‌ساز یک نهاد نظارتی ناکارآمد تاریخی شده ولی این نهاد همچنان پابرجا و استوار به کار خود ادامه می‌دهد، این کار هم کار آمریکایی‌هاست. بخش خصوصی ایران بارها و بارها از دولت خواسته است نظام ارزی کشور را از شرایط رانتی و فسادآمیز دور نگه دارد و با پذیرش سیاست ارزی درست و کارآمد نگرانی‌ها را از جامعه فعالان اقتصادی دور و نوسان‌های ژرف و پیرامنه را از دامن اقتصاد پاک کند و دولت این حرف‌ها را شنید و با بی‌اعتنایی آن را اجرا نکرد. آیا این امتناع از اجرای یک خواسته منطقی را باید به آمریکایی‌ها نسبت داد؟ واقعیت این است که باید برای پرسش‌های منطقی دنبال پاسخ‌های منطقی و قابل قبول بود و این چیزی است که می‌تواند در وضعیت آتی این کشور راه مناسب باشد. تصمیم‌ها، رخدادها در حوزه‌های سیاست خارجی، در حوزه مناسبات میان احزاب و جناح‌های درگیر قدرت سیاسی در داخل و مناسبات میان قدرت رسمی و نهادهای مدنی در سال‌های اخیر در نهایت جوری بوده‌اند که الان مردم نگران هستند. شهروندان ایرانی از روندها نارضایتی دارند و درجا زدن ایران به دلیل اینکه راهی برای برطرف کردن مشکلات پیدا نمی‌شود و نارضاضی و نگران شده‌اند. زمینه‌هایی از این دلسردی را می‌توان در همین وضعیت غبارآلودی دید که به نظر می‌رسد برخی از گروه‌ها با هدف حداکثر کردن منافع خود با عناوین دهان‌پرخن برای ایران فراهم کرده‌اند. دلسردی ایرانیان نشانه‌های پرشماری دارد که کافی است از سر دلسوزی و وجدان پاک به آنها خوب نگاه کرد. بسیاری از مسائل حل‌ناشده و مشکل‌ساز در مسیر آبادانی ایران از ناکارآمدی‌هایی برمی‌خیزد که سرچشمه آن مدیران ضعیف، مدیران سفارش و مدیرانی هستند که بی‌جهت و بدون شایستگی مناصب تصمیم‌گیری را اشغال کرده‌اند. این چیزی است که متأسفانه نادیده گرفته شده و عمق فاجعه‌بار بودن آن هرگز باز و بررسی نشده است. بسیار راحت بوده و هست که هر رخداد بازدارنده‌ای به خارج از کشور حواله داده شود و حواس‌ها پرت شود. این راه به جایی نمی‌رسد و ابعاد ناراحتی شهروندان را گسترش می‌دهد، باید سهم عوامل داخلی از وضعیت ناخوش اقتصاد ایران را بدون ترس و بیم از پیامدهای آن بازگو و کالبدشکافی کنیم.

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر



روحانی و در دسر دلار ۴۲۰۰ تومانی

دریافت می‌کنند، براساس اعلام خود دقیق و درست عمل کنند. نسبت به این تصمیم تردید داشتم به خاطر این بود که آیا در عمل این طرح موفق می‌شود یا برخی از آن سوءاستفاده خواهند کرد. اما مسعود نیلی مشاور ارشد اقتصادی دولت پس از این صحبت‌ها بود که از دولت خواست محتوای صحبت‌های آن روز دولت که چیز محرمانه‌ای هم نداشته است را برای علاقمندان به بحث‌های دلار رانته منتشر کند. تا پایان آذرماه دولت جوابی نداد.

از مشاوران و معاونان وزرای اقتصادی حضور داشتند، تصمیمی را به اتفاق آراء اتخاذ کردیم که بر مبنای آن همه اقتصاددانان و مشاوران اقتصادی معتقد بودند که ارز باید در کشور تک‌نرخ شده و اعلام کردند باید قیمت ارز را ۴۲۰۰ تومان اعلام کنیم. در آن جلسه همه به اتفاق گفتند که اگر قیمت ارز را ۴۲۰۰ تومان اعلام کنیم، تمام نیازمندی کشور از لحاظ واردات و سرمایه‌گذاری بطور کامل تأمین خواهیم کرد به شرط آنکه کسانی که این ارز را

روزی که در هیأت دولت برای میخکوب کردن قیمت هر دلار در سقف ۴۲۰۰ تومان تصمیم‌گیری می‌شد چه کسانی موافق و چه کسانی مخالف بودند؟ حالا که در دسرهای این میخکوب کردن دلار بالا گرفته است، حسن روحانی آن را متوجه همه اجزای دولت می‌کند.

وی می‌گوید: در شرایطی که در آغاز سال با توطئه آمریکا مواجه بودیم در فروردین‌ماه در جلسه مهم اقتصادی که تمامی اقتصاددانان دولت و بسیاری

بخش خصوصی محبوب نیست



مجموع پوپولیسیم محیط کسب و کار را خراب می کند؛ اگر فعال اقتصادی بداند با تحمل ۶ ماهه مشکلات، شرایط بهتر می شود، قطعاً در کار خود باقی می ماند. نخبگان ما به دنبال عدالت در توزیع درآمد نیستند بلکه به دنبال عدالت در توزیع فرصت ها هستند. وی به بیان گلایه بخش خصوصی از دولت و سیاستگذاران پرداخت و تصریح کرد: ما به عنوان بخش خصوصی امروز در جامعه چهره خوبی نداریم، بخش خصوصی در ایران محبوب نیست. چرا این گونه است؟ چرا هربار چالش اقتصادی ایجاد می شود ذهن مردم را به سمتی می برند که گویی بخش خصوصی در حال سوءاستفاده است؟ مسئولان به گونه ای نشان می دهند که اگر یک واحد دچار مشکل شده و یا اگر مسیر با ثبت سفارش هر روز بازی صورت می گیرد و یا بخشنامه روی بخشنامه ابلاغ می شود، مشکل از بخش خصوصی محتر است. امروز بخش خصوصی وجهه و اعتبار خود را به واسطه سیاستگذاری های غلط در جامعه از دست می دهد. این یک مخاطره است و بخش خصوصی آینده خود را در کشور دچار مشکل می بیند. در چنین شرایطی او سرمایه اش را از کشور خارج می کند و سپس سرمایه گذار خارجی هم به این تصور می رسد که وقتی یک صاحب سرمایه در داخل نمی ماند، چرا او باید سرمایه اش را به ایران بیاورد. بخش خصوصی در این زمینه به جد نگران آینده ایران است.

ما به عنوان شاگرد رتبه ۱۲۸ گزارش کسب و کار جهانی ادعا می کنیم که خود می توانیم وضعیت کسب و کارمان را بهبود بخشیم و این ادعای گزافی است و نشان می دهد که برای یادگیری از دنیا تواضع نکرده ایم. هرگاه حرف از پیشرفت و دستاوردهای کشوری در یک بخش پیش آمده، بلافاصله ضعف آن را در جایی دیگر پیدا کرده ایم و به جای چشم دوختن به نقاط قوت دیگر کشورها و یاد گرفتن از آن ها مرتب به خودمان می گوئیم آن ها هم ضعف دارند و ما روش خودمان را داریم. به جایی می رسیم که مسئولان ما حتی علم اقتصاد را به ریشخند می گیرند و فکر می کنیم تافته جدا بافته ایم. هر کسی در کشور بتواند موضوعات اقتصادی را با بیان سیاسی و تندتر مطرح کند، جایگاه بهتری پیدا می کند و آن ها که با زبان علم و منطق و به مدد ادبیات تخصصی صحبت می کنند، انگار دیگران را به کسالت دچار می کنند و حرف هایشان کمتر شنیده می شود. ما یاد نگرفته ایم به افراد متخصص گوش کنیم و از آنها یاد بگیریم و سپس به اجرای آن پردازیم و مادامی که این گونه حرکت کنیم، نمی توانیم امیدوار باشیم که محیط کسب و کارمان بهبود یابد. کشوری که در بحران باشد با بهترین مدل ها نمی تواند به سوی عدالت حرکت کند؛ جنگ، تحریم و چالش های ستیز گونه جناحی در داخل کشور، ستون های همین بحران هستند. در چنین محیطی امکان حرکت به سمت عدالت و سیاست پذیری وجود ندارد. بنابراین ابتدا باید کاری کنیم که برای مدتی از این محیط ها خارج شویم. باید توجه کنیم جامعه نیازمند انگیزه، امید و نشاط است و سرمایه اجتماعی از این موارد به وجود می آید. شفافیت صرفاً پیش بینی پذیری به استناد آمار و ارقام نیست بلکه پیش بینی پذیری با توجه به اقتضای حرکت جهانی است. فعال اقتصادی که نتواند پیش بینی کند سرانجام تحریم چیست و فشاری که دولت آمریکا ناجوانمردانه بر ما وارد کرده تا کی ادامه دارد و سیاست های ارزی تا چه زمانی دوام دارد، نمی تواند برای آینده فعالیت خود برنامه ریزی کند.

سلطانی تاکید کرد: شرایط در صورتی بهبود می یابد که به نظرات بخش خصوصی و خرد جمعی و اصول علمی در تصمیم گیری ها توجه شود؛ اینکه گمان کنیم در این شرایط این اصول جواب نمی دهد اشتباه است. پوپولیسیم یعنی امور و تصمیماتی که مردم را در کوتاه مدت خوشحال می کند؛ اما در

پرونده ۳ میلیارد دلاری یک پتروشیمی پس از ۵ سال



شده اند که ۱۳۳ نفر همچنان زندانی هستند. آقای دولت آبادی افزود که در این مدت ۷۳ کیفرخواست در پرونده های اقتصادی صادر و برای ۲۰۰ نفر از متهمان شعب ویژه تقاضای مجازات شده است. به گفته وی، در این مدت ۴۸ حکم زندان و سه حکم اعدام صادر شده که دو حکم اعدام اجرا شده است.

دادستان تهران از احضار ۱۷۰۰ نفر درباره پرونده های اقتصادی در ماه گذشته خبر داد و همچنین گفت برای یکی از «پرونده های فساد پتروشیمی» به مبلغ سه میلیارد یورو کیفرخواست صادر شده است. عباس جعفری دولت آبادی گفت برای یکی از پرونده های پتروشیمی پس از پنج سال رسیدگی، کیفرخواست صادر و پرونده به دادگاه ارسال شده است. به گفته آقای وی، این پرونده ۱۱ متهم دارد و میزان رد مال آن بالغ بر سه میلیارد یورو است. براساس این گزارش اتهام این افراد «عدم تحویل ارزهای صادراتی» است. خبرگزاری فارس سال ۹۱ از بازداشت یکی از مدیران ارشد بازار تجارت محصولات پتروشیمی خبر داده و نوشته بود که این پرونده «گسترده تر از پرونده فساد مالی سه هزار میلیاردی است». این خبرگزاری اعلام کرده بود که رقم یکی از پرونده های این فرد «۴۲۰ میلیون یورو، معادل دو هزار میلیارد تومان» است و او «ارز حاصل از صادرات محصولات به یک شرکت خارجی را به کشور باز نگردانده است». دادستان تهران روز سه شنبه همچنین خبر داد که از ۱۹ تیر تاکنون و در ارتباط با پرونده های اقتصادی از جمله ارز و سکه، ۱۷۰۰ نفر احضار، ۵۴۰ نفر ممنوع الخروج و ۱۳۶ نفر ممنوع معامله

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

ایرلاین‌های کوچک در معرض ورشکستگی



مطرح بوده، «اما هرگز در مرحله عمل به جایی نرسیده است، زیرا هیچ‌یک از ایرلاین‌ها راضی نمی‌شوند شرایط فعلی خود را تغییر دهند.» به گفته مدیرعامل سابق شرکت هواپیمایی زاگرس، به خاطر همین بی‌انگیزگی برای ادغام، «سازمان هواپیمایی کشوری نیز نتوانسته کاری صورت دهد و حتی مجبور شده که به شرکت‌های جدید مجوز فعالیت دهد تا هر یک از آنها چند فروند هواپیمای محدود وارد ناوگان کرده و کار خود را آغاز کنند.» آقای صدیق در مورد شرایط احتمالی برون‌رفت از وضعیت کنونی نیز گفته است: «شاید اگر دولت دخالت کرده و با سهامی عام کردن برخی ایرلاین‌ها برایشان اسمی جدید انتخاب کند، امکان ادغام وجود داشته باشد، اما در غیر این صورت باید منتظر ماند که این ایرلاین‌های کوچک به ورشکستگی نزدیک شوند.»

با افزایش قیمت ارز شرکت‌های هواپیمایی کوچک ایران دیگر با سرمایه قبلی خود توان خرید هواپیماهای جدید را ندارند. بازگشت تحریم‌ها شرایط را دشوارتر کرده است. به گفته کارشناسان آنها بر سر دوراهی ورشکستگی یا ادغام قرار دارند. بازگشت تحریم‌ها شرایط ایرلاین‌های کوچک را دشوارتر کرده و این شرکت‌ها بر سر دوراهی ورشکستگی یا ادغام قرار گرفته‌اند. بازگشت تحریم‌های آمریکا علیه جمهوری اسلامی شرایط را برای ادامه حیات شرکت‌های هواپیمایی کوچک ایران دشوارتر کرده است. به گفته یک کارشناس صنعت هوایی، چنانچه ایرلاین‌های کوچک ایران نتوانند چاره‌ای برای شرایط اقتصادی فعلی پیدا کنند، «باید برای ورشکستگی آماده شوند.» هوشنگ صدیق، مدیرعامل سابق شرکت هواپیمایی زاگرس با اشاره به اینکه ایرلاین‌های کوچک در سال‌های گذشته نیز به‌خاطر تحریم‌های گسترده بین‌المللی همواره با مشکلات اقتصادی مواجه بوده‌اند، تأکید کرد که «امروز با توجه به تحریم‌های جدید آمریکا بار دیگر شرایط دشوار شده است.» از یک‌سو ناوگان ایرلاین‌های کوچک محدود است و از سوی دیگر این شرکت‌ها به‌خاطر افزایش حدوداً سه برابری قیمت ارز به نسبت اوایل سال ۹۶، توان خرید هواپیماهای جدید را با سرمایه قبلی خود ندارند.

هوشنگ صدیق به همین دلیل تأکید کرده است که با توجه به چنین شرایطی شرکت‌های هواپیمایی کوچک ایران «تنها دو گزینه پیش‌روی خود خواهند دید: یا ادغام با دیگر شرکت‌ها، یا ورشکستگی.» این کارشناس صنعت هوایی افزود: با وجود اینکه بحث ادغام از چند سال پیش در سازمان هواپیمایی ایران

تنهایی پارس جنوبی



اعلام کرد می‌خواهد تولید گاز از این میدان را به‌شدت افزایش دهد تا جایگاه خود به عنوان بزرگ‌ترین صادرکننده گاز مایع جهان را حفظ کند.

رویترز می‌نویسد تعلیق سرمایه‌گذاری شرکت چینی در فاز ۱۱ پارس جنوبی می‌تواند تلاش ایران برای جذب سرمایه‌های خارجی در حوزه انرژی را به یاس تبدیل کند. رویترز از قول مقامات اجرایی نفتی چین گزارش داده است که تعلیق سرمایه‌گذاری چینی‌ها در پارس جنوبی در پی چهار دور مذاکرات با مقامات آمریکایی اتفاق افتاده است که آخرین آنها در ماه اکتبر انجام شد.

خبرگزاری رویترز، از قول سه مقام اجرایی نفتی چین گزارش داده است شرکت دولتی «سی‌ان‌پی‌سی» سرمایه‌گذاری در فاز ۱۱ پارس جنوبی را تعلیق کرده است. این اقدام شرکت چینی می‌تواند به‌خاطر فشار آمریکا یا تلاش این شرکت دولتی برای کاهش تنش در میانه مذاکرات چین و آمریکا برای عادی‌سازی روابط تجاری دو کشور باشد. شرکت توتال فرانسه پارسال به همراه شرکت «سی‌ان‌پی‌سی» چین و «پتروپارس» ایران قراردادی نزدیک به ۵ میلیارد دلار برای توسعه فاز ۱۱ پارس جنوبی امضا کرد، اما بعد از خروج آمریکا از برجام در اردیبهشت ماه امسال، این پروژه را ترک کرد. شرکت توتال ۵۰.۱ درصد، شرکت چینی ۳۰ درصد و شرکت «پتروپارس» ایران نیز بقیه سهم پروژه را در اختیار داشتند. بیژن نامدار زنگنه، وزیر نفت ایران، ۴ آذرماه با اشاره به خروج شرکت توتال فرانسه از پروژه یاد شده گفته بود: شرکت «سی‌ان‌پی‌سی» رسماً جایگزین توتال شده است، اما عملاً شروع به کار نکرده است. جایگزین شدن شرکت «سی‌ان‌پی‌سی» در پارس جنوبی به این معناست که این شرکت هم‌اکنون سهمی ۸۰.۱ درصدی در پروژه دارد و بایستی حدود ۴ میلیارد دلار در پارس جنوبی سرمایه‌گذاری کند.

پارس جنوبی بزرگ‌ترین میدان گازی جهان است که هم‌اکنون سهمی ۷۰ درصدی در کل تولید گاز ایران دارد. تولید گاز قطر از این میدان مشترک بیشتر از ایران است و وزیر انرژی قطر اخیراً

پیش‌خور سهم بخش خصوصی



در برنامه سوم توسعه که از طرف دولت اصلاحات و با اندیشه‌های مسعود نیلی و همکارانش تهیه شد و بر اساس بند مصوب حسابی به نام حساب ذخیره ارزی تاسیس شد. فلسفه وجودی حساب این بود که اگر درآمد ارزی بیش از نیاز ارزی بودجه بود آن را برای چند کار اختصاص دهند. یکی از هدف‌ها این بود که منابع ارزی مورد نیاز تاسیس یا توسعه بنگاه‌های خصوصی از آن حساب پرداخت شود. اکنون و در آستانه ۲۰ سالگی این حساب که البته حالا به صندوق توسعه ملی تبدیل شده است دولت از آن برداشت می‌کند و سهم بخش خصوصی را نمی‌دهد.

به گزارش فارس، مسئولان دولت معتقدند در لایحه بودجه ۹۸ با محدودیت‌ها و کمبود منابع روبه‌رو هستند. در تهیه لایحه برای افزایش منابع پیشنهادها و مختلفی آورده شد. طبق اظهارات محمدباقر نوبخت رئیس سازمان برنامه و بودجه، در رفت و برگشت پیشنهادهایی که میان دولت و سران قوا صورت گرفت، در نهایت مقرر شد سهمی برای استفاده دولت از منابع صندوق توسعه ملی در نظر گرفته نشود و در صورت محقق نشدن درآمدها به نسبت یک دوازدهم

از منابع صندوق در بودجه هزینه شود. با فرض فروش ۱,۵ میلیون بشکه نفت ۲۹ میلیارد ۵۶۵ میلیون دلار درآمد حاصل می‌شود که سهم صندوق دو میلیارد و ۹۵۶ میلیون دلار می‌شود. در سناریوهای پیش‌بینی شده بدون آنکه سهمی برای صندوق یا بودجه از منابع نفت تعیین شود به صورت شناور اگر ماهانه منابع عمومی حاصل نشد دولت کسری را از محل سهم صادرات نفت صندوق توسعه تامین می‌کند.

با توجه به آنکه کل درآمدهای نفتی برای این سال ۱۱۵ هزار میلیارد تومان در نظر گرفته شده در خوشبینانه‌ترین حالت با فرض ۱,۵ میلیون بشکه صادراتی هم این میزان درآمد عاید دولت نمی‌شود حال آنکه سهم ۱۴,۵ درصدی وزارت نفت و صندوق توسعه ملی نیز در آن لحاظ نشد. عملاً منابعی که باید صرف توسعه و کمک به بخش خصوصی شود توسط دولت در بودجه هزینه خواهد شد. بنابراین نمی‌توان برای صندوق توسعه درآمدی در سال آینده قائل شد.

دیدار مخالف دولت با کامیون‌داران

در هفته‌های تازه سپری شده کامیون‌داران ایرانی به دلایل گوناگونی نوعی اعتصاب غیراعلام شده را در دستور کار قرار دادند. در حالی که دولت تلاش می‌کرد این ناراضیاتی‌ها را شناسایی و از ژرف شدن اعتصاب جلوگیری کند، اما خبر رسید که یکی از مخالفان سرسخت دولت با کامیون‌داران دیدار کرده است. رجانویز در این باره گزارش کرده است که جلیلی پای در دلد کامیون‌داران نشست و خطاب به آنها نکاتی را گفته است:

جلیلی در ادامه جلسات صنفی دولت سایه، با جمعی از اعضای اتحادیه کامیون‌داران کشور دیدار کرد. در این جلسه روسا و نمایندگان برخی انجمن‌های کارگری رانندگان، یخچال‌داران، کامیون‌داران، تانکرداران و نفتکش‌داران به توضیح مشکلات و مطالبات صنفی خود پرداختند. نمایندگان از استان‌های یزد، اصفهان، خراسان رضوی، خوزستان، بوشهر، لرستان و تهران در این نشست حضور داشتند. نماینده رهبرانقلاب در شورای عالی امنیت ملی با تقدیر از خدمات صنف کامیون‌داران در طول سال‌های متمادی، گفت: پویایی جریان اقتصادی کشور مرهون زحمات کامیون‌داران است. وی با ذکر خاطره‌ای از نقش کامیون‌داران در جنگ تحمیلی اظهار داشت: همان‌طور که در جنگ تحمیلی کامیون‌داران، سربازان انقلاب بودند، امروز در جنگ اقتصادی هم کامیون‌داران سربازان خط مقدم هستند. کسی نمی‌تواند نقش موثر این صنف را در پشتیبانی از انقلاب در مقاطع گوناگون و حساس، انکار کند. امروز نیز آنان هستند که با وجود میل دشمنان، شریان‌های اقتصادی را زنده نگه داشته‌اند. دوری از خانواده، کار شبانه‌روزی و در سرما و گرما کار کردن همه از سختی‌هایی است که شغل شما دارد، شایسته قدردانی است. دشمن از پایداری و وفاداری شما عصبانی است و البته نمی‌فهمد که خود شما صاحبان انقلاب هستید.

راه لاجورد هم باز شد

راه ترانزیتی «لاجورد» که تولیدات داخلی افغانستان را از دو گذرگاه «بندر آقنه» در ولایت فاریاب در شمال، و «بندر تورغندی» در ولایت هرات به اروپا می‌رساند، در هرات گشایش یافت.

اشرف غنی، رئیس‌جمهوری افغانستان در مراسم افتتاح این راه گفت: «امروز یک مانع بزرگ از سر راه هدف ما که یک افغانستان صادراتی و متصل است برداشته شد. باز شدن این راه به معنی بسته شدن راه‌ها به آسیای جنوبی نیست، بلکه هدف این است که این راه آسیای جنوبی را در قدم دوم به آسیای مرکزی، قفقاز و اروپا وصل کند.» موافقتنامه احیای این میسر تاریخی نوامبر سال گذشته در پایان کنفرانس همکاری‌های اقتصادی منطقه‌ای (ریکا) در شهر عشق آباد پایتخت ترکمنستان از سوی وزیران خارجه پنج کشور افغانستان، ترکمنستان، آذربایجان، گرجستان و ترکیه امضا شد. راه لاجورد از افغانستان آغاز می‌شود، به بندر ترکمن‌باشی در کشور ترکمنستان می‌رسد و سپس از مسیر شهر باکو در آذربایجان به منطقه تفلیس گرجستان وصل می‌شود و از تفلیس به طرف قارس در ترکیه می‌رود. این مسیر از قارس به استانبول و از آنجا تا اروپا ادامه دارد. دولت افغانستان این مسیر را یکی از کوتاه‌ترین، مطمئن‌ترین و ساده‌ترین راه‌ها برای افغانستان توصیف کرده‌اند زیرا از مرز افغانستان تا بندر ترکمن‌باشی هم جاده و هم خط‌آهن وجود دارد. ارزیابی‌های دولت افغانستان نشان داده که انتقال اموال از طریق بندر کراچی پاکستان به شهر مرزی جلال‌آباد در شرق افغانستان حدود ۱۴ روز وقت می‌گیرد و تنها هزینه انتقال یک کامیون کالا بیش‌تر از ۵ هزار دلار است. هزینه استفاده از مسیر قزاقستان که ۶ هزار و ۲۰۰ کیلومتر است بیش از ۴ هزار دلار و از مرز تورغندی تا قارس ترکیه (راه لاجورد) دو هزار و ۲۰۰ کیلومتر و اندکی بیش‌تر سه هزار و ۲۰۰ دلار است.

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر



بنا بر گزارش فرستاده ویژه روزنامه فرانسوی فیگارو به دبی و فجیره با وجود آنکه نفتکش‌های ایرانی همچنان در آب‌های خلیج فارس بطور پنهان یا آشکار نفت صادراتی حمل می‌کنند، تاجران ایرانی تحت فشار تحریم‌های آمریکا دبی را ترک می‌کنند. فرستاده ویژه روزنامه فرانسوی فیگارو به دبی و فجیره، «ژرژ ملبرونو»، گزارش داده است با وجود آنکه جمهوری اسلامی ایران با وجود تحریم‌های اعمال شده بر آن باز هم به صادرات نفت خود در خلیج فارس با توسل به نفتکش‌های رادارگریز ادامه می‌دهد، تاجران ایرانی ساکن دبی به دلیل عدم توانایی در فرار از تحریم‌های آمریکا این کشور را ترک می‌کنند. به نوشته فیگارو، حتی بیمارستان بسیار قدیمی ایران در دبی از گزند تحریم‌های آمریکا در امان نمانده است. در اواسط نوامبر گذشته به شرکت‌های بیمه دبی دستور داده شد تا پوشش هزینه‌های درمانی بیماران ایرانی را متوقف سازند. فرستاده ویژه فیگارو به نقل از پرهام گوهری، یکی از مؤسسان شرکت مشاوره و سرمایه‌گذاری Frontier Partner که مرکز آن در دبی است، گزارش داده که بسیاری از تاجران ایرانی که در پی تحریم‌های آمریکا در حال ترک کردن دبی

هنوز راه‌های متعددی برای گریز از تحریم‌های آمریکا وجود دارد. برخی از شرکت‌ها در دبی می‌پذیرند که صدهزار دلار را بطور همزمان به قیمت روز با ریال در تهران معاوضه کنند. او افزوده است که در اینکه تعداد قایق‌های بادبانی کوچکی که به بندرعباس، بوشهر و آبادان آمد و شد می‌کنند، کمتر شده است، حرفی نیست اما من به هنگام دریانوردی در آب‌های خلیج فارس هنوز هم قایق‌های ایرانی را می‌بینم که به دبی سیگار و شاید هم مواد مخدر قاچاق می‌کنند.

هستند، در سلطان‌نشین عمان، قطر، گرجستان و ترکیه مستقر خواهند شد. وی افزوده است که اجازه اقامت یا اجازه کار برخی از ایرانیان در دبی تمدید نشده است به خصوص اگر در شش ماه اخیر به ایران رفته باشند. همچنین بانک‌های دبی دیگر اعتبارنامه بانکی برای تجارت با ایران صادر نمی‌کنند و صرافخانه‌های ایرانی در دبی که متهم شده‌اند برای سپاه پاسداران جمهوری اسلامی ایران پولشویی می‌کنند، بسته شده‌اند. ژرژ ملبرونو به نقل از یک بانکدار نوشته است که با وجود این

نفت و کره شمالی از ریسک‌های بالا هستند

با نادیده گرفتن قوانین توسط حکومت‌های پوپولیست و دیکتاتور و تیرگی روابط بین‌المللی می‌توان گفت در جهان امروز دولت‌ها بدرفتار شده‌اند. این وضعیت ریسک‌هایی را متوجه اقتصاد جهانی می‌کند. در این رابطه اقتصاددانان «بلومبرگ» در گزارشی بزرگ‌ترین ریسک‌های سال ۲۰۱۹ اقتصاد جهان را شناسایی کرده‌اند. براساس این گزارش، ریسک‌های اقتصاد جهانی رو به وخامت هستند، روندی که نیاز به منابع جدید برای رشد را نمایان می‌کند.

بازار جهانی نفت در سال ۲۰۱۹ یک ریسک بزرگ است. نوار نزولی قیمت نفت سیاست‌مداران خاورمیانه را در کانون توجه قرار داده است. در این رابطه چشم‌فعالان بازار به روابط آمریکا و ایران دوخته شده است. در واقع روابط این دو کشور مسیر آینده تولیدات اوپک و متحدان این سازمان را تعیین خواهد کرد. روابط آمریکا با عربستان نیز زیر ذره‌بین است. ترامپ گفته است اجازه نخواهد داد قتل جمال خاشقجی، ستون‌نویس رسانه‌های آمریکایی، روابط دو کشور را به خطر بیندازد. او به خبرنگاران هشدار داده است اگر روابط آمریکا و عربستان خدشه‌دار شود، قیمت نفت سربه‌فلک خواهد کشید. همچنین تصمیم کره شمالی در کنار گذاشتن اقدامات تحریک‌آمیز و گام نهادن در مسیر دموکراسی، می‌تواند آبراه شرق آسیا را به نقطه داغ این منطقه تبدیل کند. این در شرایطی است که ایالات متحده حمایت‌های خود را از تایوان تقویت کرده است و قصد دارد قوانین آزادی تردد کشتی‌ها را در دریای جنوب چین اجرایی کند، امری که تشدید تنش‌ها را با دولت چین به همراه خواهد داشت. دریای شرق چین نیز یکی از نقاط حساس این منطقه است.

کودکان بیشتری کار می‌کنند

به گفته‌های شریعتی، حقوقدان و فعال در زمینه دفاع از حقوق کودکان، فقر در ایران به شکلی دردناک در حال گسترش و قربانی گرفتن است و نخستین قربانیان فشار پیوسته «خشونت اقتصادی» بالادستان بر فرودستان کودکان خانواده‌های حاشیه‌نشین یا کارگرند. بر اساس آمار رسمی ۲ میلیون و بر طبق آمار غیررسمی هفت میلیون کودک کار در ایران وجود دارد. هادی شریعتی گفته است که فقر در ایران به شکلی دردناک در حال گسترش و قربانی گرفتن است و بر اساس آمار هم‌اکنون ۱۹ میلیون تن یعنی یک چهارم جمعیت ایران حاشیه‌نشین شده‌اند که در سه هزار منطقه کشور پراکنده‌اند. وی افزوده است که نخستین قربانیان فشار پیوسته «خشونت اقتصادی» بالادستان بر فرودستان کودکان خانواده‌های حاشیه‌نشین یا کارگرند که ناگزیر درس و مدرسه را رها کرده وارد بازار کار می‌شوند و در واقع بار اصلی فشارهای روزافزون اقتصادی بر دوش کودکان است. به گفته‌های شریعتی، اوضاع اقتصادی هر چه نابسامان‌تر ایران در ماه‌های اخیر بر زندگی خانواده‌های ایرانی و فرزندان‌شان تأثیر بسیار منفی گذاشته و حتی خردسالان و کودکان زیر سن مدرسه را به دستفروشی، زباله‌گردی، کولبری یا تکدی کشانیده است. از سوی دیگر، بر اساس نتایج پژوهش «جمعیت امام علی (ع)» در زمینه کودکان زباله‌گرد در تهران که در سال گذشته ۱۳۹۶ منتشر شد، برخی از این کودکان تا روزی ۲۰ ساعت و حدود ۷۰ درصد از آنها بدون دستکش کار می‌کنند. بیماری‌هایی مانند ایدز، هپاتیت، اسهال، سل و قارچ‌های پوستی، انگل، وب، گال و استخوان درد در میان این کودکان دیده شده است.

رای گیری و اقتصاد



مشهور است که وقتی مرحوم هاشمی رفسنجانی در دوره بحران ارزی دهه ۱۳۷۰ راهی پیدا نمی کرد از اعضای کابینه درباره نرخ دلار رای گیری کرد و این یک کار خطرناک بود که هنوز ادامه دارد. کارشناسان و اقتصاددانان باور دارند رای گیری در حوزه سیاست های کلان نباید جایی داشته باشد. علی سرزعی اقتصاددان و معاون اقتصادی وزارت کار در این باره نوشته است:

چندی قبل آقای رئیس جمهور در دیدار با اقتصاددانانی شکایت می کردند چرا دولت یارانه حامل های انرژی را هدفمند نمی کند اظهار داشتند من به شخصه به این کار معتقدم ولی اعضای کابینه به آن رضایت نمی دهند. وقتی که این قضیه را به شخصه پیگیری کردم مشخص شد که در آخرین رای گیری تنها ۴ نفر از وزرا (با احتساب شخص رئیس جمهور) با اجرای این سیاست درست موافقت کرده اند.

سوالی که بلافاصله مطرح می شود این است که اصلا رای گیری در کابینه در این زمینه ها ضرورت دارد؟ همه می دانیم در قضیه برجام چون شخص رئیس جمهور به مسأله وارد شده بودند و در مورد جزئیات آن نظر داشتند حاضر نبودند آن را گام به گام در کابینه به رای گیری بگذارند! کاش آقای رئیس جمهور همین موضع را در مورد اصلاح قیمت ارز و اصلاح قیمت حامل های انرژی اتخاذ می کردند و با همان قوت که پشت مذاکرات برجام ایستادند و ناملایمات را به جان خریدند، پشت این سیاست های ضروری قرار گیرند و برای اجرای آن حاضر شوند ناملایمات را به جان بخرند. مشکل رای گیری سیاست های اقتصادی تنها مسأله درون دولت نیست

بلکه مشکل بزرگ نظام سیاست گذاری در کل کشور است که بیشترین نمود آن در درون مجلس است. وقتی چنین حقی به نمایندگان داده می شود که در جزئیات همه تصمیمات و سیاست ها مداخله کنند نتیجه آن می شود که بسیاری از سیاست های اقتصادی درست که به مجلس آورده می شود رای نمی آورد یا سیاست های غلطی به تصویب می رسد. دلیل آن روشن است و آن این است که هر نماینده مجلس در بهترین حالت تنها در یک حوزه شناخت و آگاهی و تخصص دارد و نمی تواند رای کارشناسانه در همه زمینه ها بدهد. حال وقتی نظام تصمیم گیری به شکلی باشد که مصوبه مجلس ضروری باشد نمی توان به نتیجه ای غیر از وضع موجود رسید!

رشد خطرناک نابرابری در جهان



از حدود ۴۰ سال پیش ما شاهد سرعت گرفتن بی سابقه شکاف طبقاتی در جهان هستیم. شکاف میان طبقات بسیار مرفه با طبقات مردمی و متوسط در همه کشورهای جهان عمیق تر می شود. از سال ۱۹۸۰ میلادی درآمد و ثروت یک درصد مردم بسیار مرفه جهان آنقدر رشد کرده است که اکنون دو برابر بیشتر از درآمد ۵۰ درصد جمعیت جهان است که در طبقات مردمی و متوسط طبقه بندی شده اند. هر چند طی این مدت در حدود ۲۰۰ میلیون نفر از فقر مطلق رهایی یافته اند، ولی نظام حاکم بر سرمایه داری جهانی طی این مدت آنقدر به اختلاف طبقاتی دامن زده است که در برخی از کشورهای پیشرفته صنعتی غرب ما شاهد پیدایش و گسترش جنبش های پوپولیستی هستیم. بسیاری بر این باورند که جنبش جلیقه زردها در فرانسه که از حدود یک ماه پیش آغاز شده است و سیاست های اقتصادی امانوئل ماکرون، رئیس جمهوری و دولت این کشور را به چالش می کشد، یکی از نتایج واقعی افزایش نابرابری اقتصادی در این کشور است. بسیاری این پرسش را مطرح می کنند که نابرابری اقتصادی در فرانسه و اروپا از بسیاری از کشورهای جهان از جمله آمریکا کمتر است، چرا این جنبش که بر پایه مبارزه با نابرابری اقتصادی پا گرفته است، در فرانسه بروز کرده است؟ نتیجه گروه تحقیقاتی به رهبری توما پیکتی، اقتصاددان فرانسوی نشان می دهد که ثروتمندان جهان که یک درصد جمعیت کره زمین را تشکیل می دهند، موفق شده اند از سال ۱۹۸۰ تاکنون ثروت خود را دو برابر کنند. لوکا شانسل اقتصاددان فرانسوی درباره نحوه اندازه گیری نابرابری اقتصادی می گوید: «یک روش بسیار ساده برای تعریف «نابرابری اقتصادی» اندازه گیری درآمد و ثروت متمرکز شده نزد یک درصد

و ۱۰ درصد از جمعیت بسیار مرفه یک جامعه و مقایسه آن با ۵۰ درصد مردم جامعه که پایین ترین درآمد را دارند و همچنین مقایسه با صاحبان درآمدهای کل ۹۰ درصد دیگر جامعه است. گزارش های گذشته فقط بر یک درصد صاحبان درآمدها و ثروت بالای جامعه متمرکز شده بود و تحولات درآمدی در درون ۹۹ درصد دیگر جامعه به نحو بهینه ای اندازه گیری نمی شد. در حالی که در تازه ترین «گزارش درباره نابرابری جهانی» ما شاهد نوآوری های جدید بوده و در این گزارش تحولات درآمدی در تمام جامعه بررسی شده و تحولات درآمدی طبقات مردمی، متوسط و طبقه مرفه و بسیار مرفه مورد ارزیابی قرار گرفته است. به عنوان مثال، این روش تازه، راکد و ثابت ماندن سطح درآمدی طبقه مردمی و دارای درآمدهای پایین که ۵۰ درصد جمعیت آمریکا را تشکیل می دهند، طی نزدیک به ۴۰ سال پیش نشان داده است.

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر



از چيستی سازوکار ویژه اروپا تا کیستی ما

را برای شروع فرآیند آن اعلام نکرده است. از سوی دیگر به عقیده ناظران تهدیدهای آمریکا باعث شده تا روند سازوکار ویژه با یک سوال بزرگ مواجه شود؛ اینکه مبنای حقوقی این سازوکار با توجه به تحریم‌های ایالات متحده چگونه خواهد بود و میزبان این نهاد مالی که گفته می‌شود قرار است ادامه همکاری‌های اقتصادی با ایران را تضمین کند به عهده کدام کشور اروپایی واگذار می‌شود. در پرونده پیش رو در گفت و گو با صاحب‌نظران این حوزه به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها بوده و دورنمای توافق هسته‌ای و همکاری‌های برجاسی ایران با سایر شرکای این توافق بین‌المللی را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

اما مقامات کشورمان از زمان خروج ایالات متحده از توافق هسته‌ای بارها تاکید کرده‌اند که در صورت محقق نشدن منافع ایران از برجام، نیازی به ادامه و حضور در این توافق نمی‌بینند. در همین رابطه سایر شرکای برجام به خصوص اروپا تصریح می‌کنند که برجام برای امنیت بین‌المللی ضروری است و آنها قصد دارند با ایستادگی در قبال یکجانبه‌گرایی واشنگتن، ادامه همکاری‌ها در چارچوب توافق هسته‌ای را تضمین کنند. به همین خاطر اکنون چند ماه است که اروپا اعلام کرده در حال طراحی سازوکاری ویژه برای تعامل تجاری و اقتصادی با ایران است، اما همزمان به واسطه پیچیدگی‌های موجود در این مکانیسم همکاری، زمان مشخصی

محمد رضا ستاری
عضو هیأت تحریریه



با خروج یکجانبه آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌های ثانویه علیه ایران، وضعیت توافق هسته‌ای و ادامه همکاری میان کشورهای ۴+۱ با کشورمان در حال‌های از ابهام قرار گرفته است. هر چند بنا بر گزارش‌های متعدد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و نیز تایید جامعه جهانی ایران تاکنون به تمامی تعهدات خود ذیل برجام پایبند بوده است،

در گفت‌وگو با رئیس انجمن ایرانی روابط بین‌الملل بررسی شد

الزامات بهرهمندی ایران از منافع برجرام

● امیدواری به تداوم مناسبات میان ایران و اروپا



اروپا در مواجهه با ایران، به سراغ یکی از تحلیلگران ارشد روابط بین‌الملل دکتر ضیاءالدین صبوری رفته‌ایم و نظرات وی را در این راستا مورد بررسی قرار داده‌ایم. ایشان که هم اکنون ریاست انجمن ایرانی روابط بین‌الملل را بر عهده دارد از نزدیک با مسائل و تحولات بین‌المللی درگیر است. دکتر صبوری معتقد است: مسائل کلی و مبهم نمی‌تواند نگاه درستی را معطوف به منافع ملی کشور دربر داشته باشد، سیاست خارجی موفق نیازمند ابزارهای دقیق و متدهای علمی است که با پیوستگی منافع با کشورهای همسو، امنیت و رفاه را برای کشور به ارمغان بیاورد. این کارشناس ارشد روابط بین‌الملل در ادامه با بیان اینکه روابط ایران با اروپا راهبردی نبوده بلکه تاکتیک‌محور است، خاطرنشان می‌کند: با توجه به واگرایی‌هایی که اکنون میان آمریکا و اروپا وجود دارد، اروپایی‌ها به فکر نشان دادن استقلال خود هستند و از همین منظر می‌توان امیدوار بود که تعاملات و همکاری‌های ایران و اتحادیه اروپا در آینده تداوم داشته باشد.

با گذشت نزدیک به شش ماه از زمان اعلام خروج ترامپ از توافق برجرام، هم و غم چهار قدرت دیگر حاضر در مسأله برجرام، حفظ این توافق بین‌المللی به طرق و ابزارهای مختلف است. روسیه و چین به عنوان دو قدرت بزرگ شرقی با اعلام اینکه، خروج آمریکا از برجرام به عنوان معاهده‌ای جمعی آمریکا نشانگر بازگشت یکجانبه‌گرایی در سیاست خارجی این کشور است؛ بر لزوم حفظ برجرام تأکید دارند. واکنش‌ها از سوی رهبران قاره سبز نسبت به رفتار تهاجمی ترامپ به مراتب تندتر و انتقادی‌تر بود. سه قدرت بزرگ اروپایی از همان ابتدا، یک‌صدا موضع مخالف‌شان را با ترامپ اعلام داشته و بر این باورند که وی با پشت کردن به توافقات شورای امنیت، امنیت بین‌المللی را زیر سوال برده است. رهبران اروپایی صرفاً در بیان مواضع توقف نکرده‌اند و به طریق‌های ممکن برنامه‌هایی را نیز برای حفظ برجرام و برقراری کانال‌های مالی و ارتباطی با ایران در نظر گرفته‌اند که اس‌پی‌وی (SPV) از جمله این موارد است. با عطف به رویکرد

خود را به طور هوشمندانه تعریف کند و با شناخت از محیط بین‌المللی دایره دوستان و دشمنانش را تنظیم نماید به همان نسبت در پیگیری و اجرای منافع خود موفق‌تر خواهد بود. در نتیجه می‌توان بحث سازوکار ویژه را نیز با عطف به منافع محور بودن قدرت‌ها و بازیگران

مطرح می‌شود، اروپایی‌ها تا چه میزان قادر خواهند بود تا برای حفظ برجرام و نیز ادامه همکاری با ایران موفق عمل کنند؟

نظام بین‌الملل عرصه توفیق فرصت‌ها و تهدیدات است. طبیعی است که در این عرصه هر کشوری که قادر باشد منافع

● از زمان خروج آمریکا از برجرام موضوع حفظ توافق هسته‌ای و نیز ادامه همکاری میان ایران و اروپا یکی از موارد مهم سیاست خارجی ایران بوده است. به توجه به تحولاتی که پشت سر گذاشته‌ایم و صحبت‌هایی که از اجرایی شدن سازوکار ویژه

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

جهانی تحلیل کرد. در اینجا ابتدا لازم است به نوع رابطه ایران با اتحادیه اروپا و از سوی دیگر روابط اروپا با آمریکا توجه کرد. در حقیقت یک نوع مثلی را ترسیم کرد که در رئوس آن روابط ایران-اروپا، اروپا-آمریکا و آمریکا-ایران مورد توجه قرار بگیرد. در چنین شرایطی اگر بخواهیم روابط میان ایران و اروپا را مورد بررسی قرار دهیم، می‌توان گفت که این روابط از نوع راهبردی نیست، بلکه نگاه ایران به اروپا اصولاً نگاهی تاکتیک‌محور است. در نتیجه روابط استراتژیکی که بتوان با تامل بر آن به کادرسازی و چارچوب‌سازی پرداخت وجود ندارد. ما نهایتاً روزانه ۷۰۰ هزار بشکه نفت به اروپا صادر می‌کنیم که با توجه به نوع نفت ایران قابل جایگزینی با نفت کشورهای عرب منطقه است. بنابراین نگرانی آنچنانی از این بابت شامل منافع اقتصادی اروپا نمی‌شود.

از سوی دیگر باید گفت که رابطه میان اروپا و آمریکا، رابطه‌ای استراتژیک و راهبردی است. محور بروکسل-واشنگتن حداقل پس از جنگ جهانی دوم به این سو، یک رابطه گسترده و توانمند اقتصادی، سیاسی و امنیتی را تجربه کرده‌اند. هر چند این امر به بدین معنا نیست که اروپا گوش به فرمان ترامپ و آمریکا است. درست است که اشاره کردیم روابط اروپا و آمریکا بسیار گسترده‌تر از روابط با ایران است، اما در این میان نشانه‌هایی از مقاومت اروپا در برابر یکجانبه‌گرایی آمریکا دیده می‌شود. به خصوص سیاست‌های فرانسه، انگلیس و آلمان این امیدواری را ایجاد کرده که کشورهای تحت فشار مانند ایران می‌توانند با تکیه بر این مسائل روابط خود را با اروپا تقویت کنند.

امروزه شاهد هستیم که فرانسه و آلمان صحبت از ارتش اروپایی می‌کنند و سیاست‌های افراطی ترامپ را در نقطه متقابل منافع اتحادیه اروپا می‌دانند. در همین راستا است که تمایل اروپایی‌ها برای همکاری با ایران حداقل در وضع موجود مشاهده می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که در شرایط کنونی انگیزه‌ها از سوی اروپا وجود دارد ولی این انگیزه‌ها نیازمند زمان و نیز عمیق‌تر شدن روابط ما با اتحادیه اروپا خواهد بود.

مسئله سومی که می‌تواند در اجرایی شدن سازوکار اروپا با ایران دخیل بوده و در راستای آن خلل ایجاد کند، حجم گسترده مخالفت و دشمنی آمریکا با

ایران است. شاید اگر در حالتی عادی این دشمنی فاقد زمینه ایدئولوژیک بود، اروپا با جدیت بیشتری روابط مالی با ایران را پیگیری می‌کرد. اما امروزه شاهد هستیم که در هیچ دوره‌ای آمریکا به اندازه دولت ترامپ رویکرد ضدایرانی نداشته است. لذا به اعتقاد من برآیند این سه عامل باعث می‌شود که اروپا محتاط‌تر در قبال ایران گام بردارد.

● **با توجه به سه محور روابطی که اشاره کردید، آیا می‌توان در آینده نشانه‌هایی از گام‌های عملی بیشتر از سوی اروپا را شاهد باشیم؟**

همان‌طور که اشاره شد اروپا یک رویکرد نسبتاً مستقل در روابط بین‌الملل در پیش گرفته و از چنین منطقی می‌توان نتیجه گرفت که به دنبال تقویت روابط با کشورها و نهادهایی است که حتی در نقطه متقابل منافع آمریکا قرار دارند. اروپایی‌ها در سال ۱۹۹۶ قانونی را تصویب کردند که طی آن به آمریکا اجازه نمی‌داد روابط کوبا با اروپا را تحت تأثیر قرار دهد. استدلال اروپایی‌ها این بود که تحریم‌های آمریکا علیه کوبا، استقلال فراسرزمینی اروپا را زیر سوال می‌برد. لذا با عطف به این تجربه می‌توان امیدوار بود که حداقل اتحادیه اروپا در رابطه با برجام منافع ناشی از ارتباطات مالی با ایران را مدنظر قرار دهد. البته این امر مشخصاً نیازمند هوشیاری دستگاه دیپلماسی کشور و نیز تعریف حوزه‌های منافع مشترک است.

● **اکنون از سوی اروپا زمزمه‌هایی از میزبانی سازوکار ویژه برای همکاری اقتصادی با ایران به گوش می‌رسد. این سازوکار چه هدفی دارد و الزامات برقراری آن چیست؟**

همان‌طور که تاکنون منابع آگاه و رسانه‌ای اعلام کرده‌اند، میزبانی این سازوکار قرار است در فرانسه یا آلمان باشد. اگر مکان این نهاد در فرانسه باشد ریاست آن با آلمان و اگر میزبانی از سوی آلمان صورت بگیرد، ریاست برعهده فرانسوی‌ها خواهد بود. البته اخیراً خبرهایی در خصوص توافق دو کشور مبنی بر استقرار این نهاد در فرانسه به ریاست آلمان منتشر شده است.

درواقع پاریس و برلین سعی دارند با وحدت رویه، فوبیا و ترس از تحریم‌های ترامپ را به صورت مشترک پوشش داده و خنثی کنند. این امر بیانگر آن است که اروپا به دنبال زمینه‌هایی برای همکاری با

ایران بوده و حداقل تاکنون این اراده نشان داده است. البته نکته‌ای که وجود دارد این است که سازوکار موجود نیازمند گام‌هایی از سوی ایران نیز هست. به طور مثال بحث FATF که در کشور مطرح است، یکی از پیش‌شرط‌های اجرایی شدن سازوکار مالی اروپا است. تصویب این معاهده روابط ایران را حداقل با نهادهای مالی غیرآمریکایی تضمین می‌کند. اگر ما در لیست سیاه FATF قرار بگیریم طبیعتاً کار برای تداوم همکاری از سوی اروپا دشوار خواهد بود.

● **مقامات کشورمان پس از خروج آمریکا از برجام مکرر تأکید داشته‌اند که در صورت عدم بهره‌مندی ایران از منافع برجام دیگر نیازی به حضور در آن نمی‌بینند. به نظر شما منافع ایران از برجام چیست و در چه سطحی باید محقق شود؟**

در بحث منافع در روابط بین‌الملل باید متوجه بود که منافع امری ذهنی و انتزاعی است و هر بازگیری برداشت خاص خود را از آن دارد. در خصوص اینکه گفته می‌شود ما چه منفعی از برجام خواهیم داشت، لازم است خاطرنشان کنیم که این موضوع باید با نگاهی یکسونگرانه به منافع مورد تحلیل و بررسی قرار بگیرد. منافع ایران صرفاً در فروش نفت و صادرات آن نیست و این نگاه، نگاهی تقلیل‌گرایانه به منافع ملی خواهد بود. در صورتی که منافع مهم ما از برجام کسب اعتبار بین‌المللی، خنثی کردن فضا سازی‌های عبری-عربی علیه ایران بود که در سایه برجام این دیوار ایران‌هراسی ترک برداشته و تخریب شد.

در اینجا لازم است بازتعریفی از منافع خودمان در همین دوره صورت گرفته و آلترناتیوهای ممکن مدنظر قرار بگیرد. در صورت خروج ایران از برجام این بهانه به دست آمریکا و متحدان منطقه‌ای این کشور داده می‌شود تا بار دیگر اقدام به اجماع‌سازی بین‌المللی علیه ایران کنند. در همین رابطه مخالفان برجام باید پاسخگو باشند چه آلترناتیو و جایگزینی برای منافع ملی کشور در صورت خروج از برجام وجود دارد؟ مشخصاً پاسخ واضح است و هیچ برنامه‌ای در این خصوص از سوی مخالفان ارائه نمی‌شود. به اعتقاد من طرح مسائل کلی و مبهم نمی‌تواند نگاه درستی را معطوف به منافع ملی کشور داشته باشد، بلکه نگاه درست شناخت مناسب از محیط بین‌المللی و ظرفیت‌های آن برای بهره‌مندی اقتصاد ایران است.



سرنوشت سازوکار مالی ویژه اروپا

وضعیت اقتصادی مردم چنین است در حالی که در زمان امضای برجام از حمایت همه‌جانبه مردم کشورش هم برخوردار بود. درباره ساز و کار ویژه تجاری اروپا برای ایران اغراق می‌شود. ساز و کار یک مکانیسم ساده و یک بورس معاوضه است بین نفتی که ایران می‌فروشد و پولی که اتحادیه اروپا قصد دارد در برابر این نفت فروخته شده به ایران برگرداند. هیچ کشور اروپایی تاکنون «ریسک بالا» می‌بازانی ساز و کار را بر عهده نگرفته چون ریسک این کار بالاست. «چرا می‌گوییم این ریسک بالاست؟ چون تحریم‌های ثانویه آمریکا فقط مختص ایران نیست و تمام شرکت‌های خارجی را هم که با جمهوری اسلامی همکاری می‌کنند یا در ایران فعالیت اقتصادی دارند شامل می‌شود.»

♦ لیست سفید اروپا

در برابر لیست سیاه آمریکا

در برابر لیست سیاه یا خاکستری آمریکا از شرکت‌های مورد تحریم، اروپا می‌تواند یک لیست سفید درست کند. به این ترتیب اروپا

شدن با نهادهای رسمی انتخابی یا انتصابی ایران، به طور مستقیم تسهیلاتی را برای کار با شرکت‌های ایرانی ایجاد کنند. مسعود سالاری، استاد علوم سیاسی دانشگاه آزاد بروکسل و پژوهشگر مسائل راهبردی ایران، با حضور در نشست گروه پارلمانی روابط اروپا و ایران در مقر پارلمان اروپا در استراسبورگ، پیشنهاد تازه‌ای را در این زمینه به اعضای این گروه ارائه داد. پیشنهاد او در این زمینه مورد استقبال گروه و به ویژه اعضای آلمانی آن قرار گرفته است. نمایندگان اروپا پذیرفته‌اند که برجام در شرایط بحرانی است و هم‌اکنون روی این موضوع به شدت کار می‌کنند.

با تمام پول‌های آزادشده‌ای که امضای برجام به دست ایران رساند و با وجود امکانات بالایی که برای فروش نفت به ایران داده شد، تمام بحران اقتصادی که امروز به لحاظ معیشتی و حقوقی و نیز نبود اجرای برنامه‌های عمرانی در ایران دیده می‌شود، علامت سؤال بزرگی پیش روی همه نمایندگان اروپا به وجود آورده است. آنها می‌پرسند پس دولت چه کرد؟ چرا

اتحادیه اروپا ساز و کار ویژه‌ای را برای تجارت با ایران در دوران تحریم در نظر گرفته است. اما به نظر می‌رسد که اجرای این ساز و کار از همان ابتدا با مشکل روبرو شده، زیرا هنوز هیچ یک از کشورهای عضو اتحادیه از ترس تحریم آمریکا مایل به میزبانی این ساز و کار نیست. از سوی دیگر فدریکا موگرینی، کمیسر روابط خارجی اتحادیه اروپا که به شدت پیگیر اجرای این طرح بوده و قول عملی کردن آن را پیش از پایان سال جاری میلادی داده بود، دیگر نامزد احراز سمت فعلی خود در کمیسیون اروپا نیست و به زودی دوره کاری او پایان خواهد یافت.

♦ پیشنهاد کارشناسان

یکی از راه‌هایی که برخی کارشناسان برای عملی کردن ساز و کار ویژه اروپا پیشنهاد می‌کنند ایجاد راه‌های ارتباطی برای کار کردن مستقیم با شرکت‌های ایرانی است. به این معنی که اتحادیه اروپا به جای طرف

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

◆ شفافیت ایران، امتیازی برای اروپا

این گونه همکاری نه تنها میزان شفافیت ایران برای همکاری بین‌المللی را بالا می‌برد، بلکه باعث می‌شود اروپا با قدرت بیشتری با آمریکا برای گرفتن معافیت تجارت با ایران گفتگو کند. به این ترتیب اروپا خواهد توانست برای فعالیت‌های با ایران که فقط در چهارچوب انسان‌دوستانه و پزشکی و دارویی هم نیست، معافیت بگیرد و با اقتدار و به طور قانونی این اجازه را از آمریکا به دست آورد همچنین بنابراین خبر خوب برای کارفرمای ایرانی آن است که او در قالب این ساز و کار برای نخستین بار خواهد توانست صدای تولید محور و سودمحور خودش را به گوش دیگران برساند.

◆ نقش موگرینی

پایان دوره کاری فدریکا موگرینی در سمت کمیسر روابط بین‌الملل اتحادیه اروپا نیز یک مسأله شده است. خانم موگرینی در حال برکناری است، یا بهتر بگوییم، خودش مایل به کناره‌گیری است، اکنون باید بررسییم چه افرادی خواهند توانست مسئولیت ریسک بزرگی را اقدامات او به همراه داشته به عهده بگیرند. به عبارت دیگر مسأله از اینجا به بعد پیدا کردن کشور میزبان برای ساز و کار اروپا نیست. مسأله این است که نمایندگان اروپایی برای یافتن چنین میزبانی‌ای که پیشنهاد آن را خانم موگرینی داده با مشکل مواجه خواهند بود.

◆ انفعال شرکت‌های ایرانی

در این روزگار حتی یک شرکت ایرانی پیدا نشده است و کیلی به سراغ اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها بفرستد و بگوید که این تهمت او تحریم نادرست است. اگر شما بتوانید به همین خزانه‌داری آمریکا که شرکت‌های ایرانی را تحریم می‌کند، اطلاعات حقوقی منطقی و دقیق ارائه بدهید، آنها حاضر خواهند بود همان کاری را که در معافیت دادن به ترکیه، هند و کره جنوبی کردند با اروپا هم بکنند. در واقع این شانس است که آمریکا پیش از همه به اتحادیه اروپا داده بود تا این اتحادیه بتواند امکان لازم و کافی را برای دفاع حقوقی از تمام موارد همکاری تجاری و تولیدی با ایران داشته باشد و برای تحریم تقاضای معافیت بکند. نمی‌شود استانداردهای بین‌المللی را برای خواست یک گروه غیر منتخب در ایران تغییر داد، این باید فهمیده شود. نمی‌توان افای تی‌اف را مورد بازنگری قرار داد چون دو نماینده‌ای که بیاناتشان هیچ گونه استحکام حقوقی‌ای ندارد آن را زیر سؤال برده‌اند. نمایندگان اروپا بسیار مصمم و خوش‌بین هستند که می‌توانند خارج از چالش‌های نظامی و امنیتی موجود در این سازوکار و تنها در زمینه مسائل اقتصادی همکاری با ایران را محقق کنند.



امتیازات زیادی به کارفرمایان ایرانی داده خواهد شد. کارفرمای ایرانی علاوه بر گذرنامه عادی خود به عنوان یک شهروند، صاحب یک گذرنامه تجاری اروپایی هم می‌شود. در جریان تحریم، بانک‌های اروپایی بدون این که حتی بعضی از آنها خودشان بدانند چرا، ارائه تسهیلات به شهروندان ایرانی را تنها به دلیل در اختیار داشتن گذرنامه عادی ایرانی از او دریغ می‌کنند. اما همین شهروندان ایرانی در صورت در اختیار داشتن گذرنامه تجاری اروپا می‌توانند از همان بانک‌های تحریم‌کننده، تسهیلات بانکی و مالی دریافت کنند. بانک‌های خارجی بعد از گذراندن مراحل تفاهم عملی و بررسی موازین و شرایط لازم با مشتری ایرانی، تمام امتیازات کاری مورد نیاز برای اجرای پروژه‌های توسعه‌گرایانه میان ایران و اروپا را ارائه خواهند داد و کار را تسهیل خواهند کرد. همکاری ایران و اروپا در این چهارچوب نیز قطعاً باید مطابق موازین و قوانین بین‌المللی پیش برود. این همکاری‌ها مطابق استانداردهای بین‌المللی انجام خواهد شد و جمهوری اسلامی باید قبول کند که وارد این استانداردها بشود. این استانداردها در عین حال تنها در زمینه پولی نخواهد بود و زمینه‌های دیگر را نیز شامل خواهد شد.

برای اولین بار در یک اقدام حقوقی و قانونی می‌تواند مشوق تمام گروه‌ها و شرکت‌های اقتصادی، مالی و خدماتی ایرانی باشد که فعالیت قانونی و مشروع خود را به صورت شفاف و بدون پنهان‌کاری ارائه می‌کنند. این شرکت‌ها می‌توانند صاحب گذرنامه تجاری یا «بیزنس پاس» بشوند. یعنی این که یک پاسپورت تجاری تأیید شده از سوی اروپا به آنها داده شود. این موضوع به شرکت‌های ایرانی کمک شایانی می‌کند. آنها چون از سوی خزانه‌داری آمریکا تحریم نیستند و مجوز دارند، می‌توانند تمام فعالیت‌های خود را در خارج از چارچوب تحریم گسترش بدهند. این فعالیت هم می‌تواند درون مرزهای ایران صورت بگیرد و هم در مناطق آزاد تجاری.

◆ امتیاز گذرنامه تجاری اروپایی برای ایرانیان

این لیست می‌تواند بر اساس «شاخص‌های جهانی حکمرانی» (WGI) تهیه شود و سؤالات و اطلاعات آن نیز در همین چهارچوب تنظیم خواهد شد: بر اساس داده‌های لازم و اطلاعات کاملاً حقوقی و شفاف که در اختیار شرکت‌های اروپایی و همکاران ایرانی آنها قرار داده می‌شود،

در گفت‌وگو با حسن بهشتی پور تحلیلگر ارشد روابط بین‌الملل مطرح شد

راه حل میانه ایران برای ترغیب اروپا به گام‌های عملی بیشتر

● ایران محدودیت‌ها، کنترل‌ها و نظارت‌ها را پذیرفته ولی ما به ازای آن به اهداف خود نرسیده است

حسن بهشتی پور پژوهشگر ارشد و تحلیلگر روابط بین‌الملل است. ایشان در گفت‌وگوی پیش‌رو با اشاره به منافعی که ایران باید در برجام از آنها بهره‌مند شود به موضع اروپا در قبال مسأله موشکی ایران اشاره کرده و معتقد است: با سیاست‌هایی که غرب در منطقه پیش گرفته است، توازن در خاورمیانه بهم خورده و در نتیجه آن نوعی فضا سازی رسانه‌ای در حال شکل‌گیری است که هرگونه توافقی را در چارچوب برجام بی‌اثر کند. بهشتی پور همچنین تصریح می‌کند: برای ترقیب اروپا به تلاش بیشتر در راستای برجام، ایران باید بدون اینکه از توافق هسته‌ای خارج شود، اجرای بخش‌هایی از آن را به تعلیق درآورد.



است و باید بتواند محصولات تولیدی خود را به دنیا صادر کند. همچنین گاز و فلزات گرانبها از جمله طلا و نقره و بحث کشتیرانی تا بنادر ایران بتوانند کشتی‌های خود را به سایر بنادر دنیا برسانند و در سطح بین‌الملل هیچ محدودیتی نداشته باشند. سپس بحث هواپیماها بود که نیاز به واردات هواپیما و قطعات یدکی آنها وجود داشت. این موارد جزء مهم‌ترین رؤس منافع ایران از برجام است. نکته دیگر بیمه کشتی‌ها و همکاری‌های بیمه‌ای و بانکی بود. در شرایط جدید اگر قرار باشد این موارد تامین نشود در حقیقت منافع برجام که در این موارد تعریف شده است برای ایران محقق نخواهد شد. ایران محدودیت‌ها، کنترل‌ها و نظارت‌ها را پذیرفته ولی مابه‌ازای آن به اهداف خود نرسیده است. وقتی از منافع ایران حرف می‌زنیم در حقیقت به محورهای چندگانه‌ای که ذکر شد اشاره داریم. یعنی صادرات نفت، پتروشیمی، واردات و صادرات فلزات گرانبها، بحث بیمه کشتی‌ها، بانک‌ها و بحث هواپیمایی که موضوعات مهمی از بندهای برجام است. قرار بر این بود که بعد از خروج آمریکا از برجام اروپا سازوکاری تعریف کند تا ایران از منافع این رؤس برخوردار شود، ولی متأسفانه هنوز این طرح از طرف اروپاییان محقق نشده است.

دیگری به آمریکایی‌ها مربوط می‌شد. آمریکایی‌ها هم در بعد داخلی و هم در بعد خارجی تحریم‌های اولیه و ثانویه را دنبال می‌کردند. تحریم ثانویه به معنی منع ارتباط کسانی بود که می‌خواستند با ایران رابطه داشته باشند. برجام این مجموعه را در مورد آمریکا به حالت تعلیق درآورد و در مورد اروپا و سازمان ملل به کل لغو کرد.

وقتی گفته می‌شود ایران باید از منافع برجام برخوردار شود در حقیقت در شرایط فعلی به این معنی است که ایران بر اساس برجام اقداماتی انجام داده است. از جمله محدود کردن غنی‌سازی به ۳.۶۷٪ بیش از این غنی‌سازی انجام نمی‌شود که این مقدار میزانی است که نیروگاه بوشهر به آن احتیاج دارد. یا محدود کردن تعداد سانتریفیوژها از ۲۰۰۰۰ به ۶۰۰۰ هزار که ۵۰۰۰ در نطنز و ۱۰۰۰ در فوردو باقی‌ماند. ایران این کنترل‌ها را پذیرفت تا در ازای آن تحریم‌ها به پایان برسد.

در این میان مهم‌ترین تحریم‌هایی که برای اقتصاد ایران اهمیت داشت در رتبه اول تحریم‌های مربوط به نفت بود تا با ملغی شدن آن ایران بتواند به راحتی نفت صادر کرده و پول حاصل از صادرات نفت را به کشور منتقل کند. مسأله بعد بحث پتروشیمی بود. ایران یکی از عمده تولیدکنندگان مواد پتروشیمی در دنیا

● آقای دکتر بهشتی پور، پس از خروج آمریکا از برجام مقامات کشورمان همواره تاکید کرده‌اند که اگر ایران از منافع برجام منتفع نشود، دیگر نیازی به باقی ماندن در این توافق نمی‌بینند. از نظر شما منافع برجام برای ایران چیست و مقامات کشورمان دقیقاً به کدام مزایای توافق هسته‌ای اشاره دارند؟

برجام هم دارای بعد امنیتی بود و هم بعد حقوقی و اقتصادی. در واقع یکی از ویژگی‌های مهم این توافق چند بعدی بودن آن است. در راستای بعد حقوقی پرونده‌ای علیه ایران تشکیل شده بود که مهم‌ترین نکته این پرونده‌سازی ابعاد نظامی احتمالی برنامه هسته‌ای ایران بود. ایران به ساخت بمب هسته‌ای متهم شده بود و به همراه دوازده قطعنامه‌ای که شورای حکام بر علیه ایران صادر کرده بود و شش قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل، مجموعه‌ای از تحریم‌ها بر علیه کشور به وجود آمده بود. لذا در اینجا وقتی ایران درباره برجام بحث می‌کند عملاً ساز و کار حقوقی کنار گذاشته می‌شود. بخش دیگر لغو تحریم‌هایی است که بر اساس رژیم حقوقی ناعادلانه و بر اساس پرونده‌سازی شکل گرفته بود. بخشی از این تحریم‌ها به سازمان ملل، بخشی به اتحادیه اروپا و بخش

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

● **خب تا به این جای کار ایران تاکید کرده که اروپا از منظر سیاسی اقداماتی مناسبی را صورت داده اما در راستای گام‌های عملی تاکنون انتظارات را برآورده نکرده است.** در همین راستا چند هفته قبل به نقل از دیپلمات‌های اروپایی گفته شد که قرار است آلمان یا فرانسه میزبان سازوکار ویژه اروپا باشند و در همین رابطه تاکید شد که این یک گام مهم در راستای حفظ توافق هسته‌ای است. سوال این است که موضوع این میزبانی تا چه اندازه می‌تواند راه گشا باشد و این کشورها چگونه می‌توانند اجرای اقدامات عملی را تضمین کنند؟

در این قضایا هیچ تضمینی وجود ندارد. سازوکاری که درباره آن صحبت شده به طور مثال به این صورت خواهد بود که آلمان مکانی را برای بانک مورد نظر اختصاص دهد و فرانسه نیز ریاست این بانک را بر عهده بگیرد و یا برعکس. ولی مهم این است که راه باریکی طراحی شده تا در این مکان مبادلاتی به یورو و نه به دلار انجام شود و معادل نفت صادر شده توسط ایران، پولی باشد که در این بانک قرار بگیرد تا این پول با کشورهایی که به ایران کالا وارد می‌کنند مبادله شود.

من فکر می‌کنم یکی از مهم‌ترین مسائل این بود که دو طرف متقاعد شده بودند که جزئیات این موضوع را منتشر نکنند تا گروه اقدام آمریکا علیه ایران که در حال رصد تحولات است تحرکاتی را برای بی‌نتیجه ساختن آن انجام ندهد. شما شاهد بودید به محض اینکه توافق آلمان و فرانسه اعلام شد، آمریکایی‌ها موضوع آزمایش موشکی ایران را مطرح کرده و فضا سازی رسانه‌ای شدیدی را به راه انداختند. متعاقب با آن شاهد بودیم که فرانسه و انگلیس نیز به این فضا سازی رسانه‌ای پیوسته و عملاً موضوع وارد فاز دیگری شد. به محض نزدیک شدن به یک توافق فورا آمریکا و اسرائیل و عربستان با امکان در دست داشتن مجموعه‌ای از رسانه‌های تأثیرگذار، فضا سازی رسانه‌ای بین‌المللی را استارت می‌زنند و مانع از پیشبرد مثبت ماجرا می‌شوند.

در همین راستا، این مسأله مطرح شده است که آیا باید تحریم‌های جدید بر علیه ایران وضع شود یا نه؟! نکته مهم این است که در برجام به هیچ‌وجه در مورد موشک بحث نشده و فقط در قطعنامه ۲۲۳۱ درباره موشک صحبت شده است که در آن مورد نیز الزامی وجود نداشته و دستوری داده نشده است، بلکه از ایران درخواست شده است از تولید موشک‌هایی که قادر به حمل کلاهک هسته‌ای باشد خودداری کند. در دکتترین نظامی ایران مطلقاً بحث سلاح هسته‌ای مطرح نبوده و ایران به دنبال تولید موشک با قدرت حمل کلاهک هسته‌ای نیست. بنابراین این فضا سازی

رسانه‌ای از طرف دشمنان ایران است تا توافقی را که در حال شکل گرفتن است بی‌اثر کنند. با توجه به این تحولات، تاکنون یکی از دلایل ابهام در مورد سازوکار ویژه میان ایران و اروپا به دلیل جلوگیری از انتشار جزئیات است تا بتوان اقدامی را به طور عملی انجام داد. دلیل تعلل اروپاییان از نظر برخی از کارشناسان از جمله من این است که رابطه بین دولت‌های اروپایی با شرکت‌های بزرگ رابطه‌ای دستوری نیست و این شرکت‌ها مالیات دهنده و پشتیبان دولت‌های اروپایی هستند.

● **سوال اصلی نیز همین است. آیا ماجرای سازوکار ویژه و جلسه شورای امنیت در مورد بحث موشکی ایران را می‌توان نوعی بازی سیاسی تلقی کرد؟**

اسم این برنامه، بازی نیست. شورای امنیت نمی‌تواند یک بیانیه صادر کند. چرا نمی‌تواند؟ جلسه خود را پشت درهای بسته برگزار می‌کنند و یک بیانیه ساده هم منتشر نمی‌شود، چون اختلاف وجود دارد. در دوران پیش از برجام آنها به اتفاق هم بر علیه ایران بیانیه صادر می‌کردند. قطعنامه‌ها ذیل فصل هفتم صادر می‌شد. ایران را تهدید کننده صلح و امنیت دنیا معرفی می‌کردند. ولی امروز یک بیانیه ساده هم صادر نمی‌کنند، چون رژیم حقوقی و سازوکاری که آمریکایی‌ها بر علیه ایران تدوین کرده‌اند فروپاشیده و علاوه بر اینکه بهانه‌های قبلی وجود ندارد اختلاف دیدگاه نیز مطرح است.

● **در اینجا ما شاهد هستیم که برخی کشورهای اروپایی به همراه آمریکا می‌گویند که موضوع موشکی ایران ناقض قطعنامه ۲۲۳۱ بوده و با تعهدات برجام سازگاری ندارد.**

ببینید آیا موشکی که ایران ساخته است واقعاً قادر به حمل کلاهک هسته‌ای است یا نه؟ طبق قطعنامه ۲۲۳۱ از ایران درخواست شده و اینجا بین واژه Sall یعنی خواستن که قطعی است با درخواست و توصیه کردن تفاوت وجود دارد. بنابراین شاهد هستیم برداشته‌های متفاوتی که بین روسیه، چین، اتحادیه اروپا و آمریکا وجود دارد، عملاً موجب این شده است که حتی نمی‌توانند یک بیانیه صادر کنند. آمریکا روی مسأله‌ای واهی تبلیغ می‌کند در حالی که با خروج از برجام، تعهد خود را نقض کرده است. با این حال ایران را به نقض بندهای برجام متهم می‌کند. اگر این قطعنامه لازم‌الاجرا است آمریکا کشوری است که باید آن را اجرا کند ولی عملاً که با خروج از برجام قطعنامه را زیر پا گذاشته است.

● **در همین رابطه شما در یکی از مقاله‌های خودتان تصریح کرده بودید که ایران نباید بیش از این معطل اروپایی‌ها شود؟ آیا منظور شما این است که ایران باید همکاری با اروپا**

را ذیل توافق برجام متوقف یا محدود سازد؟ برای ترغیب اروپا به تلاش بیشتر ایران باید بدون اینکه از برجام خارج شود، اجرای بخش‌هایی از برجام را به تعلیق درآورد. وقتی ما از برجام خارج بشویم برای رسیدن به سازوکار مناسب مجدداً باید مذاکرات سنگین و مفصلی را انجام بدهیم، در حالیکه چند سال طول کشیده تا ما به این متن رسیده‌ایم. راه حل میانه این است که اجرای بخش‌هایی از برجام را به تعلیق بیندازیم و اگر این تصمیم گرفته شود می‌توانیم اعلام کنیم که ما این بندها را فعلاً اجرایی نمی‌کنیم تا اروپا به سازوکار وعده داده شده اقدام کند.

● **ولی در اینجا مشاهده می‌کنیم که آنها در زمین موشکی با آمریکا همصدا و در برجام با ایران همراهی می‌کنند؟ تکلیف این موضوع چگونه باید مشخص شود؟**

اروپایی‌ها به سمت بهانه‌گیری از مسأله موشک‌ها حرکت کرده‌اند و این مسأله باید مدیریت و با آن برخورد شود. همه می‌دانند که نمی‌توانیم در مورد مسائل موشکی مذاکره کنیم. به این دلیل که آنها در پنج سال گذشته ۳۰۰ میلیارد دلار سلاح و امکانات نظامی به کشورهای ارائه کردند که رسماً و علناً از جنوب خلیج فارس ایران را مورد تهدید قرار می‌دهند. این کار توازن نظامی موجود در منطقه را به هم می‌زند. در چنین وضعیتی از ایران خواسته شده تولید موشک‌هایی را که جنبه دفاعی دارد متوقف کند و این خواسته‌ای منطقی نیست.

پولی که می‌توانست صرف سازندگی منطقه شود و در این کشورها کار و تولید ایجاد کند در جیب کمپانی‌های اسلحه‌سازی انگلیسی و آمریکایی رفت و توازن منطقه را بهم زد و حال ایران را به توقف تولید موشک مجبور می‌کنند. این عاقلانه نیست. من فکر نمی‌کنم که در این شرایط موضوع موشک قابل مذاکره باشد. هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد که در چنین شرایطی با مواضع دفاعی چنان کند. در سایر موضوعات منطقه از جمله آینده سوریه و آینده یمن و بحث عراق و افغانستان بین ایران و اتحادیه اروپا از قبل مذاکراتی بود و امروز نیز می‌تواند ادامه پیدا کند. در حقیقت اروپا ادامه اشتباهی را مرتکب می‌شود که در سال ۲۰۰۱ انجام داد و عملاً اجازه نداد بیانیه تهران و بروکسل و بیانیه پاریس به ثمر برسد. در حقیقت این آمریکایی‌ها بودند که مانع شدند. اروپا در آن زمان بر توقف غنی‌سازی در ایران اصرار داشت در حالیکه این حق مسلم ایران بود. امروز نیز بر مواضع موشکی ایران زوم کرده‌اند و این نیز حق مسلم ایران است. به اعتقاد من آنها باید در این مورد تجدیدنظر کنند چون شکل‌گیری امنیت اروپا و امنیت منطقه و همکاری‌های اقتصادی فی‌مابین در نهایت به این به این مسأله بستگی دارد.

در گفت‌وگو با دکتر علیرضا موسوی زاده استاد دانشگاه ولز بررسی شد

دلایل مخالفت آمریکا با برجام



دکتر علیرضا موسوی زاده استاد دانشگاه ولز و متخصص امور مطالعات تاریخ امپراتوری و دیپلماسی انگلستان است. ایشان در گفت‌وگوی پیش‌رو ضمن بررسی راهبردهای ایالات متحده آمریکا در امور داخلی و خارجی معتقد است که این سیاست‌ها دنباله‌دار بوده و در راستای منافع ملی کار می‌کند و با افراد و احزاب تغییری در آنها حاصل نمی‌شود. دکتر موسوی زاده با بیان اینکه در سیاست دلایل زیادی وجود دارد که باعث می‌شود شعاری مطرح شود اما در ذهن منظور اصلی متفاوت باشد، توضیح می‌دهد که در شرایط کنونی خاورمیانه در حال تحول و پوست‌اندازی است و به همین دلیل قدرت‌های منطقه‌ای مانند عربستان تمام تلاش خود را می‌کنند تا ایران و آمریکا به یکدیگر نزدیک نشوند. این استاد مطالعات دیپلماسی همچنین در بخشی دیگری از این گفت‌وگو تصریح می‌کند که در آینده برجام در روند طبیعی خود به جلو می‌رود، زیرا موقعیت کلیدی ایران ربطی به عربستان و آمریکا ندارد و هر ابرقدرتی خواستار هماهنگی و تعامل با ایران است.

عربستان و خاورمیانه را عملاً در چه می‌بینید آیا به تفاوت در رویکرد معتقد نیستید؟

من با اوباما و ترامپ کاری ندارم. من درباره سیاست خارجی آمریکا حرف می‌زنم. این سیاست دنباله‌دار و در ادامه‌دار است. به خاطر مخاطب‌های داخلی اوباما می‌گفت عرب‌ها زیادی از شرایط ما سوءاستفاده می‌کنند و ترامپ هم می‌گوید بقیه باید خرج خودشان را بدهند. نظر یکی است و فقط شعارها فرق می‌کند و هر دو در راستای منافع ملی کار می‌کنند. یعنی این سیستم است که در راستای منافع ملی کار می‌کند و مهم نیست شعارها، احزاب و افراد چه می‌گویند. منافع ملی با افراد و احزاب تغییر نمی‌کند.

امروز عربستان بسیار عصبی است؛ این موضوع در سیاست این کشور با ترکیه نیز قابل مشاهده است. کودتایی که سه، چهار سال پیش صورت گرفت مورد حمایت عربستان بود. عربستان در

باشند. احزاب هم همین‌طور هستند، یعنی مردم یک بار به این تیم و بار دیگر به تیم بعدی رای می‌دهند که پیامدهای ناشی از آن نیز یکی خواهد بود. تنها تفاوتی که وجود دارد بر سر این است که طیفی که عهده‌دار امور می‌شود و برای مدتی بر سر کار است، جیب خود را کمی بیشتر پر می‌کند. مثلاً می‌گویند که ترامپ از قرارداد پاریس خارج شده است؟ عملاً این اتفاق زمانی افتاد که اداره کارهای زیست‌محیطی در آمریکا تبدیل به صنعت شده و رشد کرد. یعنی به یک سیستم تبدیل شد. در نتیجه معتقدم که این اعمال، سیاسی کاری و شعار است. هیچ حزبی با حزب دیگر تفاوت ندارد الی در شعارهایی که مطرح می‌کنند. وقتی یک طیف مولتی‌میلیاردر روی کار آمده و می‌گوید که آمده‌ام تا برای اقشار ضعیف کار کنم، این قطعاً یک حقه سیاسی است.

تفاوت رویکرد اوباما با ترامپ در مورد

آیا در خصوص سیاست‌های ایالات متحده می‌توان قائل به تفاوت میان دموکرات‌ها و جمهوری خواهان بود؟

اقتصاد آمریکا پس از بحران سال ۲۰۰۸ و با ثبات شدن کار بانک‌ها شروع به رونق دوباره کرد. اتفاقاً این مسأله با صدرات همین طیف در قدرت آمریکا به نتیجه رسید و اگر اوباما امروز بر سر کار بود، او اعتبار این امر را به حساب خود می‌گذاشت. معتقدم این مسأله سیاسی کاری‌هایی است که برای جلب مخاطبان و آرای انتخاباتی صورت می‌گیرد. یعنی شعارهایی مطرح می‌شود که ترامپ اقتصاد را به حرکت درآورده است، حال آنکه این شعارها توخالی است، زیرا اصل سیستم است که در قالب نهادینه شدن حوزه‌ها و حلقه‌های اقتصادی و با هدایت بروکراسی حرکت می‌کند.

در اینجا افراد مهره هستند و فقط شعارها تفاوت می‌کند تا بتوانند رای آورده و برای یک دوره سر کار

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

سقوط لیر ترکیه دخالت داشت، چون نمی خواهد با قدرتمند شدن ایران و ترکیه موقعیت خودش به خطر بیفتد. همین موضوع پیش آمده بر سر قتل جمال خاشقجی گسترده تر از مرگ یک خبرنگار است. عربستان از این کارها زیاد کرده است.

این مسائل اجزایی از حل دادن عربستان به عقب است. روند کلی بر مبنای همین کار است و حمایت آمریکا تبلیغی ظاهری است که نشان می دهد مجلس و سیستم با نظر رئیس جمهوری متفاوت است. این تبلیغی سیاسی است؛ شما نباید شعار را ملاک قرار دهید. باید روند را دید و به همین دلیل من می گویم برای سیاست باید به منافع ملی و به ریشه های زیر خاک نگاه کرد. در سیاست دلایل زیادی وجود دارد که باعث می شود شما شعاری بدهید، ولی در ذهن چیز دیگری را در نظر داشته باشید. حرفهایی که رئیس جمهوری آمریکا می زند و حمایت هایی که در ظاهر صورت می گیرد، هیچ کدام ملاک نیست. لذا در مورد عربستان یک عامل می تواند عامل کاهش قدرت عربستان در منطقه باشد که نتیجه اش در پادشاهی محمد بن سلمان تأثیر گذار خواهد بود.

● موضوع ائتلاف امنیتی - سیاسی آمریکا با کشورهای عربی که به ناتوی عربی مشهور شده است تا چه اندازه عملی است؟

من این مسأله را بسیار ساده لوحانه می بینم. در این میان ایران بهانه شده است، در حالی که در صدد تعامل با ایران هستند. همه بسیار ساده به این مسائل نگاه می کنند در حالی که شرایط قبلی در حال تغییر و تحول است.

نگاه کلان ایالات متحده به شرق است و جهان به سوی چند قطبی شدن در حال حرکت است. در این راستا، خاورمیانه حالتی شناور دارد و همه از جمله قدرت های خارجی و داخلی به دنبال بازار هستند. این نوع دیدگاه و این سوال در قالب کلیشه ای گذشته می گنجد که ایران به عنوان یک هراس مطرح شود ولی در واقع این طور نیست. فشار بر روی ایران به این دلیل است که ایران را مجبور به تعامل به آنها کند. ایالات متحده امروز آن آمریکای ۵۰ سال پیش نیست و علاوه بر رقبای زیاد، مشکلات فراوانی نیز دارد که این مشکلات امروز بیشتر در شرق آسیا و چین متمرکز است.

طیفی که در آمریکا بر سر کار آمده اند بر اساس همین مشکلات فعلی و مسائل داخلی شعار می دهند. بین شعار و ایدئولوژی و عمل یک اقیانوس فاصله است. نمی توان بر اساس شعار تحلیلی از سیاست خارجی آمریکا ارائه کرد و این چنین تحلیلی بسیار ساده انگارانه خواهد بود.

● با توجه به اینکه می گویند خاورمیانه برای آمریکای امروز، نسبت به گذشته کم رنگ تر شده است آیا می توان ادعا کرد خاورمیانه دچار تحولات ساختاری خواهد شد؟

البته خاورمیانه اهمیت خود را از دست نداده است. خاورمیانه در آینده منطقه ای تجاری خواهد شد که امروز در حال پوست اندازی است. بعد از فروپاشی کمونیسم دو قطب قدرت مشکلات را بر سرش پنهان کرده و فقط سرکوب می کردند. یک سری کارهای احمقانه نیز انجام شد؛ مثل جنگ عراق و لیبی و... که در راستای آن به زخمی که از قبل بود دامن زد. خاورمیانه هم از لحاظ استراتژیک و هم از لحاظ اقتصادی اهمیت خود را خواهد داشت، ولی نباید کلیشه ای باشد بلکه باید مثل شرایط جدیدی باشد که تکامل پیدا کرده است. فرمت جهان دیگر مانند گذشته نیست. متأسفانه مردم هنوز خاورمیانه و جهان را با زمان جنگ سرد مقایسه می کنند. اما امروز نه تنها از آن ایستگاه گذشته ایم، بلکه همچنان در حال تکامل است تا به مرور زمان به ثبات برسد. البته این امر، کار یک شب و دو شب نیست و ممکن است چندین دهه طول بکشد.

در همین رابطه شما شاهد هستید که توافق هسته ای به سبیلی برای عربستان تبدیل شده که می گوید ایران وارد سیاست بین الملل شده است. عربستان این را بر نمی تابد و فکر می کند باعث تضعیف و کم رنگ تر شدن این کشور خواهد شد. ولی من معتقدم عربستان عدد تأثیر گذاری نیست و فقط در تکاپو است تا ایران و آمریکا با هم ارتباط برقرار نکنند. در نتیجه برجام در روند طبیعی خود جلو می رود.

● به نظر شما آیا بهتر نبود ایران بعد از خروج آمریکا را برجام از این پیمان خارج می شد؟

برای ایران بهتر است که بهانه ای به دست دنیا ندهد. برجام یک قرارداد نهاده ای شده بین المللی است که تا اینجای کار برگ برنده در اختیار ایران قرار دارد. این مسائل چیزی نیست که یک روزه جواب بدهد. من هم در این گفتگوها درباره نتایجی که در یک دهه آینده اتفاق می افتد صحبت می کنم و نباید انتظار داشته باشیم که سیر تحولات یک شبه صورت بگیرد.

شرایط طبیعی ایران این است که موقعیتی کلیدی دارد و این به عربستان و به آمریکا ربطی ندارد. هر کسی که ابر قدرت باشد می خواهد با ایران هماهنگی داشته باشد و عربستان یا اسرائیل نمی تواند این موقعیت را عوض کنند. در واقع پستی و بلندی هایی که می بینید نوعی چانه زنی است.

● آیا منافع ملی کشورها تغییر می کند؟

منافع ملی ثابت می ماند؛ این سیاست های خارجی و داخلی است که تغییر می کند. منافع ملی ایران در طول تاریخ برخلاف بسیاری از کشورها مثل روسیه امنیتی است و آن ارزش باید محفوظ بماند. به طور مثال منافع ملی کشوری مثل انگلستان بر اساس تجارت و کالسی است. این منافع ملی توسط شرایط اقلیمی دیکته می شود و به همین دلیل ثابت می ماند.

● با این تفاسیر آیا، منافع ملی آمریکا در برجام لحاظ شده بود؟

مسأله برجام یک بهانه بود. ایران به طور تاریخی از لحاظ استراتژیکی، یک قدرت کلیدی در منطقه است. اصولاً منطقه میان دریای مازندران و خلیج فارس این شرایط را داراست. زمانی که انقلاب شد، بر اساس تفکر آمریکایی ها گفته شد ما ایران را از دست دادیم و در نتیجه آمریکا از ابتدای انقلاب تا به حال در صدد آوردن ایران به حوزه استراتژیک غرب است و سعی کرده تا این هدف را به هر نحو خاصی انجام بدهد که البته هیچ کدام جواب نداده است. در اینجا، آنها به مسأله هسته ای متوسل شدند تا بهانه ای باشد که با بسیج سایر کشور و تحریم و فشار ایران را پای میز مذاکره بکشاند.

مسأله اتمی یک بهانه سیاسی بود تا اینکه در سال ۲۰۱۵ این قرارداد امضا شد. از دیدگاه کسانی که امروز بر آمریکا حاکم هستند، اروپایی ها از برجام منفعت بیشتری کسب کرده اند در حالی که موضوع اتمی مسأله ای بود میان ایران و آمریکا. یعنی بهره اقتصادی که مشکل بین ایران و آمریکا است وارد جیب اروپایی ها می شود و این طیف گفتند ما از این قرارداد خارج می شویم و هر کسی با ایران همکاری کند مشمول تحریم های آمریکا خواهد شد. در واقع آنها خواستند به اروپایی ها پیام بدهند که از حوزه ما کنار بروید. در این راستا، آمریکا می خواهد در وهله اول ایران وارد حوزه غرب شده و با آمریکا تعامل داشته باشد تا در مرحله بعد آمریکا وارد بازار ایران شود.

● چرا آمریکا بعد از توافق هسته ای وارد بازار ایران نشد؟

این طیف عقیده دارند توافق نیم بند بود و استحکام نداشت و چون اروپایی ها در این بین میانجی گری کرده اند خود را جلو کشیده اند.

● پس آمریکا با توافق هسته ای مشکلی ندارد و فقط مسأله در منافع اقتصادی است؟

اگر بخواهیم از دیدگاه آمریکا به مسأله نگاه کنیم، در صورت تعامل میان واشنگتن و تهران، برجام و مسائل منطقه ای میان دو کشور حل می شود. آمریکا در زمان ملی شدن نفت ایران این الگو را در برابر انگلیسی ها انجام داد. انگلیسی ها می گفتند ایران نفت ما را ملی کرده است و ما می خواهیم با حمله نظامی و منزوی کردن ایران این موضوع را مدیریت کنیم. در حالی که آمریکا مخالف این مسأله بود تا زمینه ورود شوروی به ایران فراهم نشود و مسأله با دیپلماسی حل شود. وقتی انگلیس تصمیم گرفت به آمریکا سهمی بدهد موضع آمریکا عوض شد. ایران در هر مقطع زمانی تاریخی نقشی استراتژیک داشته است. زمانی حالت سپر بلا بین امپراتوری بریتانیا و روسیه تزاری بود و زمانی سپر بلا در مقابل شوروی بود. وقتی که در ایران انقلاب شد غرب مجبور بود از ترکیه و عربستان به عنوان یدک کش استفاده

از چیستی SPV تا کیستی ما

دکتر جلال میرزایی | دبیر سیاسی فراکسیون امید مجلس

پس از خروج آمریکا از برجام؛ بسیاری ندای فروپاشی این بنای عظیم و این بزرگ دستاورد دیپلماسی قرن را می‌دادند. در چند ماه اول خروج آمریکا از برجام، پروپاگانداي آمریکا به همراه سودجویان داخلی چنان بحران اقتصادی و بی‌ارزشی ریل ایران را بزرگ‌نمایی کردند که دیگر خوشبین‌ترین افراد که دل در گرو برجام و منافعش داشتند ناامید شدند و کم‌کم به ساختار تک‌قطبی روابط بین‌الملل به سروری آمریکا بر جهان باور پیدا کردند. اما در واقع با جدی شدن «اس‌پی‌وی» به نظر می‌رسد باید به پایان ساختار تک‌قطبی جهان باور کرد. اما «اس‌پی‌وی» چیست؟ SPV مخفف «Special Purpose Vehicle» که در فارسی می‌توان به «ابزار هدف ویژه»، و با توجه به اینکه این هدف در مورد مسائل مالی است می‌توان به «سازوکار ویژه مالی» ترجمه کرد. این سازوکار در واقع یک نهاد حقوقی مجزا است که توسط یک سازمان ایجاد می‌شود تا دارایی‌ها، بدهی‌های و یک وضعیت قانونی مخصوص به خود را تعریف کند و معمولاً این نهاد برای یک هدف خاص که اغلب برای مهار ریسک مالی می‌باشد، تاسیس شده است.

اتحادیه اروپا به عنوان یکی از طرف‌های مذاکره در برجام، پس از خروج آمریکا از توافق هسته‌ای برای حفظ مقابله با تکرورهای ترامپ پیشنهاد «اس‌پی‌وی» را مطرح کرد. هدف اروپا از تأسیس این سیستم بانکی تسهیل پرداخت‌های مربوط به تبادلات کالا میان ایران و اروپا است، به گونه‌ای که به تراکنش مالی با بانک‌های اروپایی نیاز نباشد و آنها را به تحریم‌های آمریکا گرفتار نکند. در واقع این سازوکار ویژه مالی با چند هدف ایجاد می‌شود، نخست به اشتراک‌گذاری خطر مالی میان اعضای این سازوکار، دوم انتقال دارایی‌ها به شکل‌های مختلف که لزوماً وجه نقد می‌تواند نباشد.

سازوکار ویژه اتحادیه اروپا طرحی است که قرار است علی‌رغم تحریم‌های آمریکا علیه بانک‌هایی که با ایران معامله می‌کنند، راهی برای ادامه مبادلات مالی با ایران فراهم کند که به شرکت‌ها اجازه دهد بدون استفاده از سوئیفت، ارتباطات مالی بین بانکی با ایران را ادامه دهند. در این سیستم قرار است به یورو معامله نشود تا شامل تحریم‌های آمریکا بر معاملات ایران به دلار نشود. این سیستم بر خلاف سوئیفت که در سطح بین‌المللی قابل پیگیری است تنها در اختیار اروپاست و مقامات آمریکایی نمی‌توانند معاملات آن را پیگیری کنند. ابتدا اتریش، سپس لوکزامبورگ و اکنون بنا به گفته روزنامه آمریکایی وال‌استریت ژورنال، قرار است مقر این نهاد مالی در آلمان یا فرانسه تشکیل شود. در واقع تمامی کشورهای اروپایی ضمن حمایت از تأسیس این نهاد، سعی دارند کمترین خطر را متوجه منافع خود کنند. بر پایه این گزارش در صورتیکه نهاد مالی مزبور در فرانسه تشکیل شود، ریاست آن با یک مقام آلمانی خواهد بود و چنانچه در آلمان تشکیل شود، ریاست آن را یک فرانسوی به عهده می‌گیرد. قرار است نهاد مربوط به «سازوکار ویژه مالی» از سوی آلمان و فرانسه تأمین مالی می‌شود و به صورت مستقیم تحت مالکیت دولت‌های اروپایی مشارکت‌کننده خواهد بود. اتحادیه اروپا ابراز امیدواری کرده که در آغاز بیش از ده کشور اروپایی در این سازوکار مالی مشارکت کنند و در آینده احتمالاً کشورهای بیشتری مانند چین به این گروه بپیوندند.

اگرچه استفاده از این سازوکار مشکلات ارتباط بانکی ایران با جهان را به طور کامل برطرف نمی‌کند، اما می‌تواند از انزوای کامل مالی و تجارتی جمهوری اسلامی در دوران ترامپ جلوگیری کند و به ویژه به شرکت‌های کوچک مستقل

کند. برای همین است که عربستان به تکاپو افتاده است؛ چون آمریکایی‌ها روی ایران زوم کرده‌اند تا با ایران تعامل کنند و عربستان اهمیت نفت خود را از دست داده است. عربستان می‌خواهد از تک‌محصولی بودن خارج شود و با جاهای دیگری کار کند ولی بلد نیست.

به همین خاطر عصبی است که نمی‌خواهد ایران به حوزه طبیعی خود بازگشته و اهمیت استراتژیک عربستان از دست برود. وقتی دولت آمریکا می‌گوید ما ۴۰۰ میلیارد با عربستان کار می‌کنیم در وهله اول اراقمی ساختگی است که مطرح می‌شود. نه این میزان اسلحه رد و بدل شده است و نه این چنین تجارتی شده است. ۴۰۰ میلیارد حرفی هجو و ناشی از تبلیغات ترامپ است. این چنین قراردادی امضا نشده است، ولی اصل مطلب این است که این همه تبلیغ سیاسی برای مخاطبان داخلی و جلب کشورهای است که ارتباطاتشان با آمریکا رو به ضعف رفته است. این مسائل همه دست‌اندا‌زهای شکل‌گیری موقعیت طبیعی ایران است.

● یعنی هر دولتی در آمریکا باشد همین است؟
ربطی به دولت آمریکا ندارد. منافع ملی هر دولتی که در مقابل روسیه باشد این است که ایران به دلیل موقعیت استراتژیکش در حوزه ما و در تعامل با ما باشد.

● ولی سیاست اوباما و ترامپ با هم متفاوت است.
عملاً چیزی اتفاق نیفتاده است. مسائل داخلی تنش ایجاد کرده و اگر از برجام بیرون آمده‌اند به این دلیل بود که مسأله‌ای را که قرار است ده یا پانزده سال دیگر اتفاق بیفتد جلو کشیده و تکلیف خود را مشخص کنند. به همین دلیل ترامپ می‌گوید این قرارداد نیم‌بند است و ما قرارداد محکم‌تری می‌خواهیم. یعنی می‌خواهیم تکلیف خود را با ایران مشخص کرده و وارد تعامل شویم.

● من با سوال درباره منافع ملی می‌خواستم به همین نقطه برسم که منافع ملی آمریکا در دولت اوباما و ترامپ تفاوتی نکرده است؟
هیچ تغییری نکرده است و منافع ملی همان است. آمریکا کشوری سرمایه‌داری است و منافع ملی با افراد و احزاب فرقی نمی‌کند.

● ولی می‌بینیم که ترامپ بیشتر و بهتر از اوباما به عربستان نزدیک شده است؟
آن نزدیک شدن مصنوعی است. ترامپ را کنار بگذارید. سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا و منافع ملی این کشور بر این است که به شرق نگاه کند. آمریکا اکنون از دست اسرائیل نیز خسته شده است، ولی وقتی رابطه وجود دارد به یکباره نمی‌توانید آن را کنار بگذارید. معتقدم این موضوع نباید در حرف بلکه باید در عمل صورت بگیرد. کار با هیاهو نیست کار در عمل است. وقتی ۴۰ سال پیش آمریکا به نفت نیاز داشت و عربستان به امنیت، داستانی قدیمی است و امروز شرایط فرق کرده است.

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر



امر بود که هوک در اظهاراتی اعلام کرد که در صورتی که منافع آمریکا در خاورمیانه با تهدید ایران مواجه شود؛ دولت آمریکا ابایی از به کار بردن اسلحه زور در برابر ایران نخواهد داشت.

بنابراین بهترین راه بازگشت ایران به ثبات اقتصادی، مذاکرات گسترده با کشورهای ۴+۱ پیرامون برجام، حذف دلار از مناسبات تجاری با کشورهای همسایه به خصوص ترکیه، عراق و قطر، تقویت رابطه راهبردی با قدرت‌های نوظهور اقتصادی (بریکس) است. دنیای امروز حداقل در ابعاد اقتصادی و تکنولوژیک چند قطبی است و مراکز عمده ثروت و تجارت در دنیا در بخش‌های آسیا-پاسفیک پخش شده است. طنز داستان اینجاست که بسیاری از این کشورها به خصوص هند و چین سخت به دنبال یافتن مجرا و مسیری جدای از آمریکا در تجارت بین‌الملل است. این کشورها به شدت از رویکرد تعرفه‌ای ترامپ در زمینه واردات کالاها از هند و چین، ناراضی هستند و مترصد فرصتی برای اقدامات متقابل به مثل با آمریکا هستند. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با استراتژیک کردن روابطش با این کشورها و تعریف حوزه‌های مشترک اقتصادی، هم به این کشورها در پیشبرد رویکرد ضدترامپی‌شان کمک کند و هم از این جهت منافع مهم اقتصادی و تجاری را نصیب کشورمان کند.

ایرانی قفل شوند، ممکن است بانک‌های ما نه تنها با اروپا، بلکه با روسیه و چین نیز نتوانند همکاری کنند و این به عنوان اقتضای همکاری بین‌المللی برای بانک‌های ما ضروری است.

تصمیم‌سازان ایرانی باید بین انزوا و بین‌المللی بودن یک راه را انتخاب کنند. نمی‌شود با تمام دنیا قطع رابطه کرد، اکنون عصر گفتگو و بهره بردن از منافع و امکانات یکدیگر برای ساختن جامعه‌ای با نشاط و پر رونق است. ما ابتدا باید جایگاه خودمان را در مناسبات بین‌المللی بشناسیم و مناسب با آگاهی از کیستی خود، به کنش و واکنش با جهان بپردازیم. اجرایی شدن لوایح مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم در ایران از الزامات همکاری با جهان است. بانک‌های کوچک و بزرگ اروپایی حاضر نیستند با ایرانی که در لیست سیاه شفافیت مالی قرار گرفته باشد؛ ارتباط مالی برقرار کنند. همین تلاش‌های اخیر مجلس برای تصویب لایحه CFT که زمینه ارتباطات بین‌المللی ایران را با جهان بدون آمریکا را فراهم می‌کند، موجی از نگرانی را در دستگاه سیاست خارجی آمریکا نسبت به اثر بخش بودن پروژه تحریم‌های ایران ایجاد کرده است. برایان هوک نماینده ویژه آمریکا در امور ایران، از جمله افرادی است که اخیراً به شکست سیاست تحریمی کشورش نسبت به ایران اذعان کرده است. با عطف به این

اجازه دهد با ایران وارد معامله شوند. تا بدین شکل به سیاست‌های قدرت طلبانه و ناسیونالیستی آمریکا در دوره ترامپ پایان دهند.

همچنین بنا به گفته ظریف قرار است «فروش نفت محور کانال مالی اروپا با ایران باشد. علت اینکه تاکنون این نهاد تاسیس نشده است این است که اروپایی‌ها می‌خواهند بدون هزینه برای رفع نگرانی‌های امنیتی، صرفاً از منافع برجام بهره‌مند شوند که این امکان‌پذیر نیست. اروپایی‌ها معتقدند که اجرای برجام برای امنیت آنها ضروری است، لذا آنها برای تأمین امنیت خود و اجرای برجام باید هزینه کنند».

اما نکته مهمی که در این برهه مهم است و به انزوای آمریکا و شکست سیاست تحریمی آمریکا و به توسعه روابط ما با جهان به غیر از آمریکا کمک می‌کند، شفافیت مالی در ایران است که با پیوستن ایران به گروه ویژه اقدام مالی (FATF) محقق می‌شود. چرا که اگر بانک‌های ایرانی که اکنون تحت تحریم‌های آمریکا هستند، تحت تحریم‌های FATF نیز قرار گیرند، طبیعی است نمی‌توانند با این ساز و کار ویژه مالی اروپایی نیز همکاری کنند. نه اینکه شرط راه‌اندازی «اس‌پی‌وی» پیوستن به «اف‌ای‌تی‌اف» است، بلکه یکی از الزامات همکاری با سازوکار اروپا و هر ساز و کار دیگری است. بنابراین اگر تحریم‌های FATF بازگردد و بانک‌های

ایران؛ محور شکاف بروکسل و واشنگتن



دکتر نیکنام بیری

پژوهشگر روابط بین الملل

با روی کار آمدن ترامپ در آمریکا، نگرانی‌ها از هر سو بر آینده اقتصاد و تجارت بین‌الملل افزایش یافته است. اینکه ترامپ با اندیشه‌های ملی‌گرایی افراطی‌اش در حوزه اقتصاد جهانی، نظم بین‌المللی را با چالش‌هایی عجیب مواجه ساخته است. شعار ترامپ اول آمریکا و بعد جهان، تداعی‌گر شعارهای اقتصادی ملی‌گرایی در قرن نوزدهم میلادی است. در آن دوران تاریخی، دولت‌ها برآمده از اندیشه‌های افراطی ملی‌گرایی بود و ملاک مشروعیت کسب مستعمرات، غارت ثروت و منابع طبیعی کشورهای جهان سوم برای به حرکت درآوردن چرخ‌های اقتصادی کشور خودشان بود.

کشورهای اروپایی به عنوان سرآمدان قدرت این دوران وارد گود رقابت شدید با یکدیگر برای پیشی گرفتن از صنعت و اقتصاد و تجارت بیشتر شدند. از آن عصر نگون‌بخت تاریخی مدت زمان زیادی می‌گذرد و حافظه تاریخ در این سال‌ها پر از جنگ‌طلبی، خشونت‌های انسانی است. حدود دو قرن از آن زمان می‌گذرد، زمانه عوض شده است. بازیگران جدیدی در عرصه روابط بین‌الملل ظهور یافته است. نهادهای فراملی به عنوان عضوی جدید وارد نظام بین‌الملل شده‌اند. اما در پس این تغییرات، یک روند ثبات فکری و ایدئولوژیکی در طی این سال‌ها بدون تغییر مانده است. تفکرات ملی‌گرایی هنوز هم جریانی قوی در دنیای امروز است و نماد این جریان ترامپ و تفکر ترامپیستی در اقصی و نقاط دنیا است.

رفتارها و اقدامات ترامپ درست در نقطه مقابل ایده‌های جهان محوری و لیبرالیستی است. تفکرات لیبرالیستی بر این پایه بنا نهاده شده‌اند که برای صلح در جهان باید هر چه بیشتر به گسترش تجارت آزاد کمک کرد. اقتصادی شدن زندگی ملت‌ها باعث قفل شدن بیشتر دولت‌ها و ملت‌ها به همدیگر می‌شود و پیامد نهایی این امر، کنار گذاشتن جنگ و حل شدن مشکلات با ابزار دیپلماسی و گفت‌وگو است. بی‌جهت نیست که امروزه ترامپ محور

اصلی صحبت‌ها در نشست‌های مهم جهانی همچون داووس و کنفرانس امنیتی مونیخ است. در این نشست‌ها رهبران اروپایی به خصوص فرانسه و آلمان، بزرگترین تهدید آینده جهان، ترامپ اعلام کردند. از دید رهبران اروپایی ترامپ با تعیین سازوکارهای جدید تعرفه، رویکرد تحریمی در برابر ایران تجارت بین‌الملل را با تهدیدات جدی مواجه ساخته است. بی‌گمان در میان سلسله محورهای اختلافی محور واشنگتن و بروکسل، موضوع ایران است. اروپا برجام را معاهده‌ای چندجانبه که ضامن امنیت منطقه پر منازعه خاورمیانه است می‌داند. منطقه‌ای که در آتش جنگ‌های فرقه‌ای می‌شود و راه برون‌رفت از سیکل خشونت در خاورمیانه، همگرایی با قدرت‌های مهم منطقه‌ای نظیر ایران است. برای همین منظور، اتحادیه اروپا در کنار سیاست اعلامی نسبت به ضرورت حفظ توافق برجام در حوزه عملیاتی هم وارد فاز اجرا شده است. فدریکا موروگینی رئیس دستگاه دیپلماسی اتحادیه اروپا از سازوکار ویژه مالی (SPV) برای تسهیل در تبادلات مالی میان ایران با دولت‌های اروپایی سخن گفته و اعلام کرده که اروپا تمام قد پشت توافق برجام ایستاده و اجازه نقض آن را به ترامپ نمی‌دهد. مطابق سازوکار جدید مالی اروپا، شرکت‌های غیرآمریکایی از گزند مجازات مالی وزارت خزانه‌داری آمریکا در امان می‌مانند. مطابق گزارش‌ها قرار است این نهاد مالی به صورت مشترک از سوی فرانسه و آلمان اداره شود. حال نکته در اینجا است که سازوکار جدید مالی اروپا چه میزان می‌تواند برجام را زنده نگه دارد و در برابر تحریم‌های همه‌جانبه آمریکا تاب مقاومت بیاورد؟

در پاسخ به این امر بایستی به نوع مواجهه اروپا با آمریکا از یکسو و رویکرد کلی ترامپ نسبت به ایران اشاره داشت. اروپا برای اولین بار در طی سال‌های بعد از جنگ دوم جهانی، رویکرد مقابله‌جویانه در برابر آمریکا در پیش گرفته است. تاکنون موردی نبوده که اروپا یک چنین سیاست مستقلی از واشنگتن اتخاذ کند. معمولاً اروپا بعد از مدتی سیاست انتقاد از آمریکا در نهایت همراه با آمریکا می‌شد و موضعی مشترک با واشنگتن اتخاذ می‌کرد. بحران عراق، مسأله هسته‌ای کشورمان در طی دوران احمدی‌نژاد گویای همین امر است. در قضیه برجام داستان به کلی متفاوت

است. اینکه گفته می‌شود اروپا صرفاً اعلام مواضع می‌کند با اتفاقات اخیر و تلاش‌های اقتصادی این اتحادیه همخوانی ندارد. در کنار تلاش برای برقراری سازوکار ویژه مالی با ایران، در حوزه‌های دیگر نظاره‌گر عدم همراهی اروپا با آمریکا هستیم. یکی از این موارد موضوع موشکی است که اروپا برخلاف آمریکا مشی تندى ندارد و صرفاً به لفظ ابراز نگرانی بسنده می‌کند. از سوی دیگر اتحادیه اروپا شرکت‌های متوسط و کوچک و همچنین کشورهای منطقه‌ای خاورمیانه را به تداوم همکاری مالی و نفتی با ایران تشویق می‌کند. رهبران اروپایی نیک می‌دانند که چالش اصلی ترامپ فقط ایران نیست. ایران شاید یکی از زمینه‌های سیاستی ترامپ برای تضعیف خود اتحادیه اروپا باشد. اظهارات ترامپ در هنگام پیروزی سیاسی‌اش در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا مبنی بر اینکه پول‌های آزاد شده از برجام، به جای خرید از شرکت بوئینگ به سوی ایرباس و اروپایی‌ها رفت؛ از همین منظر قابل تحلیل است. تصور و برداشت ترامپ از برجام به این شکل بود که این توافق عاید اقتصادی برای آمریکا نداشت اما اروپایی‌ها سودهای کلانی از برجام به‌دست آوردند. نگاه هزینه - فایده ترامپ یکی از دلایل اصلی خروج‌اش از برجام است و اینکه آمریکا در قبال ارائه امتیازاتی به ایران، به لحاظ اقتصادی، سودی نصیب شرکت‌های آمریکایی نشد. رهبران اروپایی به عطف به این امر که ایران کشوری وسیع و باثبات برای حضور شرکت‌های تجاری و بازاری مطمئن برای عرضه کالاهای خدماتی است؛ در تلاش برای حفظ ایران از تحریم‌های هوشمند ترامپ هستند. البته در رویکرد اقتصاد محور اروپایی‌ها به ایران باید به مسائل پرستیژی و سیاسی نیز توجه داشت. ایده‌هایی همچون تشکیل ارتش واحد اروپایی این پیام را از سوی رهبران اروپایی به سمت واشنگتن مخابره می‌کند که دیگر تکروری آمریکا در روابط بین‌الملل به سر رسیده و اروپا به عنوان قطب مهمی از قدرت در عرصه بین‌المللی سهمی در خور شان برای خود می‌خواهد. حال در این مسیر ایران به عنوان محور اصلی مخالفت با سیاست‌های انحصارگرایانه آمریکا، می‌تواند تسهیل‌گر مسیر اروپا در کسب‌شان و جایگاه بین‌المللی شان باشد.

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

Spv؛ رنسانس برجام



مریم محمدزاده
پژوهشگر روابط بین الملل

به دنبال خروج آمریکا از توافقنامه برجام، اروپا که کماکان حضور خود را مقابل بلندپروازی‌های دونالد ترامپ، در خطر انفعال دید، سازوکار spv را چاره کار دانست.

در آستانه شروع دور دوم تحریم‌های اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران که از چهارم ماه نوامبر آغاز می‌شد، اتحادیه اروپا با پیشنهاد مکانیسم spv سعی کرد تا آخرین تلاش‌های خود را برای حفظ برجام، اعمال کند. سرانجام مسأله spv در بیانیه مشترک روسیه، بریتانیا، فرانسه، آلمان، چین، اتحادیه اروپا و ایران در چارچوب دیدار وزرای این کشورها در حاشیه سازمان ملل متحد اعلام شد. این مکانیسم به شرکت‌های اروپایی اجازه می‌دهد تا مطابق با قوانین اروپایی با ایران کار کنند و برای کشورهای دیگر نیز باز است. آنها به نوعی بر تضمین کانال‌های پرداخت با ایران و تداوم صادرات نفت و میعانات گازی، محصولات نفتی و پتروشیمی تأکید کردند و در حقیقت به گفته موگرینی، نماینده عالی اتحادیه اروپا در سیاست خارجی و مأمور امنیتی، اتحادیه اروپا متعهد خواهد شد تا مهم‌ترین منبع درآمد ایران یعنی نفت به فروش برسد.

این طرح پیشنهاد اروپایی، به نوعی میدان را از سیستم پرحاشیه سوئیفت می‌ربود. هدف، در ادامه همکاری تجاری اتحادیه اروپا با ایران حتی با وجود تحریم‌های آمریکا منحصر است. طبق گزارش رسانه ملی فرانسه، spv همچون یک شرکت برای تسویه مالی تجارت با ایران به دور از حلقه‌های مالی متداول عمل می‌کند. به عنوان نمونه در این ساختار ایران می‌تواند به اسپانیا نفت بفروشد و اعتبار مالی لازم برای پرداخت به یک شرکت آلمانی را که به ایران کالا یا خدمات داده است تأمین کند و پول از طریق خاک اروپا بین دو شرکت مبادله شود.

spv برخلاف سوئیفت که در سطح جهانی قابلیت پیگیری دارد، منحصر به حوزه اختیارات اروپا می‌شود و آمریکا قادر نیست معاملات آن را پیگیری کند؛

همان‌طور که مشخص است، دلار آمریکا در این مکانیزم کارایی نخواهد داشت و فعالیت‌های مالی به یورو انجام می‌گیرد و از این طریق به اصطلاح تحریم‌هایی را که از جانب آمریکا وضع شده، دور می‌زنند.

آنچه از عملکردهای اتحادیه اروپا برمی‌آید، بیشتر نشان از مانورهای تبلیغاتی دارد تا عملیاتی کردن مواضع به گونه‌ای که اروپا خود را وارد بازی‌هایی با ریسک بالا نمی‌کند و با توجه به گفته محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران، با آنکه اروپاییان برای تداوم برجام برخی تعهدات را اجرا و حتی در محافل سیاسی اعلام کردند، اما در عرصه عمل، هنوز آمادگی اجرای تعهد سیاسی را همزمان با پرداخت هزینه اقتصادی ندارند. در همین راستا حسن روحانی، در دیدار با شارل میشل، نخست‌وزیر بلژیک، در نیویورک، با تأکید بر این مسأله که حفظ برجام یک مسئولیت بین‌المللی است، اتحادیه اروپا را در برابر یک امتحان بزرگ نه صرفاً مقابل ایران بلکه در برابر جهان قرار داد.

قطع به یقین اروپا در صورتی که خود را در معرض پرداخت هزینه هنگفت احساس کند، به سمت عملیاتی کردن کامل مکانیسم spv گام برنخواهد داشت، اگرچه، اخیراً طبق صحبت‌های علی‌اکبر صالحی، رئیس سازمان انرژی اتمی، با توجه به گفته مقامات اروپایی، spv در حال نهایی شدن است که البته ایجاد اجماع بین ۲۷ کشور چندان آسان به نظر نمی‌رسد. ضمن اینکه آمریکایی‌ها همه تلاش خود را کرده بودند که نگذارند این راهکار به سرانجام برسد، اما مراحل آن در حال طی شدن است. پس می‌توان به اجرایی شدن طرح اقتصادی پیشنهادی از طرف اتحادیه اروپا، امیدوار بود.

اگر به این سازوکار جامه عمل پوشانده شود، نتایج متعددی به بار خواهد آمد که یکی از مهم‌ترین آنها انزوای هرچند محدود ایالات متحده آمریکا است؛ به این صورت که، معاملات بزرگی بدون نیاز به دلار انجام خواهد شد و گردش پول‌های هنگفت حاصل از اینگونه تجارت‌ها، قطعاً مورد پسند ابرقدرتی که سودی از این مبادلات در اختیار ندارد، واقع نمی‌شود، و حتی ممکن است وزارت خزانه‌داری این کشور را به طرح سیاست‌هایی مربوط به سازوکار spv وادار کند.

ماحصل دیگر مکانیسم تازه را باید با نگاه به ایران بررسی کرد. در صورت عملیاتی شدن طرح پیشنهادی اتحادیه اروپا، نفت و پتروشیمی ایران به سهولت صادر می‌شود، رابطه با بانک‌های اروپایی بدون محدودیت جریان می‌یابد و آژانس‌های صنعتی بزرگ اروپایی قادر به سرمایه‌گذاری در داخل این کشور خواهند بود. همچنین شرکت‌هایی که حوزه فعالیت آنها مواد دارویی و غذایی می‌باشد و از اصلی‌ترین بازیگران فعال در بخش خصوصی ایران هستند، با شروع فرآیند اجرا، می‌توانند به فعالیت خود ادامه دهند. شرکت‌هایی از قبیل: نستله، نوو نوردیکس، سانوفی، یونیلور و... که مواد بسته‌بندی شده دارویی و غذایی را در مقادیر بالا به ایران وارد می‌کنند.

اما حکایت به همین جا ختم نمی‌شود. چنانچه spv به سرانجام برسد، آثار غیرمستقیم ولی در عین حال موثری بر مختصات فضای بین‌الملل می‌گذارد. در صورت موفقیت این سازوکار، نمونه‌ای برجسته از همکاری جهانی در بستر سازمان ملل در معرض توجه همگان قرار می‌گیرد که ابعاد گوناگونی دارد.

به طور مثال یکی از ابعاد آن، دستکم حفظ ارزش‌های بشردوستانه به دنبال شکستن قفل تحریم‌ها علیه ایران خواهد بود چرا که مواد غذایی و بالاخص دارویی که ورود آنها به خاطر وجود تحریم‌ها به بن‌بست رسیده، بدون مانع وارد شده و مطمئناً بازخوردهای مثبتی را در این زمینه دریافت خواهد کرد.

بعد دیگر که عینیت بیشتری دارد، ایستادن مقابل تکررهای اعضای سازمان ملل یعنی ایالات متحده آمریکا، به عنوان ابرقدرت است. خصوصیت خودمختاری آمریکا، با ظهور ترامپ رئیس‌جمهور فعلی این کشور، چندین برابر و در سایه خلق و خوی فاشیستی او تحریماتی یک‌طرفه علیه کشورهای مختلف از جانب ایالات متحده اعمال شده اجرای طرح spv و بی‌توجهی به آمریکا می‌تواند دربردارنده این پیام باشد که، خودسری و بی‌اهمیت تلقی کردن معاهدات جمعی، جایی در عرصه بین‌المللی نخواهد داشت. نهایتاً امید است تا با برداشتن گام‌های عملی استوار از سوی جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا در راستای همکاری‌های روز افزون، شاهد تحقق اهداف برجام از طریق مکانیسم مالی spv باشیم.

اروپا در دوراهی استقلال یا تحت نفوذ آمریکا



دکتر محمد جواد سلطانی
استاد دانشگاه

یکی از اصول مورد توجه توافقنامه برجام، حذف موانع مبادلات مالی ایران با جهان بوده است. با این حال روی کار آمدن ترامپ در آمریکا و خروج این کشور از این توافق، بار دیگر گره مبادلات مالی ایران با جهان را پا برجا نگه داشت. اگر چه در همان مدت محدودی که ایالات متحده در برجام بود، فشارهای این کشور، بسیاری از بانک‌های اروپایی را از تسهیل مبادلات مالی خود با ایران بر حذر می‌داشت. شرایط جدید اتحادیه اروپا را در وضعیت بلاتکلیفی قرار داد که یا باید نقش خود را به عنوان یک قدرت برتر در مسائل جهانی منکر می‌شد و از موضع آمریکا در مورد برجام پیروی می‌کرد و یا اینکه به عنوان یک قدرت مستقل نهایت تلاش خود را برای حفظ این توافق به کار می‌گرفت.

اگر چه این گمان نیز همچنان وجود دارد که هدف این اتحادیه پایبند نگه داشتن ایران به برجام ضمن اعمال تحریم‌های بیشتر آمریکا ضد ایران است، تا شاید دولت ایران وادار شود به شرایط مطلوب غرب و به ویژه آمریکا برای مذاکراتی دیگر تن دهد. بازگشت و افزایش تحریم‌هایی که قرار بود با برجام برداشته شود، در عمل سود

ایران از این توافقنامه را بسیار کاهش داد. این کاهش به‌ویژه در حوزه مالی محسوس بود. از این رو اتحادیه اروپا برای بهره‌مندی ایران از مزایای این توافق و کاهش آسیب‌پذیری شرکت‌هایی که با ایران همکاری اقتصادی دارند، در مقابل تحریم‌های آمریکا، سازوکار مالی مستقلی موسوم به special purpose vehicle (SPV) ایجاد کرد تا ایران را همچنان به حفظ برجام امیدوار نگه دارد. حال این پرسش مطرح است که این سازوکار چقدر قدرت اثرگذار و عملیاتی خواهد داشت؟ در وهله نخست باید گفت هیچ‌یک از کشورهای اتحادیه اروپا میزبانی این سازوکار مالی را نپذیرفته‌اند. چرا که این کشورها نگران واکنش آمریکا در مقابل این میزبانی هستند. به ویژه اینکه برایان هوک رئیس گروه اقدام علیه ایران اعلام داشته است هر کشوری که میزبان این مکانیزم شود، می‌تواند بالقوه از سوی واشنگتن تحریم شود. وی ابراز داشته است که شرکت‌های اروپایی نیز میلی به استفاده از این سازوکار با ایران ندارند، زیرا که سرمایه‌گذاری در ایالات متحده را ترجیح می‌دهند. از سوی دیگر اتحادیه اروپا فشار آمریکا بر افزایش بانک‌های ایرانی برای تحریم و خروج سوئیت از مبادلات مالی و کارشکنی در اجرای مکانیزم مالی جدید بدون دلار را اقدامی ضربه زننده به شبکه مالی یکپارچه جهانی می‌داند که منافع دیگر کشورها به ویژه شرکای آمریکا را لحاظ نمی‌کند.

از این رو تحریم‌های ثانویه آمریکا علیه نهادهایی که با ایران تجارت کنند مانع بعدی موفق بودن این سازوکار مالی است. چرا که این تحریم‌ها شامل چنین نهادهای و شرکت‌هایی که از این سازوکار استفاده کنند، نیز خواهد شد. اگر چه چنین بحرانی سایر کشورهای جهان را نسبت به سوء استفاده آمریکا از دلار هوشیارتر کرده است و ممکن است یک انقلاب علیه دلار در مبادلات تجاری جهان صورت بگیرد. سیستم داد و ستد کالا محتمل‌ترین استراتژی برای اجرای این سازوکار مالی است تا نظام مالی آمریکا بر این مبادلات کنترل کمتری داشته باشد. در چنین شرایطی کار این مکانیزم نه مدیریت پول بلکه حفظ اعتبارات است. به این صورت است که مثلاً اگر ایران به یک شرکت فرانسوی نفت خام بفروشد، شرکت فرانسوی به اندازه پولی که باید به ایران پرداخت کند، برای ایران اعتبار در نظر می‌گیرد. ایران می‌تواند کالاهایی را از یک شرکت دیگر وارد کند و آن شرکت از این نظام مالی اروپایی بخواند اعتباری که برای ایران ذخیره کرده است، را به آن شرکت معادل کالاهای فروخته شده بدهد. از این رو هیچ مبادله دلاری با شرکت‌های ایرانی صورت نمی‌گیرد. با این حال به نظر می‌رسد این شرکت‌ها همچنان از تحریم‌های آمریکا ایمن نباشند. از آنجا که این سازوکار مالی که در نوع خود جدید، تا اجرایی شدن آن و بهره‌مندی ایران از مزایای آن به نظر می‌رسد زمان زیادی لازم است. چه اینکه حتی بین قدرت‌های اروپایی هم نحوه اجرایی شدن و میزبانی آن نامشخص است. از سوی دیگر همان‌طور که دولت آمریکا تحت فشارهای لابی صهیونیست‌ها از برجام خارج شد، این میزان فشارها در اتحادیه اروپا نیز وجود دارد. اکنون «ائتلاف اروپایی حامی اسرائیل» که یک سازمان صهیونیستی مسیحی است و در سال ۲۰۰۴ در بروکسل، مقر اتحادیه، آغاز به کار کرد، در این اتحادیه برای تغییر مواضع اعضا در مقابل برجام فعال است. به ویژه اینکه اسرائیل سعی کرده است وزرای حامی مواضع خود را وارد این اتحادیه بکند. با این حال به نظر می‌رسد، آمریکا برای کارشکنی در اجرای مکانیزم مالی جدید اروپا، تحریم‌های خود را به شرکت‌هایی که از این سازوکار استفاده می‌کنند تسری دهد و آنها را بین بازار آمریکا و ایران در دو راهی انتخاب قرار دهد. از این رو احتمال اجرایی شدن و موفقیت آمیز بودن این مکانیزم موضوعی دشوار است. در صورتی که اتحادیه اروپا مجبور شود به مواضع آمریکا تن دهد، ناچار خواهد بود برجام، این توافقنامه نیمه جان را به زور، آن هم برای پایبند نگه داشتن ایران به آن، حفظ کند.



یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر



با آمریکا چه کنیم

موازنه‌گری، امتناع یا پیوند

را در ذهن دارند یادشان می‌آید که هیچ فرد مسئول یا یک استاد دانشگاه یا یک فعال سیاسی حق نداشت بگوید که آمریکا کشوری نیرومند است و تحریم‌های آمریکایی می‌تواند اقتصاد ایران را در شرایط دشوار قرار دهد. این روزها اما نشست‌ها و میزگردها، مقاله‌ها، گزارش‌ها و یادداشت‌ها و تحلیل‌های پرشماری از ابعاد تحریم و اثرات آن بر فلج کردن اقتصاد گفته و شنیده و منتشر می‌شود. در همین پاییز ۱۳۹۷ سه نشست و میزگرد با ابعادی وسیع در محل‌های مختلف در همین باره برگزار شد.

محاکمه شود و یا از کار اخراج شود در خیابان‌های اروپایی با وزیر خارجه آمریکا قدم زد و چیزهایی گفت که خودش می‌داند و جان کری، زمان زیادی سپری نشده است، اما این حرکت گسترده‌ای در داخل کشور داشته و دارد. بر خلاف دهه ۱۳۷۰ و حتی ۱۳۸۰ که موضوع آمریکا یک تابوی بزرگ برای بحث بود این روزها در هر محفل و جمعی که سیاستمداران، روشنفکران و مسئولان کشوری دور هم جمع می‌شوند درباره اینکه باید با آمریکا چه کرد صحبت می‌شود. آنهایی که شرایط دهه‌های ۱۳۶۰، ۱۳۷۰ و ۱۳۸۰

علاقه‌مندان به موضوع سیاست در ایران به ویژه علاقه‌مندان مقوله سیاست خارجی و دیپلماسی یادشان هست که روزی عطاءالله مهاجرانی مقام ارشد سیاسی ایران در اوایل دهه ۱۳۷۰ فقط طرح گفت‌وگوی مستقیم با آمریکا را طرح کرد و پیامدهای منفی آن را نیز تحمل کرد. از آن روز به بعد به آرامی و البته در حرکتی بسیار آهسته مقوله گفت‌وگو و مذاکره با ایالات متحده آمریکا در کانون توجه سیاستمداران قرار گرفت. پس از آنکه محمدجواد ظریف وزیر خارجه ایران بدون ترس و بیم از اینکه در داخل ایران

پژوهشکده مطالعات راهبردی، موسسه بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری، مرکز پژوهش‌های مجلس، انجمن علوم سیاسی ایران و چندین موسسه پژوهشی حالا به آسانی می‌گرد بر گزار کرده و دیدگاه‌ها را شنیده و منتشر می‌کنند. پرسش این است که با آمریکا چه باید کرد؟ کشورهای جهان چند گزینه به شرح زیر دارند:

♦ موازنه‌گری

از نظر بسیاری از واقع‌نگران، دولت‌ها نوعاً در واکنش به یک کشور قدرتمند و قلدر، سعی می‌کنند بار مسئولیت را از شانه خود به دیگران انتقال داده و آنها را مجبور به مهار آن نمایند. اما اگر این کار جواب ندهد، در برابر آن موازنه ایجاد خواهند کرد. کشورها ندرتاً به تنهایی در برابر قدرت تهدید کننده می‌ایستند، زیرا این کار باعث باز شدن راه چپاول‌گری‌های دیگر شده و آنها را بازیچه کشور قدرتمندتر می‌سازد. در عوض، قدرت‌های عمده (و بسیاری از قدرت‌های کوچک‌تر) در واکنش به تهدیدها، به دنبال هم‌پیمانی می‌گردند که با بسیج منابع خود برای مقاومت در برابر کشور قدرتمندتر یا خطرناک‌تر، از آنها حمایت کنند.

با توجه به اینکه ایالات متحده، با فاصله، قدرتمندترین کشور جهان است، ممکن است این انتظار وجود داشته باشد که کشورهای دیگر به طور جدی با هم هماهنگ شوند تا بتوانند واشنگتن را مهار نمایند. خوشبختانه برای آمریکایی‌ها، عوامل متعددی با هم ترکیب شده‌اند تا این انگیزه را کاهش دهند. اولین عامل، جغرافیا است: چون ایالات متحده از مراکز اصلی قدرت بسیار دور است، بسیاری از موازنه‌گران بالقوه قدرت، بیشتر نگران همسایگان خود بوده و لذا در عوض، بیشتر مشتاق دریافت حمایت‌های ایالات متحده هستند. علاوه بر این، ایالات متحده طی چندین دهه روابط مستحکمی با هم‌پیمانان خود در اروپا و آسیا ایجاد کرده و این کشورها تمایلی به اخلاف در این روابط امنیتی که محتاج آن نیز هستند، ندارند. سوم اینکه، هر تلاشی برای سازماندهی یک ائتلاف بزرگ ضدآمریکایی با مسأله جدی اقدام جمعی مواجه خواهد بود، مگر اینکه یک رهبر متحدکننده قدرتمند (مانند اتحاد شوروی سابق) وجود داشته باشد که بتواند تلاش‌ها را سازماندهی کرده و نظم دهد. با این حال چنین کشوری از اوایل دهه ۱۹۹۰ وجود نداشته و چین هم هنوز راه زیادی در پیش دارد تا بتواند چنین نقشی را ایفا نماید. نهایتاً اینکه موازنه‌گران بالقوه قدرت ممکن است به این امید باشند که دولت ترامپ صرفاً یک حرکت ناشیانه است که خیلی سریع رد می‌شود، لذا نیازی به واکنش پایدار احساس نمی‌کنند. به تمام این دلایل، کشورها مدتی علیه قدرت ایالات متحده موازنه کرده‌اند و کماکان نیز این کار را می‌کنند.

بدین سان، نشانه‌هایی هم از موازنه آشکار و هم آنچه که «موازنه نرم» خوانده می‌شود وجود دارد که زمانی اتفاق می‌افتد که کشورهای دیگر سیاست خارجی خود را به گونه‌ای هماهنگ می‌کنند که پیامد ناخواسته‌ای برای ایالات متحده داشته باشد. افزایش همکاری بین روسیه و چین، و بین این دو کشور و ایران، دقیقاً آن چیزی است که با توجه به سیاست ایالات متحده در قبال این دو کشور می‌توان انتظار داشت، و پشتیبانی ایران از دولت سوریه هم در این راستا است. در حوزه اقتصادی، کشورها در واکنش به خروج ترامپ از پیمان ترنس پاسیفیک و وضع تعرفه‌ها، پیمان‌های تجاری را دنبال نمودند که ایالات متحده را محروم می‌کند و همچنین مواضع خود را در نشست‌های جی ۷ (بیشتر برای آزار ترامپ) و ناتو هماهنگ نمودند. کشورهایی همچون کره شمالی و ایران هم با ایجاد زرادخانه تسلیحات اتمی (کره شمالی) یا با تلاش جدی برای دستیابی به آن (ایران) نسبت به ایجاد موازنه اقدام کرده‌اند تا از خود در برابر تغییر رژیم با حمایت ایالات متحده حفاظت کنند.

♦ امتناع‌ورزی

کشورهایی که به طور آشکارا موازنه نمی‌کنند، می‌توانند به سادگی در حفره‌های خود خزیده و از همراهی با خواسته‌های ایالات متحده امتناع بورزند. حتی ایالات متحده نیرومند هم آنقدر قدرت ندارد که نظارت کند که هر کشوری چه کاری انجام می‌دهد و خواسته خود را بر همه آنها تحمیل نماید، و این به کشورها اجازه می‌دهد زمانی که تقاضاهای ایالات متحده به نفع آنها نیست فقط نه بگویند. مکزیک از ساخت دیوار در مرز یا پرداخت هزینه آن امتناع نمود (که عجیب بود!) و ترکیه هم از بازگرداندن یک کشیش آمریکایی که ادعا می‌شود در فعالیت‌های ضددولتی دخالت داشته خودداری می‌کند. کانادا، مکزیک، چین و آلمان هم به‌طور کلی در برابر خواسته‌های تجاری ترامپ تسلیم نشده‌اند، گرچه مصالحه توسط دو طرف ممکن است نهایتاً منجر به ایجاد ترتیبات جدید با برخی از آنها شود.

امتناع‌ورزی گاهی اوقات اشکال ظریف‌تری به خود می‌گیرد، به خصوص زمانی که کشورها نمی‌خواهند برخورد آشکاری با واشنگتن داشته باشند. برای انجام این کار، کشورهای دیگر می‌توانند رسماً با انجام اقداماتی در راستای خواسته‌های ایالات متحده موافقت کنند و سپس تا حد امکان آهسته آن را ادامه دهند. نیت این است که کار صرفاً به اندازه‌ای انجام شود که ایالات متحده راضی باشد و نقض خواسته‌ها پوشش داده شود. تعهدات ناتو برای افزایش مخارج دفاعی و وعده‌های اسرائیل برای کندسازی روند شهرک‌سازی و مهاجرت و تعهدات فلسطینیان برای سخت‌گیری بیشتر در مورد تحریک‌ها، غالباً از این نوع هستند. اگر ایالات متحده کشورهای اتحادیه اروپا را

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

با تحریم‌های ثانویه در مورد تعامل با ایران تهدید نماید، این کشورها کمترین حد ممکن نظارت را بر شرکت‌های خود اعمال کرده و بیشترین فرار و نقض تحریم ممکن را به شرکت‌های خود اجازه می‌دهند. شاید آنها ادعا کنند که (از روی بی‌میلی) مطابق با خواسته‌های ایالات متحده عمل می‌کنند، اما نباید از آنها انتظار داشت که تلاش زیادی در این راستا بکنند.

البته کره شمالی یک عامل کارگشته در این راهبرد است و به نظر می‌آید که کیم جونگ اون به سرعت در این راهبرد استاد شده است. ترامپ ادعا می‌کند که زمانی که رهبران ایالات متحده و کره شمالی در ماه ژوئن با یکدیگر دیدار نمودند، کیم قول داد که تسلیحات اتمی را از بین ببرد، اما کیم هرگز واقعاً اعلام نکرد که چنین کاری می‌کند و هیچ نشانه‌ای هم از حرکت در این مسیر از خود نشان نداده است. در عوض، در آشکار سخنان زیبایی می‌زند اما در خفا امتناع می‌ورزد، راهبردی که فشار اقتصادی بر کره شمالی را کاهش داده، شکاف‌های جدیدی بین سئول و واشنگتن ایجاد نموده و جایگاه کیم را به عنوان یک سیاستمدار ارتقا داد. و او همه این کارها را انجام داد بدون اینکه یک کلاهک موشکی را پیاده کرده یا توان هسته‌ای کره شمالی را به اندازه یک اتم از مواد شکافت‌پذیر کاهش داده باشد.

او چگونه می‌تواند از عواقب این کار بگریزد؟ در این مورد، امتناع ورزی جواب می‌دهد، زیرا ایالات متحده راه‌های زیادی برای فشار بر پیونگ یانگ ندارد، اما همچنین از سوی دیگر کیم هم می‌داند که ایالات متحده طرح‌ها و کارهای زیادی در سرتاسر جهان دارد و اینکه واشنگتن ناچاراً حواسش از برخی دیگر پرت خواهد شد. بنابراین، امتناع‌ورزی و دادن وعده‌هایی که هرگز محقق نمی‌شوند، برای او منطقی به نظر می‌آید.

◆ پیوند

به جای تلاش برای مقابله با قدرت ایالات متحده، برخی از کشورها ترجیح می‌دهند که از این قدرت برای اهداف خود استفاده نمایند. آنها ممکن است به دنبال پشتیبانی ایالات متحده در برابر برخی از رقبای منطقه‌ای یا تلاش برای نفوذ بیشتر بر مشورت‌های سیاسی و اقدامات سیاست خارجی ایالات متحده باشند. «پیوند» با مقامات ارشد -و به خصوص رئیس‌جمهور ایالات متحده- راهبردی است که برای اعمال نفوذ بر چگونگی نگرش این مقامات به مسائل جهانی طراحی شده و به دنبال شکل‌دهی مسیر حل این مسائل است. در طول ۶ دهه گذشته، بسیاری از رهبران خارجی در طول زمان کوشیده‌اند تا با رهبران اثرگذار ایالات متحده پیوند برقرار کنند. نخست‌وزیران بریتانیا و وینستون چرچیل به بعد به دنبال یک «رابطه خاص» با ایالات متحده از طریق ایجاد ارتباطات نزدیک با تمام کسانی بودند که در کاخ سفید قرار گرفته بودند، و خارجی‌ان دیگری همچون هلموت کوهل از آلمان، شاهزاده بندر بن سلطان از عربستان سعودی، و اسحاق رابین

از اسرائیل به وضوح از ارتباطات شخصی با هم‌تایان آمریکایی خود منتفع می‌شدند.

با توجه به باور ترامپ مبنی بر این که هر زمان بحث سیاست خارجی می‌شود «تنها من هستم که تصمیم می‌گیرم»، عجیب نیست که بسیاری از رهبران جهان سعی در ایجاد پیوندهای شخصی با ترامپ (یا با خودی‌های او مانند دامادش جارد کوشنر) داشته‌اند. به نظر می‌رسد که هم بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل و هم ولیعهد عربستان محمد بن سلمان این کار را با موفقیت انجام داده‌اند و به خصوص بن سلمان آزادی عمل کامل را برای جنگ در یمن به دست آورده، کشمکش با قطر و کانادا را آغاز نموده و بدون ترس از سرزنش واشنگتن، برنامه اصلاحات اقتصادی خود را به خطر انداخته است. همه ما به دنبال این هستیم که بفهمیم چرا ولادیمیر پوتین رئیس‌جمهور روسیه ظاهراً ترامپ را وادار به تمکین و احترام مشابه می‌کند و ظاهراً کیم هم از این تاکتیک با موفقیت استفاده کرده است. هر سه رهبر از طریق فراهم کردن زمینه برای نمایش غرور و میل شدید ترامپ به جلب توجه، پیوند برقرار کرده‌اند و بدین سان آزادی عمل پیدا کرده‌اند که هر کاری می‌خواهند، بدون واکنش منفی از سوی کاخ سفید، انجام دهند.

با این حال، «پیوند» یک راهبرد خطاناپذیر نیست، همان‌طور که تجربه‌های شینزو آبه از ژاپن، امانوئل مکرون از فرانسه و جاستین ترودو از کانادا نشان می‌دهند. این رهبران از هیچ اقدامی برای جلب توجه و ارضای میل غرور ترامپ فروگذار نکردند، اما تلاش‌های هیچ یک از آنها نتیجه‌ای در بر نداشت. اشتیاق و شیفتگی آبه به گلف نتوانست مانع ترامپ برای خروج از پیمان ترنس پاسیفیک و وضع تعرفه بر ژاپن شود، دوستی مردانه مکرون با ترامپ نتوانست باعث ترغیب رئیس‌جمهور به حفظ پیمان هسته‌ای ایران یا ممانعت از دهن کجی به اتحادیه اروپا گردد، و ترودو علیرغم تلاش‌های اولیه برای برقراری پیوند با رئیس‌جمهور دمدمی مزاج، از لیست سیاه ترامپ به شدت عصبانی است.

بدقابلی آنها، مخالفت با ترامپ در موضوعاتی بود که او واقعاً در مورد آنها حساس بود و هیچ میزانی از دوستی و شیفتگی شخصی نمی‌توانست بر آنها غلبه کند. جذابیت‌های مکرون هم نتوانست مشورت‌هایی که ترامپ در مورد ایران از سعودی‌ها، از مشاورانی همچون جان بولتون و از ثروتمندانی چون شلدون ادلسون می‌گرفت را تحت‌الشعاع قرار دهد. با توجه به سابقه طولانی ترامپ در حمله به شرکای سابق (نیازی به یادآوری جابجایی‌های بی‌سابقه در کارکنان کاخ سفید نیست)، این راهبرد شیوه‌ای عالی برای تضمین یک رابطه سازگار و هماهنگ با واشنگتن نیست.

در پرونده حاضر برخی تحلیل‌ها و نگاه‌ها درباره مناسبات ایران و آمریکا به ویژه در مقوله تحریم را یادآور شده‌ایم که امید است در این شرایط به کار بیاید.



منطق مذاکره و عدم مذاکره با آمریکا

حل همه مشکلات و تبدیل دشمنی‌ها به دوستی‌ها نیست. مذاکره راهی برای جلوگیری از بدتر شدن اوضاع، کاستن از دشمنی‌ها، تقلیل تهدیدها و افزایش فرصت‌هاست. چهارم، مذاکره صرفاً بین دوستان یا دشمنان صورت نمی‌گیرد. مذاکره بین همه کنشگرانی بروز می‌یابد که در ارتباط ایجابی یا سلبی با همدیگر هستند. پنجم، دستاوردهای مذاکره نسبی، زمینه‌مند و اجتماعی است. تعبیر دولت‌ها و افکار عمومی ممکن است بیش از یافته‌های عملی و عینی مذاکرت نمود یابد. دستاوردهای مذاکره و عدم مذاکره باید با توجه به هزینه‌ها و دستاوردهای آنها سنجیده شود.

◆ گزینه‌های ایران و آمریکا

مناسبات ایران و آمریکا در یک بن‌بست متقابل زبان‌آور گرفتار شده است. به طور کلی تقابل کامل، توافق کامل و تداوم وضع موجود سه گزینه منطقی پیش‌روی دو کشور است. گزینه تقابل کامل و توافق کامل خواست دولت ترامپ است که هر دو گزینه به شدت با گزینه سوم یعنی ادامه وضع موجود مخالفند و به دنبال حذف این گزینه هستند. خروج از برجام در راستای گزینه اول و پیشنهاد مذاکره بدون پیش‌شرط در راستای گزینه دوم است. از نظر ترامپ برجام توافقی شرم‌آور است که به صورت کامل به نفع ایران و به ضرر آمریکا تمام شده است، برام موجب اصلاح رفتار منطقه‌ای ایران نشد و هیچ دستاورد اقتصادی برای آمریکا نداشت، تداوم برجام موجب تداوم وضع موجود و افزایش تدریجی قدرت ایران در داخل و منطقه می‌شود. از نظر دولت ترامپ، آمریکا با خروج از برجام و اعمال تحریم‌های گسترده علیه ایران، نه تنها متحمل ضرر نخواهد شد بلکه ضربه سختی به رقبای اروپایی و چینی‌ها و واشنگتن خواهد زد که از برجام به ضرر آمریکا منتفع شده‌اند. در وضعیت تقابل و اعمال تحریم‌های یکجانبه علیه تهران، این جمهوری اسلامی ایران و شرکای تجاری آن است که آسیب خواهند دید. آمریکا در روابط با ایران چیزی برای دست دادن ندارد.

دولت ترامپ برای برهم زدن روند موجود دو اقدام اساسی انجام داده است: اعمال تحریم‌های شدید و پیشنهاد بدون شرط مذاکره. جمهوری اسلامی ایران در قبال پیشنهاد مذاکره بی‌قید و شرط آمریکا به طور منطقی دستکم پنج گزینه پیش‌روی



دکتر محمود یزدانی فام

◆ مقدمه

تا مقامات آن ناگزیر به اتخاذ تصمیمی جدید شده و هزینه آن را متحمل شوند. در مقابل پیشنهاد صریح و روشن ترامپ برای مذاکره چه می‌توان کرد؟ چه سیاستی می‌تواند برای ایران هزینه‌ای کم و دستاورد بیشتری داشته باشد؟ به غیر از رد یا قبول مذاکره گزینه دیگری نیز وجود دارد؟ ویژگی‌ها و معایب و محاسن هر یک از گزینه‌های ممکن چیست؟ مبانی فکری آنها کدام است و در چه شرایطی می‌توانند به نحو مناسب‌ترین اهداف و منافع ایران را تامین نمایند؟

قبل از طرح ویژگی‌ها و معایب و محاسن هر یک از گزینه‌ها، طرح چندموضوع می‌تواند مفید باشد: نخست، در نظام بین‌الملل مذاکره یکی از مهم‌ترین سازوکارهای تامین اهداف و منافع ملی و حل و فصل اختلافات با سایر کنشگران جامعه بین‌المللی است. دوم، مذاکره به معنای تسلیم شدن و نادیده گرفتن منافع ملی نیست. در نظام بین‌الملل مذاکره به خودی خود اصالت ندارد، چیزی که مهم است تامین اهداف و منافع ملی است. سوم، مذاکره و حل و فصل اختلافات لزوماً به معنای

مناسبات ایران و آمریکا در چهار دهه گذشته هیچ‌گاه دوستانه نبود و به رغم همه فراز و فرودها هرگز در مسیر غیرقابل کنترلی قرار نگرفته و تمایلات و تلاش‌های دو طرف هرگز به نتیجه غایی نرسیده است. اما دولت جدید آمریکا از این وضعیت راضی نیست و در پی برهم زدن وضع موجود در مناسبات دو کشور است. ترامپ ضمن خروج از برجام و آغاز مرحله نخست تحریم‌های یکجانبه آمریکا، پیشنهاد مذاکره بدون پیش‌شرط را طرح کرد. رئیس‌جمهور آمریکا در یک کنفرانس خبری مشترک با نخست‌وزیر ایتالیا در پاسخ به این که چگونه می‌توان تنش‌ها با ایران را کاهش داد، گفت: «حاضریم با آنها ملاقات کنم. هر زمان و هر جایی که آنها بخواهند. هیچ پیش‌شرطی نداریم. هر وقت بخواهند هم برای آنها خوب است، هم برای دنیا. این کار را از موضع قدرت یا ضعف انجام نمی‌دهم، فکر می‌کنم ملاقات کردن کار مناسبی است.» ترامپ با این سخنان به صورت صریح توپ را به زمین ایران انداخت

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

خود دارد که از رد صریح و کامل مذاکره تا قبول صریح و کامل را شامل می‌شود. نه رد و نه قبول در میانه این محور قرار دارد و در دو سوی آن رد مذاکره به دلیل عدم پایبندی آمریکا به الزامات مذاکره و در سمت راست آن قبول مذاکره با قالب‌بندی و طرح حداکثری خواسته‌ها و منافع جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. انتخاب هر کدام از گزینه‌های فوق می‌تواند بر بنیان برخی ملاحظات و معیارهای نظری و عملی صورت گرفته و پیامدها، هزینه‌ها و دستاوردهای خاص خود را داشته باشد. معیار اصلی و تعیین‌کننده باید تامین اهداف و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران با کمترین هزینه و بیشترین دستاورد باشد. در زیر ضمن در نظر گرفتن استدلال مخالفان و موافقان مذاکره با آمریکا، منطق و معیار و هزینه و دستاورد هر کدام از آنها به اختصار بیان می‌شود.

♦ منطق رد مذاکره با آمریکا

مخالفان مذاکره با آمریکا در دو گروه قرار می‌گیرند، گروه نخست به طور مطلق هر گونه مذاکره با آمریکا را به ضرر جمهوری اسلامی ایران عنوان کرده و طرح این موضوع را اساساً غیرقابل قبول می‌دانند و حتی گاهی سخن گفتن در این مورد را نفی و در راستای اهداف و منافع دشمن تلقی می‌کنند. گروه دوم مذاکره با آمریکا را منوط به شرایطی می‌کنند که در حال حاضر وجود ندارد. دلایل مخالفان مذاکره با آمریکا را می‌توان در پنج مقوله ویژگی‌های طرف مذکره، نتایج مذاکرات و میزان مطلوبیت مذاکره در قیاس با گزینه‌های دیگر دسته‌بندی کرد:

ویژگی‌های طرف مقابل: سیاست اعلام و اعمال شده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران کاملاً خصمانه و تحقیرآمیز است؛ رئیس‌جمهور آمریکا فردی کاملاً دروغگو است و به دنبال عکس یادگاری است تا مذاکره، او از برج‌های خارج و تمام تعهدات بین‌المللی آمریکا را نادیده گرفته است. ترامپ غیرقابل اعتماد است و نمی‌توان آن را در پیشنهاد مذاکره صادق ارزیابی کرد. وی بیش از این که در پی مذاکره واقعی باشد، به دنبال اثبات این است که بگوید فشارها و تهدید و تحریم علیه ایران اثرگذار است و سیاست من در قبال ایران کاملاً دقیق و درست است. دولت‌های قبلی بی‌عرضه و ناتوان و من قدرتمند و توانا هستم. این در حالی است که موقعیت ترامپ در داخل آمریکا چندان مستحکم نیست. از ناحیه پرونده مداخله روسیه در انتخابات ریاست جمهوری، موضوع پرداخت حق سکوت از سوی وکیل سابق خود به شدت تحت فشار است. وضعیت جمهوری اسلامی ایران: دومین معیار برای رد

مذاکره است. مخالفان مذاکره در این حوزه بر این باورند که ایران در موضع ضعف قرار دارد و نابرابر بودن قدرت بین دو طرف مذاکره موجب تحمیل نظرات طرف قدرتمند به طرف ضعف می‌شود. در چنین شرایطی نتیجه مذاکرات نمی‌تواند به نفع ایران باشد. همچنین نبود اجماع داخلی موجب تشدید شکاف بین نخبگان، دولت و ملت شده، به همبستگی و انسجام ملی ایران آسیب زده و موقعیت ما را در قبال آمریکا را تضعیف می‌نماید. رد کامل مذاکره موجب جمع شدن بحث‌ها و بلا موضوع شدن عامل اختلاف و دودستگی در جامعه می‌شود.

شرایط مذاکره: آمریکا در پی اعمال تحریم و تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران است. ایران تحت فشار تحریم‌های آمریکا قرار دارد، تحت فشار تحریم‌ها نمی‌توان مذاکره کرد. قدرت دو کشور برابر نیست. یک طرف از موضع طلبکارانه خواسته‌های خود را با قدرت طرح و از سوی دیگر به طرف مقابل اجازه نمی‌دهد که خواسته‌ها و نظراتش را مطرح نماید. شرایط نابرابر موجب ضرر یکی و سود دیگری می‌شود. در چنین شرایطی مذاکره بی‌معنی است.

نتیجه مذاکره: کنشگران در عرصه‌های مختلف به دنبال تامین اهداف و منافع خود هستند. در وضعیتی که نتیجه مذاکره از قبل معلوم و یک طرف بازنده و طرف مقابل برنده این گفت‌وگو است، ورود به فضای مذاکره برای طرف بازنده کاملاً غیرمنطقی و غیرعقلانی است. با علم به نتیجه یک‌سویه مذاکره، پاسخ مثبت به دعوت دیدار با آمریکا کاملاً غیرقابل قبول است. مذاکرات برای ایران بی‌نتیجه و پذیرش آن به معنای تسلیم شدن در برابر خواسته‌های آمریکا و تغییر بی‌سروصدای نظام جمهوری اسلامی است.

مطلوبیت گزینه‌های دیگر: جدا از گزینه مذاکره و تقابل (جنگ)، گزینه ادامه وضع موجود پیش پای ایران است. دولت آمریکا در شرایط کنونی قادر به اعمال کامل تحریم‌ها و قطع کامل درآمدهای نفتی و روابط خارجی ایران نیست. کشورهای دیگر نیز با تحریم‌های آمریکا مخالفت کرده و خواستار تداوم روابط با ایران هستند. اروپا ضمن حمایت از برجام، قانون مسدودسازی را عملیاتی کرده و چین و روسیه به صراحت می‌گویند که ما به تعهدات خود پایبند و قراردادهای خود را اجرا می‌کنیم. در چنین وضعیتی گزینه تداوم وضع موجود مطلوب‌تر از گزینه مذاکره با آمریکا است.

♦ **منطق عدم رد مذاکره با آمریکا**
طرفداران مذاکره با آمریکا همانند مخالفان مذاکره به دو دسته تقسیم می‌شوند: دسته

اول کسانی هستند که مذاکره با آمریکا را به صورت کامل پذیرفته و پذیرش صریح و قاطع آن را به نفع ایران می‌دانند. گروه دوم معتقد به پذیرش صریح مذاکره نیستند ولی رد آن را به ضرر ایران ارزیابی کرده و قبول مذاکره را مشروط به ارائه یک نقشه راه دقیق و سختگیرانه بر بنیان منافع ایران می‌دانند. در این گروه گرفتن پرچم ارزش بین‌المللی مذاکره از دست کسی است که به تعهدات قبلی بین‌المللی احترام نگذاشته است. ترامپ با خروج یکجانبه از برجام و نقض تعهدات بین‌المللی در جامعه جهانی در موضع متهم قرار گرفته است. با پیشنهاد مذاکره بدون شرط سعی می‌کند هزینه‌های این اقدام را کاهش داده و ایران را در معرض اتهام نادیده گرفتن روش‌های مسالمت‌آمیز بین‌المللی قرار دهد. در برداشت طرفداران مذاکره و مخالفان مذاکره با آمریکا تفاوت چندانی وجود ندارد. بی‌اعتمادی به ترامپ و رفتار خصومت‌آمیز نسبت به جمهوری اسلامی ایران برای هر دو گروه مشترک است اما چیزی که طرفداران عدم رد مذاکره استدلال می‌کنند این است که نباید اساس مذاکره را بر اعتماد گذاشت، به ویژه این که شرط ایران برای مذاکره باید پایبندی ترامپ به نتایج و الزامات مذاکره باشد که تعلیق دوباره تحریم‌های هسته‌ای نماد این پایبندی و یکی از اقدامات اعتمادسازی آمریکاست. اگر آمریکا خواهان مذاکره با ایران است باید اقدامات ملموسی انجام دهد. گرفتن عکس مشترک بهایی دارد و بهای آن تعلیق تحریم‌های آمریکاست. عکس مشترک روسای جمهور دو کشور نیاز ترامپ است تا پیروزی خیالی را به طرفداران اصلی خود بفروشد و اعلام کند که به تمام وعده‌هایی که داده عمل کرده است. گفتگوها قبل از شروع تحریم‌ها باید جدی شده و زمانی که عملاً رای‌دهندگان تصمیم خود را گرفته‌اند، توافق اولیه بدون اعلان عمومی انجام گیرد. در این دوره ترامپ بیش از ایام دیگر حاضر به دادن امتیاز است. از نظر این گروه جمهوری اسلامی ایران به لحاظ اقتصادی و اجتماعی در وضعیت مناسبی نیست. سیاست‌های دولت ترامپ بر اقتصاد ایران تأثیر منفی گذاشته و حس عدم اطمینان در مورد آینده آن ایجاد کرده است. فشار تحریم‌ها می‌تواند موجب بدتر شدن اوضاع اقتصادی و اجتماعی هر فروپاشی نظام سیاسی شود. در این صورت هزینه ایران در این بازی بیشتر از آن چیزی خواهد بود که کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند. ترامپ به دنبال آشکار شدن آثار تحریم‌ها در حرکت‌های اعتراضی مردم ایران است. اگر تحریم‌ها موجب بروز اعتراضات دامنه‌دار شود، جمهوری اسلامی

بر ساخته شدن آمریکا به عنوان دشمن

برای یافتن ریشه‌های روابط خصمانه جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا از یک سو باید به تاریخ معاصر ایران و رابطه دست‌نشانده‌گی رژیم پهلوی با آمریکایی‌ها اشاره کرد و از سوی دیگر، باید به اندیشه‌ها و مبارزات امام خمینی رجوع کرد. کلام و مکتوبات امام در مقاطع مختلف مبارزاتی ایشان بیانگر آن است که حیات دوباره اسلام می‌تواند زمینه نفوذ سلطه‌گران و خارجی‌ها در ایران را کاهش دهد. از دیدگاه امام خمینی، کشورهای غربی دارای همگونی‌های کارکردی مشابهی علیه ایران و جهان اسلام بوده‌اند، اما چون نفوذ سیاسی آمریکا فراگیر از سایر واحدهای استعمارگر بود، امام نیز لبه تیز حملات خود را از خرداد ۱۳۴۲ به بعد متوجه این کشور کرد. به این ترتیب، امام خمینی با مورد نكوش قرار دادن نقش مداخله‌گرایانه آمریکا، مبارزه با شاه را امری تاکتیکی برای خلع ید قدرت و نفوذ آمریکا و سایر واحدهای خارجی قرار داد. به همین دلیل، آمریکا به عنوان «شیطان بزرگ» مورد استفاده قرار گرفت.

امام خمینی با چنین اعتقادی برای تبیین نقش و جایگاه ایالات متحده از واژه‌هایی استفاده می‌کرد که از یک سو دارای وجه دینی و اسلامی و از سوی دیگر، دارای ابعاد ملی‌گرایانه، بسیج‌کننده و تحقیرکننده نیز بود. ایشان با دو پیش‌فرض هدف‌های خود را مشخص می‌کرد؛ پیش‌فرض اول، بر این امر واقع بود که عناصر خارجی، ساخت سیاسی ایران را تحت کنترل خود درآورده و درصدد نهادینه کردن مولفه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی خود در ایران هستند و پیش‌فرض دوم، بر این موضوع قرار داشت که به میزان گسترش سلطه غرب در ایران، نفوذ آیین و احکام اسلامی کاهش خواهد یافت (موسسه پژوهش‌های اسلامی و سیاسی، ۱۳۸۸). بر این اساس، اصولی‌ترین تحلیل بر این امر قرار دارد که امام خمینی برای تثبیت مبانی احکام اسلامی و حفظ فرهنگ و هنجارهای اسلامی، بر ضرورت مبارزه با سلطه خارجی تاکید بسیار داشت. به این ترتیب، هدف امام از انجام مبارزات سیاسی در داخل، حفظ و تحقق احکام اسلام بوده است. برای نیل به این امر، انجام مبارزات استقلال‌طلبانه، استکبارستیز و آزادی‌خواهانه به عنوان ابزار و روندی محسوب می‌شد که از یک‌سو زمینه را برای تحقق شرایط محیطی حفظ احکام دینی فراهم می‌کرد و از سوی دیگر، واکنشی جدی و فراگیر را علیه دولت‌هایی فراهم می‌آورد که از مشروعیت فراگیر داخلی برخوردار نبودند. در حالی که آمریکایی‌ها به عنوان حامیان اصلی رژیم شاه در شرایط اوج‌گیری انقلاب اسلامی، راه مقابله با آن را کاهش اقتدار شاه و حرکت به جانب «حکومتی بر اساس قانون اساسی» می‌دانستند و به شاه توصیه می‌کردند که به سمت دموکراسی و لیبرالیزه کردن کشور حرکت کند (برژنسکی، ۱۳۶۲: ۲۳۳). امام خمینی به عنوان رهبر انقلاب، اساس رژیم شاهنشاهی و حامیان آن را زیر سؤال می‌برد و مواجهه با آمریکا را در راس همه مسائل سیاسی عنوان می‌کرد. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب و دوران جنگ تحمیلی عراق علیه ایران نیز امام خمینی همواره آمریکا را با لقب «شیطان بزرگ» خطاب کردند؛ زیرا به عقیده امام «دولت آمریکا به عنوان قدرتمندترین کشورهای جهان برای بیشتر بلعیدن ذخایر مادی کشورهای تحت سلطه از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کند. آمریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است و برای سيطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه، از هیچ جنایتی خودداری نمی‌نماید. او مردم مظلوم جهان را با تبلیغات وسیعش که به وسیله صهیونیسم بین‌المللی سازماندهی می‌گردد، استثمار می‌نماید. او با یادی مرموز و خیانتکارش، چنان خون مردم بی‌پناه را می‌مکد که گویی در جهان هیچ‌کس جز او و اقمارش حق حیات ندارند. ایران که خواسته است از هر جهت با این شیطان بزرگ قطع رابطه کند، امروز گرفتار این جنگ‌های تحمیلی است. آمریکا عراق را وادار نموده است تا ما را با حصر اقتصادی از پای درآورد. مع‌الاسف اکثر کشورهای آسیایی هم با ما سر ستیز داشته. ملت‌های مسلمان باید بدانند که

ایران در مناسبات خود با آمریکا در وضعیت دشوارتری قرار می‌گیرد. هدف ایران باید تعدیل آثار تحریم‌ها و جلوگیری از بروز اعتراضات خارج از کنترل در داخل باشد که علاوه بر اعمال سیاست‌های دقیق در داخل کشور می‌تواند با حفظ کانال‌های ارتباطی گفت‌وگو با آمریکا، تقویت اعتبار ایران در جامعه جهانی و گسترش روابط با کشورهای دیگر صورت گیرد. مذاکره با آمریکا پس از چندین دور مذاکره در عراق و افغانستان و طولانی‌ترین مذاکرات هسته‌ای در اروپا و آمریکا چیزی نیست که امتیاز آن به ترامپ برسد. اما توافق کامل نباید به گونه‌ای باشد که در دور اول ریاست جمهوری ترامپ صورت‌تغییر و موجب پیروزی مجدد او در انتخابات ۲۰۲۰ آمریکا شود. اگر ترامپ به دلایل دیگر پیروز این انتخابات شد، در دور دوم، رئیس‌جمهور آمریکا با فراغ‌بال بیشتر حاضر به دادن امتیاز به طرف‌های مقابل است. آنها نیازی به رای مردم ندارند، هدف آنها انجام اقداماتی است که در تاریخ ماندگار شوند. ترامپ از همین حالا این روحیه را دارد و چنین روحیه‌ای بزرگ‌ترین نقطه ضعف آن به شمار می‌آید. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از این فرصت بیشترین بهره را ببرد. در همین حال باید در نظر داشت که جمهوری اسلامی در حمایت از توافقی‌های خارجی موفق‌تر از دموکرات‌ها هستند. در صورت پیروزی ترامپ در انتخابات ۲۰۲۰ باید تدبیری نو اندیشیده شود. جلوگیری از تخریب پل‌های ارتباطی ضروری است، شاید روزی نیاز باشد دوباره از آن عبور کنیم.

در داخل آمریکا نگاه‌ها به ایران یکسان نیست. از تمایل به همکاری با جمهوری اسلامی ایران تا تغییر رفتار، تغییر رژیم و حتی فروپاشی ایران را شامل می‌شود. این تنوع تا حدودی در داخل دولت ترامپ هم هست. ترامپ به دنبال تغییر رفتار است، حاضر است بدون پیش‌شرط مذاکره کند که به معنای پذیرش کامل جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای تغییر رفتار آن است. افرادی مثل جان بولتون به دنبال تغییر رژیم و حتی فروپاشی ایران هستند. برای آنها تفاوتی بین ایران و جمهوری اسلامی و دولت و حاکمیت وجود ندارد. از نظر آنها ایران تهدیدی علیه منافع آمریکا و متحد منطقه‌ای آن است. سیاست‌ها و رفتار جمهوری اسلامی ایران باید در راستای تضعیف رویکردها و چهره‌های افراطی باشد. باید از هر گونه حمله کلامی به ترامپ اجتناب شود. راهبرد ایران باید تعدیل آثار تحریم، تطویل بحث مذاکرات و مدیریت زمان برای عبور از این دوره باشد تا تهدیدات تعدیل، بنیان‌های قدرت تقویت و امید افراطیون در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی تضعیف شود.

عربستان، امارات متحده عربی، بحرین و رژیم صهیونیستی، از سیاست افراطی دولت آمریکا علیه ایران به شدت استقبال و در پی پرداخت هزینه‌های آن هستند. آنها امنیتی‌سازی ایران و بازگرداندن تحریم‌های بین‌المللی و حتی حمله نظامی آمریکا و سرنوشتی ایران را دنبال می‌کنند. رد کامل و مطلق مذاکره مواضع این گروه را در واشنگتن تقویت و موجب افزایش انگیزه آنها در مقابله با ایران و نزدیکی به هدفشان می‌شود. پیشنهاد مذاکره بدون شرط ترامپ به ایران هرگز خوشایند این دولت‌ها نیست. آنها در پی برخورد و سرنوشتی جمهوری اسلامی ایران هستند، نه به رسمیت شناختن آن و تلاش برای مذاکره با تهران. سکوت آنها در قبال پیشنهاد ترامپ نشانه نارضایتی و گنج شدن آنها است. با سیاست نه رد و نه قبول مذاکره، اراده آنها برای مقابله با ایران متزلزل می‌شود. با تطویل بحث مذاکره می‌توان پیشنهاد بازسازی روابط با دولت‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس را طرح و از دشمنی آنها کاست و پل‌های خراب شده را بازسازی کرد. تنش‌زدایی در منطقه موقعیت جمهوری اسلامی ایران را در برابر آمریکاچه در تقابل و چه در توافق تقویت می‌کند. پیشنهاد ترامپ زمینه مناسبی برای عملی کردن این سیاست در اختیار ایران قرار داده است.

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر



ایران کشوری است که رسماً با آمریکا می‌جنگد و شهدای ما، این جوانان و دلاوران ارتش و سپاه از ایران و اسلام عزیز در تقابل آمریکا دفاع می‌کنند» (صحیفه نور، ج ۱۳: ۸۴).

آنچه در برخی از اظهارات امام خمینی در مورد آمریکا می‌توان آشکارا مشاهده کرد، نقش واژه‌ها و استعاره‌هایی است که در شکل‌دهی گفتمان انقلابی و هویت سیاسی جمهوری اسلامی ایران نقش اساسی ایفا کرده است. با وجود این، تثبیت و تقویت این هویت منوط به روتین‌ها و رویه‌های عملی است تا بتواند به هویت سیاسی در حال شکل‌گیری معنای واقعی ببخشد. این اقدامات عملی چه هنگامی که از سوی دولت ایالات متحده انجام می‌گرفت و چه زمانی که از سوی حکومت ایران مورد اجرا و پشتیبانی قرار می‌گرفت، تقویت‌کننده تعارض و دشمنی دو دولت بود. شاید اوج این اقدامات عملی را بتوان در حادثه گروگانگیری و تسخیر سفارت آمریکا توسط دانشجویان مشاهده کرد، به گونه‌ای که این حادثه نقطه عطفی برای تشدید تعارض دو گفتمان و تقویت دشمنی طرفین و برانگیزاننده اقدامات بعدی دو دولت علیه هم شد.

اما آنچه حائز اهمیت است، این است که حادثه گروگانگیری در شکل‌گیری هویت سیاسی جمهوری اسلامی ایران نقش اساسی داشت؛ چون با وجود شعارها و اظهاراتی که از سوی امام خمینی و بسیاری از نخبگان دینی جمهوری اسلامی ایران در قالب الفاظی چون استکبارستیزی یا حمایت از مستضعفین جهان بیان می‌شد و حتی این الفاظ تا حد اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ارتقا یافته بود، ولی مصداقی روشن برای این واژه‌های نادر در ادبیات نظام بین‌الملل آن روز دنیا برای جمهوری اسلامی ایران وجود نداشت. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که تا قبل از گروگانگیری و تسخیر سفارت آمریکا، دشمن یا دگر هویت‌سازی که بتواند تثبیت‌کننده و تعیین‌کننده هویت سیاسی

برای امام تنها یک شعار نبود. امام خمینی در مصاحبه مجله تایمز لندن در دوران گروگانگیری به گونه‌ای جدی اظهار داشت: «ما می‌خواهیم به همه دنیا نشان دهیم که «قدرت‌های قانقه» را هم می‌توان با نیروی ایمان شکست داد. ما در برابر همه دولت آمریکا با تمام قدرت مقاومت می‌کنیم و از هیچ قدرتی نمی‌هراسیم. ما آمریکا را خوب می‌شناسیم و می‌دانیم که می‌توانیم در برابرش مقاومت کرده، از شرفمان دفاع کنیم. ما باید بر آمریکا غلبه کنیم و او را در همه منطقه شکست دهیم. ما تسلیم بی‌عدالتی‌ها نخواهیم شد و با ستمکاران کنار نخواهیم آمد. ما می‌توانیم به آسانی در برابر تجاوز آمریکا بایستیم. آمریکا ممکن است ما را شکست دهد، ولی نه انقلاب ما را و به همین دلیل است که من به پیروزی خودمان اطمینان دارم.» به هر حال، حادثه مذکور موجبات واکنش دولت آمریکا را برانگیخت و پس از آن حادثه است که دولت آمریکا نیز در ادامه اقدامات متعدد سلطه‌گرایانه علیه مردم ایران و پناه دادن به شاه مخلوع، اقداماتی عملی چون واقعه طبس، کودتای نوژه، جنگ تجاوز کارانه عراق علیه ایران و حمایت‌های خاص از عراق در این جنگ، قطع رابطه، تحریم اقتصادی، حمله به هواپیمای مسافربری ایران، حمله به پایانه‌های نفتی ایران، حمایت از گروه‌های برانداز مخالف جمهوری اسلامی ایران، تلاش برای به انزوا کشاندن ایران در عرصه‌های بین‌المللی و قرار دادن ایران در لیست محور شرارت را در دستور کار سیاست خارجی خود قرار داد و به همین ترتیب، پس از گذشت چهار دهه از پیروزی انقلاب، کماکان تنش و خصومت شدید میان دولت آمریکا و جمهوری اسلامی ایران (اگرچه فراز و فرودهایی داشته است) برقرار است. نکته حایز اهمیت است این است که این اقدامات عملی آمریکا علیه ایران، موجب تقویت هویت سیاسی جمهوری اسلامی ایران در برابر دشمنی چون آمریکا شده است.

منبع: پژوهشکده مطالعات راهبردی

حکومت نوظهور جمهوری اسلامی ایران در فضای دو قطبی حاکم بر نظام بین‌الملل باشد، وجود نداشت و یا اگر هم در لفظ بیاناتی در مورد دشمنی با آمریکا در سخنرانی‌های امام خمینی و نیز شعارهای مردم مشاهده می‌شد، این دشمنی دارای بازتاب عملی نبود؛ چون کماکان روابط میان ایران و آمریکا برقرار و ایالات متحده در ایران دارای سفارتخانه بود.

این وضعیت، اظهاراتی را که از سوی نخبگان دینی ایران خطاب به رهبران و مردم جهان بیان می‌شد، را در حاله‌ای از ابهام قرار داده بود؛ چون کاملاً جنبه انتزاعی داشت و بسیاری از سران کشورها آنها را در حد الفاظی می‌پنداشتند که قابلیت اجرایی ندارد و شاید غافلگیری دولت آمریکا در برابر عملیات تسخیر سفارت آن کشور در ایران نیز ناشی از همین برداشت از سوی دیگران بود. به همین دلیل، حادثه تسخیر سفارت را می‌توان جدی‌ترین اقدام عملی از سوی جمهوری اسلامی ایران تلقی کرد که نتیجه آن، شکل‌گیری هویت سیاسی جمهوری اسلامی ایران بود. شاید مهم‌ترین دلیل برای فهم چرایی تصریح امام بر حادثه مذکور به عنوان انقلابی مهم‌تر از انقلاب نخست، در همین نکته نهفته باشد. علاوه بر این، اشاره به اظهارات مرحوم هاشمی رفسنجانی از اعضای شورای انقلاب و اولین رئیس مجلس شورای اسلامی به طرز گویایی مویذ ادعای فوق باشد. آقای هاشمی، چند ماه پس از حادثه گروگانگیری، این اقدام دانشجویان را منطق بر اصل استکبارستیزی و ضدامپریالیستی دانسته و در همین رابطه گفته است: «ما تا قبل از قضیه گروگانگیری، دارای اصلی به نام استکبارستیزی بودیم، ولی خط و امصدافی برای این اصل نداشتیم. حادثه گروگانگیری خط و مصداق ضدامپریالیستی و ضد استکباری ما را مشخص و روشن ساخت» (برنامه مستند تلویزیون جمهوری اسلامی ایران، بهمن ماه ۸۷).

حادثه مذکور به دولت‌ها و مردم نشان داد که ایستادگی و مقاومت در برابر آمریکا و سایر ابرقدرت‌ها

عبور از تحریم در پرتو سیاست خارجی مطلوب

دکتر طهمورث غلامی | پژوهشگر مسائل بین الملل

در این روزها و ماه‌ها بسیار شنیده‌ایم که ایران در شرایطی حساسی قرار دارد. به اعتقاد من شرایط فعلی حساس‌ترین زمان ممکن است. بحث من در سه بخش ارائه می‌شود و هر بخش به این سوال جواب می‌دهد که مناسبات ایران - آمریکا چه خواهد شد و تحریم‌ها چه بر سر ایران می‌آورند.

بخش اول سیاست خارجی و فشارها و تحریم‌های بیرونی است. در نشست مطرح شد که در چهل سال گذشته سیاست مالیاتی ما ایراد داشته و سیاست‌های اقتصادی ما مشکل داشته است. یا سیاست‌های بانکی ما مشکل داشت و تورسم ما دچار مشکل بود و همه اینها باعث ایجاد فشارها شده است اما سوال این است که سیاست خارجی چه نقشی در شکل‌گیری فشارها بر علیه جمهوری اسلامی ایران داشته است؟ ما از ابتدای انقلاب با فشارهای بیرونی روبرو بودیم این فشارها در بعضی از مواقع امنیت و بقای ما را در معرض تهدید قرار داده است و بعضاً توسعه اقتصادی ما را مختل کرده است. امروز نیز فشارهای جدیدی شکل گرفته و در حال افزایش است. و می‌تواند منجر به بحران‌های سیاسی و اجتماعی شود. جنبه سیاست خارجی چیست؟ و چرا می‌گوییم سیاست خارجی؟ چون سیاست خارجی سازوکاری برای تعامل با دنیای بیرون است. سیاست خارجی باید امنیت ایران را تامین کند و بقا و موجودیت نظام سیاسی و نهادهای فرهنگی و منفعت ما را تامین کند یعنی هر آنچه که باعث افزایش قدرت و ثروت ما خواهد شد. وقتی در حوزه امنیت و منفعت و توزیع فشارهای بیرونی نگرانی داریم به این معناست که ناکارآمدی در سیاست خارجی وجود دارد. در ۴۰ سال گذشته دو مورد مهم داشتیم و به جایگاه سیاست خارجی در این دو موضوع می‌پردازیم مورد اول جنگ بود. در مورد جنگ می‌گوییم همه بر علیه ما بودند و همه دولت‌ها بر علیه ما بسیج بودند و زن و مرد و کودک همه نقش خود را انجام می‌دادند ولی سیاست خارجی در کجا بود؟ چطور صدام حسین باید بتواند هم از آمریکا و هم از شوروی و هم از اروپا و هم از چین سلاح بگیرد ولی جمهوری اسلامی برای تامین سلاح‌های خود درماند؟ چرا در جنگی که عراق آغازگر آن بود از سلاح‌های شیمیایی بر علیه ما استفاده شد ولی هیچ نهاد بین‌المللی از ایران پشتیبانی نکرد؟ عراق به کویت نیز حمله کرد و محکوم شد و غرامت پرداخت کرد و تنبیه شد ولی در مورد جمهوری اسلامی چنین اتفاقی نیفتاد؟ اساساً چرا در جنگ تنها ماندیم؟ چون سیاست خارجی ما ضعیف بود. وظیفه سیاست خارجی این است که تعداد دشمنان ما را کم کند و تعداد دوستان ما را افزایش بدهد و به ما اجازه ندهد ایران به انزوا کشیده شود. در زمان جنگ سیاست خارجی کاملاً ناکارآمدی داشتیم. هرچند در زمان انتخابات سعی می‌شود این مسأله را پررنگ و موفق جلوه دهند ولی در حقیقت سیاست خارجی ایران سیاستی ناکام بوده است. می‌توانیم بگوییم در دهه ۱۳۶۰ انقلابیون تجربه لازم را نداشتند و نتوانستیم برای کاهش فشار جنگ از

این عامل استفاده کنیم. نکته دوم بحث تحریم‌ها است. همیشه بحث اتهام در زمینه فعالیت‌های اتمی در مورد ایران وجود داشت در اوایل دهه ۱۳۸۰ شمسی فعالیت‌های اتمی ایران در بخشی که اعلام نکرده بودیم آشکار شد و این زمانی بود که دولت آمریکا طالبان را در افغانستان و صدام حسین را در عراق سرنگون کرده بود. زمان مناسبی برای فشار بین‌المللی بر علیه ایران بود که نظام با هوشمندی توانست سیاست خارجی فعالی در پیش بگیرد و فشارها را دفع بکند. ولی در نهایت پرونده ایران در سال ۸۴ و یا ۸۵ به شورای امنیت ارجاع داده شد قطعنامه‌هایی بر علیه ما صادر شد که مهم‌ترین آن قطعنامه ۱۹۲۹ بود و تحریم‌های زیادی بر علیه ما وضع شد. وضع تحریم‌های جهانی بر علیه ایران یعنی سیاست خارجی ما ضعیف بوده است. اینکه کشورهای مسلمان و عرب همسایه ما با تحریم‌ها همکاری می‌کردند یعنی سیاست خارجی ما در دنیای اسلام و در سطح منطقه سیاست خارجی ضعیف و ناکارآمدی است. در آن زمان شعار شرق‌گرایی بود همکاری چین و روسیه رد تصویب قطعنامه‌ها و استقرار تحریم‌ها بر علیه ما یعنی سیاست خارجی شرق‌گرایی که گاهی برای نقد غرب‌گرایی از آن استفاده می‌کنیم سیاست شکست‌خورده‌ای بود برجام تصویب شد و تحریم‌های هسته‌ای بر علیه ما لغو شد. البته متصفانه است که اضافه کنیم علی‌رغم تمام فشارها و تحریم‌ها تصمیم درستی گرفته شد و نباید بخش هسته‌ای متأثر می‌شد و ما در زمان تحریم‌ها این فعالیت‌ها را توسعه دادیم، و از ۱۶۴ سانتیفریو به ۲۰ هزار رساندیم و غنی‌سازی را بالا بردیم. همین مسائل طرف مقابل را تحت فشار قرار داد و او میز مذاکره را پذیرفت. آمریکایی‌ها از برجام خارج شدند و فشارها برگشت و کشورهای حامی برجام در عرصه اقتصادی از آن تحریم‌ها تبعیت می‌کنند. و چین و روسیه عملاً نتوانستند کاری از پیش ببرند و ما می‌پذیریم که سیاست آمریکا تأثیرگذار است ولی آیا سیاست خارجی ما مسئولیتی ندارد؟ آیا سیاست خارجی ما نمی‌توانست مانع از خروج آمریکا از برجام شود؟ ارزیابی سیاست خارجی ما و این تفکر که چین و روسیه و اروپا می‌توانند برجام را حفظ کنند ارزیابی غلطی است. این دو مورد نشان می‌دهد سیاست خارجی ایران ناکارآمد است. حالا سوال این است که چه چیزی باعث شده است سیاست خارجی ما در دفع و یا کاهش فشارهای بیرونی ضعیف باشد. واقعیت این است که سیاست خارجی ما ایرادات و مشکلاتی دارد که اینها باعث شده است در ۴۰ سال گذشته نتوانیم از این ابزار که دیگران هم از آن استفاده می‌کنند برای دفع فشارهای بیرونی بهره ببریم. می‌خواهم سیاست خارجی را در حوزه‌های اصول و مبانی، کارگزاران و محیط عملیاتی بیرونی مورد بحث و بررسی قرار بدهم و به این برسم که چه ضعف‌هایی وجود دارد که اجازه نداده است سیاست خارجی ابزار مفیدی در دست ما باشد.

در حوزه اصول و مبانی، اصلی به نام نفی سلطه داریم. اصل خوبی است و کسی مخالف آن نیست

هیچ کسی دوست ندارد بیگانه بر ایران مسلط شود. ولی این اصل به زمانی بر می‌گردد که وقتی نفی سلطه را سراسری می‌کنید به دنبال این هستید که سلطه را در سراسر دنیا نفی کنید ولی دیگران این را از شما نمی‌پذیرند. و این مصداق تجدیدنظرطلبی و مداخله در امور داخلی آنها است. اگر بر مبنای این اصل روابط کشورهای عرب منطقه با قدرت‌های بزرگ را زیر سوال ببریم و بگوییم شما سلطه‌پذیر هستید آنها این معنی را از ما نمی‌پذیرند و آن را دخالت در امور داخلی خود می‌دانند. به همین دلیل ما در تعامل با همسایگان خود مشکل داریم. اصل سوم حمایت از مسلمانان است که در قانون اساسی دیده شده است. کنفرانس اسلامی سال گذشته در ترکیه برگزار شد و در بیانیه پایانی آن تمامی کشورهای اسلامی جمهوری اسلامی را به دلیل مداخله در امور داخلی خود محکوم کردند. این اصل باعث می‌شود دیگران تصور کنند که ما مداخله‌گر در امور داخلی آنها هستیم. اصل بعدی اصل ارتباط با ملت‌ها است حرفی همیشه در زبان سیاستمداران وجود دارد آنها می‌گویند ما با ملت‌ها ارتباط داریم. من می‌خواهم بدانم آیا اگر دولت و ملت عربستان نخواهند ما می‌توانیم یک ویزا بگیریم؟! در دنیای سیاست اگر دولت و ملتی راضی نباشند شما نمی‌توانید حتی یک دکه در آن کشور به راه بیندازید در حقیقت در دنیای سیاست دولت‌ها با دولت‌ها ارتباط دارند و چیزی به نام روابط دولت با ملت نداریم این اصل نمی‌تواند سیاست



یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

خارجی ما را کار آمد کند. اصل دیگر قاعده نفی سبیل است و درست و منطبق با منفعت ملی است. ولی تفسیر از این اصل آنچنان گسترده است که هر توافق اقتصادی که می خواهد در این کشور وضع شود مصداق تسلط بیگانگان اعلام می شود. مجلس ایران چندین ماه درگیر fatt و توافقات نفتی با کشورهای دیگر است و همین باعث شده ما در حوزه صنعت عقب بمانیم. ایراد دوم سیاست خارجی ما در بخش کارگزاران و تصمیم گیران است. در میان سیاستمداران ما هیچ اجماعی در مورد منفعت ملی وجود ندارد. تعریف صفر و صد وجود دارد عده ای غرب را مظهر تمام خوبی ها می دانند و برای عده ای شرق این جایگاه را دارد و این افراط و تفریط و چندصدایی وجود دارد. عوام زدگی در سیاست خارجی وجود دارد. سیاست خارجی محل پیگیری منفعت و امنیت ملی است جای رسانهای کردن و عامیانه کردن مسائل نیست. عوامانه کردن مسائل باعث می شود در زمان نیاز نتوانید انعطاف پذیری دیپلماتیک داشته باشید. و یا نتوانید تاکتیک عقب نشینی اتخاذ کنید. اگر مقام رهبری در سال ۹۲ از عبارت نرمش قهرمانانه استفاده کرد دقیقا به همین دلیل بود به حدی در حوزه هسته ای از تعبیر عامیانه استفاده کرده بودیم و آن قدر انرژی هسته ای را با شعار حق مسلم ما است عامیانه کرده بودیم که جامعه نمی توانست عقب نشینی مسئولان را بپذیرد. نقد دیگری که وجود دارد بد جلوه دادن ابزار مذاکره در داخل کشور است. تمام کسانی که در مسائل گروگانگیری و یا در موضوع جنگ و یا در موضوع هسته ای مذاکره کرده اند افرادی ساده لوح و خائن و وطن فروش می دانیم و پیامد این پندار این

خواهد بود که هیچ دیپلمات و سیاستمداری جرات ندارد به مذاکره فکر کند. همیشه برای من سوال بود که چرا آقای جلیلی نتوانست در ۵-۶ سال یک توافق را به امضا برساند؟ دلایل زیادی وجود دارد، یک دلیل می تواند همین باشد که ایشان ترس داشته است. این که مذاکره را مساوی با سازش و تسلیم می دانیم بسیار بد است. مشکل دیگر سیاست خارجی ما این است که این سیاست خارجی هیچ نگاهی به مشکلات درونی کشور ندارد امروزه همه از سیاست خارجی توسعه گرا استفاده می کنند به نحوی که سیاست خارجی در اختیار توسعه اقتصادی کشور باشد ولی سیات خارجی نه تنها مشکلات داخلی کشور ما را حل نمی کند بلکه آنها را تشدید می کند و هزینه هایی برای ما تحمیل می شود. اهداف غیر قابل تحقیقی که در سیاست خارجی وجود دارد مثل نابودی اسرائیل یا مخالفت با صلح و آنچه که نه ما توان آن را داریم و نه شرایط محیطی چنین اجازه ای را به ما می دهد. بحث بعدی نفع در حوزه عملیاتی است در سیاست خارجی باید به تغییرات محیطی توجه کرد و خود را با آنها تطبیق داد. به طور مثال شوروی فروپاشید و تمام کشورها از جمله انگلیس و چین خود را با شرایط جدید تطبیق دادند ولی ما نتوانستیم خود را تطبیق بدهیم. مشکل دیگر ابهام ها در روابط با قدرت های بزرگ است. می دانیم در هر شرکتی که تاسیس می شود کسی سهم بیشتری در تصمیم گیری قوانین شرکتی دارد که پول بیشتری گذاشته باشد. قدرت های بزرگ متولیان سیستم بین المللی هستند چون قدرت بیشتری دارند نقش بیشتری در تبیین قوانین دارند حال نگاه ما به

قدرت های بزرگ چیست؟! آمریکا را دشمن شماره یک می دانیم. انگلیس را رفیق آمریکا می دانیم و فرانسه را به دلیل حمایت هایش از آمریکا نبخشیده ایم. روس ها را ضد غرب می دانیم در حالیکه پوتین خود می گوید من از اینکه غرب مرا تهدید بداند خوشحال نیستم. و تصور می کنیم می توانیم روی روس ها حساب کنیم. ارزیابی دیگر ما این است که چین می تواند جایگزین آمریکا شود. ارزیابی ما از قدرت های بزرگ با اینکه آنها نقش بزرگی در نظام بین الملل دارند ارزیابی غلطی است. در حوزه اهداف خاورمیانه ای اهداف ما مشخص نیست. کشورهای منطقه نمی دانند ما دغدغه امنیت داریم و یا دغدغه توسعه طلبی داریم. بخش سوم این است که برای عبور از تحریم سیاست خارجی ما چگونه باید باشد؟ یک دیدگاه عقیده دارد باید روی اروپا تاکید کنیم که به نظر من این دید اشتباه است. تجربه ما در سال ۸۳ و ۸۴ نشان داده اروپا نمی تواند توافقی را بدون آمریکا حفظ کند. دوم اینکه در اروپا دودستگی وجود دارد و کشورهای شرق اروپا به دلیل امنیت خود در مقابل روسیه به آمریکا نیاز دارند پس پیروی نمی کنند. سوم اینکه شرکت های خصوصی اروپایی از دولتمردان خود دستور نمی گیرند. دلیل دیگر اینکه رهبران فعلی اروپا رهبران ضعیفی هستند. دیدگاه دوم می گوید باید روی روسیه حساب کنیم ولی روسیه مزیتی اقتصادی برای ما ندارد. روسیه قادر به تامین نیازهای اقتصادی ما نیست و خود روسیه ترجیح می دهد آقای ترامپ جمهوری خواه در آمریکا بر سر کار باشد نه دموکرات ها و به همین دلیل در مقابل آمریکا مقاومتی نمی کند. روسیه منازعه های خود را با آمریکا دارد. چین هم تمایلی به افزایش منازعه با آمریکا ندارد و جنس رقابت های آنها با آمریکا اقتصادی است و سیاسی نیست. حوزه تمایل آنها در رقابت با آمریکا شرق آسیا است نه مسائل خاورمیانه. دیدگاه دیگر می گوید اقتصاد مقاومتی ولی کشوری که به صادرات نفت متکی است و به درآمدهای ناشی از پتروشیمی اتکا کرده نمی تواند نسبت به دنیای بیرون بی تفاوت باشد. شما نیاز به واردات سرمایه و واردات تکنولوژی دارید. فرض بگیرید جمهوری اسلامی هیچ نیازی به واردات ندارد ولی این تولید باید صادر شود تا ارز تهیه کنید بدون سیاست خارجی و بدون روابط سازنده با دنیا نمی توان اقتصاد را پیش برد و جلو رفت. دیدگاهی که من به آن عقیده دارم این است که امروز فرصتی برای بازنگری جمهوری اسلامی ایران در سیاست های خارجی خود است.

تعریف از اصل نفی سلطه و سلطه پذیری را محدود به کشور ایران کند. ما فقط با سلطه ای که بر کشور خود ما وجود داشته باشد مخالف هستیم.

تعریفی از حمایت از مسلمانان را منوط به این کند که کشورهای مسلمان خود از ما درخواست و کمک کنند. شاید ما نیاز به امضای پیمان با کشورهای خاورمیانه داشته باشیم تا متعهد شویم شکل نظام سیاسی و مذهب شما و روایت شما از اسلام برای ما تفاوتی ندارد و تعریف ملی تری از منافع داشته باشیم و واقعیت های محیط عملیاتی و جایگاه قدرت های بزرگ را داشته باشیم که مدل مناسب برای ما می تواند مدل چین باشد.

همایش اقتصاد و سیاست ایران در پیچ تحریم ها- انجمن علوم سیاسی ایران



ترامپ را دست کم نگیریم



دکتر مجید شریفی | پژوهشگر مسائل بین الملل

من در این سخنرانی نگاهم به روابط بین المللی است و سعی می کنم از این زاویه به قضیه نگاه کنم حرف هایی که بیان می شود به این دلیل نیست که بگوئیم صرفا این حرف ها به یک نتیجه خاص منتهی می شود و به نتایج دیگری منتهی نمی شود. صرف نظر از آنچه که ایران را گلستان یا کلنگستان بدانید واقعیتی در نظام بین المللی در حال رخ دادن است که نقطه تمرکز کانونی آن ایران است و به همین دلیل این مسأله در سیاست خارجی ایران در حال حاضر در مقطعی خاص است بحث خواهیم کرد.

آقای ظریف یک بار گفتند این بار موجودیت ایران را نشانه رفته اند و این حرف پر بیراه نیست. این مسأله تا حدودی صحت دارد. من صحبت خود را با جمله ای از «برتولت برشت» آغاز می کنم. می گوید آنکه می خندد هنوز صدای فاجعه را نشنیده است. به نظر من آنهایی که هنوز خوشبینانه به ماجرا نگاه می کنند و من این خوش بینی را دیده ام از جمله اینکه در افغانستان تورسیم بگذاریم و به لبنانی ها بگوئیم اینجا عروسی بگیرند و... ماجرا را بسیار بسیار سطح پایین دیدن است. سر در آوردن ترامپ در نظام بین الملل یک بیماری نیست بلکه نشانه یک بیماری است. این اتفاق نشانه ای از ظهور یک فرد با دیدگاه های خاص در نظام بین الملل نیست.

پژوهشگران توضیح می دهند دموکراسی اگر کنترل نشود چگونه منتهی به پوپولیسم خواهد شد و چگونه از پوپولیسم حرکت هایی ملی گرایانه سر بر می آورند که می تواند فجایی را برای نظام بین الملل رقم بزند. ترامپ نشانه بیماری است و این بیماری ها هر روز در نظام بین الملل گسترش پیدا می کند. احزاب دست راستی اسپانیا باز هم موفق شدند و رای آوردند آشوب های امروز فرانسه نشان می دهد ملی گرایان جریانی بسیار بسیار قوی در فرانسه دارند آلمان نیز به همین ترتیب است. تحولات به سمتی می رود که در نظام بین الملل تحول خاصی رخ می دهد که در نقطه بد ماجرا برخی فکر می کنند این جریانات خوب است و جریانات ملی گرایانه ای که از اروپا سر بر آورده اند بین اروپایی ها شکاف ایجاد می کند. اگر با نگاهی عمیق تر به این ماجرا نگاه کنید متوجه خواهید شد فاجعه ای در حال سر بر آوردن است. اما مهم تر از آن باید گفت چرا ایران به کانون تحول سیاست های خارجی آمریکا در منطقه خاور میانه تبدیل شده است؟! اگر بگوئیم تمام بحران های جزیی تر آمریکا به غیر از ایران و کره شمالی حل شده است، پر بیراه نگفته ایم. در حال حاضر تکلیف کره شمالی هم تا حدودی مشخص است. این کشور می خواهد با نظام بین الملل دادوستد کند. از این محور فقط جمهوری اسلامی ایران باقی مانده است. و ایران به چند دلیل اساسی به کانون سیاست خارجی آمریکا مبدل شده است.

۱ - سر بر آوردن یک جریان خاص در سیاست خارجی آمریکا که ترامپ نماینده این جریان فکری است. او تنها کسی نیست که از این رویکرد حمایت می کند. زمانی که ما برجام را امضا کردیم بسیاری از واقعیت ها درباره برجام گفته نشد و بسیاری از مسائل علنی نشد ولی در همان زمان در آمریکا نه نظرسنجی برگزار شد و هشت نظرسنجی برجام را رد کرد و گفت برجام توافق خوبی نیست چون نمی تواند جلوی رفتارهای ایران را بگیرد. وقتی ترامپ حرف های خود را در مخالفت با برجام شروع کرد حرف بی جهت نزد جریانی بسیار قوی در آمریکا از این مسأله حمایت می کردند و عقیده داشتند برجام قرارداد خوبی نیست. صریح ترین آنها آقای لیبی گراهام بود که گفت خنجر به دست کسی ندهید که شما را تهدید می کند تا گلویتان را ببرد. روی صحبت او با ایران بود. ترامپ در چنین جریانی و در چنین گفتمانی

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

سر برآورد و گفت من با برجام مخالفت می‌کنم. جان کری نیز به این مسأله اشاره کرد و گفت که حتی دو صفحه از برجام را نخوانده است. ولی نیازی به خواندن آن نداشت چون او با رویکردی که داشت می‌گفت من مخالف این جریانم چون این جریان می‌خواست اتفاق خاصی در نظام بین‌الملل برقرار کند ولی آن اتفاق رخ نداد. در آمریکا دولتی بر سر کار آمده است که خود را با ریگان مقایسه می‌کند. ترامپ در چندین صحبت خود را ریگانی جدید معرفی کرده است. مگر ریگان چه ویژگی دارد که ترامپ این چنین بر آن اصرار دارد؟ ریگان کسی بود که جنگ سرد را با موفقیت به پایان داد. گویی ترامپ آمده است در نبرد دیگری پیروز شود و این نقطه نبرد را حول محور ایران بنا گذاشته است. یکبار دیگر می‌خواهد در نبرد دیگری پیروز شود و این بار نقطه تمرکز او ایران است. اگر در ابتدا می‌خواست پمپئو را به عنوان وزیر خارجه خود معرفی کند یا بولتون را به عنوان مشاور امنیت ملی خود بر سر کار بیاورد، با مخالفت‌هایی مواجه می‌شد ولی گام به گام جلو آمد و تقریباً تمام کسانی را که به عنوان عقلای هشیار در کابینه خود داشت مثل تیلرسون یا مک‌مستر و دیگران را کنار گذاشت و تندروترین افراد ممکن را بر سر کار آورد. برای اینکه متوجه بشویم که چرا ترامپ از برجام خارج شد مقاله ۱۷ صفحه‌ای جان بولتون را که در سال ۲۰۱۷ در نشریه «شنال ریویو» منتشر کرده بخوانید. آنجا توصیه کرد باید از برجام خارج شود و اگر خارج شود چه اتفاقی رخ می‌دهد و چه کارهایی باید انجام بشود اگر قدم به قدم توصیه‌های بولتون را پیش بیاوریم متوجه می‌شویم همین اتفاقات افتاده است. صرف‌نظر از اینکه موفق می‌شوند یا موفق نمی‌شوند باید گفت گام به گام پیش می‌آیند. تمام اتفاقاتی که شاهد آن هستیم در چابهار و از مسأله خوزستان و از مسائلی که در مناطق مرزی رخ می‌دهد همه و همه در آن سناریو پیش‌بینی شده و در آن مقاله گفته شده بود چطور می‌توانیم آنها را تحت فشار قرار بدهیم. جان بولتون کسی بود که در سال ۲۰۰۷ گفت برای آنکه ایران به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند باید ایران را بمباران کرد. آخرین اظهار نظر او که بازتاب زیادی پیدا کرد این بود که ایران را آنقدر فشار می‌دهیم که هسته آن بیرون بزند. آنها ایران را با چنین نگاهی می‌بینند و ما درباره آمریکایی حرف می‌زنیم که چه خوشمان بیاید و چه خوشمان نیاید قدرت بین‌الملل است. و این قدرت درباره ایران چنین نگاهی پیدا کرده و قرار است تکلیفش را با ایران مشخص کند. آمریکای ترامپ هر رویکردی داشته باشد سیاست خود را سیاست فشار حداکثری اعلام کرده است. به ادبیات دولتمردان آمریکایی به وقت صحبت درباره ایران توجه کنید. آنها درباره آثار سیاست‌های خود درباره ایران به این نکته اشاره می‌کنند که ما ایران را آنقدر تحت فشار قرار خواهیم داد که ایران به پای میز مذاکره برگردد یا فرو بپاشد. آنها هیچ گزینه دیگری را متصور نیستند. آنها می‌گویند یا مذاکره بهتری خواهیم کرد و آن را بر اساس ۱۲ شرطی که پمپئو اعلام کرده

چیده‌اند و یا اینکه بر اساس همین سیری که در حال حرکت است به راحتی فرومی‌پاشد. پس در آمریکا یک دیدگاه رادیکال تند بر سر کار است. که اتفاقاً حامیان بسیاری دارد و تمام نظرسنجی‌های پیو و گالوپ نشان می‌دهند که خصوصاً با ایران مفهومی فراجزبی است و ربطی به دموکرات بودن یا جمهوری خواه بودن ندارد ولی این دولت از تمام دولت‌های قبلی تندروتر است. گفتم ترامپ نشانه بیماری است چون اگر این الگو موفق شود مطمئناً در دولت‌های دیگر نیز چنین نگاهی مستقر خواهد شد و با چنین نگاهی به دلیل جوابگو بودن این نگاه ادامه خواهند داد. این جریان از این نظر برای ما اهمیت دارد چون ترامپ هیچ اعتنایی به گزارش‌های شورای امنیت و آژانس نمی‌گذارد و دیدگاه او این است که من می‌دانم چگونه باید با ایران برخورد کرد در زمان جرج بوش تیم نو محافظه کاری بر سر کار بود که دیدگاه آنها این بود که خداوندگار در روی آسمان یکی و در زمین نیز یکی است و عقیده داشتند آمریکا خداوندگار روی زمین است و این کشور معیار حق و باطل را تعیین می‌کند. و به هیچ چیز دیگری اهمیت نمی‌دهند این نکته اول بود.

۲- برای اولین بار لابی اسرائیل و لابی کشورهای عربی به دولت آمریکا بسیار نزدیک شده و تحولی منطقه‌ای اتفاق افتاده است. این دو لابی در کنار آمریکا سیاستی برای آمریکا تعیین می‌کنند که اتفاقاً بسیار تندتر از آن چیزی است که خود ترامپ می‌گوید. در اندیشه‌هایی مثل بنیاد دفاع از دموکراسی و جاهای دیگر این سیاست را کم‌ارزایی می‌کنند. وقتی آمریکا می‌خواست هشت کشور را در خرید نفت ایران از تحریم‌ها معاف کند تندترین حرف را بولتون انجام داد. نگاه آنها این است که فشار حداکثری نتیجه خواهد داد کسانی که این واقعیت را برای ترامپ ترسیم می‌کنند لابی‌های اسرائیل و لابی‌های عربی هستند. که به شدت فعال شده‌اند. نزدیکی زیادی بین دولت ترامپ و آنها برقرار شده است و آنها نقطه کانونی سیاست‌های خارجی ترامپ در منطقه‌ای متوجه ایران تعیین کرده‌اند به همین دلیل بر سر بحران خاشقچی بیانیهای که ترامپ خواند حاوی ۶ ایران و ۵ خاشقچی بود یعنی در واقع حرف‌های خود را با این جمله شروع کرد که دنیا جای بسیار خطرناکی است. و از این بیانیه این‌طور استنباط می‌شد که دنیا به دلیل حضور کشوری مثل ایران جای خطرناکی است. این دیدگاه ایران‌هراسی در بیانیه قتل خاشقچی نیز به وضوح دیده شد. یعنی ایران به دغدغه فکری بزرگی در سیاست خارجی ترامپ تبدیل شده است. او در اظهار نظر صریحی گفته بود من مسأله ایران را برای دولت بعدی به ارث نمی‌گذارم. تجمع این دو نیرو یعنی دولت ترامپ و لابی‌های ضد ایرانی‌اند که کانون سیاست خارجی دولت آمریکا را متوجه ایران و مقابله با ما می‌دانند.

۳- مسأله بعدی که بسیار مهم است. این است که نخبگان امروز آمریکا چه متاثر از واقعیاتی که در ایران وجود دارد و چه متاثر از آنچه در آمریکا برای

آنها ترسیم شده است. هیچ تفاوتی بین دولت روحانی و دولت‌های قبلی نمی‌بینند. در واقع طبق گفته‌ای از جان بولتون آمریکا برای مقابله با ایران ابتدا باید یک واقعیت جدید برای ایران ترسیم می‌کرد. به این معنی که همه کسانی که در ایران بر سر کار هستند دولت‌هایی تند و افراطی هستند. آنها به وجود جریانی میانه‌رو که می‌تواند مذاکره کند و می‌تواند تعامل داشته باشند قائل نیستند. و همه را جریانی رادیکال و افراطی می‌دانند و این برداشت در نخبگان آمریکایی شکل گرفته است و جامعه داخل ایران نیز با آن برداشت هم‌نوایی می‌کند. استناد آنها نیز بر اتفاقات و اعتراضاتی است که در داخل ایران رخ می‌دهد و آنها را به چنین برداشتی از واقعیت ایران رسانده است که تعمیق شکاف بین نخبگان ایران زیاد است و اگر روی این شکاف کار کنیم به نتیجه می‌رسیم. نکته دیگر در اتاق‌های فکری آنها این است که همواره این سوال مطرح است که با این رخدادها در ایران چه به دست می‌آید و پاسخ می‌دهند هیچ نگرانی از پیامدهایی که در ایران رخ می‌دهد نداریم و آنچه در ایران رخ می‌دهد و رخ خواهد داد برای آنها اهمیتی ندارد. و مهم نیست که تحولات ژئوپولیتیک منطقه دستخوش چه تغییراتی شود.

البته هیچ کدام از این حرف‌ها به این معنی نیست که این اهداف یک به یک پیش می‌آید و موفقیت برای آنها حاصل می‌شود. یا آنچه آنها می‌خواهند محقق خواهد شد. من قصد داشتم از واقعیتی که در محیط پیرامونی ایران رخ داده است تصویری ترسیم کنم. این واقعیت امروز و این برهه تاریخی ما و واقعیت‌های نظام بین‌الملل است. اینکه اروپایی‌ها برای پرداخت پول ایران سازوکاری بین‌المللی طراحی کرده‌اند چندان مسأله پر اهمیتی نیست. نباید عجله کرد متوجه خواهید شد که سازوکار اروپایی هیچ نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت چون واقعیت نظام بین‌الملل چیز دیگری است. اگر بخوام با صراحت بیشتری صحبت کنم باید به حرف‌های جیم جفری نماینده آمریکا در موضوع سوریه استناد کنم. وقتی از او سوال شد در سوریه درباره ایران چه کار خواهید کرد؟ گفت: قرار نیست ایران را با مسائل نظامی از سوریه خارج کنیم دیدگاه ما سیاسی دیپلماتیک است و وقتی از او پرسیدند بعد نظامی درباره ایران چگونه خواهد بود؟ گفت: کشور دیگری این کار را می‌کند و منظور او اسرائیل بود و اسرائیل را نماینده خود کردند تا ایران را در سوریه بزنند. که اخبار مربوط به آن را شنیده‌ایم. آن بعد نظامی ماجرا بود که به عهده اسرائیل گذاشته شد و بعد دیپلماتیک ماجرا که ایران را به پای میز مذاکره بکشاند به گردن اروپایی‌ها افتاد. این واقعیتی است که در مورد ایران ترسیم می‌شود. چگونه این واقعیت‌ها ما را به آن سمت می‌کشد که رهیافت‌های در مسیر سیاست خارجی ما تغییراتی ایجاد می‌کند؟

همایش اقتصاد و سیاست ایران در پیچ تحریم‌ها- انجمن علوم سیاسی ایران

احتمال بازگشت گزینه نظامی علیه ایران

ایران - اسرائیل در عرصه سوریه به چند دلیل کم است. دولت ترامپ هیچ دلیل یا علاقه‌ای برای درگیر شدن در اقدام نظامی علیه ایران به عنوان برآیند وضعیت سوریه ندارد. ایران تاکنون مراقب بوده در واکنش‌های به حملات رژیم اسرائیل در سوریه افراط نکند، ظاهراً چون احساس می‌کند اسرائیل دارای مزیت نظامی درخور توجهی در عرصه سوریه است حتی اگر روسیه برای جلوگیری از یک رویارویی گسترده‌تر تلاش کند نفوذ خود را بر هر دو طرف اعمال کند. البته اسرائیل ممکن است در وضعیت فعلی تصمیمی برای حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران به دلیل پیچیدگی و واکنش‌های احتمالی به چنین حمله‌ای و همچنین تصمیم ایران برای هدف قرار دادن اسرائیل با موشک‌های خودش و راکت‌ها و موشک‌های حزب‌الله، نداشته باشد.

با وجود این، تصمیم اسرائیل برای جلوگیری از ساخت پایگاه نظامی ایران در سوریه قاطع است و این امر احتمال اینکه هر دو طرف خود را درگیر تقابلی گسترده‌تر ببینند، بیشتر می‌کند. اگر چنین اتفاقی بیفتد، این احتمال وجود دارد که اسرائیل گزینه حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران را نیز در نظر بگیرد. در حال حاضر، احتمالاً به دو دلیل، هیچ توافقی میان آمریکا و اسرائیل درباره شرایط برای اقدام نظامی وجود ندارد: اول، دولت ترامپ هنوز بر تنگ کردن فشار اقتصادی و سیاسی تمرکز دارد؛ دوم، در کل به نظر می‌رسد دولت ترامپ درخصوص اقدام نظامی محتاط است، مگر اینکه تهدیدی جدی برای آمریکا وجود داشته باشد. به علاوه در این مرحله، ایران تا به حال توافق هسته‌ای را در شیوه قابل توجهی نقض نکرده و توافقنامه هنوز مزایایی را به دلیل محدودیت‌های تحمیل شده بر برنامه هسته‌ای ایران دارد.

در سال‌های اخیر، ایران نسبت به زمانی که توافق برجام به نتیجه رسید، آسیب‌پذیرتر به نظر رسیده است. در حال حاضر، دولت ترامپ مایل است اقداماتی را برای تهدید ایران توسط ابزار اقتصادی انجام دهد، آینده برجام به دلیل خروج آمریکا نامعلوم است و روشن نیست که آیا دیگر شرکا قادر به حفظ آن خواهند بود یا نه. مداخله نظامی ایران در عرصه سوریه نیروهای ایران و شبه‌نظامیان شیعه متحد آن را در معرض حملات هوایی اسرائیل قرار می‌دهد، بدون اینکه ایران پاسخ موثری داشته باشد. ضمن اینکه مداخله ایران در سوریه موجب اعتراض شهروندان ایران شده است. به علاوه، روابط نظامی نزدیک و همکاری گسترده ایران با روسیه، به ویژه در مسئله سوریه، برای تهران مشکل‌ساز است. به نظر می‌رسد که روسیه تمایلی به حضور نیروهای ایرانی و شیعی در نزدیک مرز اسرائیل داشته باشد. با این حال، گزینه نظامی هنوز در قالب دو سناریوی بیان شده وجود دارد، به ویژه اگر روشن شود که اقدامات فعلی دولت ترامپ در حال از دست دادن تأثیرات خود است.

است که توافق هسته‌ای تضعیف شود و فشار اقتصادی بر ایران افزوده شود. تا زمانی که این فشار اعمال می‌شود، اسرائیل هیچ دلیلی برای در نظر گرفتن اتخاذ اقدام نظامی و خطر عوارض جانبی متعاقب آن ندارد و بنابراین بهتر است که منتظر ماند و دید که تحریم‌ها چه نتیجه‌ای ایجاد می‌کند.

گزینه نظامی ممکن است حداقل در دو سناریو به روی میز بازگردد. اولین سناریو مربوط به تصمیم ایران در خصوص موضع نهایی خود درباره مسئله هسته‌ای است. تهران به وضوح می‌خواهد برجام را حفظ کند، اما انجام آن بسیار دشوار است. با توجه به این وضعیت دشوار، اگر توافق هسته‌ای فروپاشید، ایران دو گزینه ممکن دارد: موضع خود را درباره مذاکره برای توافقی جدید ملایم‌تر کند، یا همه یا برخی از محدودیت‌های برجام را رد کند. در ماه‌های اخیر، ایران در پاسخ به خروج آمریکا، از قصد خود برای انتخاب مسیر دوم، به ویژه غنی‌سازی اورانیوم تا سطح ۲۰ درصد خبر داده است. حتی اگر ایران توافق را نقض کند، جای تردید وجود دارد که قبل از اینکه روشن شود که این نقض مهم و درخور ملاحظه است و ایران در حال نزدیک شدن به وضعیت هسته‌ای است، دولت ترامپ در استفاده از ابزار نظامی عجله کند. بنابراین آمریکا ممکن است ترجیح دهد که حتی فشار اقتصادی بیشتری را اعمال کند و قبل از تصمیم برای حمله نظامی، پتانسیل خود برای ایجاد امکان مذاکره برای توافق جدیدی به کار بگیرد.

سناریوی دوم اساساً متفاوت است و مربوط به تغییرات وضعیت ایران در سوریه است. تمایل ایران برای اینکه نیروهای خود را به صورت نامحدود در سوریه باقی بگذارد و از پایگاه نظامی در حال ساخت خود برای اهداف خود بهره‌برداری کند، اسرائیل را مجبور به حمله مکرر به نیروها و تأسیسات نظامی ایران و شیعی در سوریه به خصوص از هوا کرده است.

در شرایط کنونی، احتمال حمله نظامی به تأسیسات هسته‌ای ایران به دلیل تشدید درگیری‌های

ابراهیم کام استدلال می‌کند هنگامی که ترامپ وارد کاخ سفید شد، شرایط به سه دلیل اصلی اساساً تغییر کرد: اول، رویکرد دولت ترامپ به ایران عمیقاً متفاوت از اوباما بود و اطرافیان ترامپ (مهم‌تر از همه پومپئو و بولتون) طرفدار جنگ هستند؛ دوم، تصمیم ترامپ برای خروج از برجام و تحمیل تحریم‌های شدید به ایران، تهران را تحریک به تهدید برای از سر گرفتن فعالیت‌های هسته‌ای خود کرده است؛ سوم، دخالت نظامی ایران در سوریه در دوره ترامپ افزایش یافته و منجر به رویایی نظامی شدید بین ایران و رژیم اسرائیل در عرصه سوریه به نسبت به قبل شده است. دولت ترامپ برخلاف سلفش معتقد است هیچ شانس برای ایجاد اعتماد یا مکانیسم گفت‌وگو با ایران با امید کاهش مواضع رادیکال ایران وجود ندارد. در عوض، به نظر می‌رسد که دولت ترامپ احساس می‌کند تنها فشار شدید بر ایران می‌تواند ماهیت و سیاست این کشور را تغییر دهد. دو موج از فشار بر ایران وجود داشته است: اعلام خروج آمریکا از برجام توسط ترامپ و از سرگیری تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و وعده تحریم‌های بعدی. دولت امیدوار است که این فشارها حداقل ایران را وادار به پذیرفتن بازنگری در برجام و تغییر آن برای پاسخگویی به تقاضاهای رژیم اسرائیل و آمریکا بکند.

ترامپ تا به امروز تهدید نظامی جدی علیه ایران نکرده، نه در زمینه برنامه هسته‌ای و نه حضور ایران در سوریه و در حال حاضر به نظر می‌رسد که دولت، اقدام نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران را واقع‌بینانه نمی‌بیند، زیرا ایران آماده است که آن را به عنوان نقض آشکار توافق هسته‌ای در نظر بگیرد. دلیل مهم‌تر اینکه فشار اقتصادی بر ایران هنوز از توان نیفتاده و ممکن است نتایجی را موجب شود. بنابراین هیچ دلیلی برای اقدام نظامی که دارای پتانسیل پیامدهای پیش‌بینی نشده است، وجود ندارد.

به نظر می‌رسد که موضع رژیم اسرائیل نیز همانند دولت ترامپ، این است که اکنون شیوه مناسب این



یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر



بازگشت تقاضای سرمایه‌ای؟!



علی پالار
تحلیل‌گر اقتصادی

افزایش قیمت با سرعت کمتر در مقایسه با گذشته خواهد بود. با تداوم قدرت خرید و به تبع آن کاهش تقاضای مصرفی بخش مسکن، انتظار می‌رود تقاضای سرمایه‌ای در این بخش افزایش یابد. تسهیلات ۱۶۰ میلیون تومانی هم‌اکنون تنها ۲۲ درصد از قیمت یک واحد مسکونی ۶۰ متری بر اساس میانگین قیمت مسکن شهر تهران را پوشش می‌دهد. تیرماه امسال این رقم ۲۶ درصد بود که با توجه به افزایش میانگین قیمت مسکن شهر تهران، قدرت پوشش‌دهی تسهیلات نیز کاهش پیدا کرد.

کاهش سرعت شیب به معنای شروع تخلیه حباب قیمتی در بازار مسکن پایتخت تلقی می‌شود، باید دقت نمود که اگرچه شروع شرایط تورمی در بازار مسکن مانند همه بازارها، از سمت بازار ارز بوده است و با ثبات نسبی بازار ارز شاهد تطبیق بازار مسکن با سرعت کمتری هستیم؛ ولی در مرحله بعد شرایط بازار مسکن خود بطور درون‌زا به‌گونه‌ای است که از شرایط تعادلی دور می‌شود و به دلیل واگرایی بوجود آمده این بار به‌طور درون‌زا قیمت‌ها را افزایش می‌دهد، به عبارت دیگر محتمل‌ترین سناریو

رکود تورمی شرح حال این روزهای بازار مسکن است اما اتفاق جدیدی که در آخرین گزارش بانک مرکزی از وضعیت بازار مسکن از مهرماه مشاهده می‌شود کاهش شیب رشد قیمت مسکن در تهران بوده است. در گزارش ماه گذشته نیز عنوان شد اینکه این

تقاضای مسکن انتظار افزایش قیمت در این بخش بیشتر از بقیه خواهد بود. طبق آخرین گزارش بانک مرکزی میانگین در آبان ماه سال جاری قیمت هر مترمربع واحد مسکونی در پایتخت ۹ میلیون و ۱۸۵ هزار تومان برآورد شده است که نسبت به ماه گذشته که میانگین قیمت هر مترمربع واحد مسکونی ۸ میلیون و ۶۳۳ هزار تومان بود، افزایش ۶.۴ درصدی و نسبت به ماه مشابه سال قبل که میانگین قیمت هر مترمربع واحد مسکونی در تهران ۴ میلیون و ۸۰۹ هزار تومان بود، افزایش ۹۰.۹ درصدی داشته است.

در بخش افزایش تقاضای سرمایه‌ای، نکته مهم تأثیرپذیری این بازار از محدودیت‌های اعمال شده در بازار پول در بخش نقل و انتقال است. با در نظر گرفتن یک واقعیت اقتصادی به نام سفته‌بازی و اینکه این تقاضا در اقتصاد ایران در سطح بالایی قرار دارد، انتظار می‌رود تقاضای سفته‌بازی و سرمایه‌ای مسکن افزایش یابد و با توجه به کاهش قدرت خرید تحت تأثیر نوسانات ارزی، مسکن‌های با متراف پایین یکی از بهترین گزینه‌ها برای جذب نقدینگی‌های سرگردان می‌باشد. بر این اساس با توجه به عدم تقارن در بخش عرضه و

عملکرد معاملات انجام شده در شهر تهران

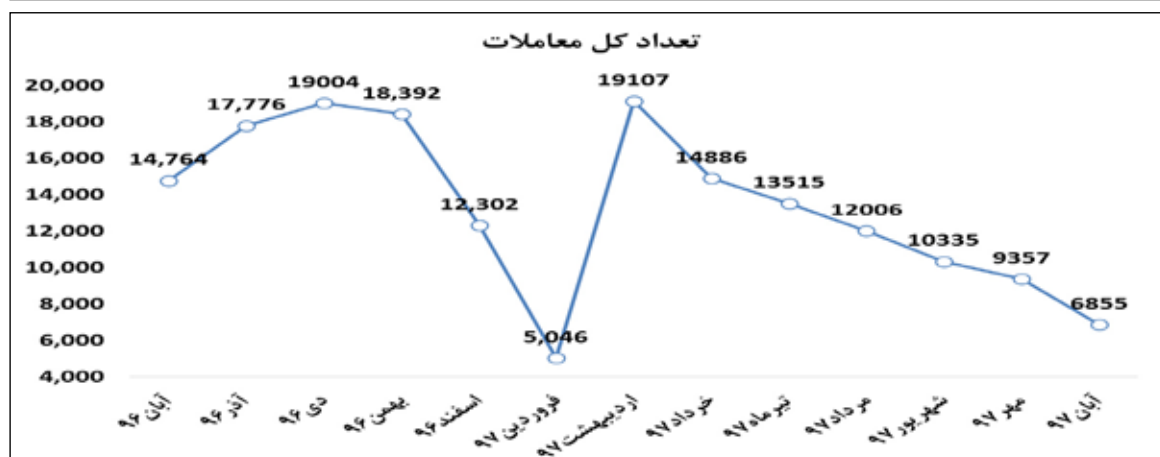
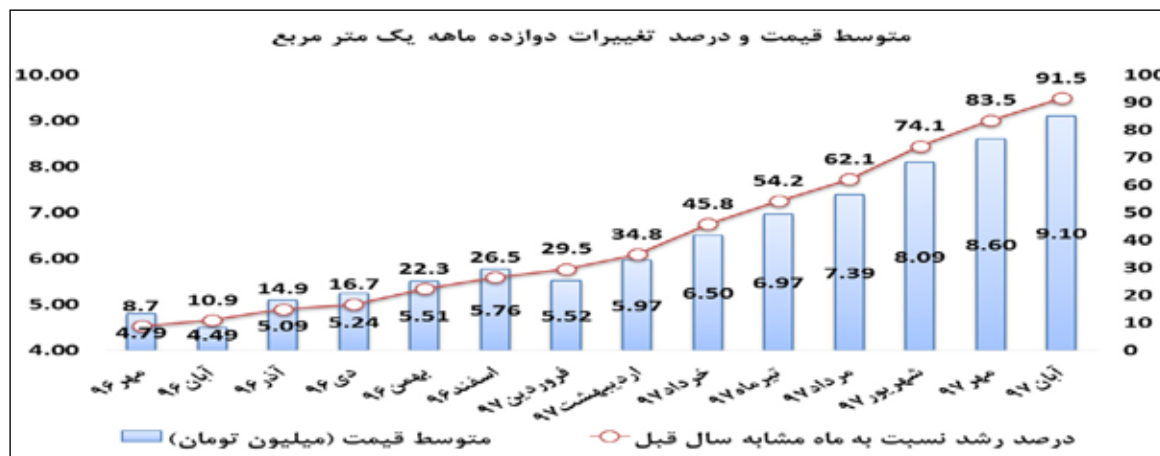
درصد تغییر	مقطع زمانی			
	نسبت به ماه مشابه سال قبل	نسبت به ماه قبل	آبان ۱۳۹۷	مهر ۱۳۹۷
تعداد معاملات (واحد مسکونی)	-۵۳.۶	-۲۶.۷	۶۸۵۵	۹۳۵۷
متوسط قیمت هر متر مربع (هزار ریال)	۹۱.۵	۶.۶	۹۱۷۹۴	۸۶۱۰۹

ماخذ: محاسبات گزارش/ برگرفته از آمارهای خام سامانه ثبت معاملات املاک و مستغلات کشور

۱- با بررسی آمار موجودی واحدهای مسکونی مناطق ۲۲ گانه شهر تهران مطابق با نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵، متوسط قیمت خرید و فروش یک متر مربع زیربنای واحد مسکونی شهر تهران در سال ۱۳۹۶ مورد تجدید نظر قرار گرفته است.

خرید و فروش واحد مسکونی بودیم یعنی طی ۷ ماهه اخیر و با افزایش ۳.۲ میلیون تومانی به قیمت هر مترمربع شاهد کاهش ۱۲ هزار قرار داد بودیم. این مدت، بیشترین افت حجم معاملات مربوط به آبان ماه می‌شود که تعداد قراردادهای امضا شده نسبت به مهر ماه کاهشی ۲۶.۷ درصدی را تجربه می‌کند. دلیل کاهش قراردادهای خرید و فروش با جهش قیمت از اردیبهشت‌ماه سال جاری کلید خورد و در ماه‌های بعد هم ادامه یافت، در واقع توان اقتصادی خانوار برای خرید مسکن به عنوان کالایی گران قیمت کاهش یافت و تعداد معاملات از حدود ۲۰ هزار به کمتر از ۷ هزار واحد رسید.

طی ۸ ماهه گذشته قیمت مسکن از ۵.۵ میلیون تومان به ۹.۱ میلیون تومان رسیده، براساس یک محاسبه سرانگشتی مشخص می‌شود که هر ماه به‌طور متوسط شاهد افزایش ۴۵۰ هزار تومانی در قیمت هر مترمربع بودیم. طی این مدت هر ماه نسبت به ماه قبل، قیمت‌ها رشد کرده است و بیشترین افزایش قیمت مربوط به شهریور ماه بوده که نسبت به مردادماه قیمت‌ها ۹.۴ درصد رشد کرده است. افزایش چشمگیر قیمت‌ها کاهش معاملات را همراه داشته است در حالی که در اردیبهشت ماه حجم قراردادهای امضا شده ۱۹ هزار و ۱۰۷ مورد بوده است. در آبان ماه شاهد امضای ۶ هزار و ۸۵۵ قرارداد



یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

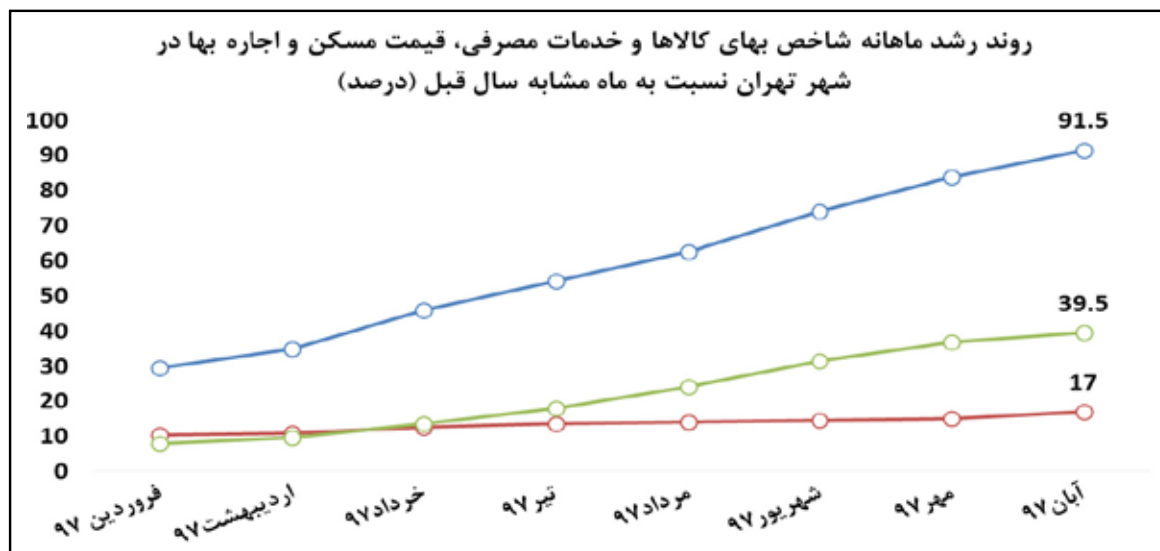
تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

پول نقد، انتظار می‌رود تحولات بخش اجاره نیز مستاجران را مورد عنایت قرار دهد. در واقع ناهمخوانی اجاره‌بها با قدرت خرید خانوار به وضعیت ابزارهای مالی در سیستم اقتصادی نیز مربوط می‌شود. از این جهت انتظار می‌رود شاهد تداوم تطبیق اجاره‌بها با تورم و تقاضای سفته‌بازی منتقل شده به این بخش با سرعت بیشتر باشیم.

همچنین گزارش بانک مرکزی نشانگر آن است که شاخص کرایه مسکن اجاری در شهر تهران و در کل مناطق شهری نسبت به ماه مشابه سال قبل به ترتیب ۱۷ و ۱۴٫۴ درصد رشد داشته است. در این بخش نیز باید شاهد تأثیرپذیری از دو بخش نرخ تورم و وضعیت بازار ارز باشیم. در واقع با خارج شدن بازار ارز از سبد دارایی سرمایه‌گذاران به عنوان یکی از دارایی‌های جایگزین



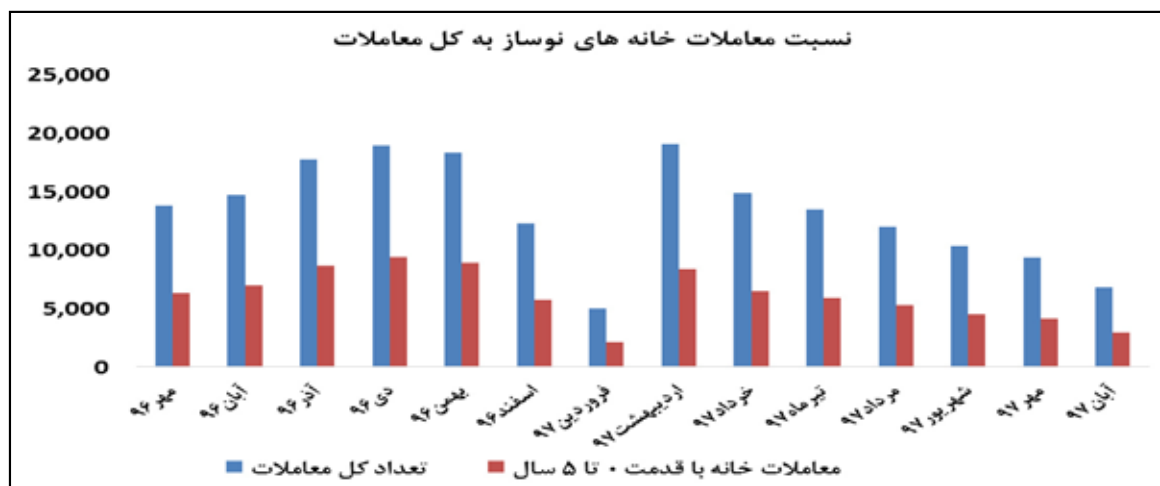
با عمر بنای ۵ سال با سهم ۴۴ درصدی بیشترین سهم از معاملات را داشته‌اند. این سهم در مقایسه با بازه زمانی مشابه سال گذشته آبان ماه ۹۶-۳/۲ واحد درصد کاهش یافته و در مقابل به سهم واحدهای با عمر بنای ۶ تا ۱۰ سال و بیش از ۱۵ سال افزوده شده است.

نکته قابل توجه دیگر گزارش آبان ماه افزایش سهم واحدهای نوساخت در معاملات است. بررسی توزیع تعداد واحدهای مسکونی معامله شده در بازار مسکن شهر تهران در آبان ماه نشان می‌دهد از مجموع ۶ هزار و ۹۰۰ فقره معامله خرید مسکن در این ماه واحدهای

توزیع تعداد آپارتمان‌های مسکونی معامله شده در شهر تهران بر حسب عمر بنا (واحد مسکونی)

عمر بنا (سال)	آبان ماه			درصد تغییر		سهم درصد	
	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۶	۱۳۹۷
تا ۵ سال	۶۵۰۲	۶۹۶۳	۳۰۱۶	۷٫۱	-۵۶٫۷	۴۷٫۲	۴۴٫۰
۶-۱۰	۱۸۵۱	۲۲۹۹	۱۱۲۴	۲۴٫۲	-۵۱٫۱	۱۵٫۶	۱۶٫۴
۱۱-۱۵	۲۱۳۳	۲۲۴۷	۹۳۷	۵٫۳	-۵۸٫۳	۱۵٫۲	۱۳٫۷
۱۶-۲۰	۱۰۵۳	۱۸۷۹	۹۸۳	۷۸٫۴	-۴۷٫۷	۱۲٫۷	۱۴٫۳
بیش از ۲۰	۹۲۳	۱۳۷۶	۷۹۵	۴۹٫۱	-۴۲٫۲	۹٫۳	۱۱٫۶
جمع کل	۱۲۴۶۲	۱۴۷۶۴	۶۸۵۵	۱۸٫۵	-۵۳٫۶	۱۰۰٫۰	۱۰۰٫۰

صاخذ: محاسبات گزارش/ برگرفته از آمارهای خام سامانه ثبت معاملات املاک و مستغلات کشور



کنترل منابع ورودی



امکان پذیر است. همچنین بر اساس این تصمیم، ظهرنویسی و انتقال چک تضمین شده به دیگری فاقد اعتبار خواهد بود. رئیس کل بانک مرکزی پس از نشست اعضای شورای هماهنگی سران قوا خاطرنشان کرد: از مسائل مهم بازار پول، چک‌های تضمینی بود که در طول سال‌های گذشته پشت‌نویسی و دست به دست شدن چک توسط افراد مختلف معضل بزرگی به وجود آورد. به گفته همتی چک‌هایی که اکنون در اختیار مردم است قابل انتقال به سایرین نیست و فاقد اعتبار خواهند بود. وی تاکید کرد: بنابراین چک‌های فعلی دیگر قابل انتقال نیستند و برای چک‌های موجود در اختیار مردم طبق مصوبه شورا، یک ماه فرصت داده شد تا با مراجعه به بانک‌ها نقد شوند، ضمن آنکه از این به بعد چک‌ها با شرایط جدید توسط بانک‌ها ارائه و صادر خواهد شد.

♦ محدودیت در تراکنش‌های بانکی

تراکنش‌های بانکی از این به بعد با شماره ملی انجام می‌شود و البته هر نفر حداکثر تا ۵۰ میلیون تومان در روز می‌تواند از کارت بانکی‌اش برداشت کند. بانک مرکزی به تازگی قانون جدیدی را اعمال کرده است که بر اساس آن افراد می‌توانند برای تراکنش انتقال وجه چه به صورت شتابی یا غیرشتابی حداکثر ۳ میلیون تومان در روز جابه‌جا کنند. البته این مبلغ برای کارخوان‌های غیرشعبه‌ای است. سقف انتقال وجه برای پایانه کارت خوان شعبه‌ای ۱۵ میلیون تومان در روز است و سقف تراکنش خرید برای هر کارت بانکی تنها ۵۰ میلیون تومان در روز است. البته این انتقال پول باید حتماً با ارسال کد ملی باشد و بانک مرکزی تاکید کرده است که سقف‌های انتقال پول برای حساب‌های دولتی و کدهای صنفی خاص هم استثنا ایجاد نمی‌کند. یکی از مهم‌ترین نکاتی که همتی در سخنان اخیر خود بدان اشاره کرد، تصمیم درباره محدودیت تراکنش‌های بانکی یا انتقال پول است. در حال حاضر امکان انتقال پول است. وی تاکید دارد به زودی انتقال پول با محدودیت شماره ملی روبرو می‌شود به این ترتیب داشتن حساب‌های متعدد امکانی برای افزایش سقف انتقال پول برای افراد ایجاد نمی‌کند. این اقدام عملیات انتقال پول را دشوارتر از قبل خواهد کرد. پیش از این نیز اجرای قوانین در خصوص تسویه حساب تراکنش‌ها خود عامل مهمی در کاهش حجم معاملات صوری در بازار شد.

بازار ارز متأثر از سیاست‌های بانک مرکزی، تزریق ارز بیشتر و افزایش عرضه ارز صادرکنندگان، و برخی محدودیت‌های حواله و تعداد و مبلغ تراکنش بانکی در مرزها و خارج کشور، شاهد تداوم روند کاهشی در یک ماه گذشته بوده است. از یکسو با پیشخور شدن آثار اخبار تحریمی و تخلیه فشارهای ناشی از آن انتظارات از این بخش تأثیر نپذیرفته و در صورت تأثیرپذیری با اقدامات و سیاست‌های جدید بانک مرکزی در حوزه بازار پول، تقاضای احتیاطی در بازار ارز در حداقل ممکن خود قرار دارد. محدودیت تراکنش‌های بانکی و مصوبه سران قوا در خصوص اصلاحات چک‌های بین بانکی از جمله سیاست‌های جدید بانک مرکزی در بازار پول بوده، که بازار ارز را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. عامل مهم دیگر تقاضای تجاری است؛ تقاضای فصلی یا تجاری معروف به ژانویه نیز به‌طور سنتی از ماه سوم پاییز آغاز می‌شود و معمولاً تا ۱۰ روز ابتدایی دی‌ماه ادامه دارد. در سال‌های گذشته در این مقطع زمانی بازار با رشد مواجه شده است و بعضاً سقف‌های قیمتی دلار نیز در همین بازه زمانی ثبت شده است. یکی از مهم‌ترین تقاضاهایی که معامله‌گران افزایشی روی آن حساب کرده‌اند، تقاضای ارزی شرکت‌هایی است که حساب‌های خود را در آستانه انتهای پایان سال میلادی تسویه می‌کنند. در کنار این، میزان سفرها نیز در نزدیکی ژانویه بالا می‌رود. گویا شرایط آذر سال جاری با سال‌های گذشته تفاوت دارد. کمبود تقاضای در بخش تجاری در این مقطع از سال می‌تواند حاکی از این باشد که شرکت‌های تجاری به دلیل شرایط نوسانی پیش آمده در ماه‌های گذشته تا حدی ارز مورد نیاز خود را تهیه کرده‌اند، در نتیجه میزان تقاضای ورودی از سوی این دسته در سال جاری به اندازه سال‌های گذشته نخواهد بود. همچنین، با توجه به اینکه بانک مرکزی به تقاضای زائران اربعین به راحتی توانست پاسخ دهد و میزان تقاضای سفر در آستانه ژانویه بسیار کمتر از آن است؛ در صورت ورود تقاضا با آمادگی بانک مرکزی در کوتاه مدت و میان مدت انتظار نمی‌رود مانند سال‌های گذشته بازار ارز را تحت تأثیر قرار دهد.

♦ مصوبه سران قوا در مورد چک تضمینی

رئیس کل بانک مرکزی در روزهای گذشته از مصوبه سران قوا در مورد چک تضمین شده خبر داد و گفت: به موجب تصویب جلسه سران قوا، از این پس پرداخت چک تضمینی صرفاً در وجه‌گیرنده چک (ذینفع)

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

◆ ابلاغ دستورالعمل خرید و فروش ارز در شبکه صرافی‌های مجاز

بانک مرکزی به منظور تسهیل بازگشت ارز از حاصل صادرات به چرخه اقتصاد کشور، «دستورالعمل خرید و فروش ارز در شبکه صرافی‌های مجاز» را به تمام شرکت‌های صرافی دارای مجوز معتبر از بانک مرکزی ابلاغ کرد. به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، این بانک «دستورالعمل خرید و فروش ارز در شبکه صرافی‌های مجاز» را طی نامه شماره ۹۷،۳۱۴۸۳۶ مورخ ۸ آذر ماه ۱۳۹۷، پیرو «دستورالعمل نحوه بازگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصادی کشور» و در راستای اجرای بند (۱) مصوبه شماره ۹۷۴۰۵ مورخ ۲۳ مهر ماه ۱۳۹۷ «شورای عالی هماهنگی اقتصادی، را به تمام شرکت‌های صرافی دارای مجوز معتبر از بانک مرکزی ابلاغ کرد. به موجب این دستورالعمل، صرافی‌های مجاز معتبر می‌توانند ارز حاصل از صادرات را تا سقف یک میلیون یورو یا معادل آن به سایر ارزها با ثبت در «سامانه نظارت ارز (سنا)» به صورت اسکناس یا حواله به نرخ بازار خریداری کنند. براین اساس، نرخ فروش ارز صرافی‌های مجاز معتبر متناسب با شرایط بازار به نرخ بازار و همچنین کارمزد فروش متناسب با شرایط بازار و برای اسکناس دلار حداکثر ۱۰۰۰ ریال و برای حواله‌های ارزی حداکثر یک درصد خواهد بود.

◆ ابلاغ دستورالعمل نحوه بازگشت ارز حاصل از صادرات

بانک مرکزی در بخشنامه‌ای اعلام کرد: تمام صادرکنندگان مکلف به ارائه تعهد برگشت ارز هستند و این بانک صرفاً برای واردات کالا و خدمات صادرکنندگانی تأمین ارز می‌کند که بازگشت ارز آنها مطابق ساختار تعیین شده باشد. این دستورالعمل تأکید دارد که کلیه صادرات انجام گرفته از تاریخ ۲۲ فروردین ۹۷ مشمول این مصوبه خواهد بود. در بخشنامه بانک مرکزی آمده است؛ در اجرای بند «۱» مصوبه ۲۳ مهر ۹۷، شورای عالی هماهنگی اقتصادی و حسب تصمیمات کمیته بند «۲» مصوبه یادشده از یک سو و در راستای تسهیل اجرای دستورالعمل ۲۰ شهریور ۹۷ از سوی دیگر، بدین وسیله «نحوه بازگشت ارز حاصل از صادرات به چرخه اقتصادی کشور» ابلاغ می‌شود:

تمامی صادرکنندگان کالا و خدمات مکلف به ارائه تعهد بابت برگشت ارز حاصل از صادرات خود به چرخه اقتصادی کشور هستند. بانک مرکزی مکلف است صرفاً برای واردات کالا و خدمات صادرکنندگانی تخصیص و تأمین ارز نماید که نحوه بازگشت ارز آنها به چرخه اقتصادی کشور مطابق ساختار ذیل مشخص باشد. همچنین بازگشت ارز حاصل از صادرات صادرکنندگانی که مجموع صادرات سالانه آنها

تا یک میلیون یورو، بیش از یک میلیون یورو تا سه میلیون یورو، بیش از سه میلیون یورو تا ده میلیون یورو و بیش از ده میلیون یورو به شرح ذیل باشد: تا یک میلیون یورو از فروش ارز در «سامانه نیما» معاف است و در ازای واردات کالا و خدمات مورد نیاز چرخه تولید یا تجارت خود یعنی واردات در مقابل صادرات خود پس از ثبت سفارش استفاده نماید یا به صورت مستقیم جهت واردات کالا با تشخیص وزارت صنعت، معدن و تجارت به واردکنندگان دیگر یعنی واردات در مقابل صادرات غیر پس از ثبت سفارش واگذار کند. یا به صورت حواله یا اسکناس به بانک‌ها و صرافی‌های مجاز با ثبت در «سامانه نظارت ارز (سنا)» عرضه کند.

از سوی دیگر، در صورتی که بیش از یک میلیون یورو تا سه میلیون یورو باشد مکلفاند ۵۰ درصد ارز صادراتی را به «سامانه نیما» واگذار نمایند و تا سقف یک میلیون از فروش ارز در «سامانه نیما» معاف است و مابقی ارز را می‌باید به طرق زیر به چرخه اقتصاد بازگردانند. همچنین در ازای واردات کالا و خدمات مورد نیاز چرخه تولید یا تجارت خود، یعنی واردات در مقابل صادرات خود، پس از ثبت سفارش استفاده نماید یا به صورت مستقیم جهت واردات کالا با تشخیص وزارت صنعت، معدن و تجارت به واردکنندگان دیگر یعنی واردات در مقابل صادرات غیر پس از ثبت سفارش واگذار نماید. یا به صورت حواله یا اسکناس به بانک‌ها و صرافی‌های مجاز با ثبت در «سامانه نظارت ارز (سنا)» عرضه نماید. همچنین در صورتی که بیش از سه میلیون یورو تا ده میلیون یورو باشد مکلفاند ۷۰ درصد ارز صادراتی را در «سامانه نیما» عرضه نماید. تا سقف یک میلیون از فروش ارز در «سامانه نیما» معاف است و مابقی ارز را بایستی به طرق زیر به چرخه اقتصاد بازگردانند: در ازای واردات کالا و خدمات و هزینه‌های بازاریابی مورد نیاز چرخه تولید یا تجارت خود یعنی واردات در مقابل صادرات خود پس از ثبت سفارش استفاده نماید. همچنین در صورتی که بیش از ده میلیون یورو باشد مکلفند ۹۰ درصد ارز صادراتی را در «سامانه نیما» عرضه نماید. تا سقف یک میلیون از فروش ارز در «سامانه نیما» معاف است. مابقی ارز را بایستی به طریق زیر به چرخه اقتصاد بازگردانند.

در ازای واردات کالا و خدمات و هزینه‌های بازاریابی مورد نیاز چرخه تولید یا تجارت خود پس از ثبت سفارش استفاده نماید. همچنین فروش در «سامانه نیما» بیش از درصد مشخص شده در هر یک از سه دسته فوق، امکان‌پذیر است.

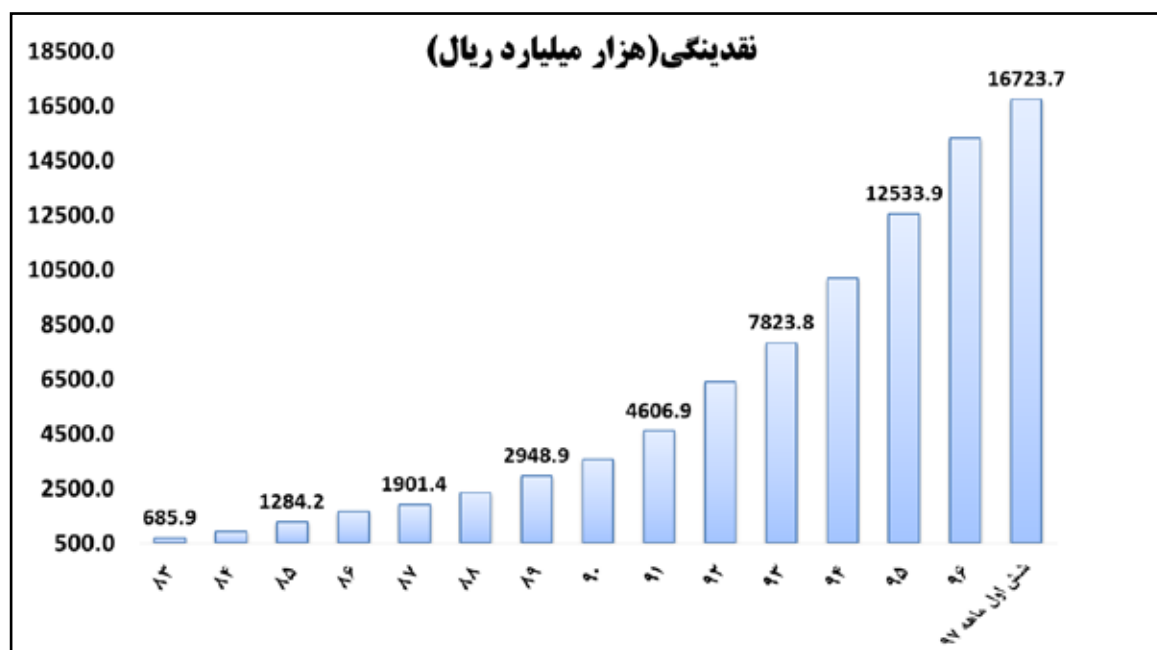
ارز	۹۷/۰۸/۲۰-۹۷/۰۹/۲۰	تغییرات یک ماه منتهی به ۲۰ آذر	درصد تغییرات یک ماهه منتهی به ۲۰ آذر
دلار بازار آزاد	۱۴۰۵۰۰-۱۱۲۵۰۰	-۲۸۰۰۰	۲۰٪
نرخ فروش دلارسنایی	۱۴۰۲۰۵-۱۱۰۴۹۰	-۲۹۷۱۵	۲۱٪
دلار مبادله ای	۴۲۰۰۰-۴۲۰۰۰	۰	۰٪
نرخ فروش یورو سنایی	۱۶۰۷۲۴-۱۳۲۳۹۴	-۲۸۳۳۰	۱۸٪
نرخ فروش یورو نیمایی	۸۹۲۲۰-۹۷۱۸۰	۷۹۶۰	۹٪
یورو مرکز مبادله ای	۴۷۶۱۶-۴۷۷۴۵	۱۲۹	۰٪
نرخ فروش درهم سنایی	۳۸۴۵۰-۲۹۷۳۱	-۸۷۱۹	۲۳٪
درهم مرکز مبادله ای	۱۱۴۳۷-۱۱۴۳۷	۰	۰٪
نرخ فروش پوند سنایی	۱۸۱۵۷-۱۳۹۹۸۸	۱۲۱۸۳۱	۶۷۱٪
پوند مرکز مبادله ای	۵۴۴۸۱-۵۲۴۸۳	-۱۹۹۸	۴٪



بدهی بانک‌ها و غول نقدینگی

اعلام کرد که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۰.۳ درصد افزایش نشان می‌دهد و نسبت به اسفندماه سال گذشته ۹.۳ درصد رشد داشته است. حجم پول در این دوره ۲۴۳ هزار میلیارد تومان با ۴۴ درصد افزایش نسبت به شهریورماه سال قبل بوده است که سپرده دیداری با رقم ۱۹۹ هزار میلیارد تومان رشد یک‌ساله ۴۹ درصدی و رشد شش‌ماهه ۳۲ درصدی داشته است و نشان می‌دهد که تمایل مردم به نگهداری پول نقد در یک‌سال اخیر و متأثر از تحریم‌ها و التهابات بازارهای ارز و طلا افزایش یافته و رشد پول و اسکناس و به‌خصوص سپرده دیداری و چک بیشتر شده است. همچنین از این رقم اسکناس در دست مردم به ۴۴ هزار میلیارد تومان رسیده که رشد ۲۹ درصدی در یک‌سال اخیر داشته است.

طبق آمارهای بانک مرکزی ۷۲ درصد حجم نقدینگی کشور در طی ۵ ساله منتهی به شهریورماه ۱۳۹۷ خلق شده است. در این مدت حجم نقدینگی ۲۳۴ درصد. پایه پولی ۱۳۰ درصد و پول ۱۰۰ درصد رشد یافت. سهم پول از رشد نقدینگی ۵ ساله اخیر ۹.۶ درصد و سهم سپرده سرمایه‌گذاری مدت‌دار ۸۴.۵ درصد است. نکته قابل توجه در این میان این است که؛ از ۱۲۴ هزار میلیارد تومان رشد پایه پولی ۵ ساله اخیر، ۹۳ هزار میلیارد تومان (۷۴ درصد پایه پولی) مربوط به بدهی بانک‌های خصوصی به بانک مرکزی است، به صورتی که در این مدت بیش از ۲۰۰۰ درصد رشد پیدا کرد. بانک مرکزی حجم نقدینگی در شهریورماه سال جاری را بیش از هزار و ۶۷۲ هزار میلیارد تومان



یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

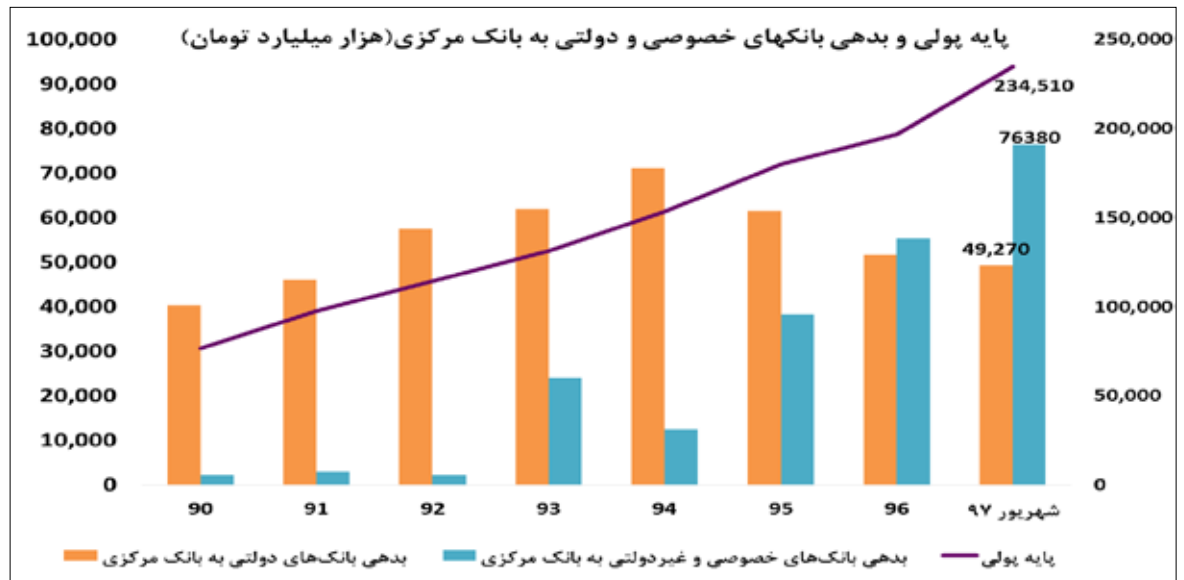
تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

۱۵۰ هزار و ۶۵۰ میلیارد تومان است که از این میزان ۳۹۰۰ میلیارد تومان آن بدهی بانک‌های تجاری دولتی و ۴۵ هزار و ۳۷۰ میلیارد تومان دیگر بدهی بانک‌های تخصصی دولتی به بانک مرکزی است که البته بخش عمده بدهی بانک‌های تخصصی دولتی به خط اعتباری مسکن مهر مربوط می‌شود. یکی از تفاوت‌های بدهی گروه بانک‌های خصوصی، غیردولتی و موسسات اعتباری با بدهی بانک‌های دولتی در این است که بانک‌های بدهی این بانک‌ها روندی صعود داشته و در یک سال منتهی به شهریور ماه ۱۰۰ درصد رشد داشته اما بدهی بانک‌های دولتی حدود ۲ هزار میلیارد تومان کاهش یافته است.

بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی یا اضافه برداشت بانک‌ها متأثر از رشد بدهی دولت و مطالبات معوق و تنگنای مالی افزایش زیادی داشته و بانک‌های تخصصی با ۴۵ هزار میلیارد تومان و رشد ۶- درصدی در یک‌سال اخیر و بانک‌های دولتی با حدود ۳۹۰۰ میلیارد تومان اضافه برداشت و رشد ۶۴- درصدی، رشد منفی در میزان اضافه برداشت خود داشته‌اند. اما برعکس، در بانک‌های خصوصی و غیردولتی وضعیت کاملاً برعکس بوده و در یک‌سال اخیر با رشد ۱۰۰ درصدی، رقم اضافه برداشت بانک‌های خصوصی از بانک مرکزی به بیش از ۱۰۱ هزار میلیارد تومان رسیده است. رقم کل بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی



اعتباری به بانک مرکزی به تنهایی ۷۶ هزار میلیارد تومان است. این رقم ۳۲٫۵ درصد از کل پایه پولی است. بنابراین بدهی بانک‌های خصوصی، غیردولتی و موسسات اعتباری حدود یک‌سوم کل پایه پولی را تشکیل می‌دهد و این نشان می‌دهد وضعیت این گروه از بانک‌ها که البته شامل همه بانک‌های این گروه نمی‌شوند، به مرز هشدار رسیده است.

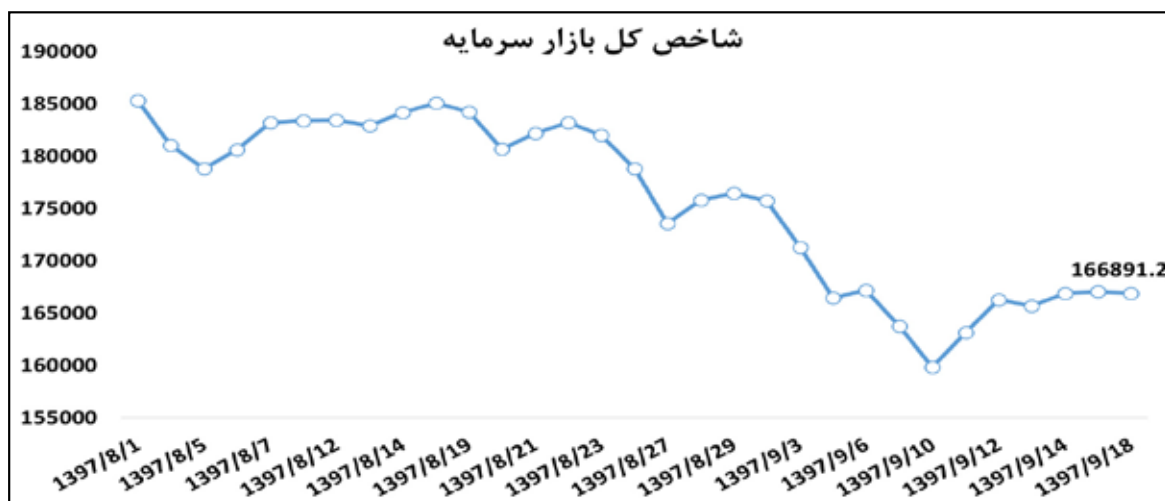
با توجه به اینکه بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی یکی از اجزای پایه پولی است، با توجه به رقم ۲۳۴ هزار و ۵۱۰ میلیارد تومانی پایه پولی، در مجموع سهم کل بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی ۶۴٫۲ درصد است. اگر بدهی بانک‌های دولتی و خط اعتباری پرداختی برای موسسات منحل در نظر بگیریم، بدهی گروه بانک‌های خصوصی، غیردولتی و موسسات

دوره	پایه پولی	بدهی بانک‌های دولتی به بانک مرکزی	سهم بدهی بانک‌های دولتی از پایه پولی	بدهی بانک‌های خصوصی و غیردولتی به بانک مرکزی	سهم بانک‌های خصوصی و غیردولتی از پایه پولی
۹۰	۷۶,۴۵۶	۴۰,۲۱۵	۵۲٫۵	۲,۲۱۱	۲٫۹
۹۱	۹۷,۵۷۹	۴۵,۹۴۱	۴۷	۲,۸۸۹	۲٫۹
۹۲	۱۱۴,۰۶۹	۵۷,۴۳۰	۵۰٫۳	۲,۱۱۶	۱٫۸
۹۳	۱۳۱,۱۴۷	۶۱,۸۱۵	۴۷٫۱	۲۳,۹۸۸	۱۸٫۲
۹۴	۱۵۳,۳۶۰	۷۱,۱۶۰	۴۶٫۴	۱۲,۴۷۰	۸٫۱
۹۵	۱۷۹,۸۳۰	۶۱,۴۶۰	۳۴٫۱	۳۸,۲۳۰	۲۱٫۳
۹۶	۱۹۶,۴۹۰	۵۱,۷۲۰	۲۶٫۳	۵۵,۳۱۰	۲۸٫۱
شهریور ۹۷	۲۳۴,۵۱۰	۴۹,۲۷۰	۲۱	۷۶۳۸۰	۳۲٫۵

رشد کرد اما در شش ماه اول امسال، با رشد شتابان نرخ دلار از ۵ هزار تومان در فروردین به بالای ۱۴ هزار تومان در ماه‌های اخیر، سپرده‌گذاران تمایل به نگهداری نقدینگی خود به صورت پول، سپرده دیداری یا سپرده کوتاه‌مدت داشته‌اند تا در زمان استفاده بتوانند با پول نقد، چک یا کارت سپرده کوتاه‌مدت، خرید کنند. این موضوع باعث شده که عملاً از حجم سپرده بلندمدت در شش ماه اول سال ۹۷ کاسته شود و رقم آن از ۸۴۰ هزار میلیارد تومان از اسفند ۹۶ به ۸۲۲ هزار میلیارد تومان در شهریور ۹۷ برسد و ۱۸ هزار میلیارد تومان کمتر شود. به عبارت دیگر، از ۱۴۲ هزار میلیارد تومان افزایش نقدینگی در شش ماه اول ۹۷، به میزان ۹۷ هزار میلیارد جذب کوتاه‌مدت، ۴۹ هزار جذب پول و سپرده دیداری و ۱۱ هزار میلیارد جذب قرض‌الحسنه شده است و از بلندمدت نیز ۱۸- هزار میلیارد تومان کاسته شده است.

اما در بخش شبه پول، حجم شبه پول یا سپرده غیردیداری با ۱۷ درصد رشد، ۱۴۲۸ هزار میلیارد تومان اعلام شده که نشان می‌دهد رشد کمتری نسبت به رشد پول داشته است. از این رقم، سپرده مدت‌دار شامل سپرده کوتاه‌مدت و بلندمدت ۱۳۱۲ هزار میلیارد تومان بوده که رشد بیش از ۱۵ درصد در یک‌سال و بیش از ۶ درصد در شش ماه اول داشته است. سپرده کوتاه‌مدت با رقم ۴۹۰ هزار میلیارد تومان رشد ۱٫۹ درصدی در یک‌سال و رشد ۲۴٫۶ درصدی در شش ماه داشته است. همچنین سپرده بلندمدت با رقم ۸۲۲ هزار میلیارد تومان رشد ۲۵٫۶ درصدی در یک‌سال و ۲٫۱- رشد منفی در شش ماه اول داشته است. این نکته نشان می‌دهد که متأثر از سیاست‌های سال ۹۶ از جمله تعدیل قرارداد سپرده بلندمدت با نرخ یکساله ۲۰ درصدی و همچنین انتشار اوراق سپرده ریالی ۲۰ درصدی در اسفندماه، حجم سپرده بلندمدت به شدت

بورس در پساتحریم



اول قرار دارد (اما نکته دیگر بحث بودجه و سیاست‌های پیش روی دولت است در حقیقت با توجه به شرایط تحریم و انتظار از کاهش فروش مقداری نفت، این تردید وجود دارد که دولت برای کسری بودجه سال آتی خود رو به افزایش نرخ حامل‌های انرژی، حقوق مالکانه معادن، افزایش مالیات و... برود به نظر می‌رسد با توجه به فضای در تنگنای کسب‌وکار داخل کشور بحث افزایش مالیات‌ها چندان در دستور کار نباشد اما افزایش نرخ حامل‌های انرژی برای صنایع می‌تواند یکی از سناریوها باشد. از افزایش نرخ سوخت نظیر بنزین و گازوئیل تا برق و گاز و... می‌تواند اهرم فشار دیگری بر صنایع در سال آینده باشد. در این بین صحبت‌های مقامات دولتی از جمله رئیس‌جمهور نیز حاکی از تمایل دولت برای این تغییرات دارد.

اما بازارهای جهانی نیز شرایط متفاوتی را نسبت به ماه‌های گذشته تجربه می‌کند از تنش‌های تجاری میان دو کشور تأثیرگذار در بازارهای مالی (چین و آمریکا) تا کند شدن سرعت رشد اقتصادی چین و اعمال سیاست کاهش واردات کامودیتی‌ها و افزایش صادرات چینی‌ها از جمله سرفصل‌هایی است که به تضعیف روند قیمت جهانی کالا و افت آنها منجر شده است.

از این‌رو اگر برای سال آینده فرض شود سیاست‌های کنترل قیمت و ثبات ارزی را از سوی دولت شاهد باشیم و از سوی دیگر شرکت‌های داخلی به خصوص ارز محورها با افزایش قیمت‌های حامل‌های انرژی و خوراک مواجه شوند و با کاهش نرخ‌های فروش جهانی و تحریم‌ها نیز دست و پنجه نرم کنند در کنار اثرات رکود تورمی در بازار داخل کشور می‌توان انتظار داشت که سناریو سال ۱۳۹۸ کاملاً سناریویی متفاوت با تجربه سال ۱۳۹۷ خواهد بود از این رو این تردیدهای منفی است که بر تصمیمات فعالان بازار سهام تأثیرگذار خواهد بود. از این رو کاهش سود انتظاری، افت پی برای انتظاری بازار، کاهش قدرت ورود جریان‌های نقدی جدید به بازار سهام و... می‌تواند از اثرات تردیدهای ذکر شده باشد. در این بین اگر عواملی نظیر بهبود و یا ثبات قیمت‌های جهانی در کنار کاهش اثر پذیری از تحریم‌ها رخ دهد می‌توان امیدوار به بهبود شاخص‌های بازار سهام و خروج از روند نزولی بود.

اما با دید کوتاه‌مدت حداقل ۶ هفته‌ای نیز بازار سهام با ۳ رویداد مهم مواجه است: گزارش ماهانه آذر و دی ماه و گزارش عملکرد فصلی سه ماهه سوم سال می‌تواند تأثیری گذار باشد بر این اساس با توجه به در پیش بودن سه رویداد مهم یاد شده انتظار می‌رود بازار دست از اصلاح‌های قیمتی هیجانی بکشد و با هر داده مثبت شاهد بهبود معاملات و بهبود ارزش سهام‌های موثر باشد در این بین دو مولفه نرخ ارز و قیمت‌های جهانی می‌تواند عامل شدت و یا ضعف روند یاد شده باشد.

از این‌رو میزان تولید و فروش شرکت‌های صادراتی، تغییرات نرخ فروش شرکت‌های داخلی و صادراتی و در نهایت عملکرد سودآوری شرکت‌ها نسبت به دو فصل گذشته می‌تواند عاملی برای تحریک‌های جدید در هفته‌های آتی تلقی شود.

از این رو با سه رویداد پیش رو و با فرض عدم تغییر در مولفه‌های اثرگذار بر بازار محدوده حمایتی ۱۶۰ هزار و سطح مقاومت ۱۷۵ تا ۱۸۰ هزار واحد را می‌توان برای مدت زمان پیش رو (۶ هفته آتی) در نظر گرفت.

اگر بپذیریم بازار سهام تابعی از تحولات اقتصادی و سیاسی است می‌توان روند حال و آسای بازار را پیش بینی نمود. نرخ ارز، تحولات در بازارهای کالایی جهان، فضای اقتصادی داخلی و تصمیمات در این حوزه و تحولات سیاسی و تحریم‌ها مهم‌ترین ارکان موثر بر بازار سهام هستند. از ۲ ماه گذشته با کاهش التهابات ارزی و مداخله دولت و بانک مرکزی برای کنترل بازارهای سوداگرانه شاهد کاهش تنش‌های قیمتی بودیم. مصادف شدن این رخدادها با آغاز دور دوم تحریم‌ها از ۱۳ آبان و کاهش فروش مقداری صادرکننده‌ها از محرک‌های اصلاح ۱۵ درصدی شاخص کل طی بازه زمانی یاد شده و تا به امروز می‌باشند.

اما بررسی مولفه‌های موثر نشان می‌دهد که دولت با ابزارهای نظارتی و کنترلی اقدام به مدیریت بازارها نموده است بر این اساس راهکارهای بازدارنده برای جلوگیری از التهابات تورمی در حال شکل‌گیری است، مواردی نظیر آزادسازی بدون محدودیت ورود ارز به کشور، محدودیت‌های اعمال شده تراکنش‌های بانکی برای هر کد ملی، اعمال قوانین با هدف شفاف‌سازی نقل و انتقالات بانکی و تقویت سیستم نظارتی بر بانک‌ها برای تخطی نکردن از پرداخت سودهای رقابتی به سپرده‌گذاران بیش از نرخ‌های اعلامی توسط بانک مرکزی و... از جمله اقداماتی است که با هدف کاهش فعالیت‌های سوداگرانه در بازارهای موازی آغاز شده است که می‌تواند شرایط را برای تثبیت و ثبات اقتصادی فراهم سازد، از این‌رو این دسته از اقدامات می‌تواند آرامش را به بازارها بازگرداند. بر این است بورس تحت تأثیر تحولات یاد شده با دو موج مواجه است، موج اول ناشی از مداخله دولت و بانک مرکزی با اعمال سیاست‌های کنترلی است که به ریزش قیمت ارز و تخلیه هیجانات کاذب منجر شده است که اثر آن در نرخ ارز شاهد هستیم به نحوی که آخرین نرخ‌ها از ورود قیمت هر دلار آمریکا به کانال ۱۰ هزار تومان حکایت دارد این افت قیمت یک موج هیجان منفی را به بازار سهام و علی‌الخصوص شرکت‌های ارز محور و صادرکننده منتقل نموده است که به صورت مستقیم ۵۰ تا ۶۰ درصد از ارزش بازار بورس را به خود اختصاص داده‌اند. البته نزدیک شدن نرخ فیزیکی به نرخ نیما نیز یک مزیت خواهد داشت و آن این است که پس از ثبات نرخ ارز بر اساس سیاست‌های اعلام شده انتظار می‌رود نرخ نیما به نرخ فیزیکی متمایل شود همین امر می‌تواند در آمد تسعیر ارز صادرکننده‌ها بهبود بخشد.

در عین حال افت نرخ ارز فیزیکی در بازار آزاد اثر مستقیمی بر قیمت عرضه محصولات این گروه در بورس کالا و بازارهای فیزیکی داشته است برای نمونه در بازار شمش فولادی قیمت در بازار فیزیکی طی ۲ ماه اخیر از ۴۰ هزار ریال در هر کیلوگرم به ۳۱۵۰۰ ریال تقلیل یافته است. در حقیقت بازارهای فیزیکی داخلی این روزها با سه چالش مواجه هستند، کاهش نرخ ارز، افت قیمت جهانی و رکود تقاضای داخلی... این جمله از موارد در حقیقت عامل تحمیل فشار بر گروه‌های ارز محور شده است که مهم‌ترین عامل رکود بازار سهام نیز می‌توانند همین دسته از صنایع باشند. موج دوم، موج پس از ثبات بازارها است که می‌تواند فضای معامله‌گری و تحلیلی را تقویت کند و به تعادل بازار سهام منجر شود (لازم به ذکر که بازار در مقطع فعلی در موج

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر



خدمات سیطره جهانی

گرفته اند. بنگاه‌های چندملیتی بر خلاف تصور عام، که واژه‌ای دهش‌ناک و رعب‌انگیز است، اما خدمات بسیاری برای کشورهای در حال توسعه داشته است. هرچند دستمزد پایین و دخالت ناگهانی در بازارهای داخلی، همواره جزء قوی‌ترین استدلال‌های مخالفان قلمداد می‌شود، باید پذیرفت که در وانفسای کمبود سرمایه برخی ملت‌های فقیر، این شرکت‌ها سرمایه‌گذاری کرده و حداقل محصول آن نجات میلیون‌ها انسان گرسنه بوده است. در این پرونده با تعریف و بررسی اثرات شرکت‌های چندملیتی در ساختارهای حاکمیتی، بازار داخلی و نهادی، تلاش می‌شود نگاهی روشن از بنگاه‌های چندملیتی ارائه شود. در پایان نیز، حضور این شرکت‌ها در ایران و به ویژه در دوره پس‌ابرجام بررسی خواهد شد.

امادر نگاهی دقیق‌تر و البته منصفانه‌تر، تأثیر حضور این شرکت‌ها را به خوبی می‌توان دریافت. کمترین تأثیر آنها، توسعه روند جهانی شدن بود. جهانی شدن، هر چه که نداشت، فرصت خوبی برای کشورهای در حال توسعه بود که بتوانند با تکیه بر مزیت‌های نسبی اقتصاد خود، در عرصه جهانی حضور یابند و از این سفره پهن‌تر موجود، تغذیه کنند. به گفته پل گروگمن، هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که جهانی شدن به نفع هیچ کس نبوده است. هرچند هنوز این فرآیند دارای مشکلات بسیاری است، اما به جرأت می‌توان ادعا کرد که ماحصل آنها، برای انسان بعد از جنگ جهانی دوم، بسیار ستودنی بوده است. اینک شرکت‌های چندملیتی که موتور جهانی شدن تلقی می‌شوند، در بوته نقد و بررسی قرار



حسن صادقی
عضو هیأت تحریریه

سرگذشت رشد شرکت‌ها به گفته استفن هایمر، «از کارگاه تا کارخانه، تا شرکت ملی و تا شرکت چندملیتی»، داستان پیروزی مداوم سازمان بر محدودیت‌های قلمرو است. شرکت‌های چندملیتی در هر مرحله، خود را از مرحله پیش از قید و بند قلمرو آزاد کردند تا اینک جریان سرمایه‌گذاری‌های خود را به هر آنجایی که مایل باشند، رهنمود کنند. هر چند هنوز برخی از اقتصاددانان از این شرکت‌ها به عنوان دشمن کارگران یاد می‌کنند،

جایگاه بنگاه‌های چندملیتی در مکاتب اقتصادی

میدانی برای جدال آزادی و عدالت



بین طرفین مبادله تقسیم می‌شود. لذا توسعه اقتصادی، تکنولوژی و هر گونه پیشرفت اقتصادی از کشورهای پیشرفته صنعتی به کشورهای در حال توسعه انتقال می‌یابد و به تدریج سطح رفاه در کشورهای در حال توسعه افزایش یافته با سطح رفاه در کشورهای پیشرفته صنعتی یکسان می‌شود. در مورد انتقال منافع شرکت‌های چندملیتی از کشورهای پیشرفته صنعتی به کشورهای در حال توسعه، ریمنود ورتون به تفصیل در کتاب «طوفان برف» در خصوص شرکت‌های چندملیتی بحث کرده است. برخی دیگر از اقتصاددانان طرفدار اقتصاد آزاد، مانند دسته قبل معتقدند که روابط اقتصادی بین کشورهای پیشرفته صنعتی و کشورهای در حال توسعه، ایجاد منافع می‌کند، البته این منافع به خواست و اراده کشورهای صنعتی است. به عبارت دیگر روابط بین کشورهای پیشرفته صنعتی و کشورهای در حال توسعه براساس کمک و انتقال منابع از کشورهای پیشرفته صنعتی به کشورهای در حال توسعه تنظیم شده است. لذا محرک اصلی شرکت‌های چندملیتی برای سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه؛ انتقال تکنولوژی، انتقال سرمایه و کمک به کشورهای مزبور است. در این طرز فکر کمک بلاعوض کشورهای پیشرفته صنعتی نقش مهم دارد.

♦ استثمار چندملیتی‌ها

بنیادگرا معتقدند که رابطه بین کشورهای پیشرفته صنعتی و کشورهای در حال توسعه یک رابطه مضر ذاتی است و به‌طور سیستماتیک به ضرر کشورهای در حال توسعه است. به عبارت دیگر برخلاف نظریه کلاسیک‌ها، که رابطه بین

عوایدشان است.» در این گزارش سیری کوتاه بر نظریه مهم‌ترین مکاتب اقتصاد کلان در خصوص بنگاه‌های چندملیتی می‌شود.

♦ بازی برد-برد چندملیتی‌ها

اقتصاددانان کلاسیک و دانشمندان رشته مدیریت که درباره سرمایه‌گذاری خارجی و شرکت‌های چندملیتی نظریه داده‌اند، وجود شرکت‌های چندملیتی را برای کشورهای مادر و کشورهای میزبان اصولاً مفید می‌دانند. در خصوص کشورهای جهان سوم آنها معتقدند که رابطه این دسته از کشورها و کشورهای پیشرفته صنعتی از طریق تجارت، کمک‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری، وام و مهاجرت تنظیم می‌شود. این روابط ضمن اینکه منافع کشورهای پیشرفته صنعتی را دربردارد، برای کشورهای در حال توسعه نیز حاوی منافع است. در واقع این طرز فکر گویای وجود همان دست غیبی آدم اسمیت است که منافع خصوصی موجب ایجاد منافع جمعی می‌شود. در اینجا مسأله دست غیبی به صحنه اقتصاد بین‌الملل کشیده شده چنین عنوان می‌شود که اگرچه شرکت‌های چندملیتی برای منافع خود اقدام به سرمایه‌گذاری در کشورهای در حال توسعه می‌کنند اما در عین حال شرکت‌های مزبور موجب افزایش درآمد، انتقال تکنولوژی، و افزایش پس‌انداز در این کشورها می‌شوند.

درواقع این طرز فکر مربوط به اقتصاددانان کلاسیک است که معتقدند رابطه بین کشورهای پیشرفته صنعتی و کشورهای در حال توسعه یک رابطه مفید ذاتی است. به این ترتیب که منافع ایجاد شده، در روابط اقتصادی بطور سیستماتیک

آیزنهاور رئیس‌جمهور آمریکا در سال ۱۹۶۰ در ریودوژانیرو، در سخنرانی گفت: «سرمایه چیز عجیبی است که اصولاً هیچ ملیتی ندارد و به جایی می‌رود که بهتر به آن خدمت کنند.» این جمله دقیقاً جایگاه بنگاه‌های چندملیتی را در تئوری‌های اقتصادی نشان می‌دهد. هنوز تئوریسین‌های اقتصاد کلان و اقتصاد سیاسی به اجماع در خوری دست نیافته‌اند که جایگاه بنگاه‌های چندملیتی را براساس عوایدی که برای اقتصاد کشورها دارد، دسته‌بندی و بازتعریف کنند اما هر چه هست، اختلاف‌نظرهای شدیدی درباره آنها وجود دارد. مکاتب کلاسیک و نئوکلاسیک به عنوان مدافعان بنگاه‌های چندملیتی در عرصه نبرد با مارکسیست‌ها و نهادگراها هستند. آدام اسمیت و کارل مارکس هر دو معتقد بودند که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های سرمایه، بین‌المللی بودن آن است. اسمیت معتقد بود که سرمایه را به حکم عقل باید از محدودیت‌های ملی و سیاسی آزاد کرد اما مارکس بر این باور بود که سرمایه‌داری، گسترش تصاعدی خود را از راه بین‌المللی کردن سرمایه دنبال می‌کند. با این حال پیروان هر دو آنها، اکنون نظرانی مخالف یکدیگر دارند. کلاسیک‌ها و نئوکلاسیک‌ها، با کمک تئوری‌های خود، از شرکت‌های چندملیتی دفاع می‌کنند و در آن سوی میدان، سوسیالیست‌ها و چپگراها، به جدال با این شرکت‌ها برخاسته‌اند و از آنها به عنوان برهم‌زنندگان نظم اقتصاد جهانی یاد کرده‌اند. با این حال به دور جدال‌های ایدئولوژی و مکتبی، باید این پیش‌بینی توماس جفرسون را جدی دانست که «تجار کشوری برای خود ندارند. آنها هر جا که باشند پیوندی با آب و خاک ندارند. آنها تنها به یک چیز علاقه دارند و آن هم منبع

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

دو گروه کشورهای پیشرفته و در حال توسعه را براساس تعادل می‌پندارند، شیوه تفکر این دسته از اقتصاددانان مبتنی بر عدم تعادل روابط اقتصادی کشورهای مزبور است.

جگدیش باگواتی، گوناوار میردال، هانس سینگر و راول پریش از جمله اقتصاددانانی هستند که رابطه کشورهای پیشرفته صنعتی و کشورهای در حال توسعه را یک رابطه مضر ذاتی می‌دانند. بنابراین از نظر این دسته از اقتصاددانان، شرکت‌های چندملیتی با پرداخت دستمزدهای بیشتر موجب اختلال در ساختار بازار کار و نرخ دستمزدها می‌شوند. همچنین با معرفی تکنولوژی پیشرفته در حالی که در بخش‌های دیگر تکنولوژی سنتی یا عقب‌مانده همچنان وجود دارد، دوگانگی در کشور میزبان بروز پیدا می‌کند. تجارت بین‌الملل نیز موجب می‌شود کشورهای جهان سوم نقش تولیدکننده مواد اولیه و کالاهای غیرصنعتی را داشته باشند و لذا موضع آنها در تقسیم کار بین‌المللی یک موضع ضعیف و دست دوم خواهد بود.

به‌علاوه، تغییر نرخ مبادله به ضرر کشورهای جهان سوم و به نفع کشورهای پیشرفته است که این عامل صنعتی موجب از دست دادن منابع و تحمل زیان در کشورهای جهان سوم می‌شود، و برعکس موجب تجمع منابع، ثروت و سود در کشورهای پیشرفته صنعتی خواهد شد.

یکی از تئوری‌هایی که به‌طور مشخص رابطه بین کشورهای پیشرفته صنعتی و کشورهای در حال توسعه را بیان می‌کند، تئوری اثرات منفی است، که به نام گوناوار میردال ثبت شده است. براساس این تئوری اگرچه رشد اقتصادی را می‌توان تغییر نرخ مبادله به ضرر کشورهای جهان سوم را در اثر دستیابی به تکنولوژی جدید در کشورهای پیشرفته صنعتی دانست، اما رشد تکنولوژی در کشورهای پیشرفته صنعتی بیشتر به‌صورت روش جدید تولید که در آن در مواد خام صرفه‌جویی می‌شود و یا اینکه کالاهای مصنوعی از قبیل مواد شیمیایی جانشین مواد خام طبیعی می‌شود. لذا این‌گونه پیشرفت تکنولوژی اثرات زیان‌باری بر نرخ مبادله کشورهای جهان سوم که بیشتر تولیدکننده مواد خام و مواد اولیه هستند می‌گذارد.

هانس سینگر ضمن تایید نظر میردال در مورد اثرات منفی رشد کشورهای پیشرفته صنعتی، عنوان می‌کند که رشد اقتصادی را نباید یک جهتی دانست. رشد اقتصادی جهات مختلف دارد، به ویژه، که در بسیاری موارد دوگانه است. به این ترتیب که در هر کشوری بخش معرفی و بخش عقب‌مانده وجود دارد؛ مسلماً با پیشرفت بخش مترقی، اثراتی نیز بر بخش عقب‌مانده مترتب است. این اثرات ممکن است مثبت یا منفی باشند، اما در کشورهای جهان سوم وجود اثرات منفی امری کاملاً طبیعی است. بنابراین صنایع مدرن رشد می‌یابند، در حالی که ساختار بازار کار مختل و تخریب می‌شود و صنایع سنتی از بین می‌روند. حال سوال این است که آیا توسعه و رشد داشته‌ایم یا خیر؟ اگر به بخش مدرن نظر داشته

باشیم جواب مثبت است اما اگر به بخش سنتی توجه کنیم، جواب قانع‌کننده‌ای نخواهیم داشت، به این صورت سینگر نتیجه می‌گیرد که توسعه در کشورهای جهان سوم، دارای جهات مختلف است. سینگر وجود دوگانگی در اقتصاد کشورهای در حال توسعه را بیشتر نتیجه سرمایه‌گذاری‌های خارجی و شرکت‌های چندملیتی می‌داند. لذا شرکت‌های مزبور با سرمایه‌گذاری در بخش‌ها و صنایع مدرن موجب ایجاد اختلال در اقتصاد این کشورها می‌شوند.

◆ دشمنان چندملیتی‌ها

نظر اقتصاددانان چپ‌گرا که اصولاً براساس نظرات مارکس-لنین بنا دارد، رابطه کشورهای پیشرفته صنعتی و کشورهای جهان سوم را یک رابطه مضر ارادی می‌دانند. این اقتصاددانان معتقدند کشورهای پیشرفته صنعتی برای استفاده برخی از کشورهای جهان سوم آنها را استثمار می‌کنند. لذا کشورهای پیشرفته صنعتی برای حمایت از سرمایه‌گذاران و صادرکنندگان و دیگر عوامل اقتصادی که در کشورهای جهان سوم فعالیت دارند، و همچنین برای حصول اطمینان از به‌دست آوردن مواد اولیه و مواد خام کافی مورد مصرف داخلی سعی می‌کنند، چگونگی مسائل اقتصادی-سیاسی کشورهای جهان سوم را تحت کنترل و نظارت درآورند. البته باید توجه داشت که مارکس و بعضی پیروان او به مسأله کشورهای جهان سوم و رابطه آنها با کشورهای پیشرفته صنعتی توجهی نداشتند. بخصوص اینکه مفروضات اساسی نظرات مارکس در واقع منطبق با وجود یک اقتصاد رقابتی بوده است. البته انگلیس در بعضی از نوشته‌های خود اشاره به رشد انحصار کرده است اما وجود انحصارات را در تئوری مارکس دخالت نداده است. اولین بار رودالف هیلفردینگ در سال ۱۹۱۰ عنوان کرد که وجود انحصارات باید در تئوری مارکس تعدیل به عمل آورد. البته هیلفردینگ نیز موفق به تعدیل کیفی تئوری مارکس نشد. بنابراین در ۱۹۱۷ لنین در کتاب «امپریالیسم بالاترین مرحله سرمایه‌داری» اظهار کرد که ساده‌ترین تعریف امپریالیسم عبارتست از مرحله انحصار در سرمایه‌داری، به این ترتیب مسأله کشورهای جهان سوم و امپریالیسم در تحلیل‌های لنین و پیروان او اهمیت خاصی یافت و محور بحث‌های آنها قرار گرفت.

در مورد مسأله ارزش اضافی که مرکز تحلیل‌های مارکس بوده است، مارکسیست‌های جدید، سعی فراوان کرده‌اند. دور ایجاد ارزش اضافی، کاهش سود دهی، استعمار و استثمار به منظور افزایش مجدد سوددهی را به صحنه‌های بین‌المللی کشانده از یک طرف مسأله امپریالیسم و سودجویی از نیروی کار کشورهای جهان سوم را مطرح کرده و از طرف دیگر مسأله جذب ارزش‌های اضافی ایجاد شده را. از جمله پل باران و پل سوئیزی در کتاب سرمایه انحصاری چنین مطرح می‌کنند که صرف نظر از کنار گذاشتن مسأله کارگر و پرولتاریا به این دلیل نیست که مسأله مزبور دیگر اهمیتی

ندارد، بلکه مسأله طبقات و پرولتاریا به صحنه بین‌المللی کشانده شده است. لذا ابتکار طبقه کارگر که در زمان مارکس در کشورهای صنعتی بر ضد سرمایه‌داری قیام می‌کردند، اکنون تبدیل به حرکت‌های پرولتاریا در کشورهای در حال توسعه شده است، که بر ضد امپریالیسم و استثمارگران قیام می‌کنند تا سوسیالیسم را در کشور خود پیاده کنند. سرمایه‌گذاری خارجی از دیدگاه اقتصاددانان طرفدار مارکس و لنین در واقع به‌عنوان صدور سرمایه شناخته می‌شود. همچنین شرکت‌های چندملیتی نیز به‌عنوان ابزار جدید امپریالیسم برای استثمار کشورهای جهان سوم به حساب می‌آیند.

◆ تئوری وابستگی

حرکت‌های جدیدملی‌گرا در کشورهای در حال توسعه در واقع اقدامی در مقابل وابستگی مستمر این کشورها به کشورهای پیشرفته صنعتی است. همچنین، عامل مهم دیگر استراتژی توسعه اقتصادی کشورهای در حال توسعه است که نه تنها آنها را از تک محصولی، نیاز به سرمایه و تکنولوژی خارجی و واردات کالاهای مصرفی، سرمایه‌های رهایی نبخشید بلکه وابستگی آنها را نیز افزایش می‌دهد. البته شکست استراتژی توسعه اقتصادی در بیشتر موارد، برای کشورهایی که سیاست توسعه صادرات را در پیش گرفتند و چه برای کشورهایی که سیاست جایگزین واردات را انتخاب کردند، مصداق دارد. افزایش وابستگی کشورهای جهان سوم به کشورهای پیشرفته صنعتی بحث‌ها و تحلیل‌هایی را بین اقتصاددانان بوجود آورد که به عنوان تئوری وابستگی مشهور شد. البته از آنجا که بیشتر این اقتصاددانان از محققین چپ‌گرای آمریکای لاتین بودند، با نام تئوری وابستگی در ادبیات آمده است. این گروه از اقتصاددانان اگرچه چپ‌گرا هستند اما عقاید خود را دقیقاً مارکسیستی-لنینیستی نمی‌دانند، بلکه کوشش دارند، تئوری و تحلیل جدیدی ارائه دهند. از جمله طرفداران تئوری وابستگی آروالدوسانکل است که مفهوم وابستگی را در توسعه سرمایه‌داری بین‌المللی و اثر آن در کشورهای جهان سوم می‌داند. سالکل عقیده دارد که اقتصاددانانی چون میردال، سینگر، نورگس و پریش موضوع توسعه اقتصادی کشورهای جهان سوم را به‌صورت مجرد از سیستم سرمایه‌داری بین‌المللی مورد بحث و بررسی قرار داده‌اند و لذا اغلب اقتصاددانان مزبور سرمایه و کمک خارجی را در توسعه کشورهای جهان سوم موثر می‌دانند. در حالی که در نظریه وابستگی پیشرفت، توسعه به‌صورت یک پدیده مجرد و مجزا مشاهده نمی‌شوند، بلکه آنها جزئی از سیستم و جریان سرمایه‌داری بین‌المللی هستند که اثرات دینامیک این سیستم بر آنها اثر می‌گذارد. لذا عوامل خارجی در چنین سیستمی عوامل برونزا نیستند، بلکه مسائل سیاسی، اقتصادی، مالی، تکنولوژیکی، فرهنگی کشورهای جهان سوم را به‌صورت درون‌زا متحول می‌کند.

نظام سیاسی در چنبره نظام اقتصادی دولت‌های گوش به فرمان



می‌کنند. از سوی دیگر جهانی شدن اقتصادی یکپارچگی ملت کشور را به‌عنوان واحد سازمان‌دهنده امور مرکزی، امور داخلی و خارجی مورد تهدید قرار داده و داعیه دولت‌ها را زیر سؤال برده است. پیامد چنین تحولاتی این بود که پس از جنگ بین‌الملل دوم، اصول تئوری کینز و طرفداران آن نظیر موریس که معتقد بودند مالکیت، سرمایه‌داری و عملیات تولیدی باید در حیطه نظارت دولت باشد، رنگ باخت و نظام سرمایه‌داری به نوعی شاهد شورش در برابر کینزگرها بود. که مداخلت دولت در امور اقتصادی با اعمال سیاست‌های مبتنی بر ملت‌گرایی را در تضاد با منافع خود می‌دانستند. پس از جنگ جهانی دوم، رسالت شرکت‌های چندملیتی این بوده که وفاداری به شرکت‌ها را جانشین وفاداری مالی کنند. چندملیتی‌ها در پی دگرگون ساختن اقتصادی سیاسی جهانند و اعتقاد دارند که دولت‌ها دیگر تابع بورژوازی داخلی نیستند بلکه بیشتر بر بورژوازی بین‌المللی تکیه می‌کنند.

♦ **مثالی از دخالت چندملیتی‌ها در حکمرانی**
بدین سان حاکمیت و نقشی که دولت‌ها بازی می‌کند تنها در حیطه‌های ملی خلاصه می‌شود. یک مورد محدود شدن جنگ ویتنام در زمان ریاست جمهوری نیکسون بود که هزینه‌های هنگفت عملیات نظامی خارجی، کسری بزرگی در موازنه پرداخت‌های آمریکا پدید آورد و تورم را در ایالات متحده تا حد زیادی افزایش داد. قدرت رقابت کالاهای

این معیارهای دستخوش تحول شد و قدرت حاکمیت دولت‌ها به عواملی نظیر منابع انسانی چشمگیر، توان بالای تکنولوژیک، مساحت گسترده و منابع طبیعی محدود شد. توزیع قدرت نیز در روابط بین‌المللی بر مبنای اقتصادی قرار گرفت. چنان که امروزه اقتدار دولت‌ها بدون پشتوانه اقتصادی مالی و فرهنگی و سیاسی بی‌معنا به نظر می‌آید. منشا خطر برای ملت‌ها، برخلاف دوران‌های گذشته که تهاجم نظامی خارجی بود، اینک سلطه اقتصادی است، در سایه رشد نظام جهانی و بین‌المللی شدن امور، مرزهای دولتی نیز کارایی خود را از دست داده و کار تضمین منافع ملی تا اندازه زیادی از چارچوب حاکمیت دولت‌ها خارج و به نهادهای بزرگ تولیدی و اقتصادی واگذار شده است.

مصادق روشن این ادعا، قدرت ایالات متحده آمریکاست که به علت آمیختگی مسائل امنیتی و اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم، تا حدود چشمگیری به قدرت چندملیتی‌ها وابسته شده است. بین‌المللی شدن زندگی اقتصادی و تشدید وابستگی متقابل کشورها به یکدیگر پس از جنگ جهانی دوم آثار چشمگیر و محدودکننده‌ای بر حاکمیت دولت‌ها در عرصه بین‌المللی گذاشته چنان که تضمین منافع ملی و امنیت ملی بیشتر از طریق اتحادیه‌های اقتصادی و بلوک‌های اقتصادی امکان‌پذیر می‌شود، در نتیجه دولت‌ها تا حد زیادی، سیاست خارجی خود را با در نظر گرفتن منافع کلی بلوک اقتصادی که به آن وابسته‌اند، تنظیم

به طور ساختاری، رابطه میان دولت‌ها به کلی، مبنای اقتصادی گرفته است. شاید عصر کنونی، تنها دوره‌ای از تاریخ باشد که دولت‌ها این بار گوش به فرمان‌اند. رابطه میان بنگاه‌های چندملیتی و دولت‌ها، در دهه‌های اخیر دگرگون شده است و ماهیت روابط آنها، بیشتر بر حفظ حیات و سود بنگاه‌ها تشکیل شده است. در این میان اما نهادهای قانونگذار فراملی به این عرصه آمده‌اند تا بتوانند حداقل مرزهایی را برای کنترل ابر بنگاه‌ها تبیین کنند چراکه دولت‌ها دیگر فاقد قدرت و مشروعیت لازم برای کنترل‌ها آنها هستند. در این گزارش مروری کوتاه بر رابطه دولت و بنگاه‌های چندملیتی می‌شود که به طور ساختاری این روابط را تحلیل می‌کند.

♦ شرکت‌های چندملیتی و دولت

با پیدایش عصر چندملیتی‌ها، بسیاری از مفاهیم مانند حاکمیت ملی، منافع ملی و امنیت ملی تحولات بنیادینی را تجربه کرده است. از قرن ۱۶، ناسیونالیسم و ملت‌گرایی خمیرمایه تشکیل دولت‌های ملی بود و اعمال حاکمیت دولت‌ها نیز در راستای تضمین منافع ملی ارزیابی می‌شد؛ از این رو دانشمندانی نظیر هگل عملکرد دولت را خیر می‌دانستند. عوامل تشکیل‌دهنده دولتی کشور نیز سه عنصر سرزمین جمعیت و قدرت سیاسی بود، با گسترش روابط بین‌المللی و جهانی شدن زندگی اقتصادی ملت‌ها و ظهور عوامل فراملی همچون ایدئولوژی‌ها و وابستگی اقتصادی،

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

آمریکایی در بازارهای دنیا پیوسته کاهش یافت و در نتیجه در سال ۱۹۷۹ ایالات متحده برای نخستین بار با کسری تجاری روبرو شد، کشور درجه اول جهان بر اثر سیاست‌های نظامی‌اش به رکود اقتصادی دچار شد. در عین حال آن برتری تکنولوژیک که ایالات متحده در پایان جنگ جهانی دوم به دست آورده بود به سرعت تحلیل می‌رفت و در رقابت برای تسخیر بازار کالاهای مصرفی آمریکا در مقابل ژاپن، آلمان و دیگر کشورهای صنعتی عقب نشست، عده‌ای از رؤسای شرکت‌ها درصدد برآمدند که با استفاده از نفوذ خود، دولت آمریکا را ترغیب کنند که از سیاست‌های خارجی و نظامی که به منافع شرکت‌ها لطمه می‌زند، دست بردارد. لویی لاندنبرگ رئیس هیأت مدیره بانک آمریکا علناً علیه سیاست نظامی ایالات متحده در آسیای جنوب شرقی صحبت کرد. در مارس ۱۹۶۸ رئیس‌جمهور وقت آمریکا، جانسون سرانجام تصمیم گرفت ادامه جنگ را محدود کند.

♦ وظایف دولت جدید

در زمینه داخلی، محدود شدن دایره حاکمیت دولت‌ها، تحت تأثیر عملکرد چندملیتی‌ها، اصلی‌ترین رسالت دولت یعنی استقرار دموکراسی در جامعه را زیر سؤال می‌برد. براین اساس، دولت‌ها دیگر نهادی سیاسی به شمار نمی‌روند که وظیفه خود را تأمین رفاه عمومی و توزیع عادلانه امکانات اقتصادی تعریف کنند، بلکه به تعبیر مارکسیست‌ها، کمیته اجرایی طبق حاکمه و نماینده شرکت‌های چندملیتی خواهند بود. زیرا دولت‌ها بر طبقاتی اتکا دارند که حاکمیت خود را مدیون آنها هستند. با این همه آیا می‌توان نتیجه گرفت که با محدودیت‌هایی که چندملیتی‌ها برای دولت‌هایش به وجود آوردند دولت‌ها و چندملیتی‌ها در تعارضند؟ پاسخ قطعاً منفی است زیرا چندملیتی‌ها و دولت نه تنها به‌طور نمادین در تضاد با یکدیگر نیستند بلکه بازوی کمکی یکدیگر نیز به شمار می‌روند.

این درجه نخست ناشی از ماهیت دولت‌ها و وابستگی آنها به پایگاه اجتماعی-اقتصادی‌شان که متکی به این شرکت‌هاست هستند. در درجه دوم نیاز متقابلی مطرح است که دولت‌ها و چندملیتی‌ها به یکدیگر احساس می‌کنند. موفقیت‌های اقتصادی دولت‌ها بستگی به میزان فعالیت چندملیتی دارد و در عین حال توفیق چندملیتی‌ها نیز در گرو حمایت سیاسی دولت‌هاست.

♦ **نابرابری دولت‌ها در روابط بین‌المللی**
چندملیتی‌ها نهادهای بزرگ صنعتی و مالی هستند که خاستگاه اصلی آنها کشورهای پیشرفته صنعتی اما میدان عملکرد و رشد آنها کشورهای جهان سوم است. تحولات نظام سرمایه‌داری در عصر شرکت‌های چندملیتی پس از جنگ بین‌الملل دوم موجب شد که مباحث مربوط به امپریالیسم سرمایه‌داری از قالب سنتی خود که مبتنی بر روابط زورمندی و استعمار کلاسیک میان کشورهای صنعتی و قدرتمند و کشورهای تحت سلطه بود، خارج شود و بر محور جدید توسعه‌یافتگی کشورهای صنعتی و توسعه‌نیافتگی کشورهای جهان سوم قرار گیرد.

این تحولات خود تحت تأثیر نابرابری در زمینه توزیع قدرت اقتصادی و صنعتی میان این دو دسته از کشورهای زیان کشورهای جهان سوم و ناشی از عملکرد نظام سرمایه‌داری در دوران چندملیتی‌هاست

مانده و تقسیم بین‌المللی کار، تولیدات از مدار اقتصاد ملی این کشورها خارج شده و در دوران سرمایه‌داری انحصاری سرمایه‌گذاری‌ها به‌صورت موثرترین عامل وابستگی کشورهای تحت سلطه به نظام سرمایه‌داری در آمده است؛ سرانجام در عصر چندملیتی‌ها این نابرابری ناشی از عامل تکنولوژی است که بر پایه آن کشورهای دنیا به دو گروه کشورهای پیشرفت و تولیدکننده و کنترل‌کننده تکنولوژی و کشورهای مصرف‌کننده و وابسته به تکنولوژی تقسیم شده‌اند. در این رابطه آندره گوندر فرانک اقتصاددان و تئوری‌پرداز معتقد است که تئوری جامعه دوگانه نادرست است. از نظر وی توسعه‌نیافتگی نتیجه مناسبات اقتصادی سیاسی نابرابر کشورهای در حال توسعه به صورت ماهواره و کشورهای پیشرفته متروپل است.»

پس از پایان دوران استعمار کلاسیک بویژه بعد از جنگ جهانی دوم به حاکمیت کشورهای



که عامل محدودکننده‌ای برای حاکمیت دولت‌های جهان سومی در روابط بین‌المللی به شمار می‌آید، زیرا پس از دستیابی به استقلال سیاسی، قدرت کشورها در صحنه روابط بین‌الملل با توجه به میزان توسعه‌یافتگی و وابستگی آنها ارزیابی می‌شود.

می‌توان فرض کرد که همه کشورها در ابتدا به‌طور یکسان از امکانات بالقوه برای پیشرفت و توسعه برخوردار بوده‌اند تا برابری آنها از حیث قدرت اقتصادی و صنعتی در روابط بین‌الملل در درجه نخست ناشی از شرایط تاریخی و اقتصادی بوده است؛ سلطه نظام سرمایه‌داری بر روابط بین‌الملل از دوران مرکانتیلیسم قرون ۱۵ و ۱۶ موجب شد که رفته‌رفته امکانات رشد و توسعه بسیاری از جوامع به کشورهای در حال پیشرفت آن زمان منتقل شود. در عصر سرمایه‌داری صنعتی در سایه تک محصولی بودن کشورهای عقب

جهان سوم در روابط بین‌المللی عمدتاً متوجه دستیابی به مرزهای توسعه‌یافتگی و زدودن آثار به جامانده از دوران سلطه استعماری بوده است. در چنین شرایطی، به علت تغییر اوضاع بین‌المللی محدودیت‌های پدید آمده برای تداوم استعمار کلاسیک، استعمار سنتی جای خود را به امپریالیسم نامرئی داد که شرکت‌های چندملیتی ابزارهای اصلی آن به شمار می‌آیند.

قابل ذکر است که پس از جنگ بین‌الملل دوم اصطلاحاتی همچون «کشورهای در حال توسعه» وارد فرهنگ سیاسی شده است. به نظر می‌آید علت کاربرد این اصطلاح برای القای این نکته بوده که نظام سرمایه‌داری غرب توان کمک کردن به این کشورها برای رسیدن به توسعه را دارد و در نتیجه کشورهای جهان سوم همچنان باید به نظام سرمایه‌داری غرب چشم داشته باشند زیرا بنا به اعتقاد بسیاری

از نظریه پردازان و پژوهشگران در زمینه مسائل توسعه، ابزارهای اصلی توسعه عبارت است از تکنولوژی و سرمایه که انحصار آن در اختیار قدرت‌های بزرگ صنعتی است.

پس از جنگ جهانی دوم، نظرات خوشبینانه‌ای در مورد نقش نظام سرمایه‌داری غرب و توان چندملیتی‌ها ایراد شد و این گمان را پیش آورد که دوران جدیدی از همکاری جایگزین نظام تقابل‌گرای قبلی شده که عامل مؤثری در پر کردن شکاف عمیق میان کشورهایست و می‌تواند محور اصلی همکاری و ثبات بین‌المللی به شمار آید.

کمیسیون اقتصادی سازمان ملل متحد در ارتباط با کشورهای آمریکای لاتین جهان را به دو بخش مرکزی صنعتی و پیرامونی که مواد خام تولید می‌کنند، تقسیم کرد و بر این نظر بود که هر دو جهان می‌توانند از طریق به حداکثر رساندن تولید، از درآمد و مصرف منتفع شوند.

جمله اقدامات چندملیتی‌ها بوده است. استفاده جوامع توسعه‌یافته از نیروی کار ارزان کشورهای جهان سوم، خصوصاً در طول دهه ۱۹۷۰ و تسلط بر بازارهای داخلی این کشورها، امکانات رشد و توسعه کشورهای جهان سوم را عملاً فلج کرده است. پالوا معتقد است که سیستم بین‌المللی کاربرد عصر چندملیتی‌ها به تخصیص صنایع به زبان کشورهای در حال توسعه است. در حالی که کشورهای صنعتی سرمایه خود را بر صنایعی که آینده دارند، متمرکز می‌کنند، کشورهای در حال رشد با شاخه‌ای از تولید باقی می‌مانند که از سطح تکنولوژی‌ها پایین‌تر و احتمال رشد کمتری دارند.

به اعتقاد مارسل مرل سلطه چندملیتی‌ها در حوزه تولید سرمایه‌گذاری و بازار و نوع جدیدی از تقسیم بین‌المللی کار خود منجر به نوعی پیمان استعماری میان این دو دسته از کشورها



اما چندملیتی‌ها نه تنها نتوانستند به چنین آرمانی جامه عمل بپوشانند بلکه به نابرابری در زمینه اقتصادی و صنعتی و عمیق‌تر شدن شکاف میان این دو دسته از کشورها افزودند. جلوگیری از دستیابی کشورهای جهان سوم به تکنولوژی‌های تولیدی و بستن راه انتقال آن و سوق دادن این کشورها به سوی تکنولوژی‌های مصرفی با نوع جدیدی از تقسیم بین‌المللی کار، با احداث شعب واحدهای تولیدی از طریق سرمایه‌گذاری‌های مشتری به صورت صنعت مونتاژ و از راه قرار دادن امکانات مالی این کشورها در خدمت تولیدات شرکت‌های چندملیتی، نظارت بر تولیدات و فعالیت‌های صنعتی کشورهای جهان سوم و فلج کردن امکانات و از مدار خارج نمودن تولیدات استراتژیک این جوامع تاجایی که امروزه کشورهای جهان سوم نیازمند محصولات کشاورزی کشورهای صنعتی شده‌اند، از

گردیده است. پیامد عملکرد چندملیتی‌ها در جهان سوم عمیق‌تر شدن شکاف میان کشورهای توسعه‌یافته صنعتی و توسعه نیافته جهان سوم بوده و در نتیجه نابرابری در روابط میان این کشورها بیش از گذشته افزایش پیدا کرده است. نظام بین‌المللی که تا اواخر دهه ۱۹۶۰ متأثر از تصادمات و برخوردهای شرق غرب بوده از دهه ۱۹۷۰ عمدتاً از مسائل جهان سوم و گشوده شدن جبهه دیگری در نظام تقابل‌گرایی پس از جنگ دوم جهانی اثر پذیرفت. تشکیل کنفرانس الجزایر در سال ۱۹۷۳ که در آن عملکرد شرکت‌های چندملیتی به ضرر کشورهای جهان سوم ارزیابی شد تبلوری از این وضع است.

♦ قانون برای چندملیتی‌ها

از این زمان تلاش‌هایی چه در زمینه ارائه تئوری‌ها و نظریات و چه در عرصه عملی در محافل بین‌المللی صورت گرفت. تحت تأثیر

پیامدهای تحولات بین‌المللی و شکاف بیش از پیش شمال-جنوب در دهه ۱۹۷۰ بود که نظریه «فروپیوستگی» به‌عنوان مکتبی با اندیشه ساختاری جهان‌گرایی مطرح شد، که هدف آن تبیین شکاف موجود میان کشورهای ثروتمند و فقیر جهان بود. از زاویه نظریه‌پردازان مکتب فرو پیوستگی رابطه شمال (مرکز) با جنوب پیرامون نام رابطه‌ای مبتنی بر همکاری و منافع متقابل بلکه نشانگر تبعیت جنوب از شمال و بهره‌کشی شمال از جنوب است. گزارش سازمان ملل متحد در سال ۱۹۷۶ تحت عنوان «آینده اقتصادی جهان» اظهار می‌دارد که ۵۰ درصد کاهش شکاف درآمدی بین کشورهای صنعتی و فقیر در سال ۲۰۰۰ محتاج آن است که اولاً تغییرات بنیادی در زمینه اجتماعی، سیاسی، صنعتی در کشورهای در حال توسعه صورت گیرد. دوم، تغییرات اساسی در نظم اقتصادی بین‌المللی به وقوع پیوندد. در عرصه عمل در سازمان ملل متحد از طریق کنفرانس ملل متحد برای توسعه و تجارت در سال ۱۹۶۸ کمیسیون شرکت‌های چندملیتی ایجاد شد تا مسائل را پیگیری کند و پیش‌نویس قواعد نحوه برخورد با شرکت‌های چندملیتی توسط همین کمیسیون تهیه شد که شامل مطالب زیر بود: نفوذ شرکت‌ها در سایر کشورها، مسئولیت شرکت‌ها در رعایت حاکمیت و قوانین کشوری که در آن فعالیت دارند، خودداری از دخالت در امور داخلی دولت میزبان و عدم ارتشا و فاسد کردن کارمندان رسمی دولتی.

در سال ۱۹۸۶ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در قطعنامه شماره ۱۲۸ در اجلاس چهل و یکم اعلامیه حقوق توسعه را تصویب کرد. با این همه چندملیتی‌ها هنوز از نفوذ و اقتدار غیرقابل انکاری برخوردارند. تلاش‌های یاد شده نه تنها عملکرد چندملیتی‌ها در جهان سوم را منطبق با منافع ملی و حاکمیت ملی این کشورها ناسازگار ساخته بلکه کشورهای جهان سوم بیش از گذشته تحت سیطره چندملیتی‌ها در آمده‌اند، به گونه‌ای که باید مسائل داخلی خود را نیز با منافع این شرکت‌ها منطبق و به نوعی از اعمال حق حاکمیت در سرزمین خودشان به سود شرکت‌های چندملیتی چشم‌پوشی کنند. نمونه روشن این امر قرارداد چندجانبه سرمایه‌گذاری MAI است که از سال ۱۹۹۵ در میان اعضای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی OECD به مرحله اجرا در آمد که بر اساس آن کشورها متعهد شده‌اند از سرمایه‌گذاری‌های خارجی در برابر انقلاب‌ها اعتراضات مردم، اعتصابات کارگری یا تحریم کالاهای خارجی توسط مردم و مسائلی از این دست حمایت کنند.

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

شرکت‌های چندملیتی؛ از تئوری تا عمل



است که شرکت‌های چندین ملیتی به دنبال توسعه تجارت نیستند بلکه هدف اصلی آنها افزایش یا بیشینه کردن بازده سرمایه است، از همین رو بیشتر از ۹۰ درصد سرمایه‌گذاری‌های سیستم جهانی در کشورهای صنعتی و کشورهای در حال توسعه جهان سوم صورت می‌گیرند. شرکت‌های چندین ملیتی (MNC) در جستجوی فرصت‌های خوبی برای بدست آوردن سود هستند. آنها اهمیتی به موضوعاتی چون مشکلات، نابرابری‌ها و کاهش بیکاری ندارند.

♦ تأثیرات چندملیتی‌ها بر متغیرهای اقتصاد کلان

سطح استخدام توسط این شرکت (MNC) در کشورهای در حال توسعه پایین اما رو به افزایش است. امکانات استخدام بیشتر در بخش‌های دستمزد زیاد و مدرن شهری دیده می‌شود. باوجود کم اهمیت بودن این میزان استخدام در مقایسه با سطح استخدام عمومی، این شرکت‌ها موجب بروز یک اثر غیرمتوازن در شهرها کرده که نتیجه آنها افزایش نرخ مهاجرت نیروی کار به شهرهای بیشتر شده است.

سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی علاوه بر انتقال سرمایه و تأسیس کارخانه‌های محلی در کشورهای رو به توسعه، تأثیرات دیگری نیز دارند. این شرکت‌ها با فناوری تولیدی، روش‌های مدیریت (یا فلسفه مدیریت) و تجربه‌های متعدد

تایوان و برزیل. حضور این شرکت‌ها فرصت بی‌نظیری را برای تعدادی کشورهای در حال توسعه فراهم کرده است اما به همان میزان مشکلاتی را نیز گریبانگیر آنها کرده است.

♦ رشد سرمایه‌گذاری خارجی

سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در کشورهای جهان سوم با سرعت زیادی توسعه یافته است. میزان این سرمایه‌گذاری‌ها سالانه بالغ بر ۲,۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۶۲ به ۱۱ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ و ۳۵ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۵ و در نهایت افزایش به ۱۲۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۹۷ بود تقریباً ۶۰ درصد آن به آسیا انتقال یافت. آفریقا کمتر از ۳ درصد این سرمایه‌گذاری‌ها را بدست آورد و کشورهای کمتر توسعه یافته کمتر مابقی این سرمایه‌ها را جذب خود کردند. تعجب برانگیز نخواهد بود که اگر این واقعیت را اظهار کنیم که جریان سرمایه شخصی بیشتر به کشورها و یا مناطقی تمایل نشان می‌دهد که در آنجا بیشتر مسئولیت‌ها برعهده دولت‌هاست چراکه در این صورت درآمد مالی بیشتری کسب می‌کنند و از سوی دیگر در مناطقی که بدهی و اوراق قرضه زیاد، دولت ناپایدار و متزلزل، اصلاحات مالی اقتصادی جدید در حالت شروع باشند، سرمایه‌گذاران احساس خطر کرده و از سرمایه‌گذاری در این مناطق تبری می‌جویند. این نکته قابل ذکر

عمر بنگاه‌های چندملیتی اگرچه تاریخ درازی ندارد اما در همین مدت کم حضور آنها، تأثیرات زیادی را بر شرایط اقتصادی و سیاسی جهان داشته‌اند. پایان جنگ جهانی دوم و رشد سریع تجارت بین‌الملل، فرصت مغتنمی را پدید آورد تا برخی بنگاه‌های تولیدی، اندازه و قدرت اثرگذاری خود را تسریع بخشند و در این میان دولت‌ها، حامیان اثرگذاری بودند که توانستند مسیر رشد آنها را هموار کنند. هرچند نفوذ بنگاه‌های چندملیتی هنوز نقطه ابهامی برای مکاتب اقتصادی است و برخی آنها را تکفیر و برخی دیگر تأیید می‌کنند، اما در نگاهی برطرفانه، باید اعتراف کرد که این شرکت‌ها نقش بسزایی در تحول اقتصاد جهان داشته‌اند.

♦ گذاری بر چندملیتی‌ها

به همان اندازه که برخی پیشرفت‌ها مسیر رشد تجارت بین‌المللی و جریان سرمایه را در چند دهه اخیر هموار کرد، به همان اندازه تشکیل شرکت‌های چندملیتی حائز اهمیت است. شرکت‌های چندملیتی عبارتند از یک شرکت و یا تصدی که رهبری و یا کنترل فعالیت‌های تولیدی را در بیشتر از یک کشور به عهده دارد. این شرکت‌های بزرگ که بیشتر مشتمل بر کشورهای آمریکای شمالی، اروپا، ژاپن و همچنین کشورهایی که به تازگی در مسیر صنعتی شده هستند نظیر کره جنوبی،

تجاری، محدودیت‌های بازاریابی و پدیده‌های انتقال قیمت‌گذاری به سیستم حکمرانی کشور مورد هدف انتقال می‌دهند. این شرکت‌ها بیشتر در سلسله فعالیت‌های مصرف، فعالاند که بیشتر با رشد و انتظارات کشورهای میزبان مطابقت ندارد.

♦ شرکت‌های چندین ملیتی: وسعت، نمونه‌ها و اشکال

دو مشخصه مهم یا اصلی شرکت‌های چندین ملیتی عبارتند از: وسعت و انجام فعالیت‌های وسیع جهانی و همچنین نظارت این فعالیت‌هاست که توسط کمپانی‌های بزرگ مادر کنترل می‌شوند. این شرکت‌ها در جهانی‌سازی تجارت یک قدرت بزرگ‌اند، ۳۵۰ شرکت بزرگ بیشتر از ۴۰ درصد تجارت جهانی را کنترل می‌کنند و در تولید، توزیع و فروش بسیاری از اجناس در کشورهای توسعه‌یافته

آرژانتین، و کره جنوبی) شد. پنج شرکت بزرگ چندین ملیتی عواید خود را برای افزایش تولیدات ناخالص داخلی کشورهای توسعه‌یافته که شامل سوئیس، استرالیا، سوئد، کانادا و بلژیک است باهم یکی کردند. موضوع مهم دیگر این است که عواید فروش این کمپانی‌ها بیشتر از سود ۴۸ کشور کمتر توسعه‌یافته بود. اگر ۱۵۰ نهاد بزرگ اقتصادی (هم کمپانی‌ها و هم کشورها) را بررسی کنیم، در خواهیم یافت که بیش از ۸۶ درصد این شرکت‌ها چندین ملیتی بودند، در جست‌وجوی اندازه‌گیری قدرت اقتصادی کمپانی‌های بزرگ در مقابل کشورها مکرراً به حالتی می‌رسیم که اهداف کمپانی‌ها و ممالک در برخی موارد باهم متناقض است. بدین ترتیب این مسأله قابل توجه است که در پی میزان قدرت مجموعی این شرکت‌ها، فروش مجموعی شرکت‌های چندملیتی به همراه نمایندگی‌های خارجی آنها در سال ۱۹۹۵ به ۷ تریلیون دلار رسیده بود که بیش از صادرات همه



جهان و برابر با تولیدات ناخالص ملی ایالت متحده بود. توسعه فروش شرکت‌های چندملیتی در کشورهای خارجی ۳۰ درصد بیشتر از رشد صادرات بود. با وجود حدودی بودن تحلیل این ارقام، بازهم می‌توان ادعا کرد که قدرت اقتصادی شرکت‌های چندملیتی بزرگ وجود مقایسه با کشورهای پیشرفته بزرگ بازهم بسیار مرتبطند.

ارقام دارایی سال ۱۹۹۴ تمرکز کمپانی‌های صنعتی را در کشورهای محدود نشان می‌دهد. در جذب کمپانی‌های بزرگ صنعتی آمریکا درجه اول (۴۴ از ۱۰۰ کمپانی بزرگ) را در حالی ژاپن با ۱۸ کمپانی در درجه دوم قرار دارد و همچنان، ۷ کمپانی تحت نفوذ آلمان، ۶ کمپانی تحت نفوذ انگلستان و ۵ کمپانی تحت نفوذ فرانسه، ۴ کمپانی تحت نفوذ کره جنوبی، ۳ کمپانی تحت نفوذ ایتالیا، ۳ کمپانی دیگر تحت نفوذ کانادا، ۲ کمپانی تحت نفوذ هلند و ۱۰ کشور دیگر هر کدام یک، یک کمپانی را تحت نفوذ خود داشتند.

سلطه دارند. (به‌طور مثال تنباکو، وسایل برقی و لباس)، تقریباً ۲۵ درصد محصولات تبادلات بین‌المللی که عبارتند از: فروش وسایل، تولیدات از یک کشور به کشور دیگر را انتقال می‌دهند. کمپانی‌های جهانی در هر گوشه جهان در جست‌وجو فرصتی هستند تا رقابتی یکدیگر را زمین‌گیر کنند.

حجم فروش بسیاری از شرکت‌های چندین ملیتی در افزایش سطح تولیدات ناخالص داخلی (GDP) کشورهای پیشرفته و به ویژه کشورهای آنها در آن فعالیت می‌کنند، نقش مهمی بازی می‌کنند. به‌طور مثال کمپانی بزرگ (General motors)، سود حاصل از فروش این کمپانی در سال ۱۹۹۴ یک درصد افزایش در تولیدات ناخالص داخلی ترکیه و دانمارک داشت، در حقیقت این عبارت از فروش غیرخالص بود که موجب افزایش تولیدات ناخالص همه و به خصوص ۷ کشور (چین، هند، برازیل، اندونزی، مکزیک،

♦ درآمد چندملیتی‌ها

در سال ۱۹۹۴ فروش ناخالص ۱۸۴ کمپانی صنعتی بالغ بر ۵ میلیارد دلار بود. در همین سال گزارش بانک جهانی نشان داد که از جمله: ۱۰۸ کشور در حال توسعه ۵۶ کشور پایین‌تر از ۵ میلیارد دلار تولیدات ناخالص داخلی داشتند، در آمریکا لاتین از جمله ۱۸ کشور ۶ کشور آن و در آفریقا از جمله ۳۷ کشور ۲۱ کشور آن دارای تولیدات ناخالص داخلی کمتر از ۵ میلیارد دلار بودند، در نهایت در این گزارش ۷۰ کشور کوچک شامل سوریه دیده که نشان می‌دهد که رقم ۵ میلیون دلار تولید ناخالص داشته‌اند. هر اندازه که شرکت‌های چندملیتی بزرگ‌تر شده‌اند به همان اندازه سهم بیشتری را در تعیین اوضاع سیاسی و اقتصادی داشته‌اند. کشورهای همین قدرت اقتصادی و سیاسی آنها به‌طور برجسته توسط انحصار این شرکت‌ها، تحت مالکیت قرار گرفته شده است.

این واقعیتی انکارناپذیر است که این شرکت‌ها قصد دارند تا در بازارهای بزرگ تولیدات جهانی که توسط فروشندگانی محدود اداره می‌شوند فعالیت‌های خود را انجام دهند. این حالت برای آنها توانایی انحصاری کردن سود و قیمت‌ها را می‌دهد و در عین حال عرضه خود را با همیاری سایر کمپانی‌های دیگر کنترل کرده و ظرفیت‌های رقابتی این بازارها را توسط تکنولوژی جدید، مهارت‌های خصوصی، اختلاف تولیدات و در نظر گرفتن سلیقه مشتریان محدود می‌کنند.

شرکت‌های بزرگ چندملیتی دارای چندین شاخه و نمایندگی‌های خارجی هستند. نزدیک به ۲۰۰ شرکت متمم در ۲۰ کشور و یا بیشتر از آن دارند. از ۶ شرکت بزرگ ۴ شرکت آن در آمریکا پایه‌گذاری شده‌اند که تقریباً ۳۰ درصد نمایندگی‌های خارجی تاسیس شده‌اند. ایالت متحده که ۷۵ درصد اعضای خارجی شرکت‌های چندملیتی توسط کشورهای ژاپن، انگلستان، آلمان و ایالات متحده آمریکا کنترل می‌شود، بررسی‌های سال ۱۹۹۶ نشان می‌دهد که از مجموع سرمایه‌گذاری‌های شرکت‌های چندملیتی بیش از ۳ تریلیون دلار شده است که اضافه‌تر از ۷۰ درصد ملکیت‌های آن شرکت‌ها هستند که در این پنج کشور موقعیت دارند، یک‌سوم این شرکت‌ها در کشورهای توسعه‌یافته قرار دارند. کشورهای کمتر توسعه‌یافته نظر با توجه حجم اقتصادی که دارند، احساس نیاز شدیدی به حضور آنها در کشور خود دارند. بخصوص تولیدات نفتی و تولیدکننده‌های بزرگ زراعتی است.

از نقطه نظر تاریخی شرکت‌های چندین ملیتی به‌خصوص آن شرکت‌های که در کشورهای روبه توسعه فعالیت دارند،

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

بیشتر تمرکز آنها بر صنایع اولیه و خام یا استخراجی است. در حال حاضر برآوردها ذخایر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی برای فعالیت‌های صنعتی و خدمات ۵۰ درصد نشان می‌دهد، در حالی که مواد نفتی و معادن هریک ۳۳ درصد و ۷ درصد را تولید می‌کند. گرچه در این اواخر عملیات تولیدی و خدمات (بانک‌ها و هتل و غیره) سهم زیادی را در فعالیت‌های MNC گرفته است.

♦ سرمایه‌گذاری‌های خصوصی خارجی: موافق و مخالف

مصرف و سرمایه‌گذاری‌های خارجی در سایه توسعه اقتصادی همچنان محل بحث است اما اگر نگاهی دقیق به این مباحث نشان می‌دهد مخالفت در برابر این شرکت‌ها در اثر تحت تأثیر قرار دادن تراکم اقتصادی سرمایه‌گذارها تولیدات ناخالص داخلی پس‌اندازها، رشد سطح صنعت نبود (اگر چه این مخالفت‌ها همین حالا وجود دارد) بلکه بیشتر مربوط به مفهوم اساسی اقتصادی و اجتماعی که فعالیت‌های مختلف به‌طور مثال در مورد اقتصاد قوی و سیاسی توسعه‌طوری که همه به فعالیت‌های گوناگون MNC را توجه می‌کند. به عبارت دیگر تأثیرات اختلاف در مورد نقش سرمایه‌گذاری‌های خصوصی خارجی و تأثیرات آنها ریشه خود را در عدم موافقت به ارتباط استفاده از طبیعت و روش و خاصیت یک پروژه توسعه خلاصه می‌شود.

مباحث اقتصادی طرفدار بازار آزاد، سرمایه‌گذاری خصوصی را مرتبط با رشد پس‌انداز داخلی عنوان می‌کند اما حال که نرخ پس‌انداز به شکلی حامی تقویت سرمایه‌گذاری نیست پس می‌توان نتیجه گرفت که قدرت درون‌زایی برای سرمایه‌گذاری وجود ندارد. در این حالت سرمایه‌گذاری خارجی تنها روزنه امیدی است که می‌تواند سرمایه‌گذاری‌های داخلی را تقویت کند. عواید و خلائای مدیریتی سرمایه‌گذاری‌های خصوصی خارجی صورت گرفته در تئوری‌های نئوکلاسیک‌ها و همچنان در تئوری جدید رشد که تعیین‌کننده رشد اقتصادی است، به خوبی سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی (کمک‌های خارجی) به‌طور نمونه چنین به نظر می‌آیند که موجب ایجاد فاصله بین عرضه پس‌اندازهای داخلی، تبادلات خارجی، عواید دولت و سرمایه انسانی خواهد شد، اما رسیدن به یک رویه مطلوب از این منابع ضرورت به رشد و توسعه اقتصادی دارند، به دلیل ارائه یک مثال ساده در مورد تحلیل خلا پس‌انداز و سرمایه‌گذاری به مدل رشد هارود دومار مراجعه می‌کنیم که این مدل یک رابطه مستقیم بین نرخ پس‌انداز S و

نرخ رشد محصولات g را نشان می‌دهند یعنی $g = s/k$ در اینجا k عبارت از نسبت حاصل سرمایه ملی است اگر نسبت سالانه رشد درآمد ملی، نسبت به بازدهی سرمایه ۳ باشد، تقاضا برای پس‌انداز ۲۱ درصد است به این دلیل که $s = gk$ اگر مقدار پس‌انداز داخلی به ۱۶ درصد تولیدات داخلی برسد، خلا پس‌انداز ۵ درصد است.

اگر کشور بتواند این خلا را توسط خارجی (خصوصی باشد و یا دولتی) برطرف کند، این کشور توانایی بیشتر برای رسیدن به رشد اقتصادی خواهد داشت. بنابراین اول از همه لازم به تذکر است که سرمایه‌گذاری‌های خصوصی خارجی مساعدت‌های زیادی برای توسعه کشورها کرده‌اند. که یکی از این کمک‌ها عبارت از: رفع خلاها میان سرمایه‌گذاری‌های مطلوب و تحرک پس‌انداز داخلی است. دومین مساعدت‌های آنها که شبیه مساعدت‌های اولی است از بین بردن خلا

خلای سومی که توسط سرمایه‌گذاری خارجی پر می‌شود عبارت از خلالی است بین عواید مالیات دولت‌ها و زیادت‌شدن مالیات داخلی توسط وضع کردن مالیات سود شرکت‌های چندین ملیتی و اشتراک در فعالیت‌های داخلی شان، کشورهای کمتر توسعه‌یافته به این فکر می‌افتد تا اگر بتوانند منابع مالی مردم را به پروژه‌های توسعه‌ای به کار ببرند.

خلای چهارم همچنان خلالی بین مدیریت، تصدی، تکنولوژی و تجارب وجود دارد که احتمال آن می‌رود که این خلاها توسط فعالیت‌های شرکت خصوصی خارجی بیشتر خواهد شد. این شرکت‌ها، تنها منابع مالی خصوصی چندملیتی و کمپانی‌های جدید را به کشورهای فقیر انتقال نمی‌دهند بلکه آنها مقدار زیادی از دیگر موارد که شامل تجارب مدیریت، توانایی متصدیت و تکنولوژی جدید است



تولید کنندگان کوچک در مقابل غول های بزرگ

انتقال فناوری در لوای سرمایه گذاری خارجی



♦ سرمایه گذاری خارجی و ابهامات آن

شرکت ایرانسل به عنوان یکی از مهم ترین سرمایه گذاری های خارجی کشور در دهه اخیر، انجام شده است. با این حال در این بررسی باید به سوالات زیر پاسخ داد. سرریز سرمایه گذاری شرکت ام تی ان بر اپراتورها و تأمین کنندگان صنعت تلفن همراه کشور از طریق چه مکانیزم هایی صورت می گیرد؟ محتوای سرریز فناوری از طرف ام تی ان چه میزان دارای ماهیت دانش مدیریتی و چه میزان دارای دانش فناورانه بوده است؟

مبانی نظری بنابر تعریف سازمان همکاری اقتصادی و توسعه شرکت های چندملیتی، شرکت ها با دیگر نهادهایی هستند که در بیش از یک کشور مستقر شده باشند و برخی فعالیت های تولیدی خود را در خارج از کشور مبدا انجام دهند و طوری به هم مرتبط شده اند که منابع و فعالیت های تولیدی شان با هم هماهنگ هستند. در این تعریف منظور از شرکت با نهاد در کشور مهمان، همان شرکت مادر و منظور از شرکت با نهاد در کشور میزبان همان شعبه خارجی است. شرکت های چندملیتی به خاطر دارا بودن خصوصیات زیر نقشی حیاتی در توسعه فناوری بین المللی ایفا می کنند. شرکت های چندملیتی معمولاً به صنایع انحصاری خاص تسلط دارند که در آن صنایع، اهمیت بازاریابی فناوری دیده می شود.

از سوی دیگر محصولات شرکت های چندملیتی معمولاً جدید، پیشرفته و مورد توجه مشتریان هستند و اغلب به محصولات درآمد بالا تأکید می کنند و از تکنیک های مدرن بازاریابی کمک می گیرند. تکنیک ها و فناوری های مورد استفاده

آن از سایر کشورهای توسعه یافته تقویت کرده و سپس با ایجاد زیربنای اقتصادی مناسب در صدد تقویت مراکز دانشگاهی و پژوهش خود برآمده اند. براساس ادبیات علمی، بخشی از انتقال فناوری بین کشورها به شکل سرمایه گذاری مستقیم یک شرکت خارجی در بازار سایر کشورها انجام می شود.

در این میان، شرکت های چندملیتی نقش مهمی را در انتقال فناوری در بین مرزهای کشورها بر عهده دارند و در سال های اخیر این مکانیزم به دلایل مختلف اقتصادی و فناورانه رشد قابل ملاحظه ای داشته است. شکل گیری شرکت های چندملیتی نه تنها براساس داشتن مزیت در دانش و مدیریت فناوری است بلکه دارای قدرت بازاریابی و دسترسی به پتانسیل های بازار جهانی، برخورداری از مراکز تحقیقاتی در مناطق مختلف جهان و نیز سیستم متمرکز در تصمیم گیری، ارتباطات و منابع نیز هستند تا بتوانند توانایی های فناورانه موجود در یک منطقه جغرافیایی را برای حل مشکل با استفاده در یک موقعیت ایجاد شده در منطقه دیگر بکار گیرند. شرکت های چندملیتی که قسمت عمده ای از جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی را بر عهده دارند، منابع اصلی انتقال فناوری در این مکانیزم هستند. با توجه به موارد مطرح شده، بررسی نتایج و نقش های مثبت یا منفی سرمایه گذاری خارجی می تواند موجب بهبود سیاست های کشور در جذب سرمایه گذاری خارجی و مهم تر از آن چگونگی تعامل با شرکت های چندملیتی در این گونه همکاری ها شود.

حضور شرکت های چندملیتی در هر اقتصادی، می تواند نوید بخش توسعه فناوری تولید و ارتقای بهره وری نیروی کار باشد. با این حال، نحوه ارتباط این شرکت ها با بنگاه های داخلی و همچنین چگونه قرار گرفتن آنها در سیستم اقتصادی کشور، نکته حائز اهمیت و مهمی است. از این رو لازم است تا ابعاد مثبت حضور شرکت های چندملیتی تبیین و برای فعالیت آنها برنامه ریزی شود، به گونه ای که دستاوردهای اقتصادی آنها، تأثیر مثبتی بر متغیرهای کلان اقتصادی داشته باشد. در این رابطه از نگاه اقتصاد خرد، نخست باید تأثیرات این شرکت ها بر بازار داخلی و بنگاه های محلی بررسی شود، و پس از آن بهترین روش جذبی که بتواند سازگار با مشخصه های اقتصاد کلان داخلی باشد، اجرا شود.

انتقال و اکتساب فناوری مقوله ای پیچیده است که هم از نظر علمی و هم از جنبه های فرهنگی سیاسی و اقتصادی سال هاست که تنها کشورهای در حال توسعه، بلکه بسیاری از مجامع پژوهشی غرب و سازمان های بین المللی را به خود مشغول کرده است. امروزه، با توجه به این که سطح فناوری ها در کشورهای پیشرفته و در حال توسعه فاصله قابل ملاحظه ای دارد، برای کاستن فاصله فناوری کشورهای پیشرفته و کمتر توسعه یافته، انتقال و یادگیری فناوری یک لازمه انکارناپذیر است. با مطالعه سابقه توسعه کشورهای در حال توسعه، خصوصاً کشورهای شرق آسیا ملاحظه می شود که آنها در مسیر توسعه خود برای تسریع در حل مشکلات بخش صنعت، بنیان فناوری کشور خود را از طریق یادگیری

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

برای تولید در شرکت‌های چندملیتی اغلب پیشرفته‌ترین فناوری‌ها در زمینه مورد فعالیت آنها است. با توجه به این خصوصیات، کشورها برای پر کردن شکاف فناوری خود و دستیابی به توسعه فناوری ویژه برای کشورهای در حال توسعه به برقراری ارتباط با شرکت‌های چندملیتی مبادرت می‌ورزند که بدون وجود این ارتباط نمی‌توان به فرآیند توسعه فناوری این کشورها امیدوار بود.

◆ مفهوم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

در ادبیات اقتصادی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بدین صورت تعریف می‌شود که سرمایه‌گذاری خارجی فرایندی است که در آن افراد حقوقی یک کشور (کشور منبع)، مالکیت تجهیزات یک شرکت از کشور دیگر را بدست می‌آورده با هدف این که کنترل تولید، توزیع و دیگر فعالیت‌های آن شرکت را به دست آورد. بنا به گزارش آنکند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نوعی سرمایه‌گذاری است که در برگیرنده ارتباط بلندمدت است و منافع و کنترل پایداری را برای افراد حقوقی یک کشور (سرمایه‌گذار خارجی با سازمان مادر) در اقتصاد یک کشور دیگر ایجاد می‌کند.

با توجه به این تعاریف می‌توان دریافت که مهم‌ترین ویژگی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در واژه کنترل و کنترل منافع نهفته است و در واقع این خصوصیت موجب تمایز بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و سرمایه‌گذاری در سهام می‌شود. آثار سرریز شرکت‌های چندملیتی از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را می‌توان در دو سطح خرد و کلان مورد بررسی قرار داد. در سطح خرد، تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی روی بنگاه‌های اقتصادی مطرح شده و سرریزهای فناوری از سرمایه‌گذار خارجی به شرکت‌های داخلی مورد بحث قرار می‌گیرند. در سطح کلان تأثیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر مسائل اقتصادی، سیاسی، فرهنگی کشور میزبان مورد بحث قرار می‌گیرند. در سطح خرد، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی موجب ایجاد سرریز فناوری از شرکت خارجی سرمایه‌گذار به شرکت‌های داخلی می‌شود. بنابراین سرریز فناوری را می‌توان بدین شکل تعریف کرد: سرریز فناوری عبارت است از فرآیند اکتساب فناوری (مستقیم و غیرمستقیم به دلیل حضور شرکت‌های چندملیتی در کشور میزبان که معمولاً این حضور از طریق فرآیند جذب سرمایه‌گذاری خارجی توسط این شرکت‌ها اتفاق می‌افتد. همچنین به بهره‌مند شدن کشورهای میزبان از دانش و فناوری انتقالی شرکت‌های چندملیتی به شرکت‌های وابسته که ناشی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است، سرریز فناوری اطلاق می‌شود.

با توجه به ادبیات موضوع، سرریزهای فناوری را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد: تأثیر تقلیدی، تأثیر رقابتی، تأثیر ارتباطی و تأثیر آموزشی. تحقیقی

در سال ۲۰۱۰ توسط یوایوان به سرریز عمودی که همان ارتباطات با تأمین‌کنندگان است تأکید کرده است، همچنین بیان می‌کند که شرکت‌های چندملیتی اثرات مثبتی بر بنگاه‌های محلی در بازار صادرات می‌گذارند. در نتیجه به عنوان جمع‌بندی از نظر این محقق سرریز از طریق ارتباطات (ارتباط با تأمین‌کنندگان و صادرات) اتفاق می‌افتد.

این در حالی است که سرریز سرمایه به سرریز «بهره‌وری» می‌انجامد چراکه حضور شرکت‌های خارجی منجر به رقابت بیشتر بین صنایع محلی شده و شرکت‌های محلی مجبور به استفاده کارآتر از فناوری‌ها و منابع موجود شوند. همچنین، شرکت‌های محلی به منظور حفظ سهم بازار خود، مجبور به خلق فناوری‌های جدید می‌شوند. افزایش رقابت منجر به حذف منافع انحصاری شده و رفاه عمومی در کشور میزبان را افزایش می‌دهد. البته زمانی که شرکت‌های محلی کارایی لازم برای رقابت با شرکت‌های خارجی را نداشته باشند، اثر رقابتی می‌تواند برای کشور میزبان مضر باشد.

در چنین مواردی، شرکت‌های محلی از بازار حذف شده و قدرت انحصاری از انحصارگران محلی به انحصارگر خارجی منتقل خواهد شد. تأثیر ارتباطی با شرکت‌های خارجی شامل سرریزهای ناشی از ارتباطات پسینی و پیشینی است و زمانی روی می‌دهد که شرکت‌های خارجی به برقراری ارتباط با تأمین‌کنندگان و مشتریان داخلی می‌پردازند. زمانی که هزینه ارتباطات و حمل و نقل زیاد باشد، شرکت‌های چندملیتی ترجیح می‌دهند کالاهای واسطه‌ای را از تأمین‌کنندگان محلی خریداری کنند. شرکت‌های خارجی با تأمین‌کنندگان محلی همکاری فنی داشته و آنها را آموزش می‌دهند یا آنها را در خرید مواد اولیه به منظور حفظ کیفیت کالاهای واسطه‌ای کمک می‌کنند. حتی در مواردی که چنین درگیری مستقیمی وجود نداشته باشد، تأمین‌کنندگان محلی مجبور به برآوردن تقاضا برای کیفیت بالاتر و تحویل به موقع و نوآوری بیشتر هستند. البته در بسیاری از کشورهای در حال توسعه تولیدکنندگان داخلی به دنبال خرید کالاهای واسطه‌ای از تأمین‌کنندگان خارجی بوده و شرکت‌های خارجی در صدور فروش کالاهای خدمات به بنگاه‌های داخلی هستند (ارتباطات پیشینی).

در اینجا این نکته شایان ذکر است که رقابتی‌تر شدن صنایع داخلی و ارتباطات پسینی - پیشینی اثری بین صنعتی دارد. ورود فناوری به تنهایی و بدون افزایش مهارت‌های مربوطه در کارکنان، منجر به رشد بهره‌وری نخواهد شد. بلکه تلاش برای آموزش کارکنان محلی است که بهره‌وری را بهبود می‌دهد. تعدادی از محققان تأثیر جابه‌جایی نیروی انسانی را اثر آموزشی نیز نامیده‌اند. آموزش ضمن خدمت می‌تواند توسط شرکای خارجی خریداران با تأمین‌کنندگان خارجی ارائه شود. البته اغلب، شرکت‌های محلی، کارکنان خود را برای افزایش

کیفیت محصول به منظور رقابت با شرکت‌های خارجی آموزش می‌دهند. تحقیقات در کشورهای تازه صنعتی شده نشان می‌دهد که احتمال موفقیت انتقال فناوری در صورتی که نیروی کار پیش از دریافت پروژه جدید، شروع به مطالعه، آموزش و ممارست کنند، افزایش می‌یابد. در سال ۲۰۰۶ مدل مفهومی برای چگونگی ورود شرکت‌های چندملیتی ارائه شد. این مدل بیان می‌کند که اثر سرمایه‌گذار خارجی اثر فرعی است چراکه با سازمان‌های نوآوری محور مانند دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و انجمن‌های صنعتی می‌توان بهره‌وری سرمایه‌گذاری خارجی را دو چندان کرد.

از سوی دیگر شرکت‌های چندملیتی برای به دست آوردن جایگاه رقابتی بالا و سودآوری دست به انتقال فناوری می‌زنند و با بنگاه‌های محلی ارتباط برقرار می‌کنند. بنابراین اثر فناورانه آنها بر کشور میزبان غیر عمده و ناخودآگاه نیست. همچنین، مکانیزم‌های متفاوتی در ادبیات سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شناسایی شده است، مانند ارتباطات با اقتصاد میزبان، تقلید فناوری استفاده از فرم‌های سازمانی استاندارد مورد استفاده شرکت مادر و دانش و مهارت‌های اکتسابی توسط نیروی انسانی.

با این حال سه سطح از انتقال فناوری توسط شرکت‌های چندملیتی را شناسایی شده است. سطح اول مربوط به دانش و منابع انتقالی توسط شرکت مادر به مشتریان به شرکت‌های فرعی در کشورهای میزبان است. انتقال فناوری از طرق مختلفی مانند کالاهای سرمایه‌ای، طرح‌های اولیه و بازدید خبرگان خارجی ممکن است اتفاق بیفتد. در این فرآیند لزوماً نیروی انسانی نقشی ندارد.

سطح دوم در میان شرکت‌های فرعی اتفاق می‌افتد، زمانی که منابع انسانی آموزش داده می‌شوند چه از طریق آموزش‌های رسمی مانند دوره‌های آموزشی و چه غیررسمی حین انجام کار. سطح سوم انتقال فناوری زمانی است که شرکت‌های فرعی با بنگاه‌های محلی ارتباط برقرار می‌کنند که این ارتباطات ممکن است خرید تجهیزات و خدمات از تأمین‌کنندگان محلی و در مقابل کمک‌های فنی برای اطمینان از قیمت، کیفیت و زمان تحویل باشد. همچنین این ارتباطات ممکن است با سازمان‌های نوآوری محور محلی مانند دانشگاه‌ها، مؤسسات فنی و مراکز پژوهشی باشد. این سطح همچنین شامل جابه‌جایی نیروی انسانی از شرکت فرعی به شرکت‌های محلی می‌شود که چند روش عمده دارد. جابه‌جایی نیروی انسانی خبره از شرکت فرعی به سایر اپراتورها و شرکت‌های محلی، جداسدن نیروی انسانی خبره از شرکت فرعی و ایجاد یک شرکت جدید به عنوان تأمین‌کننده تجهیزات و خدمات، جابه‌جایی نیروی انسانی به مراکز پژوهشی با دانشگاهی برای انجام پروژه‌های پژوهشی با تدریس و جابه‌جایی نیروی انسانی خبره به انجمن‌ها با صنایع خصوصی یا دولتی.

گزارش FDD از حضور چندملیتی‌ها در ایران چرخش از غرب به سوی شرق



دیوید ادسنیک

گزارش پیشرو، متن گزارش ۵۰ صفحه‌ای است که سازمان Defense Of Democracies منتشر کرده است و کشور به کشور، شرکت‌هایی که ایران را بعد از اعمال تحریم‌ها ترک کرده‌اند، مشخص کرده و تحلیل‌هایی را در این خصوص ارائه می‌دهد. شاید مهم‌ترین هدف این گزارش، القای هراس به سرمایه‌گذاران غربی است چراکه خبر از نفوذ روزافزون روسیه و چین در بازار بکر ایران می‌دهند. جایی که دست بنگاه‌های غربی به دلیل تحریم‌های آمریکا کوتاه شده است.

هنگامی که رئیس‌جمهور دونالد ترامپ از معامله هسته‌ای با ایران خارج شد، در عرصه بین‌المللی، رقیب اروپا شد. ایالات متحده و اروپا برای تعیین اینکه آیا تحریم‌های یک‌جانبه ایالات متحده می‌تواند فشار شدیدی بر ایران تحمیل کند یا نه، اکنون وارد فاز رقابتی شدیدی شده‌اند. اگر دولت‌های اروپایی بتوانند از دستاوردهای اقتصادی قرارداد هسته‌ای با تهران، محافظت کنند، مسلماً شرایط به نفع دولت ترامپ نخواهد بود.

اگر اروپا اقدامات متقابلی را برای تحریم‌های آمریکا طراحی کند، انگیزه‌های ایران برای پیروزی در این معاهده، دست نخورده باقی خواهد ماند. شاید مهم‌تر از همه، اروپا نشان می‌دهد که واشنگتن بدون رضایت و مشارکت اروپا نمی‌تواند جنگ اقتصادی را به عهده بگیرد. اندازه‌گیری توانایی اروپا برای محدود کردن تحریم‌های ایالات متحده، وابسته به واکنش شرکت‌های چندملیتی اروپا در مقابل بازگشت تحریم‌های ایالات متحده است.

علاوه بر این، مهم است که نظاره کنیم که چگونه کشورهای چندملیتی آسیایی در سراسر آتلانتیک فعالیت می‌کنند. تحریم‌ها، شرکت‌های چندملیتی را مجبور به خروج از بازار ایران خواهند کرد چراکه در صورت باقی ماندن، ریسک قطع دسترسی به بازار آمریکا بر آنها تحمیل می‌شود. بازارهای مالی و سیستم مالی ایالات متحده؟ یا شرکت‌ها نتیجه می‌گیرند تهدیدهای ایالات متحده توخالی هستند، زیرا مجازات اروپایی‌ها و شرکت‌های چندملیتی آسیایی آسیب جدی به شرکت‌های آمریکایی و مصرف‌کنندگان وارد می‌کنند؟

این گزارش تحلیل‌هایی را برای کسانی که از فعالیت در ایران هراس دارند، فراهم می‌کند، تا با کمک آن بتوانند شرایط حضور خود در این کشور و همچنین مقررات وزارت خزانه‌داری، وزارت امور خارجه، و مقامات ایالات متحده که در سایر سازمان‌های دولتی، ناظر بر تحریم‌ها هستند را روشن کند. آی‌تی لیستی از کشورهایی که قصد سرمایه‌گذاری در ایران دارند را فراهم کرده که نشان می‌دهد که کدامیک از آنها احتمال دارد که در ایران بمانند. در مجموع، این گزارش ۲۳۲ شرکت و انجمن تجاری را پوشش می‌دهد.

در چهار ماه پس از خروج ایالات متحده از معامله هسته‌ای ۲۰۱۵، ۳۱ شرکت اروپایی و آسیایی در Global ۵۰۰ اعلام کرد که می‌توانند از بازار ایران خارج یا نسبت به تحریم‌های آمریکا بی‌اهمیت باشند. این لیست شامل شرکت‌های فرانسوی، ایرباس و پژو، Maersk دانمارک، Allianz آلمان و زیمنس، Eni ایتالیا؛ مژدا و

BP بریتانیاست. در مقابل، رنو تنها عضو اروپایی Global ۵۰۰ است که بیان کرد قصد مقاومت در برابر فشار آمریکا را دارد، اما کمیسیون مستقل انتخابات این شرکت در ماه ژوئیه اظهار داشت که این شرکت عملیات خود را متوقف خواهد کرد.

از آنجایی که تحریم‌های ایالات متحده به طور کلی به غذا و دارو اعمال نمی‌شود، شرکت نستله اعلام کرده است که در ایران خواهد ماند. سانوفی فرانسه، بایر آلمان و روج سوئیس هنوز برنامه‌های خود را اعلام نکرده‌اند، اما تحریم‌ها ممکن نیست فعالیت‌های دارویی و همچنین فعالیت‌های خوراکی را تحت تأثیر قرار دهد. لوفت‌هانزا همچنین پروازهای خود را به ایران ادامه می‌دهد. ارزیابی‌ها نشان می‌دهد که ۷۱ شرکت قصد دارند از ایران خارج شوند، ۱۹ شرکت دیگر برای ماندن برنامه دارند و ۱۴۲ هنوز تصمیم نهایی خود را نگرفته‌اند. البته، نتایج نهایی هنوز در دسترس نیست. هنگامی که ایالات متحده از معامله هسته‌ای بیرون آمد، وزارت خزانه داری اعلام کرد که مجدداً تحریم‌ها بازگردانده می‌شود که بازگشت آنها به یک دوره «۹۰ روزه» و باقیمانده پس از ۱۸۰ خواهد بود. هرچند هر دو دوره تمام شده اما بسیاری از شرکت‌ها هنوز ممکن است گزینه‌های خود را بررسی کنند و اطلاعاتی‌های شرکت را تا ماه نوامبر منتشر کنند.

فراتر از نظارت بر انطباق با تحریم‌ها، ضروری است بپرسیم چرا شرکت‌ها تصمیم به ترک ایران می‌گیرند. پاسخ‌های آنها نشان می‌دهد که چگونه تحریم‌ها بخشی جدایی‌ناپذیر از مدیریت

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

ریسک شرکت‌های می‌شود. «BP» شرکت انگلیسی که پس از تحریم‌ها سرمایه‌گذاری مشترک خود با یک شرکت ایرانی را تعلیق کرد می‌گوید: «ما نمی‌توانیم ایالات متحده را فراموش کنیم.»

به همین دلیل است که اعمال تحریم‌ها به طور فزاینده‌ای صورت می‌گیرد و واشنگتن تقریباً غیرقابل تصور است. پاسخ این است که شرکت‌ها زمانی که با ناسازگاری بین قدرت اقتصادی ایالات متحده و ایران روبرو شوند؛ ترجیح می‌دهند اقتصاد ایالات متحده که تقریباً پنجاه برابر اندازه ایران است، انتخاب کنند. اقتصادهای اتحادیه اروپا ممکن است نسبت به اندازه اقتصاد ایالت‌ها باشند و تداوم همکاری با ایران، آنها را به بازارهای اروپا محدود کند اما در عین حال شرکت‌های چندملیتی بین دسترسی به بازارهای اتحادیه اروپا و ایالات متحده خود را قرار نمی‌دهند.

یکی از بهترین توضیحات این روند، نمونه شرکت OMV یک شرکت انرژی اتریش با فروش ۲۰ میلیارد یورو در سال است. مدیرعامل این شرکت پس از سه هفته اصرار به ماندن در ایران، به رویترز گفت: «بیباید این واقعیت را بپذیریم که نمی‌تواند به سادگی در ایران ماند. تحریم‌های ایالات متحده یک خطر بسیار بزرگ برای کسب‌وکار OMV نسبت به هر حمایتی است که ممکن است اروپا ارائه دهد.»

برای بعضی از شرکت‌های کوچک و متوسط که کمتر تحت تأثیر بازار ایالات متحده و دلار قرار دارند، محاسبات ممکن است متفاوت باشد. قرارداد Plum در ایران ممکن پرسودتر از روابط این شرکت با بازار ایالات متحده باشد. هر چند آنها همچنین ممکن فرض کنند که اندازه متوسط آنها کاهش یابد و خزانه داری آمریکا منافع آنها را مورد هدف قرار دهد. شاید این شرکت تصمیم دارد جزء آن دسته از شرکت‌هایی باشد که خزانه‌داری آمریکا، آنها را در لیست قرار دهد.

مهم‌تر از این قبیل شرکت، شرکت‌های دولتی یا غیردولتی روسی و چینی هستند که تصمیمات آن، الزامات سیاسی را انعکاس می‌دهد و قرار است، فشار تحریم‌ها را تحمل کند. بهترین مثال سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، پذیرش شرکت‌های چندملیتی با تحریم‌های ایالات متحده است. مهم‌ترین نمونه‌ها عبارتند از: غول‌های انرژی دولتی چین، CNPC و Sinopec، شرکت راه‌آهن چینی CREC و شرکت‌های انرژی تحت کنترل کرملین، گازپروم و روستفت. این تنها پنج شرکت در Global ۵۰۰ است که اقدامات آنها نشان می‌دهد که در برابر تحریم مقاوم خواهند بود. شرکت‌های ترکیه نیز به دلیل خصومت آنکارا نسبت به ایالات متحده و نیز نفوذ فراگیرتر از چین در حال توسعه روابط خود با ایران هستند. به غیر از چین، شرکت‌های چندملیتی آسیایی به وضوح، تحریم‌های ایالات

متحده را پذیرفته‌اند. MUFG و Mizuho، هر دو بزرگ‌ترین شرکت‌های مالی ژاپن هستند که دیگر معاملات مربوط به ایران را اداره نمی‌کنند. شرکت‌های کره جنوبی به طور قطع در ایران نمانده‌اند. با این حال دواش هیوندای کسب‌وکار خود را خاتمه داده‌اند. به طور قابل توجهی، صنایع Reliance Industries پالایشگاه هند اعلام کرده‌اند که واردات نفت کار متوقف خواهند کرد، حتی اگر دهلی نواز تلاش اروپا برای نجات معامله هسته‌ای با ایران حمایت کند. همچنین لوکوبیل روسیه طرح‌های خود را برای پروژه‌های جدید در ایران، به تعویق انداخته است.

◆ FDD

تعدادی از شرکت‌های بزرگ را معرفی کرده است که قصد دارند در ایران باقی بمانند یا به احتمال زیاد، قراردادهای خود را تا آخرین روز ادامه خواهند داد. از چین، روسیه و ترکیه ۱۰ شرکت از ۱۹ شرکت احتمالاً در ایران باقی خواهند ماند. CNPC چین در حال بررسی این موضوع است که سهم خود را از چند میلیارد دلار گسترش میدان پارس جنوبی با خرید سهام اکثریت از فرانسه افزایش دهد. در همین حال، Sinopec قصد دارد واردات نفت خام ایران را ادامه دهد. دو ماه بعد از خروج ایالات متحده خروج JCPOA، غول CREC چین، برای ساخت یک خط مترو در اهواز به توافق رسید. دلیل کمی وجود دارد که دیگر شرکت‌های چینی بازار ایران را ترک کنند. گازپروم و Rosneft، شرکت‌های انرژی تحت کنترل کرملین، با وزارت نفت ایران برای پروژه‌هایی با ارزش ۱۰ میلیارد دلار در حال مذاکره هستند. Tupras، تنها پالایشگاه نفت ترکیه، واردات خود را از ایران کاهش می‌دهد، اما آن را پایان نمی‌دهد. تنها ۶ شرکت اروپایی و یک شرکت آسیایی خارج از چین، روسیه و ترکیه احتمالاً در برابر تحریم مقاومت می‌کنند. LMF اتریش، تولیدکننده کمپرسورهای نفت و گاز اعلام کرد که قصد دارد در ایران تجارت کند. سایپم ایتالیا به طور فعال به دنبال پروژه‌هایی در بخش‌های نفت، گاز و پتروشیمی در ایران است که نشان می‌دهد که برای خروج برنامه‌ریزی نمی‌کند. دنیکون در ماه ژوئیه همراه با Sinosteel چین برای ساخت نیروگاه‌های خورشیدی قرارداد امضا کردند. گروه پرفاس لندن که اخیراً قراردادی را برای توسعه میدان نفتی Keranj در استان خوزستان امضا کرده است نیز مشتاق ماندن است. علاوه بر این، مدیر عامل شرکت ماتیس، شرکت راه‌آهن سوئیس گفت که شرکت وی «بدون در نظر گرفتن تحریم‌ها» ادامه خواهد داد. هیفلوکس سنگاپور در ماه جولای نامه‌ای برای ساخت یک کارخانه نوشابه دوم در ایران دریافت کرد. با این حال شرکت‌های زیادی وجود دارند

که اعلام کرده‌اند که در غیاب یک ایالات متحده، بلافاصله بیرون می‌آیند. تحریم‌ها نکته جالب توجه این است که شرکت‌های آمریکایی مانند بوبینگ، General Electric و Honeywell، Dover به دنبال توافقی برای ماندن هستند.

شرکت نفت غول پیکر فرانسوی Total اخطار درخواست خود را دریافت نکرده است. از آنجا که Total در نیویورک ثبت شده است، تحت مستقیم نظارت بر SEC و قبلاً برای دریافت رشوه از یک مقام ایرانی جریمه شده است. خودروساز فرانسوی PSA / Peugeot، شریک طولانی مدت صنعت خودرو سازی ایران نیز ایران را ترک می‌کند. در حالی که ایرباس به دنبال لغو خروج از سوی ایالات متحده است، احتمال این که چنین واژه‌های صادر شود تقریباً صفر است. ایر فرانسه-KLM اعلام کرد که سرویس‌دهی خود را متوقف خواهد کرد.

شرکت‌های بزرگ آلمانی نیز به سمت خروج می‌روند. Daimler در ماه اوت فعالیت‌های خود را معلق کرد و فولکس‌واگن پذیرش محدودیت‌های تحریم را اعلام کرد، Deutsche Telekom و Deutsche Bahn پروژه‌های خود را در ایران لغو کردند. گزارش‌ها نشان می‌دهد که Wintershall شرکت فرعی BASF پروژه‌های جدید را نیز دنبال نخواهد کرد.

زیمنس که معاملات زیادی با شرکت‌های ایرانی داشت، کسب‌وکار کنونی خود را در ایران متوقف می‌کند و معاملات جدیدی را امضا نخواهد کرد. خط کانتینر Hapag-Lloyd آن را کم‌رنگ می‌کند تجارت ایران، در حالی که بیمه‌گر Allianz در حال آماده‌سازی برای کاهش تجارت ایران است که حداقل آن را توصیف می‌کند.

انتظار می‌رود تا پایان سال ۲۰۱۸، قراردادی برای خرید نفت از ایران خاتمه یابد. شرکت حمل‌ونقل Maersk-Moller و Danske Bank اعلام کردند که ایران را ترک خواهند کرد. در بخش مالی، اتریشی Oberbank و KBC بلژیک روابط ایران را قطع کردند. بدیهی است، Oberbank یک قرارداد مالی به ارزش یک میلیارد یورو با ۱۴ بانک ایرانی در سال ۲۰۱۷ امضا کرده است. یکی از جالب‌ترین موارد، لوکوبیل روسیه است که قراردادهای متعددی که تاکنون به حالت تعلیق درآمده است، در اختیار دارد و تحریم‌های طولانی مدت ایالات متحده آنها مردد کرده است. با وجود پشتیبانی عمومی مقامات رسمی هند برای ادامه فعالیت تجاری با ایران، پالایشگاه‌های هند در حال کاهش واردات نفت از ایران هستند. هند یکی از بزرگ‌ترین خریداران نفت ایران، قصد دارد واردات ایران را متوقف کند. نفت در ماه نوامبر، در حالی که صنایع Reliance Industries اعلام کرد که نفت بیشتری از ایران وارد نمی‌کند.

فرار غول‌های بزرگ از تحریم



رندی براون
فوری

تصمیم رئیس‌جمهور دونالد ترامپ برای خروج از معاهده هسته‌ای ایران، شرکت‌های خارجی را با یک انتخاب دشوار روبه‌رو کرده است: توقف فعالیت در ایران و یا پذیرفتن ریسک تحریم‌های ایالات متحده. شرکت‌های چندملیتی برای سرمایه‌گذاری در ایران میلیارد‌ها دلار برنامه‌ریزی کرده بودند. به گزارش کمیسیون اروپا، در سال ۲۰۱۶، اتحادیه اروپا بیش از ۸۰۲ میلیارد یورو (۹۰۷ میلیارد دلار) کالا به ایران صادر کرد، در حالی که واردات آن تقریباً ۵۵۵ میلیارد یورو (۶۵۵ میلیارد دلار) بود. با این حال ریچارد گرزل، سفیر ایالات متحده در آلمان، هشدار داد که شرکت‌هایی که در حال ادامه فعالیت هستند، با عواقب جدی روبه‌رو خواهند شد این نماینده آمریکا در این باره اظهار کرد «تحریم‌ها بخش‌های حساس اقتصاد ایران را هدف قرار خواهد داد. شرکت‌های آلمانی که در ایران فعالیت می‌کنند باید فوراً عملیات خود را متوقف کنند.»

فدراسیون صنایع آلمان اعلام کرده است که هر گونه تلاش برای جلوگیری از مشارکت شرکت‌ها در برخورد با ایران بر خلاف قوانین بین‌المللی است. این اتحادیه از اتحادیه اروپا خواست که «به‌طور موثری شرکت‌های اروپایی را حمایت کند تا از تأثیرات غیرقانونی و یکجانبه اجرای تحریم‌های ایالات متحده در امان بمانند.»

کارل بیلر، رهبر پیشین سوئد، که هم اکنون رئیس شورای اروپا در روابط خارجی است، تأکید کرد که تحریم‌ها بیشترین تأثیر را در فرامرزهای آمریکا خواهد داشت. وی گفت: «تحریم‌ها در ایران به شدت به ضرر شرکت‌های ایالات متحده منتهی شده است، اما هدف اصلی آمریکایی‌ها از اجرای تحریم محدود کردن شرکت‌های اروپایی است.»

بر اساس معاهده هسته‌ای، که به طور رسمی به عنوان برنامه مشترک اقدام جامع شناخته شده (JCPOA) شناخته می‌شود، ایالات متحده، متعهد شده است تا تعدادی از تحریم‌های ایران را کاهش دهد و این کار را تحت یک رشته «خلع سلاح» انجام داده است که تأثیر آنها را متوقف می‌کند. تقریباً همه شرکت‌های چندملیتی که در امور تجاری یا بانکداری در ایالات متحده

فعال هستند، تحت تأثیر بازگشت تحریم‌ها، تحت محدودیت قراردادهای قبل توافق ۲۰۱۵ قرار خواهند گرفت. دکتر سانام وکیل، استاد بخش مطالعات خاورمیانه در دانشکده مطالعات بین‌المللی پیشرفته یونس هاپکینز در بولونیای ایتالیا، در این باره معتقد است: «این یک چالش بزرگ است. اقتصاد ایالات متحده ۱۰ برابر بزرگتر از اندازه و ارزش ایران است، به این معنی است که تجارت با ایالات متحده از جمهوری اسلامی ایران بیشتر است.»

در میان شرکت‌های ایالات متحده، هواپیمای بوئینگ بزرگ‌ترین قراردادهای را امضا کرده است و استیون منوجین، وزیر خزانه‌داری، روز سه‌شنبه گفت که مجوزهای موجود و همچنین رقیب اروپایی آن، گروه ایرباس، نامعتبر است. در دسامبر ۲۰۱۶، ایرباس قراردادی را با حامل ملی ایران، IranAir امضا کرد تا ۱۰۰ فروند آن را در حدود ۱۹ میلیارد دلار قیمت‌گذاری کند. پس از آن بوئینگ معامله خود را با IranAir برای ۸۰ فروند هواپیما با قیمت ۱۷ میلیارد دلاری انجام داد و امیدوار بود که تحویل در سال ۲۰۱۷ آغاز شود و تا سال ۲۰۲۵ ادامه یابد. بوئینگ به طور جداگانه قرارداد ۳۰ فروند هواپیمای Aseman ایران را برای ۳ میلیارد دلار تحویل داد.

بوئینگ هنوز تحت این معامله‌ها هواپیمایی را به ایران تحویل داده و گفته است که این امر «به دنبال رهبری دولت ایالات متحده ادامه خواهد یافت.» ایرباس که تحت مجوز ایالات متحده (چراکه حداقل ۱۰ درصد از اجزای هواپیما خود را در ایالات متحده تشکیل می‌دهد) می‌گوید که از تحریم‌های جدید ایالات متحده پیروی می‌کند، اما نیاز به «زمان» بیشتری دارد. در حال حاضر دو A۳۳۰-۲۰۰ و یک A۳۲۱ به ایران تحویل داده شده است. شرکت نفتی فرانسوی Total SA یکی از پرخطرترین شرکت‌های نفتی غربی است که به ایران بازگشت و ۵ میلیارد دلار قرارداد ۲۰ ساله با ایران در ماه ژوئیه امضا کرده است. یک شرکت نفت چینی همچنین معامله‌ای برای توسعه میدان نفتی عظیم نفت پارس جنوبی در این کشور دارد. آدام اسمیت، وکیل واشنگتن با گیبسون دان و مقام وزارت خزانه داری پیشین، موافقت کرد که اگر تحریم‌ها اعمال شود، اساساً شرکت‌ها مجبور خواهند شد بین بازارهای ایالات متحده و ایران، یکی را انتخاب کنند. «این یک سوال هزینه و سود برای شرکت‌های اتحادیه اروپاست» وی همچنین توضیح داد که شرکت‌ها در موقعیتی قرار می‌گیرند که قبل از

تحریم‌ها فعالیت‌های خود را متوقف کنند. «این همان وضعیتی است که در گذشته نیز آن را تجربه کرده‌ایم.» وزارت خزانه‌داری اعلام کرد که مدت ۹۰ تا ۱۸۰ روز به طول خواهد انجامید تا شرکت‌ها بتوانند معاملات خود را با ایران انجام دهند تا از تحریم‌های آینده آمریکا جلوگیری کنند. با این حال، وزارت خزانه‌داری هشدار داد که تحریم‌ها پس از این دوره به تأثیر کامل خواهد رسید. در ۶ اوت، دولت آمریکا مجدداً تحریم‌هایی را علیه فعالیت‌هایی مانند خرید اسکناس‌های دلار آمریکا توسط دولت ایران، تجارت فلزات طلا و فلزات گرانبها و بخش خودرو در کشور، مجدداً اعمال خواهد کرد. در تاریخ ۴ نوامبر، ایالات متحده تحریم‌های دیگری را علیه فعالیت‌های دیگر از جمله صنایع نفت و حمل‌ونقل و بخش انرژی ایران و همچنین معاملات مالی موسسات مالی خارجی با بانک مرکزی ایران مجدداً اعمال خواهد کرد.

به رغم اعلام ترامپ، وزیر خارجه فرانسه اصرار داشت که معاهده هسته‌ای «زنده» باشد، و افزود که رئیس‌جمهور فرانسه، امانوئل مکران، قرار است با همراهی حسن روحانی، همتای ایرانی خود، در روز چهارشنبه با او صحبت کند. در بیانیه مشترکی در روز سه‌شنبه، فرانسه، آلمان و انگلیس به‌طور خاص به مسئله تحریم‌های ایالات متحده در مورد شرکت‌های اروپایی پرداختند، اما ادعا کردند که دولت‌های آنها همچنان متعهد به تضمین «دامه مزایای اقتصادی این موافقتنامه برای منافع جهان هستند، اقتصاد و مردم ایران.»

دولت انگلیس دستورالعمل‌های خود را برای صادرات به ایران به زودی پس از اعلام ترامپ در روز سه‌شنبه اعلام کرد و گفت تحریم مجدد تحریم‌های آمریکا علیه ایران ممکن است پیامدهای برای کسب‌وکارهای انگلیس و افرادی که با ایران همکاری می‌کنند، داشته باشد که در این صورت توصیه‌هایی به آنها خواهد شد. اسمیت گفت که مشخص نیست که آیا ترامپ در واقع اعمال تحریم‌ها را علیه E.U. شرکت‌هایی که همچنان با ایران برخورد می‌کنند، افزودند که این تهدید ممکن است استراتژیک باشد و دولت در نهایت می‌تواند معافیت‌هایی اعطا کند. یکی از وکلای تجاری در این باره گفت که در حال حاضر به اروپا بستگی دارد که این معامله را زنده نگه دارد و از سرمایه‌گذاری در ایران محافظت کند. او گفت: «توپ در دادگاه اتحادیه اروپا است. من تردید دارم که شرکت‌ها در ایران باقی بمانند زیرا ریسک بسیار زیادی بر آنها تحمیل می‌شود.»

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر



خانه‌تکانی در گمرک؛ تعدیل موانع غیر تعرفه‌ای

نخست گزارش، متد علمی آن به تفصیل، شرح و بسط داده شده است. با این حال در علم تجارت بین‌الملل، زمان‌بر بودن فرآیندهای گمرکی، هزینه‌های زیاد حمل‌ونقل، بروکراسی پیچیده، دخالت‌های نهادهای غیرمجرى و مواردی از این قبیل، به عنوان موانع غیرتعرفه‌ای، شناخته می‌شود که در این پرونده تلاش می‌شود برخی از مهم‌ترین آنها شناسایی و به محل بحث گذاشته شود.

این بار گران با استفاده از دانش روز و تکنولوژی‌های موجود، تا حدود زیادی قابل حل و فصل است اما دغدغه اصلی در این راه، شفاف‌سازی درست و دقیق در رویه‌های گمرکی است. با این حال در این پرونده نگاهی دقیق به موانع مرزی در ساختار تجارت ایران می‌شود. این نگاه نشأت یافته از یکی از کاربردی‌ترین متدهای ارزیابی تجارت بین‌الملل بوده که در

چندی پیش فرهاد دژپسند، وزیر امور اقتصادی و دارایی، طی حکمی مهدی میراشرفی را به سمت معاون وزیر و رئیس کل جدید گمرک جمهوری اسلامی ایران منصوب کرد. رئیس جدید گمرک ایران، این بار مسئولیت بسیار سنگینی بر عهده دارد چراکه از یک سو باید معضل قاچاق از ورودی‌های رسمی را حل و فصل کند و دوم ساختار و رویه‌های گمرکی در ایران را به نحو شایسته‌ای ارتقا دهد. هر چند

موانع تجاری؛ سد رشد اقتصادی

اقتصادهایی که مهم‌ترین صادرات آنها یک محصول کشاورزی است، مدت زمان لازم برای انجام الزامات انطباق مرزی و اسنادی به طور قابل توجهی از میانگین اقتصادهایی که مهم‌ترین صادرات آنها یک محصول کشاورزی نیست بیشتر است. این اطلاعات همچنین بیانگر آن است که تعداد زیادی از اقتصادهایی که مهم‌ترین کالای صادراتی آنها یک محصول کشاورزی است، بازرسی‌های اختصاصی و فرآیندهای خاص را الزامی کرده‌اند. بر اساس همین اطلاعات، در بین این کشورها، مدت زمان لازم برای انطباق مرزی به شکل متنوعی متفاوت است.

♦ دیوان‌سالاری‌های غیرضروری

در بسیاری از اقتصادها، فرآیندهای ناکارآمد، دیوان‌سالاری‌های غیرضروری و فرآیندهای اضافی به زمان و هزینه انطباق مرزی و استادی می‌افزایند. به تازگی، ارتباط بین کنترل‌های اداری و حجم تجاری توجه شبکه‌های تجاری چندجانبه را به خود جلب کرده است. برای مثال، در سال ۲۰۱۳ اعضای سازمان تجارت جهانی در مورد توافقنامه تسهیل تجارت با هدف ساده‌سازی فرآیندهای تجاری به توافق رسیدند. بر اساس

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی صرفاً به دلیل واردات فناوری‌هایی از این دسته بوده است. این نتایج بیانگر آن است که تجارت بین‌المللی یک مسیر کلیدی برای انتقال دانش است که به نوبه خود موجب ارتقای میزان به کارگیری سرمایه و رشد اقتصادی می‌شود.

♦ تجارت در خدمت رشد اقتصادی

رابطه بین تجارت و رشد اقتصادی در سطح بنگاه نیز قابل مشاهده است. شواهد قابل توجه حکایت از آن دارد که جریان دانش از سوی خریداران بین‌المللی و رقبای آنها به بهبود عملکرد شرکت صادرات کمک می‌کند. بررسی ۵۴ مطالعه در سطح بنگاه در ۳۴ کشور جهان نشان می‌دهد که شرکت‌های صادرکننده به مراتب بهره‌وری بالاتری نسبت به شرکت‌هایی دارند که صادرکننده نیستند (اگر چه لزوماً صادرات بهره‌وری را افزایش می‌دهد. این واقعیت در عمده موارد وجود دارد، زیرا شرکت‌های فعال در بازارهای بین‌المللی در معرض رقابت شدیدتری قرار دارند و باید با سرعت بیشتری وضعیت خود را نسبت به شرکت‌هایی که در داخل کشور محصولات خود به فروش می‌رسانند، بهبود بخشند.

در حالی که دسترسی به بازارهای بین‌المللی برای همه اقتصادها مهم است، اقتصادهای در حال توسعه به شکل خاصی از سیاست‌های تجاری تأثیر می‌پذیرند. از آنجا که فعالیت‌های آنها بیشتر به سمت استفاده بیشتر از نیروی کار متمایل است، رشد اقتصادی این کشورها منوط به توانایی آنها در وارد کردن محصولات سرمایه‌بر است. بدون دسترسی به بازارهای بین‌المللی، کشورهای در حال توسعه، این محصولات را خود و با هزینه‌های بالاتر تولید کنند، که این امر به منزله خارج کردن منابع از فعالیت‌هایی است که در آنها مزیت نسبی دارند. علاوه بر این، درآمد سرانه پایین، فرصت‌های داخلی را از منظر اقتصاد مقیاس محدود می‌کند. یک نظام تجاری که به تولیدکنندگان کم‌هزینه اجازه می‌دهد بازار خود را فراتر از تقاضای داخلی گسترش دهند، به طور طبیعی می‌تواند فرصت‌های کسب‌وکار را افزایش دهد. بنابراین در حالی که تجارت بین‌المللی می‌تواند هم برای اقتصادهای توسعه‌یافته و هم در حال توسعه منافع می‌دهد، همراه داشته باشد، واضح است که سیاست‌های تجاری جدای از سیاست‌های توسعه‌ای نیست.

زمانی که درباره سیاست تجاری و سیاست توسعه‌ای صحبت می‌شود، مسأله مهم این است که صادرات محصولات کشاورزی به مراتب گران‌تر و وقت‌گیرتر از صادرات انواع دیگر کالا است. اطلاعات جدید جمع‌آوری شده توسط پروژه انجام کسب‌وکار نشان می‌دهد که در

رشد تجارت بین‌الملل در سال‌های اخیر، تأثیرات کلان و مهمی را در ساختار اقتصادی بسیاری از کشورها ایجاد کرد. همچنان که سیاست جایگزینی صادرات و همچنین توسعه صنایع صادرات محصور، از جمله خطوط اصلی این جریان بوده‌اند. از این رو یکی از الزامات رشد اقتصادی، تقویت بسترهای تجاری است که هم چیدمان صنایع را تعیین می‌کند و هم هزینه‌های تحمیل شده بر بنگاه‌های تولیدکننده را می‌کاهد. در ۱۰ سال گذشته الگوهای تجارت بین‌المللی با ظهور اقتصادهای در حال توسعه، گسترش زنجیره‌های ارزش جهانی، افزایش قیمت کالاها و اهمیت رو به رشد صادرات کالا و ماهیت جهانی فزاینده شوک‌های اقتصاد کلان تعریف شده است. هر کدام از این روندها به نقش تجارت در تسهیل توسعه شکل تازه‌ای داده است.

♦ رفع موانع تعرفه‌ای

بازسازی تجارت آزاد پس از جنگ جهانی دوم مستلزم انعقاد موافقتنامه‌های مهم تجارت چندجانبه و ترجیحی با هدف کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای تجارت بود. برای اولین بار روابط اقتصادی و تجارت بین‌الملل توسط یک نظام چندجانبه قواعد اداره می‌شد که از آن جمله می‌توان به موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت (کات) و نهادهای برتن وودز اشاره کرد. همراه شدن این موافقتنامه‌های تجاری با پیشرفت‌های فوق‌العاده در بخش‌های حمل‌ونقل و فناوری ارتباطات، منجر به نرخ‌های رشد بی‌سابقه در تجارت بین‌المللی شد. برای مثال، بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۲۰۰۷، تجارت واقعی جهان سالیانه ۲۶ درصد رشد داشته در حالی که درآمد سرانه واقعی سالیانه ۲ درصد رشد داشته است تجارت بین‌المللی بیشتر، به شدت به رشد اقتصادی وابسته است. نتایج یک مطالعه که اطلاعات ۱۱۸ کشور جهان را در بیش از ۵۰ سال (۱۹۵۰-۱۹۹۸) بررسی کرده، نشان داد که کشورهایی که آزادسازی تجارت را در دستور کار قرار داده‌اند، به طور متوسط سالیانه ۱۵ درصد افزایش نرخ رشد سالیانه را تجربه کرده‌اند.

شواهد نشان می‌دهد که واردات فناوری و افزایش بهره‌وری ناشی از آن یکی از مهم‌ترین مسیرهایی است که از طریق آن تجارت بین‌المللی منجر به رشد اقتصادی می‌شود. نتایج یک مطالعه که ۱۶ کشور عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی را در یک فاصله زمانی ۱۳۵ ساله بررسی کرده نشان می‌دهد که یک رابطه قوی بین «بهره‌وری کل عوامل» و واردات دانش (ارزیابی شده از طریق واردات فناوری مبتنی بر ثبت اختراع) وجود دارد. در واقع، نتایج مطالعه بیانگر آن است که ۹۳ درصد از افزایش در بهره‌وری کل عوامل در یک قرن گذشته در کشورهای عضو

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان پیشکار

برآورد سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، اجرای کامل موافقتنامه تسهیل تجارت سازمان تجارت جهانی هزینه‌های تجاری در اقتصادهای با درآمد پایین را یک درصد، در اقتصادهای با درآمد متوسط رو به پایین را ۱٫۱۵ درصد و در اقتصادهای با درآمد متوسط به بالا را ۱٫۲۹ درصد کاهش می‌دهد. حتی اجرای ساده‌ترین توصیه‌های آن (هر چند اغلب آنها همچنان پرهزینه‌اند) مانند اتوماسیون ۲ تا ۲۴ درصد کاهش دهد. برای سنجش زمان و هزینه مرتبط با انطباق مرزی و اسنادی در همه ۱۸۹ کشور بررسی شده پروژه انجام کسب‌وکار رویه‌های مقرراتی کارآمدتر در تجارت فرامرزی را می‌پذیرد. به چند دلیل موضوع تسهیل تجاری دوباره در کانون توجه قرار گرفته است. اول موانع تعرفه‌ای و سهمیه‌ای به ویژه در جریان عمومی تجارت کالا، به دلیل موفقیت آمیز بودن موافقتنامه‌های تجاری چندجانبه و ترجیحی در به رسمیت شناختن مزایای تجارت بین‌الملل کمتر از گذشته است. این موضوع باعث شده که سیاستگذاران و بازرگانان با توجه بیشتری بر هزینه‌های تجارت بین‌المللی متمرکز شوند. هزینه‌هایی که می‌تواند مانع قابل توجهی در مسیر تجارت باشد. مانع عمده بعدی در مذاکرات تجاری چندجانبه که بسیار شبیه به برنامه‌های مبارزه با فقر است. تسهیل تجارت جهانی مرتبط با محصولات

کشاورزی (شامل همه انواع محصولات حیوانی و گیاهی) است سه‌چهارم فقیرترین مردم جهان، به طور مستقیم یا غیرمستقیم، به بخش کشاورزی به عنوان منبع اصلی درآمدشان وابسته‌اند. در نتیجه سیاست‌هایی که بخش کشاورزی را تحت تأثیر قرار می‌دهند بر فقر، نابرابری و در مجموع، بر رشد اقتصادی تأثیر خواهند داشت. این در حالی است که به طور کلی محصولات کشاورزی بیشتر از بقیه کالاها در معرض مقررات‌گذاری و کنترل از طرف دولت‌ها هستند. با وجود این که استانداردهای بهداشتی مختص به محصولات کشاورزی و یا سایر استانداردهای بهداشتی، به طور گسترده و به درستی هم از سوی واردکنندگان و هم صادرکنندگان این محصولات رعایت می‌شود. اقدامات مقامات دولتی که با هدف حمایت از بخش‌های کشاورزی و معدن داخلی در رقابت‌های بین‌المللی انجام می‌شود، می‌تواند هزینه‌های زیادی به بازرگانان تحمیل کند. در برخی موارد این اقدامات حمایت‌گرایانه از رشد تجارت بین‌المللی جلوگیری می‌کند. هزینه‌های مقررات‌گذاری مرتبط با کالاهای کشاورزی فله‌ای در یک روند نزولی بلندمدت بیشتر می‌شود، زیرا عرضه جهانی از تقاضای جهانی پیش می‌گیرد. سوم، در حالی که در دهه‌های اخیر پژوهشگران به مقایسه زیادی از داده‌های اقتصاد خرد دست یافته‌اند. برخی اطلاعات

متعارف در مورد شرکت‌ها و مشارکت آنها در بازارهای بین‌المللی به‌روز شده که هزینه‌های قابل توجه تجارت را آشکار کرده است. بدون تردید پرداختن به امور مربوط به تجارت بین‌المللی پرهزینه‌تر از تجارت داخلی است. برای مثال، در مقایسه با شرکت‌های دیگر در صنعت مشابه، شرکت‌هایی که به تجارت بین‌المللی می‌پردازند تمایل دارند بزرگ‌تر و کارآمدتر باشند. علاوه بر این، تمایل دارند سرمایه و نیروی ماهر بیشتری به کار گرفته و دستمزدهای بالاتری پرداخت کنند. همچنین شواهد کافی درباره هزینه‌های ثابت ورود به بازارهای خارجی وجود دارد، شرکت‌هایی که در گذشته به تجارت بین‌المللی پرداخته‌اند به احتمال خیلی زیاد دوباره به انجام این کار رو می‌آورند.

◆ هزینه‌های تجارت بین‌الملل

نماگرهای پروژه انجام کسب‌وکار بیشتر از آنکه هزینه‌های ثابت را ارزیابی کنند، به عنوان ارزیابی‌کننده هزینه‌های جانبی تجارت بین‌المللی شناخته می‌شوند. مفروضات مطالعه موردی نماگر تجارت فرامرزی بر این پایه استوار شده که صادرکننده و یا واردکننده پیش از این کسب‌وکار خود را تأسیس کرده و در حال حاضر به صورت کاملاً عملیاتی فعال است. ضمن اینکه هزینه‌ای که تنها یک بار برای دریافت یک پروانه بازرگانی و شماره شناسایی گمرکی پرداخت می‌شود محاسبه نشده است. مفروضات پروژه اطلاعات مربوط به سایر هزینه‌هایی را جمع آوری می‌کند که به الزامات ورود به بازار مربوط نیستند. اما لزوماً متناسب با حجم تجارت (مانند هزینه‌های مراحل گمرکی، بازرسی توسط سازمان‌های دولتی و اخذ آماده سازی و ارسال اسناد) تغییر نمی‌کنند. با این حال، تفاوت‌های ناشی از هزینه‌های جانبی تجارت که توسط پروژه انجام کسب‌وکار ثبت می‌شود، تأثیر بیشتری بر روی شرکت‌های فعال در تجارت بین‌المللی دارد.

پژوهش‌های اخیر پیشرفت‌هایی در راستای اندازه‌گیری تأثیر تغییرات هزینه‌های جانبی بر میزان و مشارکت تجاری داشته‌اند. یافته‌های یک مطالعه بیانگر آن است که کاهش ۷ درصدی متوسط تعداد روزهای سپری شده در اداره گمرک کشور آلبانی، منجر به افزایش ۷ درصدی در ارزش کالاهای وارداتی شده است. نتایج یک مطالعه دیگر نشان می‌دهد که یک افزایش ۱۰ درصدی تأخیر در اداره گمرک کشور اروگوئه، منجر به کاهش ۸٫۳ درصدی صادرات این کشور شده است. تأخیر باعث افزایش هزینه‌های صادرکنندگان شده و آنها به ناچار فروش خارجی خود را کاهش می‌دهند. خریداران نیز هزینه‌های بالاتری را متحمل می‌شوند که نتیجه آن کم کردن میزان سفارش و یا قطع رابطه تجاری با فروشندگانی است که در فرآیند تحویل کالا تأخیر دارند.



نیم‌نگاهی به بروکراسی در اندیشه سیاسی تراکم میزهای بی‌حاصل

◆ مفهوم بروکراسی

بروکراسی، مجموع مولفه‌هایی است که نه تنها در قوه مجریه، بلکه در هر سازمان و نهاد حکومتی یا غیر حکومتی وجود دارد. به این ترتیب که همچنان که می‌توان از بروکراسی در دولت (قوه مجریه) سخن گفت، می‌توان در خصوص بروکراسی در پارلمان (نظام قانون گذاری) یا دادگاه‌ها نظام قضایی بحث کرد. البته بی‌تردید، ویژگی‌های بروکراسی در هریک از قوا و هریک از بخش‌ها مختصات خاص خود را دارد، با این حال به دلیل اینکه مجری قوانین و مقررات، قوه مجریه است و علاوه بر این، سروکار شهروندان بیشتر با دستگاه‌های

دولتی زیر نظر قوه مجریه است، در اغلب موارد، مباحث مربوط به بروکراسی معطوف به نهادهای قوه مجریه است.

مفهوم بروکراسی، نخستین بار توسط ماکس وبر مطرح شد. وی بروکراسی را به نوعی مجموعه‌ای از نهادها، مولفه‌ها و ساختارها می‌داند که برتری تکنیکی نسبت به هر شکل سازمانی دیگر دارد. از نظر وی، برخورداری از بوروکراسی، لازمه کارآمدی و نظام‌مندی سازمانی است. به عبارت دیگر از نظر وبر، «سازمان‌های کاملاً بروکراتیک دقت، سرعت و عدم ابهام تا حد مطلوب افزایش می‌یابد و اصطکاک و هزینه‌های مربوط به مواد و پرسنل تا حدود زیادی

شاید بحران نظام اداری در ایران، یکی دیگر از ابرچالش‌های کنونی باشد. متأسفانه بدنه دولت در این سال‌ها، چاق و بزرگ‌تر شده و به همین میزان سرعت عمل و انعطاف خود را از دست داده است. شاید بیشترین ناراضی‌ها از بروکراسی در ایران باشد. حضور سازمان‌های موازی با کارکردهای یکسان و گاه مختل‌کننده، سرعت انجام امور اداری را به شدت کاهش داده و از جمله مشکلاتی است که سیستم حکمرانی و مدیریتی ایران را درگیر کرده است. وضعیت نظام بروکراسی در ایران، وضعیتی است که می‌توان آن را فاقد وصف یکپارچگی و انسجام ارزیابی کرد. این موضوع به خوبی در گمرک ایران مشاهده می‌شود. هرچند در سال‌های اخیر به لطف پیاده‌سازی پنجره واحد، تا حدودی موانع و خلاءهای اداری کاهش یافت اما هنوز مشکلاتی در بروکراسی نظام گمرکی وجود دارد. به طور مثال هنوز ارتباط مستمر و پویایی میان گمرک، سازمان بنادر، حمل‌ونقل، نیروی انتظامی، سازمان بهداشت، وزارت فرهنگ و... وجود ندارد. چنانچه از دریچه نگاه فعالان اقتصادی به نقش گمرک در تجارت خارجی بنگریم، این نهاد و بروکراسی دست و پاگیر آن؛ همچون مانعی بزرگ خواهیم یافت که جریان دادوستد تجاری در کشور را مختل کرده است. افزون بر این در سال‌های اخیر به اجرا درآمدن قوانین ابهام‌آمیز و راه برداشت‌های سلیقه‌ای را هموار کرد، بیش از پیش به مشکلات فعالان اقتصادی افزود. مانند قوانین یا بخشنامه‌هایی که امکان ظهور و بروز تفاسیر مختلفی از «قاچاق» را موجب شد و بازرگانان را به دادگاه کشاند. به نظر می‌رسد گمرک ایران، در این راه باید گام‌های اساسی و محکمتری بردارد تا بتواند خلاءهای به جا مانده از گذشته را جبران کند. با این حال بد نیست، نگاهی گذرا بر مفاهیم بروکراسی مدرن در اندیشه‌های سیاسی داشت. جایی که اندیشمندان علوم سیاسی، کارکردها و تعاریفی از نظام اداری عنوان می‌کنند که به کلی با هر آنچه در ذهن ما وجود دارد، متفاوت و ماهیتاً شکل دیگری است.



یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

کاهش می‌یابد. لذا انجام وظایف اداری دقیق تر و ارزان تر خواهد بود». بدین ترتیب، وبر بروکراسی را نوع مطلوب و مدل ایده‌آل معرفی می‌کند و بر این باور است سازمانی که کاملاً بروکراتیک باشد، قادر خواهد بود بیشترین کارایی را محقق سازد»

احساس مردم، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، نسبت به بروکراسی، عموماً ادراک و احساسی منفی است. به این معنا که بروکراسی به مثابه قوانین و مقررات و تشریفات دست و پاگیر و زائدی تلقی می‌شود که نه فقط کمکی به حل مسائل و پیشبرد امور نمی‌کند، بلکه صرفاً سبب کندی و پیچیدگی امور اداری است. بر همین اساس، کارمندان و بیش از آنها، روسای عالی‌رتبه، افرادی ناکارآمد تنبل و منفعت دوست تلقی می‌شوند که پیش از آنکه در پی خدمت رسانی به شهروندان باشند، به دنبال منافع شخصی و گذراندن ساعات

اداری به بطالت هستند. این تلقی منفی و ناخوشایند از اداره، نظام اداری، کارمندی و به مفهوم فنی بروکراسی، تقریباً فراگیر است به طوری که انواع و اقسام لطایف و ضرب المثل‌ها در فرهنگ‌های مختلف در خصوص این طرز تلقی شکل گرفته است. برای نمونه، مثلی معروف که به مشکل اساسی پراکندگی مسئولیت در انجام کارها و تحقق اهداف اشاره دارد عبارت است از اینکه اگر می‌خواهید کاری درست انجام شود آن را به دو نفر بسپارید.

تلقی توضیح داده شده درباره کارمندان و کارمندی در ایران نیز صدق می‌کند که سابقه‌ای به درازای شکل‌گیری دولت به معنای امروزی دارد. برای مثال آرتور میل‌سپو که پس از شهریور ۱۳۲۰ برای سامان دادن به نظام اقتصادی کشور و طرح‌ریزی بودجه بندی سالم و متوازن به ایران آمده بود، در خاطرات خود نوشته است: از مجموع ۱۷۰ هزار کارمند تنبل و اغلب رشوه‌خوار دولت، جز جلسه بازی نوشیدن چای، معطل کردن و سر دوانیدن ارباب رجوع و چرت زدن کاری بر نمی‌آید و هیچ تأثیری در گردش امور مملکت ندارد». به عبارت دیگر، از دیدگاه عامه مردم، مسائل و معضلات کشور، ناشی از نقصان‌های مدیریت بخش عمومی است. به این معنا که مدیریت بخش عمومی، حوزه‌ای فاقد مرزبندی‌های شفاف و دارای سازوکارهایی پرهزینه و کم‌توان است» این در حالی است که مدیران سیاسی اغلب نارسایی‌ها و مشکلات کشور را معلول کمبود بودجه و منابع می‌دانند.

اما سوای این طرز تلقی عمومی، به نظر می‌رسد بروکراسی نیز همچون دیگر واژگان از این دست، خالی از بار ارزشی است، برخورداری یا عدم برخورداری از ویژگی‌هایی است که آن را متصف به بدی یا خوبی می‌کند. بدین ترتیب می‌توان از «بروکراسی خوب» یا «بروکراسی بد» سخن گفت. همچنان که در ادبیات سیاسی و حقوقی، از قانونگذاری خوب یا حکمرانی خوب، در مقابل قانونگذاری بد یا حکمرانی بد سخن گفته می‌شود.

آنچه از باورهای وبر به عنوان نظریه پرداز بروکراسی به معنای امروزی شرح داده می‌شود، نیز به نوعی به بروکراسی خوب معطوف است. برای مثال، یکی از نویسندگان، از زبان ماکس وبر از بروکراسی مطلوب «سخن می‌گوید؛ بدین شرح که وبر معتقد بود «حکومت جدید، برخلاف پیشینیان خود، باید بی طرف باشد، نباید به نفع گروه

خاصی قانون تصویب کند و قوانین را نیز باید بدون تبعیض اجرا کند. برای تحقق این هدف، حکومت نیازمند نظامی اجرایی است که متصدیان آن به جایگاه ویژه با وضعیت اقتصادی مردمی که از فعالیت‌های حکومت سود یا زیان می‌برند، توجهی نکنند. او معتقد بود که با به کارگیری نظام دیوان‌سالارانه اجرایی می‌توان به این هدف نائل شد.»

آنچه در اینجا محل بحث است ویژگی‌های بروکراسی است که بنا به تعریف و نمونه ایده‌آل، آنچنان که در اندیشه وبر صورت‌بندی شده است، بروکراسی‌ها باید از آن برخوردار باشند. مهم‌ترین ویژگی‌های بوروکراسی، مجموعه‌ای از ویژگی‌های ضروری برای یک یوروکراسی توانمند برای اجرای قانون است. اولین ویژگی بروکراسی، یکپارچگی یا انسجام است. گرچه دولت برای اعمال کارکردهای خود به یک بروکراسی حرفه‌ای و شایسته‌سالار نیازمند است، در سطحی دیگر، کارآمدی دولت، محصول انسجام درونی میان نهادهای بروکراتیک است. فرض بر این است که نهادهای بروکراتیک، نهادهایی وظیفه‌محور هستند که در جهت سیاست‌های مدون، به صورت بهینه اقدام می‌کنند. اما در دنیای واقعی، همیشه این خطر وجود دارد که بروکراسی به مجموعه نهادهای بخشی، سیاسی و دارای فساد سازمان یافته تبدیل شود و یا از بین رفتن انسجام درونی نهادهای دولتی، دولت به ورطه ورشکستگی بیفتد.

بدین ترتیب، یکپارچگی در بروکراسی، ضامن کارآمدی و عملکرد سالم است و کارکرد بهینه نظام کارآمد، همچون ژاپن و کره جنوبی، نشانگر آن است که در چنین کشورهایی، یکپارچگی بروکراسی با بهره‌گیری از نظامات مختلف تأمین شده است. یکی از مهم‌ترین این نظامات، «تمرکز نهادی است. برای نمونه در ژاپن، محوریت دولت در عرضه سرمایه‌های جدید موجب شد تا بتوانند یکپارچه سازی صنعتی و سیاست ساختار صنعتی را نیز به اجرا در آورد. وزارت صنعت و بازرگانی بین‌المللی به عنوان سازمان راهنما بر این فرآیند نظارت داشت. درواقع، رشد اقتصادی خیره کننده ژاپن پس از جنگ جهانی دوم در سایه حضور نوعی «دیوان‌سالاری اقتصادی نیرومند، با استعداد و پرنفوذ» محقق شد.

الگوی گفته شده، به نحوی در کره جنوبی نیز پیاده‌سازی شد. به این شرح که در زمان استعمار، ژاپن نهادهای بروکراتیک قوی در کره جنوبی ایجاد کرد که پس از استقلال این



یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

کشور، این نهادها حفظ شد. همین نهادها بودند که بعدها در زمان ژنرال پارک به ابزار توسعه این کشور تبدیل شدند. البته در این دوره دیوان‌سالاری به دلیل پراکندگی در مراکز سیاستگذاری و فساد تضعیف شد، اما پارک در ابتدای زمامداری خود، شروع به تجدید ساختار دیوان‌سالاری کرد. در این راستا حدود ۲ هزار نفر از بروکرات‌های فاسد از کار اخراج شدند و پرونده بیش از ۴۰ هزار نفر بررسی مجدد شد. سپس برای جلوگیری از پراکندگی نهادهای سیاستگذار در حوزه اقتصادی، نهادی به نام «هیأت برنامه‌ریزی اقتصادی» تشکیل شد که به نهادی محوری در سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی تبدیل شد. نهاد مذکور بسیار قدرتمند و حرفه‌ای بود که ریاست آن بر عهده معاون نخست‌وزیر بود و وظیفه عملیات‌های آماری و مهم‌ترین عملیات‌های جهانی و ایجاد هماهنگی در اجرای برنامه‌ها را که پیش‌تر سه نهاد دیگر انجام می‌دادند، عهده دار شد. این ساختار منسجم، کمک مهمی به انسجام سیاست‌ها کرد. با تشکیل هیأت برنامه‌ریزی اقتصادی، وزارتخانه‌های مختلف، توان به چالش کشیدن و عقیم و خنثی کردن اقدامات و برنامه‌های یکدیگر را از دست دادند و به جای آن، بر اجرای برنامه‌های متمرکز و هدفمند هیأت عالی مذکور تمرکز کردند.

علاوه بر تمرکز نهادی به عنوان یکی از مؤلفه‌های یکپارچگی بروکراتیک، تجربه ژاین نشان داد که بروکراسی موفق، از صرف داشتن ویژگی‌های مورد نظر وبر (به ویژه شایسته‌سالاری) فراتر می‌رود. به این ترتیب، در همه توصیه‌هایی که از دولت ژاین شده، بر اهمیت حیاتی شبکه‌های غیررسمی (بیرونی و درونی) برای کارکرد دولت تأکید شده است. شبکه‌های درونی، برای یکپارچگی بروکراسی اهمیت حیاتی دارند. یکپارچگی درونی عمدتاً از طریق شبکه‌های غیررسمی صورت می‌گیرد که «هویتی مشارکتی» را برای بروکراسی فراهم می‌کنند. اما خصیصه و پیامدهای شبکه‌های غیررسمی به فرآیند گزینشی سختگیرانه‌ای بستگی دارد که بر اساس آن، کارمندان دولت انتخاب می‌شوند. واقعیت این است که در ژاپن، قابلیت‌های رسمی و نه ارتباطات انتخاباتی یا وفاداری‌های سنتی، «شرط اصلی ورود به شبکه است». همین اصل، عامل اصلی کارآمدی بروکراسی است. منظور از مؤلفه‌های غیربروکراتیک، خصایصی برای

بروکراسی و بروکرات‌هاست که بیشتر به استقلال نظام اداری و کارمندان عالی رتبه از احزاب سیاسی و گروه‌های ذی نفوذ باز می‌گردد و ضامن سلامت و کارآمدی دستگاه اداری است؛ ویژگی‌هایی که فراتر از ویژگی‌های مد نظر وبر در زمان صورت‌بندی اولیه ایده بروکراسی است. اما اهمیت شبکه‌های بیرونی در پیوند دادن دولت و جامعه مدنی، از شبکه‌های درونی نیز بیشتر است. شبکه‌های بیرونی، شامل انبوهی از نظامات و خارج از شبکه دولت است. چنانکه گیدنز تصریح می‌کند: «دیوان‌سالاری نمی‌تواند رهبری سیاسی را هدایت کند و خود به موقعیت و وضعیت مسائل «بیرونی» وابسته است». به ویژه دموکراسی‌های مبتنی بر آرای عمومی از طریق احکام مصوب پارلمان، چارچوب‌هایی برای بروکراسی‌ها تعیین می‌کنند؛ چنانکه وبر می‌نویسد: «این محدودیت در سرشت الگوی قانونی در بالاترین سطح توسعه آن قرار دارد، چون اجرا و اداره به آنچه که مطابق با قواعد و قوانین باشد محدود است»

سوی تأثیر بروکراسی از قوانین، شبکه بیرونی شامل صاحبان کسب‌وکارها و دیگر شبکه‌های خارج از دایره کنترل و تسلط بروکراسی است. برای مثال در ژاپن، «خط مشی‌های صنعتی به‌گونه‌ای بنیادی متکی به روایتی است که وزارتخانه‌ها و دست‌اندرکاران عمده بخش صنعت را به هم پیوند می‌دهد. در این کشور، «شوراهای مشورتی تنها یک نمونه از شبکه مدیریتی هستند که میان بروکرات‌ها و دست‌اندرکاران کسب‌وکارها در خصوص گردآوری اطلاعات و تدوین خط‌مشی مربوط به یک رشته موضوعات خاص و همیشگی، ارتباط برقرار می‌کند. در نتیجه برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که برای حفظ انسجام درونی نهادهای دولتی، به نهادهایی خارج از بروکراسی نیاز است که با میانجیگری منافع اجتماعی و کانالیزه کردن آنها، مانع از استفاده ابزاری گروه‌های اجتماعی از نهادهای بروکراسی و چندپارگی آن شوند. بدین ترتیب، شبکه‌های درونی و بیرونی، به عنوان تأمین‌کننده و تقویت‌کننده ویژگی یکپارچگی بروکراسی عمل می‌کند. یکپارچگی بروکراسی می‌تواند از بروز آسیب‌های بالقوه بروکراسی جلوگیری کند. یکی از این آسیب‌های پراکندگی در شناسایی اهداف و طبعاً، به هدر دادن یا

عدم تخصیص بهینه منابع است. توضیح اینکه یکی از مشکلات حاد نهادهای بروکراسی این است که هر کدام از این نهادها، به دنبال حداکثر کردن استفاده از منابع دولتی هستند. هر سازمانی چنین وانمود می‌کند که دارای اهداف سازمانی مهم‌تر و دارای اولویت بیشتر به نسبت مابقی سازمان‌هاست و از این رو، استفاده حداکثری از منابع دولتی، اقدامی در جهت تحقق اهداف حیاتی آن سازمان تلقی می‌شود. این آسیب، ظرفیت حفظ انسجام نهادهای دولتی را به شدت کاهش می‌دهد و موجب خاص‌گرایی و فساد در ابعاد وسیع خواهد شد. خاص‌گرایی باعث می‌شود تا احساسات و منافع فردی و گروهی، جای منافع و مصالح ملی را بگیرد و تصمیم‌گیری‌های بروکراتیک به نام دولت، اما در جهت منافع گروه یا جمع محدودی اتخاذ شود. یکپارچگی در بروکراسی می‌تواند با تعیین اولویت‌ها و تخصیص منابع لازم برای حرکت به سوی اولویت‌ها و نظارت بر نهادهای، از پراکنده‌کاری و سوءمدیریت و سوءاستفاده از منابع عمومی بکاهد.

شبیه آنچه که راجع به مفهوم خاص گرایی به عنوان آسیبی به یکپارچگی بروکراسی بیان شد، می‌توان در مفهوم سازی نورث، والیس و وینگاست برای تبیین لوازم‌گذار از نظم دسترسی محدود یا محکومیت طبیعی از نظم دوباره مطالعه کرد. مفاهیم «شخصی» در اندیشه آنان حائز اهمیت است، به نظر آنان در حکومت‌های طبیعی، روابط درون ائتلاف مسلط، پیش‌تر حالت شخصی دارند و در درون این روابط شخصی، حمایت‌ها از طریق شبکه‌های مریدپروری یا حامی‌پروری گسترش می‌یابد. در مقابل، در نظام دسترسی، بازی روابط در چارچوبی پیش‌تر غیر شخصی شکل می‌گیرد، در نظم دسترسی باز، گرچه روابط شخصی هنوز اهمیت دارند، اما دسته بندی‌های غیرشخصی افراد، که اغلب شهروند نامیده می‌شوند، بدون نیاز به آگاهی از هویت فردی طرف‌های مقابل، در عرصه‌های گسترده رفتار اجتماعی به تعامل می‌پردازند. تسلط روابط شخصی در بروکراسی، می‌تواند با فراهم آوردن محیطی تبعیض‌آمیز و رانتی، کارکردهای بروکراسی را مختل کند و انسجام لازم برای اجرای قوانین نهادی را به نفع روابط شخصی و مغایر با منافع ملی، از میان برد.

نسخه شفاف‌بخش پنجره واحد سرعت، دقت و سهولت



نماگرهای تجارت فرار مرزی در ایران حاکی از آن است که موانع مرزی تجارت بین‌الملل ایران، به شدت زیاد است. بر این اصل، هزینه‌های زیادی بر دوش واردکنندگان و صادرکنندگان تحمیل می‌شود که متأسفانه آنها نیز، به ناگزیر، در افزایش قیمت کالاها دخیل می‌کنند. این در حالی است که گمرک ایران با گام برداشتن در راه ایجاد پنجره واحد، تاکنون موفقیت‌هایی را در این زمینه کسب کرده است.

از این رو، براساس آخرین گزارش انجام کسب‌وکار در سال ۲۰۱۸، رتبه ایران در نماگر تجارت فرامرزی، ۱۶۶ در بین ۱۹۰ کشور ارزیابی شده است. این رتبه در گزارش ۲۰۱۷ (در بین ۱۹۱ کشور) ۱۷۰ بود. اختلاف فاحش ایران با برخی مناطق اقتصادی در مؤلفه‌های تجارت فرامرزی کاملاً آشکار است. با وجود اینکه حجم تجارت (صادرات و واردات) در مقایسه با برخی کشورهای منطقه پایین‌تر است اما رتبه ایران در نماگر تجارت فرامرزی در شاخص سهولت انجام کسب‌وکار رتبه ۱۶۶ را دارد. در حالی که نسبت به کشورهای مانند ترکیه رتبه ۷۱، امارات رتبه ۹۱ و قطر رتبه ۹۰ دارند، رتبه‌ای بسیار نامناسب است.

موانع استقرار سامانه پنجره واحد در این نوشتار، وضعیت ساماندهی فرآیند تجارت خارجی در دو سطح کلان (امور گمرکات، صادرات، واردات، قاچاق و...) و سطح خرد (استقرار پنجره واحد تجارت فرامرزی) مورد بررسی قرار گرفت. استقرار پنجره واحد، از آن جهت که مستلزم هماهنگی‌ها و همکاری‌های بین دستگاهی است، مثال مناسبی برای اعمال آموزه‌ها و نظریه‌های توضیح داده شده در خصوص بوروکراسی و ویژگی‌های آن است.

بدین ترتیب، استقرار سریع، کم‌هزینه و بدون پیچیدگی‌ها و تعارض‌های نهادی، پنجره واحد در یک کشور، می‌تواند نشانگر انسجام و هماهنگی بوروکراسی در آن کشور باشد. برعکس، چنانکه انجام این فرآیند با موانع و معضلات پرشمار برخورد کند، می‌توان گفت کشور فاقد بوروکراسی یا حداقل ویژگی‌های لازم است. براساس پژوهشی که از طریق مصاحبه با نخبگان حوزه‌های مختلف مرتبط با استقرار پنجره واحد مانند مدیران استراتژی، مدیران تشکیلاتی و مدیران فناوری اطلاعات و ارتباطات و همچنین بررسی نظرات اساتید دانشگاهی، صورت گرفته است، مهم‌ترین موانع استقرار پنجره‌های واحد (برای مجوزها به طور کلی در ۱۹ بند به شرح زیر برشمرده شده است

♦ مهم‌ترین موانع مرزی در ایران

عدم یکپارچگی و ارتباط سیستم‌های درون سازمانی یک دستگاه اجرایی، عدم آگاهی کامل یا عدم تعیین دستگاه اجرایی به الزام قانونی، نامشخص بودن فعالیت‌ها و مجوزهای صادره دستگاه‌های اجرایی، نامشخص بودن دستگاه‌های اصلی و دستگاه‌های فرعی، عدم وجود مرکز هماهنگی، پیگیری و پایش برقراری ارتباط الکترونیکی بین دستگاهی و تفسیر به رأی دستگاه‌های اجرایی از قوانین، وجود قوانین و مقررات

از پنجره‌های واحد» و برقراری دولت الکترونیک، به‌گونه‌ای که مطالبه گری عمومی مردم و رسانه‌ها، دستگاه‌های اجرایی را مجبور به حرکت به سوی ایجاد پنجره‌های واحد کند، نیازمند تدوین دستورالعمل‌ها و استانداردهایی است که کمک‌کننده باشد.

تمرکز بر مؤلفه‌های یکپارچگی و هماهنگی در تجربه‌های موفق استقرار پنجره واحد در برخی از کشورها، نشان می‌دهد که با استفاده از این سیستم توانسته‌اند تا حدود زیادی از موانع و مشکلات پیشروی تجارت را کاهش دهند. برای نمونه، دولت سنگاپور یک کمیته هدایتگر برای شبکه تجاری ایجاد کرد تا به نظارت و سرپرستی بر شکل‌گیری ایده‌ها در خصوص یک نظام ملی الکترونیکی تبادل داده برای اظهارنامه‌ها و مجوزهای تجاری بپردازد. بدین ترتیب سه کمیته فرعی - برای حمل‌ونقل دریایی، حمل‌ونقل هوایی و بخش ادارات دولتی - به منظور پیشبرد رویه‌های صادرات و واردات و مشخص کردن ملزومات کاربردی و پیشنهاد استانداردهایی برای داده‌ها ایجاد شد، پیش از برقراری شبکه تجاری، بخشی از رویه‌های مربوط به اخذ مجوز یا تأیید رسمی به صورت دستی انجام می‌شد و هیچ نظام رایانه‌ای برای هماهنگ‌سازی آنها وجود نداشت. دولت به منظور مدیریت شبکه تجاری، یک شرکت خصوصی تأسیس کرد که در سال ۱۹۸۸ به شکل گیری خدمات شبکه‌ای سنگاپور» منجر شد. علاوه بر اینها، از سال ۲۰۰۷، تمرکز بر گسترش ابعاد شبکه تجاری به معاملات تجاری جامعه تجاری، از طریق (نظام) مبادله تجاری است.

از سوی دیگر، سنگاپور یک عضو فعال در اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا (مفهوم نظام‌های پنجره واحد را پذیرفته و دارای هدفی جاه‌طلبانه در راستای ایجاد یک تمام پنجره واحد در سراسر آن‌ها تا سال ۲۰۱۵ است. بدین ترتیب، پنجره واحد بین‌المللی متشکل از پنجره واحدهای ملی شکل خواهد گرفت؛ به‌گونه‌ای که یکپار ارائه اطلاعات، برای کلیه اعضای آسه آن کفایت کند.

محلی، دیدگاه‌های سختگیرانه امنیتی، عدم وجود نظام انگیزشی مناسب برای اجرا با عدم اجرای پنجره واحد، ناکارآمدی پیمانکاران نرم‌افزاری دستگاه‌ها، ضعف زیرساختی و تجهیزاتی دستگاه‌های اجرایی، توزیع نامتوازن زیرساخت‌های ارتباطی در سطوح استانی و ملی، عدم فرهنگ‌سازی استفاده از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای انجام کارها در میان مردم به عنوان ارباب رجوع، عدم مطالبه‌گری عمومی از دستگاه‌ها، ناهمگون بودن سطح تحصیلی، فرهنگی و... ارباب رجوع یک سازمان، پنجره واحد منفای قدرت برای کارکنان دستگاه، وجود مقاومت بدنه سازمانی دستگاه‌های اجرایی در مقابل تغییر عدم وجود استاندارد واحد و پروتکل ملی ارتباط بین دستگاهی، از جمله مواردی هستند که توسعه تجارت بین‌الملل ایران را با مشکل روبه رو کرده است.

چنانکه از فهرست موانع پیش گفته بر می‌آید، عدم انسجام، عدم هماهنگی، عدم رسانایی و در مجموع، عدم ظرفیت بوروکراسی کشور، باعث شده است که فرآیند استقرار پنجره واحد در حوزه صدور مجوزها همچنان معطل بماند. چنانکه گفته شد، سامانه پنجره واحد تجارت فرامرزی، خود یکی از اجزای سامانه پنجره واحد مجوزها به شمار می‌رود و از این الحاق، می‌توان موانع برشمرده شده را به آن سامانه تیز تعمیم داد.

مروری بر راهکارهای پیشنهاد شده برای استقرار پنجره واحد نیز تأییدکننده این ادعاست که انجام چنین فرآیندهایی، فراتر از صرف تصویب قانون و مقررات منوط به اصلاحات در نظام بوروکراسی، به ویژه با هدف ایجاد انسجام، هماهنگی و پاسخگوی است. در گزارش دفتر پایش و بهبود کسب‌وکار (معاونت امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی) نیز پیشنهادهایی برای برطرف کردن موانع پیش روی اراده مصمم مدیران ارشد حاکمیت و مدیران ارشد دستگاه‌های اجرای بر تحقق آن اشاره شده است. ارتقای سطح فرهنگ جامعه در راستای استفاده



سرعت گیرهای تجارت بین الملل در ایران

مروری بر روش شناسی جدید در ترخیص کالاها

موانع اداری و مقرراتی پیش روی بازرگانان به شکل قابل توجهی در مورد محصولات مبادله شده و شرکای تجاری مختلف متفاوت است. جریان های تجاری توسط مزیت نسبی، ترجیحات مصرف کنندگان، ساختار بین المللی تولید و اندازه و موقعیت جغرافیایی یک اقتصاد و شرکای تجاری آن هدایت می شوند. نوع محصول مبادله شده، استانداردهایی را در رابطه با چگونگی نگهداری تعیین می کند (برای مثال، مواد غذایی نسبت به تجهیزات رایانه ای مشمول بازرسی های ایمنی بیشتری می شوند). علاوه بر نوع محصول، هویت طرف تجاری تعیین کننده میزان احتمال بازرسی های سرزده و اعلام شده در چارچوب سامانه های مدیریت ریسک است که معمولاً در بنادر سراسر جهان استفاده می شود. در دهه های اخیر، دو نیروی دیگر نیز در شکل گیری جریان تجارت بین المللی مؤثر بوده اند. نیروی اول، پدیدار شدن موافقتنامه های تجاری چندجانبه است که نمونه های منطقه ای آنها به طور فزاینده ای کاهش موانع تجارت را نشان داده اند. روش شناسی جدید به یک اقتصاد اجازه می دهد که پیش فرض های مربوط به طرفین تجاری را در چارچوب یک

بر اساس روش شناسی جدید، پروژه انجام کسب و کار پیش فرض های در نظر گرفته شده برای صادرات و واردات را متناسب با هر اقتصاد طراحی کرده است. در مورد صادرات، زمان و هزینه صادرات یک محموله ۱۵ تنی از مهم ترین کالای غیراستخراجی صادراتی در کشور، مبنای ارزیابی قرار گرفته است. پیش فرض این است که محموله از یک انبار در بزرگترین شهر تجاری کشور به پرتودترین مرز زمینی یا بندری ارسال می شود که قرار است از آنجا برای طرف اصلی تجاری صادر شود. برای محاسبه مدت زمان و هزینه انطباق مرزی (هم رسیدگی اداری و هم ترخیص گمرکی و بازرسی)، انطباق اسنادی و حمل و نقل داخلی بررسی می شوند، در خصوص واردات، پیش فرض این است که محموله از پرتودترین مرز زمینی یا بندری به یک انبار در بزرگترین شهر تجاری کشور حمل می شود. برای همه کشورها، یک محموله کانتینری حاوی ۱۵ تن قطعات خودرو در نظر گرفته شده و طرف تجاری واردکننده اصلی قطعات است. ایده بنیادی روش شناسی جدید این است که پیش فرض ها باید جهت و میزان واقعی تجارت بین الملل را بازتاب دهند و اینکه

به گفته بسیاری از کارشناسان اقتصادی، ریسک سنجی در ترخیص کالاهای وارداتی، هنوز به خوبی استقرار نیافته است. بر اساس متدهای روز جهانی، ریسک سنجی کالاهای وارداتی، نقش زیادی در افزایش سرعت ترخیصات گمرکی دارد و همچنین در ایران، این روش با تقسیم خطوط بررسی اظهارنامه های گمرکی که به سه رنگ زرد، قرمز و سبز تقسیم بندی می شود، انجام شده اما به نظر می رسد تجربه کشورهای توسعه یافته در این راه، سرعت و دقت بیشتری دارد.

با این حال نماگرهای پروژه انجام کسب و کار مرتبط با تجارت فرامرزی یکی از اولین نماگرها بودند که زمان و هزینه اضافه ناشی از موانع اداری، مقرراتی و پشتیبانی (لجستیکی) تحمیل شده به تجارت بین الملل را محاسبه کردند. گزارش سال جاری تغییرات مهمی در روش شناسی نماگرها داشته است. این تغییرات با هدف افزایش میزان ارتباط اقتصادی و سیاستی نماگرها، تکرار شوندگی داده ها و توضیح دادن شرایطی است که داده ها در آن تفسیر شوند. علاوه بر اینها، هشدارهایی که باید در زمان تفسیر داده ها مد نظر قرار گیرند.

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر



اتحادیه گمرکی بررسی کند.

آیا عضویت در اتحادیه گمرکی بر مدت زمان و هزینه تجارت تأثیر می‌گذارد؟ چهل و هفت سال پیش، در حالی که دیگر اعضای جامعه بین‌المللی درباره سطح تعرفه‌ها و سهمیه‌ها مذاکره می‌کردند، اتحادیه اروپایی در تدارک یک آزمایش بزرگ برای راه اندازی یک اتحادیه گمرکی بود. به گونه‌ای که عوارض گمرکی در مرزهای داخلی بین کشورهای عضو اتحادیه اروپایی را حذف کنند. عوارض گمرکی مشترک بر واردات از خارج از اتحادیه اروپا وضع کنند و همچنین قوانین مشترک مربوط به مبدا تولیدات خارج از اتحادیه حاکم باشد و اینکه آیین اعضای اتحادیه یک تعریف واحد از ارزش گمرکی وجود داشته باشد.

اگر چه اتحادیه گمرکی اتحادیه اروپا همچنان یکی از بهترین نمونه‌های تسهیل تجارت بین کشورهای مختلف است، اما در این مسیر تنها نیست. بیش از نیمی از ۱۸۹ اقتصاد بررسی شده توسط پروژه انجام کسب‌وکار عضو یک اتحادیه گمرکی هستند. علاوه بر این، ۳۳ کشور که بر اساس پیش‌فرض‌های صادرات شریک تجاری یکدیگرند عضو اتحادیه گمرکی هستند. به همین ترتیب ۳۹ کشور نیز که با توجه به پیش‌فرض‌های واردات شرکای تجاری‌اند، عضو اتحادیه گمرکی هستند. در این کشورها، زمان انطباق اسنادی و مرزی به شکل قابل ملاحظه‌ای کمتر از میانگین کشورهای است که عضو اتحادیه گمرکی نیستند. اما

همه اتحادیه‌های گمرکی شبیه هم نیستند. اتحادیه‌های گمرکی بین کشورهای با درآمد بالا عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (در اصل اتحادیه گمرکی اتحادیه اروپا به شکل قابل ملاحظه‌ای عملکرد بهتری نسبت به بقیه دارند. پس از آن اتحادیه‌های گمرکی در اروپا و آسیای مرکزی و سپس اتحادیه‌های گمرکی در جنوب صحرای آفریقا عملکرد بهتری دارند. در آمریکای لاتین و کارائیب. عضویت همزمان یک کشور و مهم‌ترین شریک صادراتی آن در یک اتحادیه گمرکی، تأثیر قابل توجهی بر کاهش زمان انطباق مرزی برای صادرات ندارد. اما آن بر مدت زمان انطباق اسنادی نیز اثرگذار است. در مورد واردات. اتحادیه‌های گمرکی زمان انطباق مرزی را در آمریکای لاتین و کارائیب، همانند سایر متعلق، کاهش می‌دهند. با این حال، در آمریکای لاتین و کارائیب، چنانچه شریک وارداتی عضو همان اتحادیه گمرکی باشد. زمان انطباق اسنادی بیشتر طول می‌کشد. این موضوع ممکن است به این دلیل الزام ارائه گواهی مبدا برای اثبات اینکه تولیدات در بین اعضای اتحادیه گمرکی مبادله شده‌اند، باشد. یک اتحادیه گمرکی، یک قلمرو گمرکی است که جایگزین دو یا چند قلمرو گمرکی شده و اعضای آن تعرفه خارجی مشترکی را اعمال می‌کنند. به همین دلیل مطالعه پیش‌رو یک تمامیت ارضی که به عنوان قلمرو گمرکی شکل گرفته را دربرمی‌گیرد، مانند قلمرو گمرکی ایالات متحده ایالات متحده و

پورتوریکو قلمرو ایالات متحده) و قلمرو اصلی گمرکی چین (به همراه هنگ کنگ و تایوان) و همچنین معاهداتی که موجب افزایش وسعت قلمرو گمرکی اتحادیه اروپا شدند (سن‌مارینو و ترکیه). از آنجا که اطلاعات جمع‌آوری شده در مورد هزینه صادرات با واردات شامل تعرفه‌ها و عوارض گمرکی نمی‌شود. مطالعه پیش‌رو مناطق آزاد تجاری (مانند موافقتنامه نفتا) را نیز دربرمی‌گیرد. که در آن عوارض تجارت بین اعضا صفر است اما اعضا بر روی واردات از کشورهای غیرعضو، تعرفه خاص خود را وضع می‌کنند.

دومین نیرو به کارگیری فناوری اطلاعات و ارتباطات در تجارت بین‌الملل است. فرآیند تجارت بین‌المللی طولانی و پیچیده است: سازمان‌های متعدد اقتصادی و دولت در بسیاری از مراحل با یکدیگر تعامل دارند و در هر سطح اطلاعات بسیار زیادی مبادله می‌کنند. هر فناوری که باعث می‌شود این جریان اطلاعات سریع‌تر و کارآمدتر شود، به احتمال زیاد در مراحل مختلف تأثیر زیادی بر هزینه‌های تجارت و زمانی که مصرف آن می‌شود خواهد داشت.

با اذعان به اینکه در حال حاضر کشورهای زیادی برخی از نسخه‌های تبادل الکترونیکی اطلاعات را انتخاب کرده‌اند و پیش‌بینی می‌شود که در آینده بیشتر از گذشته دیجیتالی شوند، پروژه انجام کسب‌وکار در حال حاضر زمان صرف شده برای تجارت را به جای تعداد روزه با تعداد ساعت می‌سنجد.

استقلال گمرک در خطر موازی کاری

نهادهای درگیر تجارت



مگر در برخی موارد استثنایی در خصوص تعیین ماهیت، تنها در مورد خواص فیزیکی کالا اعلام نظر می‌شود و در مورد کیفیت کالا هیچگونه اعلام نظری نمی‌شود و اما در مورد کالاهای مشمول استاندارد که خود به دو دسته مشمول مصوبه هیأت وزیران و مشمول استاندارد اجباری تقسیم می‌شوند. این کالاها باید جهت تعیین کیفیت مورد آزمایش قرار گیرند. به عبارت دیگر هم خصوصیات فیزیکی آنها و هم تطابق آنها با استاندارد اعلام شود (مانند روغن موتور). استانداردهای مشمول مصوبه وزیران که توسط هیأت دولت در ایران تصویب می‌شود، در فهرستی به سازمان استاندارد ارائه می‌شود. کالاهای مشمول استاندارد نیز توسط شورای عالی استاندارد تعیین می‌شود.

◆ سهم سازمان استاندارد در طولانی‌تر شدن فرآیندها

در این باره باید اذعان کرد که در برخی موارد نمایندگان صاحب کالا با ترخیص کاران پس از ارائه مدارک به اداره استاندارد، جهت دریافت مجوزهای صادر شده با تأخیر مراجعه می‌کنند که این امر، موجب طولانی‌تر شدن فرآیند ترخیص کالا می‌شود. چنانچه کالایی بعد از انجام آزمون، مردود اعلام شود، نمایند صاحب کالا یا ترخیص کار مربوطه تا یک هفته مهلت اعتراض دارد که تأخیر در این مدت، تأخیر در فرآیندها را دربردارد. در مورد برخی کالاها، زمان آزمون با توجه به

پیچیدگی‌های موجود داشته باشد. بدیهی است که این پیچیدگی موجب زمان‌بر شدن ترخیص کالا می‌شود و هرچه زمان انجام فرآیندهای قانونی بیشتر شود، ضریب احتمال فساد نیز افزایش می‌یابد. با این حال مهم‌ترین نهادهای درگیر با گمرک معرفی شده و پس از تبیین جایگاه قانونی آنها، مشکلات آنها با گمرک مطرح می‌شود.

◆ مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران

به‌طور کلی اگر کالایی که وارد کشور می‌شود، جهت تعیین تعرفه گمرکی، توسط ارزیاب قابل کنترل نباشد، مقداری از کالا به عنوان نمونه جهت شناخت خواص، آنالیز، شناسایی و تعیین ردیف تعرفه به آزمایشگاه فرستاده می‌شود. بدیهی است در این راستا هدف، مشورت با سازمان استاندارد در خصوص شناسایی مواد تشکیل‌دهنده کالا است (نظیر مواد شیمیایی، منسوجات، آهن‌آلات، مواد غذایی و...). این مؤسسه شاید به زعم بسیاری از کارشناسان، بیشترین ارتباط و تعامل را با گمرکات جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. به‌طور کلی کالاهای وارداتی در این سازمان از دو جنبه مورد آزمایش قرار می‌گیرند. نخست ماهیت و دوم مشمول استاندارد در خصوص تعیین ماهیت کالاها. در بیشتر موارد تجهیزات لازم در آزمایشگاه مستقر در گمرکات موجود است و آزمایشات لازم صورت می‌گیرد،

تعارض منافع و موازی کاری‌ها زیاد در سیستم ترخیص کالا، موجب مشکلات زیادی شده است. این در حالی است که در همه کشورهای جهان، گمرک دارای استقلال و قدرت زیادی در انجام فرآیندهای تجاری است. اما در ایران، این قاعده جریان ندارد چراکه سازمان‌ها و نهادهای زیادی هستند که بر پیچیدگی‌های فرآیندهای گمرکی می‌افزایند و متأسفانه سرعت انجام این فرآیندها را کاهش می‌دهند. در این گزارش به برخی از این سازمان‌ها و نحوه دخالت آنها اشاره می‌شود.

◆ مشکلات بین نهادهای در ساختار تجارت

بخش اول تحلیل، به بررسی رابطه نهادهای درگیر با تجارت می‌پردازد می‌پردازد. پیچیدگی‌ها و خلاها فراوان قانونی در بخش موجب شده تا راه دروهای متعددی برای سودجویان فراهم شود. رابطه سیستمیک در میان اجزای این بخش متأسفانه مملو از اخلال‌های فرآیندی است. دستگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با یکدیگر روابط پویا و مکانیزه شده‌ای ندارند و این امر، دستاویز خوبی را برای متخلفان فراهم کرده است. در تحلیل انجام شده، فرض بر این شده که گمرک در مرکزیت سیستم قرار دارد و روابط بین بخشی تنها به صورت دو به دو و با گمرک است. این ساده‌سازی موجب می‌شود تا مخاطب درک بهتری از

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر



تجهیزات و نتایج آزمایش، مدت قابل توجهی را به خود اختصاص می‌دهد. به عنوان مثال می‌توان به آزمایش‌های تعیین درصد کافئین و آزمایش‌های مربوط به کشت میکروب که حدوداً ۱۰ روز طول می‌کشد اشاره کرد. همچنین سم‌شناسی خوراک دام و خوراک انسان به چهار آزمون نیاز دارد که بدین منظور نمونه کاملاً باید در تهران آزمایش شود. از سوی دیگر با توجه به حجم زیاد فرآورده‌ها و تعداد مراجعات، کمبود قابل ملاحظه نیرو در بخش اداره استاندارد مستقر در استان‌ها مشاهده می‌شود.

یکی دیگر از مشکلات موجود این است که موسسه استاندارد و تحقیقات در بسیاری موارد، استانداردهای جهانی را قبول ندارد. به عنوان مثال می‌توان به دستگاه اتوکلاو که استانداردهای اجباری معتبر جهانی را داشته یا تجهیزات و قطعات خودروی ساخت کارخانجات معتبر جهان اشاره کرد. در برخی موارد نیز آزمایشگاه نمونه کالا را برای انجام آزمایش به مراجع فاقد صلاحیت لازم ارجاع می‌دهد. متأسفانه آزمایشگاه مستقر در گمرک تجهیزات کافی را در اختیار ندارد.

در بسیاری از موارد مشاهده می‌شود که اداره استاندارد قابلیت پاسخگویی به درخواست گمرک را نداشته که این امر موجب ارجاع مورد آزمایش به موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران می‌شود که این موضوع موجب اتلاف زمان بسیاری می‌شود. تجهیزات آزمایشگاهی، پاسخگوی همه سوالات نیست

و با توجه به ضعف تجهیزات موجود آزمایشگاه گمرک، باید نمونه‌ها به دیگر واحدهای آزمایشگاهی مؤسسه استاندارد و تحقیقات ارسال شود که این ارجاع خود نیازمند زمان بیشتری است

با توجه به اینکه ترخیص کالا منوط به پاسخ آزمایشگاه است، برخی آزمایشات چندین مرتبه تکرار می‌شوند. (هر بار که واردات صورت می‌گیرد) برخی آزمایشات با توجه به درجه اهمیت کالا و خواص آن باید در سریع‌ترین زمان انجام شود و کالای مربوطه ترخیص شود، اما در این خصوص همکاری لازم توسط اداره استاندارد صورت نمی‌پذیرد که این موضوع خود ضررهایی را به ارباب رجوع تحمیل می‌کند.

عدم دقت آزمایشگران موجب آنالیز نادرست و به دنبال آن درج تعرفه اشتباه برای کالا می‌شود. عدم دقت در پاسخگویی آزمایشگاه به سوالات گمرک، موجب تکرار آزمایش می‌شود. در برخی موارد آزمایشگاه در تعیین کد تعرفه نظر می‌دهد و این موجب به وجود آمدن اختلاف در تعیین کد تعرفه می‌شود. هزینه‌های محاسبه شده ارائه خدمات آزمایش جهت دریافت از ارباب رجوع بسیار زیاد است. انجام آزمایشات در مورد برخی از کالاها، تجهیزات بسیار گران‌قیمتی را می‌طلبد و بسیار هزینه بر است که به عنوان نمونه می‌توان به آزمایش کمر بند ایمنی اشاره کرد.

♦ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

یکی از مهم‌ترین وزارتخانه‌های مرتبط با فعالیت گمرک، جهت ترخیص کالاهای ورودی، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است که فعالیت‌های مربوط به صدور مجوز در این وزارتخانه تحت قالب دو عنوان کلی بخش خوراکی و آشامیدنی و بخش تجهیزات پزشکی انجام می‌شود. در بخش اول عمده فعالیت‌های صدور مجوز در دو گروه مواد غذایی و دارو انجام می‌شود.

در خصوص واردات مواد اولیه لازم به ذکر است، در صورتی که این مواد توسط تولیدکنندگان داخلی اظهار شود با توجه به اینکه وزارت بهداشت و درمان دارای نماینده‌ای در واحدهای تولیدی است، این مواد بدون نمونه‌گیری و در کمترین زمان ممکن، جواز ترخیص خود را از وزارتخانه مذکور دریافت می‌کند و در صورتی که نماینده مستقر در کارگاه تولیدی تشخیص دهد که ماده اولیه وارداتی کیفیت لازم را نداشته و با استانداردهای داخلی تطبیق ندارد، از مصرف آن جلوگیری به عمل آورده و مراتب

را به مقامات مسئول سازمان اعلام می‌دارد تا اقدامات مقتضی به عمل آید.

در مورد مواد اولیه‌ای که توسط اشخاص حقیقی غیر از تولیدکنندگان معتبر داخلی وارد می‌شوند در ابتدا شخص باید مدارک لازم نظیر کارت بازرگانی و معرفی‌نامه از سوی نمایندگان تولیدکننده در خارج از کشور، اصل گواهی آنالیز، اصل گواهی بهداشت، پروفرم و فاکتور جنس را ارائه کرده و سپس طبق قوانین سازمان از محموله وارداتی نمونه‌گیری بعمل آورده و پس از تایید توسط کارشناسان معاونت غذا و دارو، مجوز ترخیص صادر شود. در غیر این صورت اقدامات مقتضی نظیر مرجوع یا معدوم نمودن کالای وارداتی اعمال می‌شود.

در بخش خوراکی و آشامیدنی نیز، کالاهایی که در حیطه مواد خوراکی و آشامیدنی نیاز به اخذ مجوز جهت ورود به کشور را دارند به دو دسته مواد اولیه و کالاهای فرآوری شده تقسیم می‌شوند. اداره بهداشت نمونه‌های تعرفه‌ای مواد غذایی را حداقل یک هفته برای آزمایش نگه می‌دارد که این مدت موجب طولانی شدن زمان ترخیص کالا می‌شود (با توجه به اینکه مهر سفارت ایران در کشور مربوطه و نیز تاریخ مصرف بر روی کالا درج شده است)

♦ سهم وزارت بهداشت در طولانی‌تر شدن فرآیندها

وجود تناقض در نظریه وزارت بهداشت و سازمان استاندارد در خصوص کالاهایی که نیاز به اخذ مجوز از هر دو سازمان را دارد یکی از اساسی‌ترین چالش‌های موجود است. همچنین عدم آگاهی واردکنندگان در خصوص قوانین و مقررات واردات و اخذ مجوز از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز از جمله این مشکلات محسوب می‌شود. عدم یکسان بودن نام و اصطلاحات علمی در خصوص برخی از کالاها، مشخص نبودن برخی از تعرفه‌های دارویی، عدم به کارگیری روش مناسب و علمی جهت نمونه‌گیری، عدم وجود یک سیستم مناسب جهت جلوگیری از صدور مجوزهای تکراری برای کالاهای کاملاً مشابه و تعدد در صدور مجوزها به علت ورود کالاها از یک نوع به تعداد کم و دفعات زیاد و توسط یک وارد کننده نمونه‌های دیگری از این مشکلات قلمداد می‌شود.

عدم ارجاع کالاهایی که مرجوعی اعلام شده‌اند، به کشور مبدأ، نبود تجهیزات کافی در نمایندگی‌ها، عدم آگاهی برخی وارد کنندگان نسبت به قوانین مربوط به واردات کالا و تجهیزات پزشکی، عدم اخذ



دارد که به آن قرنطینه دامی گفته می‌شود. بر اساس ماده ۷ قوانین صادرات و واردات سازمان دامپزشکی کشور، ورود دام و فرآورده‌های دامی منوط به اخذ مجوز از اداره قرنطینه دامی است که این قوانین شامل کلیه موارد بیولوژیکی، واکسن‌ها، مواد اولیه خوراک دام (ساخته شده یا کنسنتره شده) است. روند واردات این گونه کالاهای در بخش قرنطینه دامی، به گونه‌ای است که پس از طی شش مرحله، واردکننده (اعم از حقیقی یا حقوقی) می‌تواند مجوز ترخیص قطعی را برای کالای خود دریافت کند.

◆ سهم وزارت جهاد کشاورزی

در طولانی‌تر شدن فرآیندها

از عمده مشکلاتی که این نهاد در فرآیندهای گمرکی ایجاد کرده است، مربوط به عدم وجود مکان مناسب جهت قرنطینه کالاهای مرجوعی که امکان بازگشت به کشور مبدا را ندارند. همچنین یکسان نبودن نتایج آزمایشگاهی در خصوص کالاهایی که نیاز به اخذ مجوز از چندین سازمان را دارند و عدم مراجعه به موقع برخی از واردکنندگان، جهت دریافت مجوز ترخیص، از جمله این مصائب عنوان می‌شود. بسیاری از کارشناسان بر این باورند کمبود نیروی انسانی متخصص، عدم آگاهی برخی واردکنندگان از قوانین و مقررات وزارت جهاد کشاورزی در خصوص واردات کالا و کمبود تجهیزات آزمایشگاهی در برخی از مبادی ورودی، ریشه‌های

سلامت کامل اجازه ترخیص از گمرک، صادر می‌شود. در مورد این نوع کالاهای ضروری است واردکنندگان کالاهای علاوه بر اخذ گواهی بهداشت از کشور مبدا قبل از انجام واردات به اداره قرنطینه نباتی وزارت جهاد کشاورزی مراجعه و شرایط خاص اعلام شده توسط این سازمان را جهت واردات کالای خود دریافت و به کشور مبدا منعکس می‌کند تا شرایط مذکور توسط کشور مبدا رعایت و در خصوص مورد نظر اعمال شود

کالاهای با ریسک قرنطینه متوسط نیز باید به هنگام ورود به کشور باید دارای تاییدیه‌ها و شرایط خاصی به لحاظ کیفی باشند که تاییدیه‌ها و شرایط مربوط در بخش قرنطینه نباتی موجود و رعایت این شرایط توسط واردکنندگان الزامی است.

در خصوص کالاهای با ریسک قرنطینه بالا، واردکنندگان موظفند علاوه بر رعایت همه شرایط ذکر شده در مورد کالاهای با ریسک قرنطینه کم و متوسط، مجوز وزارت جهاد کشاورزی را نیز در راستای واردات اینگونه کالاهای دریافت کنند. لازم به ذکر است در صورتی که هر یک از انواع کالاهای مشخص شده با رعایت همه شرایط تصریح شده وارد کشور شوند اما در هنگام نمونه‌گیری و بازرسی توسط ناظران بخش قرنطینه نباتی مواردی از آلودگی یا عدم سلامت در آنها مشاهده شود، اقدامات مقتضی از قبیل ضدعفونی، مرجوع و یا معدوم کردن در مورد آنها اعمال می‌شود. همچنین نوع دیگری از قرنطینه وجود

تاییدیه و ثبت سفارش قبل از ورود کالا به کشور، توسط واردکنندگان، نبود تجهیزات مناسب و کافی جهت مشخص کردن شرایط کالا و تجهیزات پزشکی، در مبادی ورودی کشور نیز از دیگر مشکلاتی است که موجب طولانی‌تر شدن فرآیندهای ترخیص کالا و همچنین عواملی برای تشدید قانون‌گریزی و قاچاق در بخش می‌شود.

◆ وزارت جهاد کشاورزی

وزارت جهاد کشاورزی به عنوان یکی از سازمان‌های همجوار گمرک، مسئول صدور مجوز در خصوص برخی از کالاهای وارداتی است. این وزارتخانه در دو بخش قرنطینه نباتی و قرنطینه دامی مجوز ورود کالاهای صادر می‌کند.

در قرنطینه نباتی، نحوه برخورد و صدور مجوز برای ورود کالاهای وارداتی بر اساس قانون و آیین‌نامه حفظ نباتات مصوب ۱۳۴۶ است مطابق با آیین‌نامه فوق کالاهای وارداتی از منظر این بخش به سه گروه تقسیم می‌شوند که عبارتند از: کالاهای با ریسک قرنطینه کم، کالاهای با ریسک قرنطینه متوسط و کالاهای وارداتی با ریسک قرنطینه بالا.

در کالاهای با ریسک قرنطینه کم باید گفت که از نظر سنجش اداره قرنطینه نباتی وزارت جهاد کشاورزی تنها دارا بودن گواهی بهداشت از سوی کشور مبدا برای صدور مجوز ترخیص کفایت می‌کند که پس از کنترل و بازرسی توسط ناظران این سازمان و تایید

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر



کشتیرانی انجام می‌شود. آیین‌نامه تفکیک وظایف گمرکی و سازمان مذکور مربوط به ۲۵ سال پیش بوده و بعضی از مسائل و مشکلات جاری در آنها پیش‌بینی نشده که این موضوع مشکلاتی را دامن‌گیر گمرک کرده است.

تبادل اطلاعات میان دو سازمان (گمرک جا و بنادر و کشتیرانی بسیار ضعیف است. فقدان یک سیستم یکپارچه اطلاعاتی در خصوص پرونده مربوط به کالاهای وارداتی مابین دو سازمان و افزایش یکباره نرخ هزینه‌های انبارداری، که این امر هزینه‌های زیادی را بر ترخیص‌کاران گمرک تحمیل می‌کند. این در حالی است که زمان معافیت از هزینه‌های انبارداری در گذشته ۱۵ روز بوده اما در حال حاضر این زمان به ۱۰ روز تقلیل یافته است که باتوجه به حجم بالای کالاهای ورودی و فرآیند ترخیص کالا، در بیشتر موارد زمان ترخیص از حد تعیین شده تجاوز کرده و به تبع آن هزینه‌های بیشتری به مشتریان تحمیل می‌شود، با توجه به زمان تعیین شده (۱۰ روز) جهت معافیت از هزینه‌های انبارداری، چنانچه این زمان از مدت مذکور بگذرد کل زمان سپری شده (زمان ۱۰ روز به‌علاوه زمان تأخیر بیش از ۱۰ روز) مبنای محاسبه هزینه انبارداری قرار می‌گیرد. (با توجه به بخشنامه‌های داخلی سازمان بنادر و کشتیرانی)، این سازمان همچنین تجهیزات پیشرفته به تعداد مورد نیاز مانند دستگاه‌های X-RAY جهت بازرسی و کنترل کانتینرها را ندارد. از سوی دیگر سیستم متمرکزی که ثبت مکانیزه در درب خروج را انجام نداشته و این عامل موجب به‌وجود آمدن تأخیر در ترخیص کالا می‌شود. مستقل شناخته شدن دو سازمان از سوی دیگر که موجب انجام دوباره کاری از جانب سازمان‌ها می‌شود که این موضوع موجب تأخیر در صدور مجوز می‌شود. از سوی دیگر انبار شدن مقادیر بسیار زیادی از کالاهای قابل اشتعال در محوطه انبارها خطرآفرین است، به عنوان مثال می‌توان به انبار پنبه اشاره کرد. وجود بروکراسی نامناسب در بخش خدمات مالی جهت وصول هزینه‌های گمرکی که موجب طولانی شدن زمان اخذ قبوض لازم می‌شود. نبود زمان‌بندی مناسب جهت مراجعه به‌موقع رانندگان کامیون‌ها به پایانه‌های مستقر در گمرک، از آنجا که کنترل‌ها بیشتر به صورت فیزیکی صورت می‌گیرد بنابراین زمان ترخیص کالاها طولانی‌تر می‌شوند.

تعداد بسیار زیاد کانتینرها در بیشتر بنادر موجب شده که ارتفاع چیدمان کانتینرها از حالت استاندارد (۴ عدد) تجاوز کند که این موضوع ناشی از عدم وجود سیستمی

مناسب جهت جلوگیری از دیو شدن بی‌مورد کانتینرها است. از دیگر مشکلاتی که همواره حل آن درهاله‌ای از ابهام قرار دارد، اسکله‌های غیرمجاز است که خارج از نظارت گمرکی است اما زیرنظر سازمان کشتیرانی است. بخش زیادی از این اسکله‌ها، توان زیادی در راستای قاچاق کالا دارند. متأسفانه هنوز برای این اسکله‌ها تعیین و تکلیفی صورت نگرفته است در حالی که عرف قانونی در همه جای جهان، حکم می‌کند، نظارت بر اسکله‌ها، بر عهده گمرک باشد.

♦ سازمان جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی

سازمان اموال تملیکی یکی دیگر از سازمان‌هایی است که در حوزه مربوط به واردات کالا با گمرک جمهوری اسلامی ایران ارتباط نزدیکی دارد. در خصوص این سازمان لازم به ذکر است که سه گروه از کالاهای سازمان مذکور ارجاع داده می‌شود که عبارتند از کالای متروکه، کالای قاچاق و کالای قضایی ضبطی. در بخش مربوط به واردات کالا، سازمان اموال تملیکی تنها در مورد کالاهای گروه الف با گمرک جمهوری اسلامی ایران در تعامل است که فرآیند مربوط به نحوه ارتباط و تعامل این سازمان با گمرک جمهوری اسلامی ایران در خصوص کالاهای بند الف به شرح ذیل است.

در صورت ورود کالا به کشور، این کالا پس از طی مراحل قانونی به انبار گمرک جمهوری اسلامی ایران تحویل داده می‌شود تا صاحب کالا هرچه سریع‌تر نسبت به ترخیص کالای خود اقدام کند. مطابق با ماده ۲۲ قانون امور گمرکی، حداکثر توقف هر کالا از تاریخ تسلیم مانیفست با اظهارنامه اجمالی چهار ماه خواهد بود که با تقاضای کتبی صاحب کالا و تشخیص گمرک، مهلت مقرر تا چهار ماه دیگر قابل تمدید است که به استناد ماده واحد تبصره به این ماده، مهلت توقف کالا در اماکن گمرک هوایی از تاریخ صدور قبض انبار حداکثر دو ماه است. در صورت انقضای مدت مذکور و در صورتی که هنوز صاحب کالا نسبت به ترخیص آن اقدامی نکرده باشد، اختاریه‌ای برای صاحب کالا ارسال و از وی خواسته می‌شود ظرف مدت حداکثر ۲۰ روز نسبت به ترخیص کالای خود اقدام کند. پس از پایان این مدت و در صورتی که صاحب کالا هنوز نسبت به ترخیص کالای خود اقدامی به‌عمل نیاورده باشد، پرونده مربوطه، به سازمان اموال تملیکی جهت انجام اقدامات مقتضی ارسال می‌شود.

مشکلات یاد شده هستند. این در حالی است که درخواست نکردن مدارک مورد نیاز وزارت جهاد کشاورزی در خصوص برخی از کالاهای که مطابق قانون می‌باید این مدارک از آنها اخذ شود (در این خصوص می‌توان به چای سیاه اشاره کرد) و عدم اعمال پاره‌ای از قوانین وزارت جهاد کشاورزی در برخی از مبادی ورودی به عدم وجود فضای مناسب در برخی از گمرکات جهت استقرار تجهیزات آزمایشگاهی در راستای تسریع کار ارباب رجوع، عامل مشکلات دیگری در طول فرآیندهای ترخیص شده است.

♦ سازمان بنادر و کشتیرانی

سازمان بنادر و کشتیرانی سازمان بنادر و کشتیرانی (به عنوان یکی از سازمان‌های تابعه وزارت راه و ترابری) از مهم‌ترین سازمان‌های همجوار در ارتباط مستقیم با گمرک جمهوری اسلامی ایران است. این ارتباط از زمان ورود کشتی به محوطه بنادر شروع شده و تا زمان خارج شدن محموله از درب خروج ادامه می‌یابد. رابطه مذکور با توجه به اهمیت ویژه به دو بخش تقسیم می‌شود: در بخش اول سازمان بنادر و کشتیرانی ناظر به ورود و خروج کشتی بر گمرکات بوده و قوانین گمرکی تکلیفی را برای این سازمان تعیین کرده است. در بخش دوم نیز خدمات مربوط به انبارداری، بارگیری و تخلیه، با توجه به مقررات گمرکی و رعایت اصول نظارتی گمرک بر صادرات و واردات توسط سازمان بنادر و

هزینه‌های زمان‌بری



محمد حیدری

دانشجوی دکتری دانشگاه علامه

با انتخاب مهم‌ترین محصول صادراتی غیراستخراجی هر کشور به عنوان پیش‌فرض، پروژه انجام کسب‌وکار اطمینان می‌باید زمان و هزینه صادرات محصولی را ارزیابی می‌کند که به اقتصاد مورد بررسی و همچنین سیاستگذاران آن اقتصاد مربوط است. ۹۷ محصول ممکن است در سطح دو رقیبی سیستم هماهنگ شده طبقه‌بندی کالاها (سال ۱۹۹۶) جای داشته باشند. مشخص شد که از این تعداد ۳۹ کالا جزء مهم‌ترین محصولات صادراتی ۱۸۹ کشور بررسی شده توسط پروژه انجام کسب‌وکار به شمار می‌روند. دامنه این کالاها از محصولات لبنی تا ماشین‌آلات و لوازم مکانیکی را در بر می‌گیرد. دسته‌بندی این محصولات در گروه‌های بزرگ‌تر نشان می‌دهد که در ۳۷ درصد از کشورها یک محصول کشاورزی مهم‌ترین محصول صادراتی است، در ۲۹ درصد کشورها محصولات تولیدی صنعتی سنگین، در ۲۲ درصد کشورها محصولات تولیدی صنعتی سبک و در ۱۲ درصد کشورها یک محصول مبتنی بر فلزات است.

برای مثال، بسیاری از کشورهایی که مهم‌ترین کالای صادراتی آنها یک محصول کشاورزی است در آفریقا یا اقیانوسیه قرار گرفته‌اند؛ در حالی که کشورهایی که مهم‌ترین کالای صادراتی آنها محصولات تولیدی صنعتی سنگین است، در شمال آمریکا و یا اروپا واقع شده‌اند. تجزیه و تحلیل پیامدهای مرتبط با انطباق مرزی و اسنادی، مانند مدت زمان و هزینه روندهای جالبی را آشکار می‌کند. در کشورهایی که مهم‌ترین کالای صادراتی آنها یک محصول کشاورزی است، مدت زمان مورد نیاز برای طی فرآیند انطباق مرزی به طور متوسط ۷۰ درصد بیشتر از ۳۵ ساعت بیشتر از سایر کشورها است، در حالی که مدت زمان مورد نیاز

برای طی فرآیند انطباق استاندارد برابر زمان مشابه در سایر کشورها است.

علاوه بر این، تفاوت هزینه انطباق اسنادی نیز قابل توجه است: دریافت، آماده‌سازی و تحویل اسناد مربوط به محصولات کشاورزی دو برابر هزینه انجام این کارها برای سایر طبقه‌بندی‌های کالایی است. دلیل اصلی برای این تفاوت‌ها این است که ۸۱ درصد کشورهایی که مهم‌ترین کالای صادراتی آنها یک محصول کشاورزی است، بازرسی‌ها و رویه‌های مختص به یک محصول (مانند گندزدایی با گاز و بازرسی‌های بهداشتی گیاهی را برای صادرات آن الزامی کرده‌اند، در حالی که تنها ۲۱ درصد سایر کشورها چنین الزامی برای صادرات مهم‌ترین محصول صادراتی خود دارند. تفاوت‌ها زمانی کاملاً برجسته می‌شود که محصولات کشاورزی با محصولات مبتنی بر فلز (به استثنای محصولات مبتنی بر فلز) مقایسه می‌شوند.

تنها ۲۰ درصد از کشورهایی که مهم‌ترین کالای صادراتی آنها یک محصول تولیدی صنعتی است بازرسی‌ها و رویه‌های مختص به آن محصول را الزامی کرده‌اند. با این حال حتی در میان کشورهایی که مهم‌ترین کالای صادراتی آنها یک محصول کشاورزی است، مدت زمان انطباق اسنادی و مرزی به طور گسترده‌ای متفاوت است. مدت زمان انطباق مرزی بسته به بازرسی‌های مختص به محصول کشاورزی مورد نظر بین ۱۱ تا ۲۱۰ ساعت متغیر است. این تنوع نشان می‌دهد که هم‌زمان با تسهیل تجارت (و یا دست‌کم اضافه کردن موانع) امکان حمایت از مصرف‌کنندگان و بازرگانان وجود دارد. تنها با منظور کردن زمان و هزینه مرتبط با رویه‌هایی که مقامات دولتی در اقتصاد تحت کنترل خودشان برای بازرسی یک کالای خاص در زمان انطباق مرزی و اسنادی الزامی کرده‌اند، پروژه انجام کسب‌وکار قادر است آثار ناشی از سیاست‌های اعمال شده توسط یک

دولت بر مصرف‌کنندگان و بنگاه‌های آن اقتصاد که طبیعتاً در کنترل خود دولت است و آثار سایر رویه‌های تحصيلی خارج از آن اقتصاد را تفکیک کند. در بین ۶۹ کشوری که مهم‌ترین کالای صادراتی آنها یک محصول کشاورزی است، ۵۶ کشور رویه‌های بازرسی مختص به یک محصول را برای صادرات اعمال می‌کنند. در حالی که در میان ۱۱۸ کشوری که مهم‌ترین کالای صادراتی آنها یک محصول مبتنی بر فلز یا محصولات تولیدی - صنعتی سبک و یا سنگین است، تنها ۲۵ کشور الزام بازرسی مختص به محصول وجود دارد این اقتصادها در تمام مناطق جغرافیایی و گروه‌های درآمدی از نروژ در میان اقتصادهای با درآمد بالای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی گرفته تا گینه بیسائو از کشورهای جنوب صحرای آفریقای دیده می‌شوند. برای مثال، هم کانادا و هم استرالیا بازرسی‌ها و گواهینامه‌های بهداشتی را برای مهم‌ترین کالای صادراتی خود الزامی کرده‌اند. با وجود این شاید، انجام فرآیندهای انطباق مرزی در کانادا برای یک صادرکننده هندی مجوز ۱۰۱ ساعت طول می‌کشد و ۱۰۳۴ دلار هزینه دارد، در حالی که یک صادرکننده گوشت استرالیایی تنها ۳۶ ساعت زمان صرف می‌کند و ۷۴۹ دلار هزینه می‌کند. همچنین زمان انجام کارهای انطباق اسنادی مربوط به صادرات در کانادا (۷۷ ساعت) ده برابر انجام کارهای مشابه در استرالیا (۷ ساعت) طول می‌کشد. صادرکننده کانادایی باید پیش و چندین روز قبل از صادرات، با وزارت کشاورزی تماس بگیرد و منتظر دریافت یک سند کتبی برای ترخیص گمرکی باشد. در مقابل، در استرالیا، مقامات قرنطینه در سراسر دوره تولید هم با تولیدکننده و هم با مقامات گمرکی همکاری نزدیکی دارند، موضوع کلیدی این نیست که چرا بازرسی‌های بهداشتی بیشتر الزامی هستند، بلکه مهم این است که به شکل موثری انجام شوند.

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر



آرزوهای بلند، بال‌های کوتاه

منصوره نصرتی کردکندی
عضو هیأت تحریریه



زمان سقف آرزوها را پایین بیاوریم و خود را در چارچوب‌های تنگ محبوس کنیم. یک راه دیگر این است که میزان تطابق واقعیت‌ها را با آرزوها در عمل نشان دهیم و با استناد به آمارها و ارقام یادآور شویم که آیا آرزوها را بسیار بزرگ گرفته‌ایم یا اینکه توانایی‌هایمان را بیش از اندازه لازم تصور کرده‌ایم. گزارش حاضر می‌خواهد نشان دهد که چگونه آرزوهای یک بخش از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد با توجه به شرایط رخ داده در مدت یک سال در شرایط دلسردی قرار گرفته است.

بار به شکست برسد چه اتفاقی می‌افتد؟ واکنش طبیعی آدمی و جامعه‌ها به ناکامی در پوشاندن لباس عمل به آرزوها دلسردی، ناامیدی و کنار کشیدن از وسط میدان است. در این شرایط اما چه کار دیگری می‌توان انجام داد. یک راه این است که آرزوها را دوباره تعریف کرد و آنها را با توانایی‌های خود سازگار کرده و مطابقت دهیم. ممکن است روزی که این آرزوها و آرمان‌ها تعریف می‌شدند شرایط با امروز تفاوت‌های بنیادین کرده باشد. اما این کار خطرناکی است که در هر مقطع از

بدون آرزو آرمان‌های بزرگ، زندگی انسان‌ها و جامعه‌ها از معنا تهی می‌شود و شوق پرواز از آنها گرفته می‌شود. آرزوهای بلند و دورپروازانه یک خاصیت دارد و آن افزایش انگیزه‌های آدمی برای رسیدن به آن رویاهای دور است. در عمل اما اگر این آرزوها برای چندمین

♦ بضاعت صنعت ایران

یکی از بحث‌های مفصل در میان اقتصاددانان، علاقمندان به اقتصاد سیاسی ایران و سیاستمداران این است که ایران باید یک کشور توسعه‌یافته صنعتی شود و این بخش مولد را تقویت کند تا به نقاط بالاتر برسد و از مسیر رشد صنعت بتوانیم اقتصاد ملی را نیز رشد دهیم. آمارهای در دسترس درباره صنعت ایران در ۶ ماه نخست سال ۱۳۹۷ اما نشان از چه واقعیتی‌هایی دارند.

♦ تقاضای سرمایه‌گذاری

سرمایه‌گذاری در صنعت را می‌توان دارای یک بازار فرض کرد که در سویی تقاضا برای آن ایستاده است و در سوی دیگر عرضه سرمایه‌گذاری. تقاضای سرمایه‌گذاری برای ورود به فعالیت‌های صنعتی از سوی شهروندان ایرانی و علاقمندان برای فعالیت در این بخش است. آمارهای در دسترس نشان می‌دهد که در نیمه نخست امسال ۱۰۷۰۹ تقاضا برای دریافت مجوز سرمایه‌گذاری در صنعت به وزارت صنایع و معادن در استان‌های گوناگون ارائه شده است که نسبت به ۶ ماهه نخست ۱۳۹۶ رشدی برابر با ۲۰ درصد را تجربه کرده است. همین

آمارها نشان می‌دهد اما شمار متقاضیان در صنعت در شهریور ۱۳۹۷، ۱۸۴۴ تقاضا بوده است که نشان‌دهنده کاهش معادل ۱۴ درصد نسبت به مرداد ۱۳۹۷ است. این عدد نشان می‌دهد شرایط سخت اقتصاد ایران به ویژه تشدید تحریم‌های آمریکا و شرایط سخت ارزی ورود گسترش یافته فروش بنگاه‌های صنعتی راه را برای تقاضا در این بخش ناهموار کرده است.

نکته جذاب‌تر اما شاخص «پروانه بهره‌برداری است که به معنای راه‌اندازی بنگاه‌هایی است که در سال‌های قبل سرمایه‌گذاری کرده‌اند. آمارها نشان می‌دهد در نیمه نخست سال ۱۳۹۷ حدود ۲۶۵۷ واحد صنعتی پروانه بهره‌برداری گرفته‌اند که نسبت به ۶ ماه نخست پارسال یک درصد کاهش را تجربه کرده است. آمارهای ارائه شده از طرف وزارت صنعت، معدن و تجارت حاکی است در شهریورماه امسال فقط ۴۶۶ بنگاه صنعتی پروانه بهره‌برداری گرفته‌اند که ۱۸ درصد کمتر از مدت مشابه ۱۳۹۶ است. این شاخص نشان می‌دهد سرمایه‌گذارانی که سال‌ها پیش به صنعت روی آورده و سرمایه‌گذاری کرده و بنگاه مورد توجه خود را به مرز بهره‌برداری رسانده‌اند حالا

و در شرایط سخت تابستان ۱۳۹۷ علاقه و توانایی کافی برای بهره‌برداری از بنگاه خود را ندارند.

در بخش معدن اما وضعیت نامساعدتر است. بر اساس آمارهای در دسترس در ۶ ماه نخست امسال ۲۷۷ معدن که از پیش سرمایه‌گذاری آنها صادر شده است «پروانه بهره‌برداری» گرفته‌اند که نسبت به ۶ ماه نخست پارسال کاهش برابر با ۲۴٫۵ درصد را نشان می‌دهد. شمار کسانی که پروانه بهره‌برداری در بخش معدن گرفته‌اند در شهریورماه ۱۳۹۷ تعدادشان ۴۱ نفر بوده است که ۲۱ درصد کمتر از کسانی است که در مردادماه پروانه بهره‌برداری در معدن داشته‌اند.

در شهریورماه اما اصناف نیز وضعیت نامناسبی را تجربه کرده‌اند. در این ماه حدود ۲۸ هزار پروانه صنفی صادر شده است که ۲۹ درصد کمتر از مردادماه همین سال است. در حالی که در سال‌های گذشته شمار متقاضیان برای مجوز پروانه‌های صنفی همواره با رشدهای بالا مواجه بود اما رکود فروش موجب شده است در ۶ ماه نخست امسال شمار متقاضیان پروانه صنفی فقط یک درصد بیشتر از ۶ ماه نیمه

مجوزهای صادره

تعداد مجوزهای صادره

واحد: فقره

نام مجوز	شهریور ۱۳۹۷	مرداد ۱۳۹۷	درصد تغییر	۶ ماهه اول ۱۳۹۷	۶ ماهه اول ۱۳۹۶	درصد تغییر
صنعت	۱۸۴۴	۲۱۴۶	-۱۴٫۱	۱۰۷۰۹	۸۹۲۵	۲۰
	۴۶۶	۵۶۵	-۱۷٫۵	۲۶۵۷	۲۶۸۶	-۱٫۱
معدن	۸۰	۸۰	۰	۴۹۸	۴۷۰	۶٫۰
	۴۹	۴۲	۱۶٫۷	۲۲۸	۲۴۱	-۵٫۴
	۴۱	۵۲	-۲۱٫۲	۲۷۷	۳۶۷	-۲۴٫۵
اصناف	۲۷۷۷۲	۳۹۰۱۵	-۲۸٫۸	۱۸۲۱۴۲	۱۷۹۹۷۰	۱٫۲
تجارت خارجی	۴۷۶	۵۱۶	-۷٫۸	۳۴۷۵	۳۷۸۶	-۸٫۲
تجارت	۵۵۹۶	۶۷۳۷	-۱۶٫۸	۴۷۲۸۲	۳۱۴۹۱	۵۰٫۱
الکترونیک	۱۶۹۵	۱۴۳۸	۱۷٫۹	۸۲۸۴	۶۰۶۴	۳۷٫۰
نرم افزار	۰	۲	-	۵	۷	-۲۸٫۶
پژوهش، فنی و مهندسی، تحقیق و توسعه	۲۶	۲۶	۰	۱۳۰	۱۶۰	-۱۸٫۸
	۱۱	۲۰	-۴۵٫۰	۸۳	۶۱	۳۶٫۱
	۱	۰	-	۵	۲۱	-۷۶٫۲
	۲	۳	-۳۳٫۳	۷	۷	۰٫۰
	۸	۱۰	-۲۰٫۰	۴۳	۱۵۶	-۷۲٫۴
	۶	۲۳	-۷۳٫۹	۷۰	۵۷	۲۲٫۸

۱- شامل پروانه بهره‌برداری ایجاد و توسعه ای

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

نخست پارسال باشد. در ۶ ماه منتهی به پایان شهریور ۱۳۹۷، ۱۸۰ هزار تقاضا برای دریافت پروانه صنفی به نهادهای دولتی در سراسر کشور داده شده است.

در نیمه نخست امسال اما کارت بازرگانی صادر شده نیز با ۸ درصد کاهش نسبت به نیمه نخست پارسال به عدد ۳۴۷۵ کارت بازرگانی رسیده است که نشان از کاهش میل به تقاضای دریافت کارت بازرگانی است.

♦ برخی شاخص‌های دیگر

طبقه‌بندی انجام شده از طرف وزارت صنعت، معدن و تجارت پنجره‌ای را با عنوان «پژوهش، فنی و مهندسی، تحقیق و توسعه را گشوده و برخی اطلاعات درباره شاخص‌ها را گردآوری کرده است. این بخش نیز تا اندازه‌ای میل به فعالیت‌های صنعتی را بازتاب می‌دهد. در آمارهای وزارتخانه یادشده آمده است که در ۶ ماه نخست ۱۳۹۷ فقط ۵ جواز تاسیس مرکز پژوهش‌های صنعتی و معدنی به این وزارتخانه رسیده است که ۷۶ درصد کمتر از مدت مشابه پارسال است. در همین مدت فقط ۴۳ تقاضا برای «گواهی تحقیق و توسعه» به وزارت صنعت، معدن و تجارت ارائه شده است که کاهشی معادل

۷۲ درصد نسبت به مدت مشابه پارسال را نشان می‌دهد. این دو شاخص اخیر نشان می‌دهد شرایط و چشم‌انداز مساعد برای سرمایه‌گذاری در امور نرم‌افزاری صنعت که به نوعی سرمایه‌گذاری بلندمدت‌تر است در شرایط مناسبی قرار ندارد.

♦ ۷ منطقه آزاد و ویژه

بر اساس تعریف‌های موجود و بر پایه قانون و مقررات وضع شده در سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری در مناطق آزاد و ویژه به دلیل مزیت در برخی از معافیت‌هایی که دولت ارائه می‌کند باید جذاب باشد. اما در این مناطق نیز روزگار چندان خوش نیست. در ۳ منطقه «ارس»، «اروند» و «انزلی» در ۶ ماه نخست امسال به ترتیب ۱۴ مجوز، ۶ مجوز و ۱۵ مجوز برای سرمایه‌گذاری صنعتی داده که در مقایسه با مدت مشابه پارسال از نظر تعداد در منطقه آزاد ارس ۷ درصد، در منطقه آزاد اروند ۳۳ درصد کاهش را تجربه کرده‌ایم. رشد منفی تقاضای صنعتی در ۳ منطقه ارس، انزلی و اروند از نظر میزان سرمایه به ترتیب ۲۴ درصد، ۲۹ درصد و ۹۵ درصد گزارش شده است. در منطقه آزاد چابهار و قشم نیز در ۶ ماه اول امسال

به ترتیب فقط ۱۳ مجوز و ۸ مجوز داده شده است که با توجه به سابقه طولانی‌تری که دارند ارقام قابل توجهی به حساب نمی‌آیند.

♦ استان‌های علاقمند و بی‌علاقه

آمار ارائه شده از طرف وزارت صنعت، معدن و تجارت در باره «جوازهای تاسیس صادره به تفکیک استان» نشان می‌دهد از ۳۲ استان ایران شمار متقاضیان سرمایه‌گذاری در ۱۷ استان کاهنده و در بقیه استان‌ها افزایشی بوده است. بر اساس این آمار تقاضای سرمایه‌گذاری در استان‌های اصفهان با ۲۶ درصد، تهران با ۱۰ درصد، جنوب کرمان با ۱۳ درصد، خراسان رضوی با یک درصد، زنجان با ۱۰ درصد، گلستان با ۱۳ درصد و گیلان با ۳۳ درصد کاهش در تقاضای سرمایه‌گذاری مواجه بوده‌اند. از نظر میزان سرمایه‌گذاری در مجوزهای صادرشده در ۶ ماه نخست امسال نسبت به ۶ ماه دوم پارسال شاهد کاهش سرمایه‌گذاری در بوشهر با ۸۰ درصد کاهش، جنوب کرمان با ۳۵ درصد کاهش، خراسان شمالی با ۲۷ درصد کاهش، خوزستان با ۲۱ درصد کاهش، زنجان با ۱۰ درصد کاهش، فارس با ۵۰ درصد کاهش، کردستان با ۳۴ درصد کاهش، گیلان با ۶۱ درصد کاهش،

اشتغال مجوزهای صادره

واحد: نفر

نام مجوز		شهریور ۱۳۹۷	مرداد ۱۳۹۷	درصد تغییر	۶ ماهه اول ۱۳۹۷	۶ ماهه اول ۱۳۹۶	درصد تغییر
صنعت	جواز تاسیس ^۱	۵۱۷۵۶	۵۳۹۶۹	-۴,۱	۲۵۷۱۲۵	۲۰۴۳۸۹	۲۵,۸
	پروانه بهره‌برداری	۸۷۹۳	۱۰۳۷۷	-۱۵,۳	۴۹۳۶۰	۴۵۴۲۸	۸,۷
معدن	پروانه بهره‌برداری	۲۶۹	۴۶۵	-۴۲,۲	۲۲۰۵	۲۸۵۲	-۲۲,۷
نرم افزار	پروانه بهره‌برداری نرم افزار	.	۱۲۱	-	۱۶۶	۴۵۵	-۶۳,۵

۱- پیش بینی اشتغال

سرمایه مجوزهای صادره

واحد: میلیارد ریال

نام مجوز		شهریور ۱۳۹۷	مرداد ۱۳۹۷	درصد تغییر	۶ ماهه اول ۱۳۹۷	۶ ماهه اول ۱۳۹۶	درصد تغییر
صنعت	جواز تاسیس ^۱	۵۴۴۵۹۲,۷	۲۸۱۳۰۹	۹۳,۶	۱۳۳۸۳۳۹,۲	۷۴۸۹۲۳,۴	۷۸,۷
	پروانه بهره‌برداری	۳۰۲۴۷,۳	۲۱۵۸۸,۷	۴۰,۱	۳۲۵۵۰۶	۱۳۷۵۴۵,۴	۱۳۶,۷
معدن	گواهی کشف ^۲	۸۶,۹	۳۹,۰	۱۲۲,۵	۲۸۹,۲	۲۷۳,۲	۵,۸

۱- پیش بینی سرمایه‌گذاری

۲- هزینه عملیات اکتشاف

مرکزی با یک درصد کاهش و یزد با ۲۳ درصد کاهش مواجه بوده‌اند. دقت در آمار و ارقام مربوط به اشتغال پیش‌بینی شده در محوزهای صادر شده نیز نشان می‌دهد استان‌های گیلان، یزد، اصفهان، بوشهر، تهران، جنوب کرمان، خراسان رضوی و فارس با کاهش مواجه بوده‌اند.

♦ تمرکز

آمارهای ارائه شده از طرف وزارت صنعت، معدن و تجارت نشان می‌دهد در نیمه نخست امسال ۵ استان خراسان رضوی با ۸۴۵ تقاضای سرمایه‌گذاری، سمنان، ۷۹۴ تقاضای سرمایه‌گذاری، یزد با ۷۵۴ تقاضای سرمایه‌گذاری، قم با ۶۴۱ تقاضای سرمایه‌گذاری و آذربایجان شرقی با ۶۱۳ تقاضای سرمایه‌گذاری بیشترین تقاضا را برای تاسیس کارخانه داشته‌اند. یک محاسبه ساده نشان می‌دهد این ۵ استان، ۳۵ درصد تقاضای سرمایه‌گذاری صنعتی را به خود اختصاص داده‌اند. سهم استان‌های محرومی مثل ایلام با ۹۱ تقاضا، خراسان جنوبی با ۱۲۲ تقاضا، خراسان شمالی با ۱۳۸ تقاضا و کهگیلویه و بویراحمد با ۷۷ تقاضای سرمایه‌گذاری صنعتی روی هم ۴۲۸ تقاضای سرمایه‌گذاری صنعتی است که تقریباً کمی بیشتر از ۵۰ درصد تقاضای سرمایه‌گذاری در سمنان و ۵۰ درصد تقاضای سرمایه‌گذاری در خراسان رضوی است. آمار مربوط به تقاضای سرمایه‌گذاری در اصفهان، فارس و تهران نشان می‌دهد این ۳ استان که همواره بیشترین تقاضا را برای سرمایه‌گذاری داشته‌اند و در نیمه نخست امسال نسبت به سال‌های قبل تقاضای سرمایه‌گذاری کمتری دارند.

♦ متوسط سرمایه

آمارهای ارائه شده موید این است که در نیمه نخست امسال در ۳۲ استان کشور ۱۰۵۴۵ تقاضای سرمایه‌گذاری به استان‌ها داده شده است که در مجموع رقمی معادل ۱۳۳ هزار میلیارد تومان سرمایه مورد نیاز آنها بوده است که ۷۸ درصد بیشتر از رقم مشابه سال ۱۳۹۶ به حساب می‌آید. با توجه به اینکه این شاخص رشدی برابر با ۷۹ درصد را تجربه میکند و در مقابل شمار تقاضای سرمایه‌گذاری فقط ۲۰ درصد است می‌توان نتیجه گرفت که سرمایه متوسط برای هر واحد صنعتی رشد قابل اعتنايي دارد. از طرفی با مقایسه رشد سرمایه‌گذاری پیش‌بینی شده برای سرمایه‌گذاری که ۷۸ درصد گزارش شده و رشد ۲۶ درصدی اشتغال پیش‌بینی شده می‌توان نتیجه گرفت که تقاضا برای سرمایه‌گذاری به سمت سرمایه‌بر بودن است تا کاربر بودن. البته این عدد می‌تواند به افزایش نرخ ارز و افزایش قیمت ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی که وابستگی بیشتری به واردات دارند نیز نسبت داده شود.

♦ در دست اجرا

آمارهای وزارت صنعت، معدن و تجارت نشان می‌دهد تا پایان شهریورماه ۱۳۹۷ رقمی معادل ۳۵۰۵ طرح صنعتی پیشرفت فیزیکی صفر تا ۲۰ درصد، ۴۵۸۰ طرح صنعتی با پیشرفت فیزیکی از ۲۰ تا ۴۰ درصد، ۴۵۹۰ طرح صنعتی با پیشرفت فیزیکی از ۴۰ تا ۶۰ درصد، ۷۱۱۱ طرح صنعتی با پیشرفت فیزیکی از ۶۰ تا ۸۰ درصد و ۵۱۱۵ طرح صنعتی با پیشرفت

فیزیکی از ۸۰ تا ۹۹ درصد در بخش صنعت وجود دارند. بیشترین طرح‌های صنعتی در دست اجرا با پیشرفت فیزیکی صفر تا ۲۰ درصد را واحدهای صنعتی که ۱۰ تا ۵۰ کارکن دارند تشکیل می‌دهند و کمترین طرح‌های صنعتی نیز با ۲۶۷ طرح را واحدهای دارای ۱۰۰ نفر و بیشتر کارکن به خود اختصاص داده‌اند.

طرح‌های صنعتی که ۱۰ تا ۵۰ کارکن دارند روی هم ۳۵۷۹۷ طرح هستند. این عدد نشان می‌دهد تاسیس واحدهای کوچک و متوسط در ایران همچنان در اولویت کار به حساب می‌آیند. در برابر ۳۵۷۹۷ طرح صنعتی که دارای ۱۰ تا ۵۰ نفر کارکن هستند فقط ۲۵۰۶ طرح صنعتی دارای ۱۰۰ نفر و کارکن در حال تاسیس هستند که کمتر از ۸ درصد طرح‌های صنعتی کوچک و متوسط به حساب می‌آیند. پیش‌بینی می‌شود در کل طرح‌های صنعتی دارای پیشرفت فیزیکی صفر تا ۲۰ درصد روی هم ۹۷۵ هزار شغل، طرح‌های صنعتی دارای ۲۰ تا ۴۰ درصد، ۲۰۹ هزار شغل، طرح‌های صنعتی ۴۰ تا ۶۰ درصد، ۹۷۰ هزار شغل، طرح‌های صنعتی ۶۰ تا ۸۰ درصد، ۲۴۵ هزار شغل و طرح‌های صنعتی با پیشرفت فیزیکی ۸۰ تا ۹۹ درصد نیز ۱۶۴ هزار شغل ایجاد کنند.

♦ رویکرد تقاضای صنعتی

آمار و ارقامی که از طرف سازمان‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت جمع‌آوری شده است نشان می‌دهد در ۶ ماهه نخست امسال ۳ فعالیت صنعتی محصولات غذایی و آشامیدنی با ۱۴۸۸ طرح، صنعت سایر

جوازهای تاسیس صادره به تفکیک مناطق آزاد و ویژه اقتصادی^۱

واحد: فقره - میلیارد ریال - نفر

استان	۶ ماهه اول ۱۳۹۷			۶ ماهه اول ۱۳۹۶			درصد تغییر	
	تعداد	سرمایه مجوز	اشتغال مجوز	تعداد	سرمایه مجوز	اشتغال مجوز	سرمایه مجوز	اشتغال مجوز
منطقه آزاد ارس	۱۴	۴۷۰٫۸	۲۷۳	۱۵	۶۲۲٫۲	۵۷۱	-۲۴٫۳	-۵۲٫۲
منطقه آزاد اروند	۶	۵۹۹٫۱	۲۰۷	۹	۱۲۸۳۶٫۲	۶۷۲	-۹۵٫۳	-۶۹٫۲
منطقه آزاد انزلی	۱۵	۲۵۴٫۷	۴۱۲	۹	۳۵۸٫۰	۵۴۲	-۲۸٫۹	-۲۴٫۰
منطقه آزاد چابهار	۱۳	۱۹۵٫۵	۲۴۶	۱۲	۹۷٫۳	۱۴۲	۱۰۱٫۰	۷۳٫۲
منطقه آزاد قشم	۸	۸۴۳۲٫۷	۳۰۲	۱	۱۷۱٫۱	۷۰	۴۸۲۸٫۴	۳۳۱٫۴
منطقه آزاد ماکو ^۲	۴۸	۶۵۸۳۵٫۷	۲۴۶۹	۵	۲۷۸٫۴	۱۱۱	۲۳۵۴۸٫۴	۲۱۲۴٫۳
منطقه ویژه اقتصادی	۶۰	۱۵۱۳۵۹٫۹	۵۰۷۷	۴۴	۵۱۶۱۸۸	۲۸۶۰	۱۹۳٫۲	۷۷٫۵
مجموع	۱۶۴	۲۲۷۱۴۸٫۳	۸۹۸۶	۹۵	۶۵۹۸۱٫۹	۴۹۶۸	۲۴۴٫۳	۸۰٫۹

۱- آمار مربوط به مناطقی است که از طریق سامانه وزارت صنعت، معدن و تجارت مجوز صادر کرده‌اند.

۲- رشد قابل ملاحظه پیش‌بینی سرمایه‌گذاری انجام شده در جواز تاسیس منطقه آزاد ماکو مربوط به صدور جواز تاسیس واحد "صنایع پتروشیمی پردیس آذربایجان منطقه آزاد ماکو" با سرمایه‌گذاری ۶۴۱۴۹٫۹ میلیارد ریال است.

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

محصولات کانسی غیرفلزی و محصولات از لاستیک و پلاستیک با ۱۰۶۰ طرح بیشترین تقاضای سرمایه‌گذاری صنعتی را به خود اختصاص داده‌اند. رشد ۱۱ درصدی تقاضا برای تاسیس واحدهای صنعتی در صنعت غذا، رشد ۲۴٫۵ درصدی رشد تقاضا برای صنعت سایر محصولات کانسی غیرفلزی و رشد ۲۰ درصدی صنایع لاستیک و پلاستیک در ۶ ماهه نخست سال ۱۳۹۷ نسبت به مدت مشابه نشان می‌دهد که وجود مواد اولیه تولیدی در داخل و سپس تقاضای موجود و بالفعل و تقریباً دائمی صنعت لاستیک و پلاستیک و غذا در کانون توجه بوده است.

تولیدی مهر اصل، فولاد کاوه ارونند، شیشه فلوت کاویان، فولادگستر آتنا سهامی خاص، پالایش نفت کرمانشاه و مجتمع سیمان غرب آسیا در بخش صنعت راه‌اندازی شده‌اند. همان‌طور که از نام طرح‌ها برمی‌آید فولاد و نفت بیشترین طرح‌های مهم راه‌اندازی شده ایجاد در نیمه نخست سال ۱۳۹۷ به حساب می‌آیند. ۴ طرح توسعه‌ای شامل سهامی پتروشیمی شیراز، کشتی‌سازی فراساحل ایران، پتروشیمی شیراز و ایفا سرام از طرح‌های توسعه‌ای مهم به حساب می‌آیند.

کند. این عدد در حالی ارائه شد که در سال ۱۳۹۳ فقط یک میلیارد و ۵۰ میلیون دلار سرمایه خارجی به طور مستقیم جذب شده بود. برنامه ششم برای میزان جذب سرمایه خارجی از مسیرهای فاینانس و میزان جذب قراردادهای مشارکت داخلی - خارجی نیز به ترتیب سالانه به طور متوسط ۲۰ و ۱۸ میلیارد دلار سرمایه خارجی جذب شود. اما اعداد و ارقامی که وزارت صنعت، معدن و تجارت درباره سرمایه‌گذاری خارجی در ۶ ماه نخست امسال داده است نشان می‌دهد که فقط ۵۸۰ میلیون دلار سرمایه‌گذاری خارجی مصوب شده است. سرمایه‌گذاری مصوب ۵۸۰ میلیون دلاری برای ۳۲ طرح صنعتی، معدنی و تجاری بوده است که نشان می‌دهد هر طرح مصوبه جذب سرمایه خارجی دارد به طور متوسط ۲۰ میلیون دلار است که رقم کوچکی به حساب می‌آید.

♦ سرمایه‌گذاری خارجی و اعداد کوچک

آمارها و اطلاعاتی که تهیه‌کنندگان قانون برنامه ششم به آن استناد کردند نشان می‌داد ایران باید به طور متوسط سالانه رقمی معادل ۱۲ میلیارد دلار سرمایه خارجی به طور مستقیم جذب

♦ طرح‌های مهم راه‌اندازی شده

در نیمه نخست ۱۳۹۷ چند طرح ایجاد مهم شامل نفت ستاره خلیج فارس، پارس فولاد سبزواری، گروه صنعتی پژوهشی فرهیختگان زرفام، فولاد غدیر نی‌ریز،

طرح‌های در دست اجرا

تعداد طرح‌های در دست اجرا به تفکیک اشتغال و پیشرفت فیزیکی تا پایان شهریور ۱۳۹۷

قره

تعداد	پیشرفت فیزیکی	۲۰-۰	۴۰-۲۰	۶۰-۴۰	۸۰-۶۰	۹۹-۸۰
کمتر از ۱۰ نفر کارکن	۹۷۳۱	۷۸۹	۱۰۱۵	۱۶۷۱	۸۱۰	
۱۰ تا ۵۰ نفر کارکن	۲۳۴۷۷	۳۱۲۰	۲۹۶۲	۴۵۳۰	۲۷۰۸	
۵۰ تا ۱۰۰ نفر کارکن	۱۵۸۹	۳۵۰	۳۳۲	۵۲۶	۳۳۰	
۱۰۰ نفر و بیشتر کارکن	۱۲۵۳	۳۳۱	۲۸۱	۳۸۴	۲۶۷	
مجموع	۳۵۰۵۰	۴۵۸۰	۴۵۹۰	۷۱۱۱	۴۱۱۵	

پیش بینی اشتغال طرح‌های در دست اجرا به تفکیک اشتغال و پیشرفت فیزیکی تا پایان شهریور ۱۳۹۷

نفر

اشتغال	پیشرفت فیزیکی	۲۰-۰	۴۰-۲۰	۶۰-۴۰	۸۰-۶۰	۹۹-۸۰
کمتر از ۱۰ نفر کارکن	۶۲۹۵۶	۵۴۰۶	۶۶۹۸	۱۰۷۵۱	۵۳۶۱	
۱۰ تا ۵۰ نفر کارکن	۴۰۵۳۸۰	۶۴۵۰۱	۵۹۲۰۲	۸۹۲۷۴	۵۴۳۶۳	
۵۰ تا ۱۰۰ نفر کارکن	۹۹۷۳۶	۲۲۵۰۹	۲۱۱۳۸	۳۴۱۰۲	۲۱۱۱۵	
۱۰۰ نفر و بیشتر کارکن	۴۰۷۳۶۰	۱۱۷۴۰۶	۸۳۸۰۸	۱۱۱۳۰۹	۸۳۷۶۸	
مجموع	۹۷۵۴۳۲	۲۰۸۸۲۲	۱۷۰۸۴۶	۲۴۵۴۳۶	۱۶۴۶۰۷	

پیش بینی سرمایه طرح‌های در دست اجرا به تفکیک اشتغال و پیشرفت فیزیکی تا پایان شهریور ۱۳۹۷

میلیارد ریال

سرمایه	پیشرفت فیزیکی	۲۰-۰	۴۰-۲۰	۶۰-۴۰	۸۰-۶۰	۹۹-۸۰
کمتر از ۱۰ نفر کارکن	۱۱۲۷۶۶۶٫۷	۵۱۷۱٫۵	۷۹۰۸٫۱	۲۰۲۱۸٫۸	۹۴۵۲٫۰	
۱۰ تا ۵۰ نفر کارکن	۶۳۷۲۳۴٫۸	۶۵۶۷۹٫۰	۷۱۲۸۷٫۹	۱۵۱۷۹۹٫۱	۸۱۱۷۲٫۲	
۵۰ تا ۱۰۰ نفر کارکن	۳۰۳۹۵۷٫۲	۵۵۲۳۵٫۷	۳۵۴۴۱٫۷	۷۷۸۲۸٫۴	۶۵۲۹۰٫۲	
۱۰۰ نفر و بیشتر کارکن	۴۱۳۰۸۹۶٫۹	۷۸۹۴۶۳٫۶	۴۷۹۷۸۱٫۵	۵۶۵۹۰۲٫۰	۳۱۴۷۸۸٫۸	
مجموع	۶۱۹۹۷۴۵٫۶	۹۱۵۵۴۹٫۸	۵۹۴۴۱۹٫۳	۸۱۵۷۵۸٫۳	۴۷۰۷۰۳٫۲	

طرح‌های صنعتی، معدنی و تجاری مصوب در هیات سرمایه‌گذاری خارجی^۱ در ۶ ماهه اول ۱۳۹۷

ردیف	عنوان طرح	حجم کل سرمایه‌گذاری (هزار دلار)	حجم کل سرمایه‌گذاری (هزار یورو)	استان محل اجرا	تاریخ تصویب در هیات	نام دارنده مجوز صنعتی معدنی، تجاری	تابعیت
۱	تولید انواع فراورده های نوشیدنی	۷۳۰۷	۶۰۵۰	تهران	۹۷،۰۳،۱۱	شرکت کاسل نوش	هند
۲	تولید انواع فراورده های نوشیدنی	۷۱۸۶	۵۵۹۰	تهران	۹۷،۰۳،۱۱	شرکت کاسل نوش	هند
۳	ایجاد فروشگاه های زنجیره ای	۶۰۳۹	۵۰۰۰	تهران	۹۷،۰۳،۱۱	شرکت هما پردیس ایرانیان	اتریش
۴	تولید شمش پلست فولاد ساده کربنی و کم آلیاژی	۴۰۰۰	۳۳۱۲	یزد	۹۷،۰۳،۱۱	شرکت سدید شمش خاتم	هند
۵	احداث کارخانه سنگبری	۱۷۰۰	۱۴۰۷	خراسان رضوی	۹۷،۰۳،۱۱	شرکت آذرین نوین خراسان	افغانستان
۶	تولید پخت انواع شیرینی	۱۲۲۰	۱۰۱۰	خراسان رضوی	۹۷،۰۳،۱۱	شرکت بازرگانی ماه و ستاره طلایی توس	ترکیه
۷	تولید کولر خودرو	۳۳۸۵	۲۸۰۲	قزوین	۹۷،۰۳،۱۱	شرکت سنن ایرانیان	سنگاپور و جزایر ویرجین انگلستان
۸	احداث رستوران زنجیره ای تولید و تجهیز خودرو های امداد و نجات جاده ای و ارائه خدمات پس از فروش	۶۰۴	۵۰۰	تهران	۹۷،۰۳،۱۱	افق اندیشه اوا	فرانسه
۹	تولید پوشاک کامل بچه	۸۱۴۹	۷۰۰۰	گیلان	۹۷،۰۳،۳۹	شرکت ویس کاسپین	لهستان
۱۰	تولید دستمال مرطوب	۳۶۰۹	۳۱۰۰	آذربایجان شرقی	۹۷،۰۳،۳۹	شرکت پارس چیچک	ترکیه
۱۱	تولید پوشاک کامل بچه	۳۶۸۵	۳۱۶۵	آذربایجان شرقی	۹۷،۰۳،۳۹	شرکت پارس چیچک	ترکیه
۱۲	تولید گرانول و پرک بازیافتی پروپیلن	۲۵۴	۳۹۰	فارس	۹۷،۰۳،۳۹	شرکت سپهر بسیار مهر	چین
۱۳	تولید انواع موزاییک و کفپوش بتنی	۲۰۰۰	۱۷۱۸	خراسان رضوی	۹۷،۰۳،۳۹	شرکت مایل خراسان پاز	افغانستان
۱۴	تولید انواع لوازم و قطعات پلاستیکی و کامپوزیتی زمینه پلیمری وسایل نقلیه	۱۱۶۴	۱۰۰۰	تهران	۹۷،۰۳،۳۹	شرکت سرمایه گذاری و توسعه راهبری راز	فرانسه
۱۵	تولید و تعمیر تابلو های فشار قوی و شمیف برق	۳۰۰۰	۲۵۸	تهران	۹۷،۰۳،۳۹	شرکت صنایع برق هدایتگران شرق تسلا	افغانستان
۱۶	افزایش سرمایه گذاری - تولید خودرو سواری	۲۳۰۰۰	۱۹۷۵۶۳	کرمان	۹۷،۰۳،۳۹	شرکت صنایع مدیران خودرو	چین
۱۷	تولید مکمل های تغذیه ای	۷۵۶۷	۶۵۰۰	لرستان	۹۷،۰۳،۳۹	شرکت پیک دارو توسعه	آلمان
۱۸	تولید محصولات ساختمانی	۳۹۱۰	۲۵۰۰	البرز	۹۷،۰۳،۳۹	شرکت سیکا پارسیان	سوئیس
۱۹	تولید انواع خمیر آماده پیتزا، کراکرتان شیرینی، کیک و غذاهای آماده و آماده کنسروی	۸۰۰	۶۸۷	آذربایجان غربی	۹۷،۰۳،۳۹	شرکت خمیرآوران ترک ارومیه	ترکیه
۲۰	تولید اوراق فشرده	۳۸۸۵۳	۳۳۰۵۰	قزوین	۹۷،۰۳،۱۹	شرکت صنایع چوب بازرگانی ای جی تی ایرانیان	ترکیه
۲۱	تولید کنسانتره انواع میوه	۱۴۱۰۷	۱۲۰۰۰	آذربایجان غربی	۹۷،۰۳،۱۹	شرکت دهلر ایرانیان	آلمان و ترکیه
۲۲	تولید انواع پودر شیرینی، نبات، نقل، بسته بندی، کاکائو و بسته بندی قند و شکر	۶۰۰	۵۱۰	خراسان رضوی	۹۷،۰۳،۱۹	شرکت زمین نیک آریز	افغانستان
۲۳	تولید سوخت، روغن پایه تصفیه مجدد و هیدروکربن های سبک و سنگین	۳۴۰	۲۸۹	قزوین	۹۷،۰۳،۱۹	شرکت روان سازان اطلس	هندوستان
۲۴	تولید ژل آتش زا و پودر آتش زا	۴۰۰	۳۴۰	خراسان رضوی	۹۷،۰۳،۱۹	شرکت فردوس مهر صادق توس	بحرین
۲۵	تولید شیر قطع جریان گاز ساختمان، ربات آموزشی و مج بند موقعیت یاب مکانی و گویای اطلاعات بیمار	۳۴۶	۳۰۰	خراسان جنوبی	۹۷،۵،۳۰	شرکت پرشنگ عصر رایانش	آلمان و ایتالیا
۲۶	تولید تسمه و نواربرد گرم فولاد آلیاژی به جز فولاد رنگ نزن	۵۳۲۱۲	۴۷۰۶۳	خراسان جنوبی	۹۷،۵،۳۰	شرکت تولیدی فولاد کاوش آلیاز برتر خوسف	چین
۲۷	فروش خدمات گردشگری در فضای مجازی از طریق سایت الکترونیکی Snaptrip	۲۸۷۹۸	۲۵۰۰۰	تهران	۹۷،۵،۳۰	شرکت آرا جهان نوین گستر اطلس	امارات متحده عربی
۲۸	ارائه خدمات حمل و نقل شهری (کرایه پیک موتوری و وانت از طریق اپلیکیشن Snapp-Box	۱۱۵۱۹	۱۰۰۰۰	تهران	۹۷،۵،۳۰	شرکت اطلس نگار آفتاب گستر	امارات متحده عربی
۲۹	تولید فرو سلیکو منگنز با کربن بیش از ۲ درصد وزنی	۱۱۵۱۹	۱۰۰۰۰	مرکزی	۹۷،۵،۳۰	شرکت گلاب فرو آلیاز	هند
۳۰	تولید پروفیل از جنس فولادزنگ نزن (ترده استیل)	۲۵۰۰	۲۱۷۰	قم (منطقه آزاد سلفچگان)	۹۷،۵،۳۰	شرکت لوازم زیتی بین المللی فروزان سربند قم	چین
۳۱	تولید ورق آلومینیومی (کامپوزیتی)	۴۰۰۰	۳۴۷۳	قم (منطقه آزاد سلفچگان)	۹۷،۵،۳۰	شرکت لوازم زیتی بین المللی فروزان سربند قم	چین
۳۲	تولید لنت ترمز و لنت کلاچ خودرو	۱۱۸۷۰۹	۱۰۳۰۵۴	آذربایجان غربی	۹۷،۵،۳۰	شرکت کوهسار لنت درخشان	عراق
مجموع		۵۸۰۶۸۲	۴۹۶۸۰۱				

۱- این ارقام صرفاً مربوط به طرح‌های مصوب هیات سرمایه‌گذاری است و شامل تمام طرح‌ها نمی‌باشد.

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر



چوب تکفیر بر سر بخش خصوصی به بهانه نیشکر

نیشکر هفت‌تپه اسیر طمع‌ورزی بخش خصوصی شده است را به اطلاع افکار عمومی رساندند. کسی و گروهی از این همه مخالفان اقتصاد آزاد به خود زحمت نداد کالبدشکافی دقیقی درباره وضعیت هفت‌تپه کرده و آسیب‌های افتاده بر جان آن پس از انقلاب را بررسی کنند. تجربه نشان می‌دهد در بیشتر واحدهای بزرگ تولیدی و صنعتی مستقر در خوزستان و حتی سایر استان‌ها همواره یک حیاط خلوت برای سیاستمداران بوده و هست. این داستان به ویژه در واحدهایی مثل نیشکر کارون و نیشکر هفت‌تپه آنقدر آشکار بود که میدان جنگ نمایندگان مجلس و نیروهای سیاسی شده بود که چه کسی کدام نیروها را در آن واحدها به کار گیرد.

در گروه‌های سیاسی کمونیستی تا برخی از حتی مدیران دولتی و شماری از کسانی که از ترس هیاهوها خصوصی‌سازی را انکار می‌کنند، همه چوب را بلند کرده و بر فرق خصوصی‌سازی کوبیدند. از نظر این افراد بخش خصوصی ایران تشنه رانت و فساد است و توانسته با ترفند و فریب دولت‌های ایران را فریفته و سهام بنگاه‌های دولتی را به چنگ آورد. این گروه‌ها و طیف‌های پر شمار در داخل و خارج بدون اینکه از ماهیت آنچه بر سر بنگاه‌هایی مثل نیشکر هفت‌تپه پس از پیروزی انقلاب آمده است آگاه باشند یا بخواهند نگاهی کارشناسانه داشته باشند باشتابی باور نکردنی انگشت اتهام را به سوی مقوله خصوصی‌سازی گرفته و باور غلط خود مبنی بر اینکه کارگران کارخانه

رامین مقربی
گزارشگر اقتصادی



هنوز طنین نخستین فریادهای اعتراض کارگران مستاصل نیشکر هفت‌تپه در آسمان اهواز می‌چرخید و به زمین نرسیده بود که بلندگوی یک جبهه وسیع از مخالفان اقتصاد غیردولتی روشن شد. آنها از طیف‌های گوناگون بودند: از مارکسیست‌های باقی‌مانده بر مواضع اندیشه‌ای و فکری بر پایه راهبرد مارکس و استالین



♦ بیمار واگذار شده

یک واقعیت تلخ و یک گزاره درست و کارشناسی این است که بپذیریم کشت و صنعت هفت‌تپه همانند سایر واحدهای تولیدی در ایران با بیماری‌های گوناگون دست و پنجه نرم می‌کرد. سیاست‌های تجاری، ارزی، پولی و بانکی که بر نظام تولید ایران حاکم بوده و هست و هرگز نیز با کار تولید صنعتی سازگاری نداشته و تناقض‌های ذاتی نیز با هم و با تولید دارند نه تنها صنعت را بلکه واحدهایی مثل کشت و صنعت هفت‌تپه را نیز بیمار کرده بود. از طرف دیگر شرایط اقلیمی خوزستان به طور ویژه و ایران به طور اعم که به کم‌آبی و شرایط اضطراری منجر شد و کشاورزی خوزستان را دشوار کرد نیز مزید بر علت شد و تولید را در این واحد سخت کرد. اگر رفتار سیاسی مردان بانفوذ سیاسی در نهادهای دولتی، مجلس و سایر نهادهای محلی را که بر پایه تضاد منافع حرکت می‌کنند و اکثریت واحدهای بزرگ را درگیر می‌کنند نیز بر علل یادشده بیفزاییم شدت بیماری نیشکر هفت‌تپه را بیش از پیش احساس خواهیم کرد. در این وضعیت بود که دولت تصمیم گرفت سهام این واحد تاریخی و بزرگ را به بخش غیردولتی واگذار کند. دولت و نهادهای مرتبط با خصوصی‌سازی پیش از اینکه هدف نهایی بهبود وضعیت یک بنگاه دولتی بیمار را در دستور کار قرار دهند، می‌خواستند آن را از سر باز کنند و خود را از تیمارداری یک کارخانه مشکل‌دار

رها کنند. بنابراین در جریان فروش سهام کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، کارآمد کردن این واحد در مرحله چندم توجه مدیران قرار داشت و بیشترین دغدغه این بود که آن را فروخته و منابعی هم برای دولت فراهم شود. در چنین وضعی بود که اهلیت خریدار سهام این شرکت قدیمی که یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر خصوصی‌سازی به حساب می‌آید لابد چندان درک‌نویس توجه قرار نگرفت و سهام آن گویا به گروهی از سرمایه‌گذاران فاقد تجربه و دانش این صنعت پیچیده داده شد. از پیش معلوم بود که مدیریت ناکارآمد و ناآشنایی که مالکیت و مدیریت این واحد را در اختیار گرفتند مزید بر علت‌های قبلی شده و کشت و صنعت هفت‌تپه را به روزهای بدفروجام فعلی کشاندند.

در پرونده پیش رو چند گفت‌وگوی کوتاه درباره مسائل مرتبط با خصوصی‌سازی در ایران به مناسبت رخداد غم‌انگیز نیشکر هفت‌تپه تاریخی از تاسیس این واحد را می‌خوانید:

♦ دره تنسی و نیشکر هفت‌تپه

احمدعلی احمدی در دانشگاه‌های آمریکا مهندسی کشاورزی خواند و پس از پایان تحصیلات به ایران آمد. او در دورانی که جمشید آموزگار وزیر کشاورزی بود به استخدام این وزارتخانه درآمد و سپس معاون فنی سازمان آب و برق خوزستان شد و در همین سازمان داستان عمران خوزستان شکل

گرفت و طرح‌های بزرگی در آن سال‌ها تعریف و اجرا شد. وی در خاطراتش می‌نویسد:

♦ طرح عمران خوزستان و نیشکر هفت‌تپه

طرح عمران خوزستان براساس طرح سازمان دره تنسی (TVA) ریخته شده بود. اصل فکر این بود که در منطقه‌ای مانند خوزستان، که دارای آب فراوان، اراضی وسیع، هوای آفتابی، و نیروی انسانی کافی است، عناصر موثر بر وضع اقتصادی مردم را در ارتباط با هم به کار گرفت و با سرمایه‌گذاری کافی، برنامه‌ریزی مناسب، آموزش درست، تشکیلات منظم، و جدیت و پشتکار وضع مردم را به نحو چشمگیری بهبود بخشید. طرح مصوب سازمان برنامه عبارت بود از ایجاد سدی بر روی رودخانه دز برای تولید ۵۲۰ هزار کیلووات برق، به زیرکشت درآوردن ۱۲۵ هزار هکتار اراضی زیر سد، ایجاد و کشت مزارع نیشکر، و احداث کارخانه تولید شکر از نیشکر.

در ابتدا، مسئولیت برنامه‌ریزی و اجرای همه بخش‌های این طرح با شرکت عمران و منابع نیویورک به مدیریت دیوید لیلیانتال و گوردون کلاپ بود. این شرکت، مطابق معمول، هریک از بخش‌های تولیدی را، در چارچوب قراردادی که با سازمان برنامه داشت، به شرکت‌های بین‌المللی دیگر داده بود. زمانی که من به سازمان آب و برق خوزستان رفتم سد دز در حال ساخته شدن بود، ساختمان طرح

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر



این طرح، طبق قراردادی که منعقد شده بود، کلاً زیر نظر کارشناسان خارجی اجرا می شد. ما چون کارشناس کشت نیشکر و صنعت شکر سازی نداشتیم نمی توانستیم به صورت منطقی دخالت مستقیم در اجرای طرح داشته باشیم، فقط می توانستیم نظرمشورتی بدهیم. بزرگ ترین هدفی که ما داشتیم این بود که ایرانی هایی را که در این طرح کار می کردند، یا ایرانی هایی را که از خارج از طرح استخدام می کردیم، طوری تربیت کنیم که بتوانیم خودمان تمام کارهایی را که آمریکایی ها می کنند انجام دهیم. در نتیجه نه تنها دائماً تأکید داشتیم که مدیران خارجی طرح ایرانیان را در جریان کارها قرار دهند، بلکه تعداد زیادی از کارمندان ایرانی را برای آموزش به خارج از کشور اعزام کردیم.

♦ طرح نیشکر هفت تپه

برنامه احیای کشت نیشکر در خوزستان در حوالی سال ۱۳۰۹ در نزدیکی اهواز شروع شد، ولی چون اراضی که در آن نیشکر کشت شده بود قلیایی بود و شست و شو نشده بود، نتیجه مطلوب حاصل نشد. در سال ۱۳۳۲ سازمان خواروبار جهانی (FAO) به این نتیجه رسید که اراضی خوزستان برای کشت نیشکر مناسب نیست و صرف هزینه برای کشت نیشکر در این اراضی بیهوده است. مقارن همان ایام، شرکت ژاپنی ای پیشنهاد کرد مزرعه نیشکر به صورت نمونه به وسعت ۲۵۰۰ هکتار و آسیایی برای خرد کردن هزار تن نی در روز احداث کند و اگر طرح نمونه موفق شد، کشت نیشکر در ۶۶ هزار هکتار گسترش داده شود و کارخانه ای با ظرفیت تهیه ۲۰۰ هزار تن شکر در سال ساخته شود. سازمان برنامه از شرکت عمران و منابع خواست گزارش سال ۱۳۳۲ سازمان خواروبار جهانی و گزارش شرکت ژاپنی را مطالعه کند و نظر بدهد. شرکت عمران و منابع در سال ۱۳۳۷ پس از مطالعه گزارش نامبرده و اظهار نظر دکتر کارلوس شاردون (Carlos Chardone)، که از کارشناسان مشهور نیشکر در جهان بود، اعلام کرد کشت نیشکر در اراضی شمال خوزستان، نزدیک شوش، امکان پذیر است، و پس از مدتی مطالعه روی زمین های مناسب برای تولید نیشکر زمینی به وسعت ده هزار هکتار در جنوب شرقی شوش، زیر طرح آبیاری دز بین رودخانه های کرخه و دز، انتخاب کرد. سازمان برنامه این اراضی را از مالکینش، نظام السلطنه مافی، شیخ خلف حیدری، و یک نفر از ایل سگوند، خرید. اجرای طرح نیشکر در خوزستان از طرف شرکت عمران

ومنابع به شرکت رالف پارسونز (Ralph Parsons) لس آنجلس با مشارکت شرکت بروئر (Brewer)، که مرکز آن در هاوایی بود و مزارع بزرگ نیشکر و کارخانه قند در اختیار داشت، واگذار شد و در سال ۱۳۴۰ شرکت بروئرمستقیماً مجری طرح شد. طرح اولیه نیشکر شامل کشت نیشکر در ۵ هزار هکتار و ساختن کارخانه جهت خرد کردن ۳۰۰ تن نیشکر در روز و تولید سی هزار تن شکر تصفیه شده در سال بود. برای تعیین گونه های مناسب نیشکر، بیش از یک صد گونه قلمه نیشکر از کشورهای پاکستان، هندوستان، آفریقای جنوبی و آمریکا آزمایش شد و چند گونه مناسب انتخاب و ازدیاد شد. بدین ترتیب پس از ۸۰۰ سال، در سال ۱۳۴۰ برای اولین بار، ۱۲,۰۰۰ تن شکر مرغوب از نیشکر خوزستان به دست آمد. ولی، بر اثر پایین بودن محصول در هکتار، میزان پیش بینی اولیه که تولید ۱۵,۰۰۰ تن شکر بود به دست نیامد. در سال ۱۳۴۳ سطح زیر کشت به بیش از ۴,۰۰۰ هکتار رسید، اما با وجود افزایش شکر کارایی تولید به میزان پیش بینی شده نرسید. علل آن را می توان شرح زیر خلاصه کرد.

- ۱- کارشناسان خارجی تجربه کافی برای کشت آبی در شرایط خوزستان نداشتند.
 - ۲- شیوه شست و شوی زمین برای پایین آوردن میزان نمک خاک به گونه صحیح انجام نگرفته بود.
 - ۳- درباره گونه های زودرس نیشکر مقاوم به سرما و دارای بازدهی بالا بررسی کامل انجام نگرفته بود.
- در مدتی که شرکت های پارسونز و بروئر مجری طرح بودند، همان طور که قبلاً گفته شد، سازمان می کوشید تحویل کرده های جوان ایرانی از دانشگاه های داخلی و خارجی به استخدام طرح نیشکر در آیند تا بدین طریق هم به تدریج کادری برای طرح تهیه شود و هم سازمان بتواند ایرانیان جوان را جایگزین کارشناسان خارجی کند. از آنجا که پیش بینی های شرکت بروئر درباره میزان برداشت نیشکر در هکتار چند بار اشتباه از آب درآمد، و ضمناً برنامه جدی برای تربیت کادر فنی ایرانی از طرف شرکت بروئر بعمل نیامده بود، سازمان به شرکت عمران و منابع اطلاع داد به هیچ وجه از طرز کار شرکت بروئر راضی نیست.

در اثر مطالعاتی که با همکاری دکتر کوبی شوجی (Kobe Shoji)، یکی از کارشناسان بنام نیشکر که در استخدام شرکت بروئر بود، انجام داده بودیم می دانستیم امکان افزایش تولید محصول در هر هکتار وجود دارد. اما

آبیاری آزمایشی دز شروع شده بود، و طرح نیشکر هفت تپه در دست اجرا بود. سازمان، با توجه به قراردادهای موجود، در اجرای طرح ها دخالت مستقیم نمی کرد. شرکت عمران و منابع کلیه کارهای اجرایی طرح نیشکر هفت تپه را به یک شرکت آمریکایی به نام رالف پارسونز لس آنجلس (Ralph Parsons) و از طریق رالف پارسونز به شرکت دیگری به نام بروئر (C.Brewer) واگذار و کارشناس استرالیایی ای به نام دکتر ویلیام کر (H. William Kerr) استخدام کرده بود که از سوی آنها طرح اجرایی نیشکر هفت تپه را نظارت کند.

هدف سازمان آب و برق خوزستان، و برنامه من به عنوان نماینده فنی سازمان، این بود که هر چه زودتر از یک سو ایرانیان را جانشین مدیران خارجی کنیم و از سوی دیگر میان بخش های تولیدی گوناگون طرح و مردم محل ارتباط برقرار کنیم. به عبارت دیگر، طرحی را که بوسیله خارجی ها آغاز شده و سازمان یافته بود، بومی کنیم. داستان سازمان آب و برق خوزستان، داستان بومی کردن مسأله عمران در ایران است. ارزش تاریخی برنامه عمران خوزستان، علاوه بر تأثیری که عملاً در زندگی مردم خوزستان داشت، در این بود که نشان داد ما ایرانیان می توانیم کارهای بزرگ فنی را خودمان به دست بگیریم، سازمان بدهیم، اداره کنیم، و جلو ببریم. به عنوان مثال، یکی از طرح هایی که من بر آن نظارت مستقیم داشتم طرح نیشکر هفت تپه بود.

رئیس طرح نیشکر دست آوردهای رئیس قسمت پژوهش‌های طرح، یعنی کوبی شوچی (Kobe Shoji)، را که کارمندش بود در نظر نمی‌گرفت. با توجه به مراتب فوق به شرکت عمران و منابع اطلاع داده شد به قرارداد شرکت بروئر خاتمه داده شود.

شرکت عمران و منابع با خلع ید شرکت بروئر موافق نبود، لذا اقدامی جدی برای پیدا نمودن شرکت دیگری که بتواند این کار را انجام دهد نکرد. به ناچار سازمان رأساً با تحقیق و اعلان در روزنامه‌های بین‌المللی با چند شرکت خارجی تماس گرفت و از یکی از آنها دعوت کرد برای بازدید از طرح نیشکر و ارائه پیشنهاد به ایران بیايد. بدین ترتیب شرکتی هلندی که تجربه زیادی در کشت نیشکر در آفریقا داشت به ایران آمد. این شرکت پس از مدتی مطالعه پیشنهادی برای انجام کار به سازمان داد. سازمان نتیجه مطالعات شرکت هلندی را به شرکت عمران و منابع اطلاع داد که مراتب را به اطلاع شرکت بروئر که در انتظار نتیجه مذاکرات سازمان با شرکت هلندی بود برساند. شرکت بروئر که به هیچ‌وجه نمی‌خواست قرارداد خود را از دست بدهد حاضر شد با سازمان در همه زمینه‌ها همکاری کند، و از سازمان درخواست کرد مدتی به او وقت داده شود که پیشنهاد خود را ارائه کند. سازمان با این پیشنهاد موافقت کرد، چون، اگرچه پیشنهاد شرکت هلندی از نظر هزینه در حدود ۳۰ درصد از شرکت بروئر کمتر بود، اما نکاتی در آن مورد پسند سازمان نبود. از سوی دیگر، جابه‌جا کردن کارمندان خارجی و فسخ قراردادشان مستلزم هزینه‌های اضافی بود که بیش از مبلغ صرفه‌جویی‌هایی بود که در پیشنهاد هلندی‌ها منظور شده بود.

پس از مدتی شرکت بروئر توسط شرکت تابعه‌اش (Hawaiian Agronomics International) پیشنهاد بسیار مناسبی برای ادامه برنامه طرح نیشکر هفت‌تپه داد و قبول کرد با هزینه کمتر از شرکت هلندی کار را انجام دهد. با در نظر گرفتن اینکه کارشناسان شرکت بروئر پس از چند سال کار در خوزستان تجربه زیادی در کشت و داشت و برداشت نیشکر پیدا کرده و به شرایط کار آشنا بودند، و از طرفی پیشنهادشان از نظر برنامه‌ریزی بهتر از پیشنهاد شرکت هلندی بود، پس از جرح و تعدیل و گنجاندن ماده‌ای به این عنوان که اگر به هر دلیلی، حتی بلیه آسمانی، میزان محصول شکر در سال ۱۳۴۳ از ۱۸,۰۰۰ تن کمتر شود هیچ‌گونه وجهی بابت حق‌الزحمه که ۲۰۰,۰۰۰ دلار در سال بود پرداخت نخواهد شد، متن

قرارداد را برای اطلاع نزد والتن سیمور (Walton Seymour) که معاون صنعتی شرکت عمران و منابع نیویورک بود، فرستادیم. سیمور وقتی متوجه ماده فوق شد گفت اگر شرکت (Hawaiian Agronomics International) این قرارداد را امضا کند، دیوانه است (They are nuts). مذکور با ماده فوق و اصلاحیه‌هایی که سازمان به‌عمل آورده بود موافقت کرد و کار خود را شروع نموده و برنامه‌ای برای شست‌وشوی اراضی، نصب زهکش‌های تنبوشه‌ای در مزارع، و به‌کار بردن گونه‌های بهتر نیشکر تنظیم کرد. کارهای لازم براساس قرارداد و برنامه تنظیمی بنحو احسن انجام گرفت.

ابتدا پیش‌بینی می‌شد در سال ۱۳۴۳/۱۹۶۴ بیست هزار تن (۲۰,۰۰۰ تن) شکر تولید شود. متأسفانه در زمستان آن سال یخبندان بی‌سابقه‌ای در خوزستان شد و قسمت زیادی از مزارع نیشکر یخ زدند و محصول آن سال ۱۵,۰۰۰ تن شکر تجاوز نکرد. در نتیجه، طرح متضرر شد و شرکت Hawaiian Agronomics نیز، با وجود اینکه تقصیری نداشت، بر اثر ماده‌ای که در قرارداد گنجانیده شده بود نتوانست ۲۰۰ هزار دلار حق‌الزحمه خود را بگیرد. اما عملیات کشت و داشت و برداشت نیشکر روز بروز بهتر شد. در سال ۱۳۴۴/۱۹۶۵ بر اثر مساعی کارکنان داخلی و خارجی و بالا رفتن کارایی تولید، نیشکر کافی برای تهیه ۳۰,۰۰۰ تن شکر در سال تولید شد. چون معلوم شد می‌توان از همان سطح ۵,۰۰۰ هکتار نیشکر لازم را برای تولید ۵۰,۰۰۰ تن شکر در سال تهیه کرد، ظرفیت تولید کارخانه شکر را افزایش دادیم. پس از مدت کوتاهی طرح نیشکر به ده هزار هکتار توسعه داده شد و ظرفیت کارخانه به ۱۰۰,۰۰۰ تن شکر در سال افزایش یافت. در این جا لازم است گفته شود بازده مزارع نیشکر در سال به‌طور متوسط به ۱۳۰ تن در هکتار رسید و این بزرگ‌ترین بازده تولید نیشکر آبی در یک دوران رشد ۱۱ ماهه در دنیا بود.

وقتی شرکت پارسونز، عهده‌دار اجرای طرح بود، تعداد کارمندان ایرانی طرح که تحصیلات دانشگاهی داشتند از سه نفر تجاوز نمی‌کرد. این سه نفر هم نقش مهمی در اداره امور نداشتند. کارشناسان خارجی مسئول کلیه مشاغل عمده بودند. در آن موقع حتی راننده تراکتور خارجی بود. با اینکه شرکت عمران و منابع از شرکت پارسونز خواسته بود که کارشناسان ایرانی را تربیت کند، شرکت در این مورد به بهانه اینکه در حال سازندگی است

به درخواست شرکت عمران و منابع چندان وقعی نگذاشته بود. درموقع تجدید قرارداد با شرکت Hawaiian Agronomics، که از شرکت‌های تابعه شرکت بروئر بود، موادی گنجانیده شد که شرکت مذکور را موظف می‌کرد کارمندان ایرانی را برای عهده‌دار شدن امور مختلف طرح تربیت کند. بدین ترتیب از همان ابتدای اجرای قرارداد تعدادی از تحصیلکرده‌های ایرانی در رشته‌های کشاورزی، مهندسی مکانیک، برق، حسابداری و امور اداری، که به زبان انگلیسی نیز مسلط بودند، به طرح نیشکر هفت‌تپه معرفی شدند. از جیمز بی‌تی (James Beaty)، رئیس طرح نیشکر و نماینده شرکت Hawaiian Agronomics، خواسته شد ترتیبی دهد برای هر کاری که یک کارشناس خارجی عهده‌دار است، یک ایرانی به عنوان معاون در حال آموزش به کار گمارده شود. ضمناً کارکنان طرح را برای تربیت در رشته‌های مختلف به‌هواوی و دیگر نقاط آمریکا و استرالیا اعزام داشتیم و همچنین از مدیران با تجربه خارجی و داخلی دعوت کردیم برای کارکنان طرح کلاس‌های فشرده مدیریت تنظیم کنند. بدین ترتیب تا سال ۱۳۴۴/۱۹۶۵ ایرانیان در رشته‌های کشت و داشت و برداشت نیشکر، تولید و تصفیه شکر، تعمیر ماشین‌آلات، رانندگی تراکتور و ماشین‌های سنگین تربیت گردیدند، و اداره طرح نیشکر به دست ایرانیان افتاد.

باید گفته شود موفقیتی که برای اداره طرح نیشکر توسط کارشناسان ایرانی نصیب سازمان شد بر اثر کوشش و پشتکار کلیه کارکنان ایرانی طرح بود که می‌کوشیدند به جزئیات کار آشنا شوند تا خودشان بتوانند روزی رأساً کار را به دست گیرند. در این زمینه باید به‌طور اخص از نادر حکیمی و علی‌اصغر شرکت نام برد. این دو در ایجاد کار گروهی سهم بسزایی داشتند و توانستند از بدو خدمت در طرح نیشکر به مراحل مختلف صنعت قندسازی و کشت و داشت و برداشت نیشکر آشنا شوند و از جزئیات امور اجرایی طرح سازمان را آگاه سازند. مهندس نادر حکیمی از طرف سازمان به عنوان معاون کارخانه قندسازی در حال کارآموزی و مهندس شرکت به عنوان معاون قسمت مزارع نیشکر در حال کارآموزی به طرح نیشکر معرفی شدند و توانستند در مدت بسیار کوتاهی با لیاقتی که داشتند از طرف مجریان خارجی طرح به مراحل مختلف مدیریت ترقی داده شوند و سر انجام از طرف سازمان به ترتیب به عنوان رئیس و معاون طرح نیشکر تعیین شوند.

یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

غلامرضا سلامی پیشنهاد داد راه تجارت هفت تپه

اینچنینی می‌گردد. دلایل بسیاری برای این امر وجود دارد: رقابتی دولتی، قطع ارتباط دولت با شرکت‌ها به عنوان بزرگترین مشتری، این عدم شایستگی سرمایه‌گذاران، نبود برنامه مدون برای آزادسازی و خصوصی‌سازی، استفاده از رانت دولتی، بی‌اعتمادی به خصوصی‌سازی، عدم سودآوری واحدهای خصوصی و در نهایت نبود یک نظارت دقیق بر این شرکت‌ها باعث شده آنها نه تنها به فکر تولید نباشند بلکه فقط به سود خود فکر کنند با استفاده از وام و رانت و انحصار زمین‌ها و ساختمان‌های اطراف آن خود را به درجالت بالاتری برسانند. متأسفانه در مورد خصوصی‌سازی نه تنها به پیشرفتی دست نیافته‌ایم بلکه برگشت به عقب هم داشتیم، زیرا اولاً زیرساخت مناسبی برای این امر وجود ندارد و بعد از واگذاری نیز رفتار قیم و دولت و دخالت‌ها باعث شده سرمایه‌گذاران بعد از مدتی کوتاهی به دلیل زیان‌دهی این واحدها از ادامه کار دست کشیده و کارکنان هم به دلیل ناامنی شغلی و عدم پرداخت حقوقشان زندگی پر استرسی را تجربه کنند. دولت می‌تواند با واگذاری واحدها با قیمت کم و حتی رایگان مانند آنچه در آلمان غربی و شرقی اتفاق افتاد به بخش خصوصی تولید ناخالص داخلی را بالا ببرد و اشتغالزایی که شاه‌کلید خصوصی‌سازی است را افزایش داده و همچنین با عرضه سهام در بازار بورس توان مالی شرکت افزایش یابد و کارکنان نیز با برخورداری از شغلی ایمن آینده خوبی داشته باشند. راه نجات شرکت‌هایی مانند هفت تپه اقتصادی کردن تولید داخلی شرکت و جلوگیری از واردات بی‌رویه و عدم دخالت‌های بی‌مورد دولت می‌باشد تا بتوانند توان رقابتی خودشان را افزایش داده و علاوه بر پیشرفت اقتصادی خود و کشور از معضلاتی مثل عدم پرداخت حقوق و اعتصابات کارکنان جلوگیری نمایند.



در مورد ناکامی خصوصی‌سازی در ایران عرض کنم که اصولاً کسانی که در بدنه قدرت و راس دولت می‌باشند اعتقادی به امر خصوصی‌سازی ندارند، از ابتدای انقلاب اسلامی یک تفکر مارکسیستی در کشور به وجود آمد و اکثر واحدهای صنعتی و اقتصادی از طریق ملی کردن، مصادره، احکام قضایی دست دولت افتاد، از طرف دیگر مشکل ساختار شرکت‌ها و قیمت‌گذاری بدون برنامه دولتی باعث عدم موفقیت خصوصی‌سازی شد. قبل از خصوصی‌سازی ابتدا باید آزادسازی صورت گیرد و سپس خصوصی‌سازی شود و در آخرین مرحله واگذاری واحدها می‌باشد. نمونه بارز آن آزادسازی بانک‌ها بود که بانک‌هایی مانند پاسارگاد و پارسیان در بازار رقابتی عمل کنند و در این راه موفق هم شدند ولی چون بانک‌های دولتی توان رقابت با آن را نداشتند (دولت نهم) با وضع قوانین دولتی مانند هماهنگ کردن سود بانک‌های خصوصی با بانک‌های دولتی عملاً از ادامه روند رو به رشدشان جلوگیری کرد. در سال ۸۰ از شروع خصوصی‌سازی برخی واگذاری‌ها فقط اسم خصوصی‌سازی را یکد می‌کشید در حالی که سهام آنها متعلق به دولت یا نهادهای شبه‌دولت مانند سازمان تامین اجتماعی، نیروهای مسلح، سهام عدالت بود و تفاوتی در نوع اداره آنها ایجاد نمی‌شد. در مورد شرکت‌هایی مانند هفت تپه خوزستان که امکانات آن یکی از بهترین‌ها در خاورمیانه و حتی دنیا می‌باشد، سیاست‌های دولت باعث عدم رقابت‌پذیری این شرکت‌ها شد. افزایش نرخ ارز دولتی و تورم زیاد موجود موجود را یک فرصت برای این شرکت می‌باشد، زیرا قیمت تمام شده کالاها افزایش می‌یابد و درآمد شرکت هم بالا می‌رود، اما واردات بی‌رویه شکر و تعرفه‌های پایین آن یک رقیب مضمحل‌کننده می‌باشد که توان رقابتی این شرکت را پایین آورده و باعث عدم پرداخت حقوق کارکنان و اعتراضاتی

سید حسین سلیمی:

هفت تپه را به اهلش ندادند

حتی رایگان در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهد تا علاوه بر کاهش هزینه‌های سنگین دولت بتوانند با ایجاد ارزش افزوده و پرداخت مالیات تولید ناخالص ملی را افزایش دهند. نمونه بارز آن کشت و صنعت هفت تپه می‌باشد که حدود ۲۵۰۰ هکتار از زمین‌های این واحد صنعتی بدون برنامه‌ریزی و هماهنگی با مسئولان به دو جوان ۲۸ و ۳۲ ساله واگذار شد که با سوء مدیریت از یک طرف و کاهش تولید و واردات بی‌رویه شکر از خارج از طرف دیگر موجب زیان‌دهی این صنعت و نارضایتی کارکنان و اعتصاب آنها شد. عدم توجه به سرمایه‌گذاری خارجی در فرایند خصوصی‌سازی را از دلایل مهم عدم موفقیت این طرح‌ها می‌باشد. عدم شفافیت قوانین، نبود زیرساخت‌های مناسب برای سرمایه‌گذاران خارجی، تعداد زیاد کارکنان و هیأت مدیران دولتی باعث عدم رغبت سرمایه‌گذاری خارجی می‌شود. از میان ۷۰ هزار طرح نیمه تمام ۳ هزار طرح قابلیت واگذاری به بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری خارجی را دارد که متأسفانه روش مدون و برنامه‌ای طبق اصل ۴۴ قانون اساسی صورت نگرفته است. اگر واگذاری‌ها با سرعت بیشتری انجام شود و تسهیلاتی برای سرمایه‌گذاران در نظر گرفته شود حداقل می‌توان از طریق این واگذاری‌ها تولید ناخالص ملی را تا ۲۰ درصد افزایش داد و موجب رونق اقتصادی کشور شد.



من ابتدا یک مثال ملموس از دو کشور آلمان غربی و شرقی می‌آورم. مبنای این دو کشور برای اتحاد طرحی سه ساله به ارزش ۶۰۰ میلیون مارک بود. واگذاری کارخانجات، سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات، ارائه وام، افزایش استخدام‌ها و انواع طرح‌های مختلف در راستای صنعتی شدن و اتحاد این دو کشور انجام گرفت. در مدت سه سال اینکار با چنان برنامه و شتابی صورت گرفت که تشخیص آلمان غربی صنعتی و آلمان شرقی کمونیست از هم ممکن نبود. متأسفانه در ایران خصوصاً بعد از انقلاب برای واگذاری‌ها طبق اصل ۴۴ قانون اساسی انواع قوانین و آیین‌نامه‌ها و مزایده‌ها و مناقصه‌های بدون برنامه ارائه می‌شود و در زمان واگذاری نیز به کسانی ارائه می‌شود که اهلیت و توانایی اداره واحدها را ندارند. وی دلایل عدم موفقیت این واگذاری‌ها را اینطور ارزیابی می‌نماید: وابستگی دولت و افراد به واحدهای صنعتی، اشکالات ساختاری خصوصی‌سازی پس از انقلاب اسلامی، هدف گذاری بدون برنامه کلان و بلند مدت، مصادره زمین‌ها و ساختمان‌های اطراف واحدها به جای توجه به خود واحدهای اقتصادی، قیمت تمام شده بالای واحدها، تغییر سیاست‌ها با تغییر افراد (روسای جمهور، وزرا)، تعداد زیاد کارکنان و واگذاری به افراد بدون در نظر گرفتن توانایی و اهلیت افراد. گاهی لازم است دولت طرح‌های خصوصی‌سازی را با قیمت بسیار پایین و

دکتر بهرام شکوری، رئیس کمیسیون معادن و صنایع معدنی اتاق بازرگانی ایران

هفت‌تپه بیمار بود که خصوصی شد

نیست چرا که در صورت ابقای این قبیل شرکت‌ها از سوی دولت، آنها به طور حتم همچنان به دریافت یارانه‌های غیر ضروری و غیرمولد نیازمند می‌بودند و از منابع کمیاب همراه با هزینه‌های بسیار بالا استفاده می‌کردند.

بنابراین اگر جریان خصوصی‌سازی واقعی شکل نگیرد، به ناچار مردم جور بی‌کفایتی‌های مدیریت دولتی را خواهند کشید. به طوری که در سال‌های اخیر با ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی، دولت مجبور به استفاده از بودجه برای تعدیل فشارهای این صندوق‌ها شده است؛ استفاده از بودجه برای پوشش ضعف مدیریتی به معنای کاهش سهم بودجه‌های رفاهی و عمرانی که حق مردم است، می‌باشد. تا جاییکه سهم صندوق‌های بازنشستگی کشور از ۲۱،۹ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۶ به ۳۰،۲ هزار میلیارد تومان در سال ۱۳۹۷ افزایش یافت و سهم ۱۰،۹ درصدی از هزینه‌های عمومی دولت را به خود اختصاص داده است در حالیکه این هزینه می‌توانست در بخش‌های عمرانی و رفاهی هزینه گردد.

همچنین نباید این نکته را نادیده گرفت که نرخ بهره بالا در کنار تورم، قاچاق، عدم امکان تامین مالی و جهش‌های ارزی، توان بخش خصوصی را برای برنامه‌ریزی و رقابت با بنگاه‌های خارج از کشور گرفته است به عبارتی بخشی از مشکلات پیش‌روی بنگاه‌های خصوصی‌سازی شده ارتباطی با روند خصوصی‌سازی نداشته و در حقیقت مشکلات و چالش‌هایی است که تمامی واحدهای خصوصی به نوعی درگیر آنها هستند و مرتبط با فضای کسب‌وکار کشور می‌باشد. در حالیکه دولت می‌تواند با کمک به بخش تحقیق و توسعه بنگاه‌های اقتصادی، تخصیص وام‌های کم بهره، اعمال معافیت‌های مالیاتی، توسعه زیرساخت‌های تولید، ایجاد ممنوعیت و بعضاً محدودیت جهت جلوگیری از واردات کالاهای مشابه داخلی با وضع تعرفه بالا و مهم‌تر از آن جلوگیری جدی از قاچاق کالا که صنایع داخلی را تهدید می‌کند، در بالندگی شرکت‌های خصوصی نقش بسیار مهمی ایفا می‌نماید. بنابراین مادامی که فضای کسب‌وکار بهبود جدی پیدا نکند، خصوصی‌سازی شرکت‌ها با مشکل مواجه خواهد شد. رفع ساختارهای حاکمیتی و بروکراسی پیچیده و بهبود ساختارهای حقوقی، قانونی و قضایی کشور نیز از دیگر مواردی است که می‌تواند در توسعه خصوصی‌سازی واقعی کمک شایانی داشته باشد. در نهایت باید تاکید نمود که خصوصی‌سازی به هر قیمت و تحت هر شرایط بدون رعایت پیش‌شرط‌ها، از جمله اهلیت خریدار و بهبود فضای کسب‌وکار، منجر به موفقیت آن واحد اقتصادی نمی‌گردد.

صحیح و خارج از فساد اداری صورت گرفته باشد و فضای کسب‌وکار مساعد باشد، حتی ورشکستگی شرکت واگذار شده نیز پدیده‌ای منفی نخواهد بود. چرا که دولت باتوجه به سیاست‌های کلان کشور از جمله حفظ اشتغال، از اعلام ورشکستگی شرکت به صورت صوری جلوگیری می‌نماید و بار این ورشکستگی و تعهدات مالی را به دوش موسسات پولی و مالی، با علم به اینکه توان بازپرداخت بدهی‌ها را نخواهد داشت، منتقل خواهد نمود. از طرفی بانک‌ها و موسسات مالی نیز به دلیل سفارش‌های دستوری مقامات دولتی، ملزم به ارائه تسهیلات و وام به این بنگاه‌های دولتی خواهند بود بنابراین تامین مالی زیان‌های شرکت‌های دولتی توسط نظام بانکی، باعث کاهش دسترسی شرکت‌های خصوصی واجدالشرایط به این اعتبارات شده و در کل تهدیدی برای ماندگاری نظام تامین مالی محسوب می‌شود.

در نتیجه بسیاری از شرکت‌هایی که قبلاً دولتی بودند و شاید روزگار بدی هم در ظاهر نداشتند و حالا بعد از خصوصی‌سازی، ورشکسته شده‌اند، می‌تواند مبین این امر باشد که اگر این بنگاه واگذار نمی‌گردید چه بار هزینه‌های سنگینی را بر دولت تحمیل می‌نمودند. به طور مثال شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه، شرکتی که از آن به عنوان غول کشاورزی استان خوزستان یاد می‌شد، تا پیش از خصوصی شدن، به پشتوانه دولت فارغ از سودده یا زیان‌ده بودن فعالیت می‌نمود در حالیکه زبان انباشته قابل توجهی را در کارنامه خود داشت. در حقیقت خصوصی‌سازی به انحلال یا خروج شرکت‌های ناکارآمد می‌انجامد و نشانه عدم راهبری صحیح خصوصی‌سازی یا ناکارآمدی این سیاست

ضرورت انجام خصوصی‌سازی در دنیا کاملاً به اثبات رسیده است، اما متأسفانه شواهد و قرائن موجود از خصوصی‌سازی‌های سال‌های گذشته کشور نشان از حاشیه‌هایی پس از خصوصی‌سازی داشته است که گاهی ماهیت خصوصی‌سازی را زیر سوال برده است. یکی از بزرگ‌ترین مشکلات و معضلات در خصوصی‌سازی، نوع نگاه و هدف حاکمیت به اجرای این مهم می‌باشد. در حقیقت ماهیت خصوصی‌سازی بر پایه افزایش بهره‌وری بنگاه‌های اقتصادی و کاهش بار تصدی‌گری دولت استوار است در حالیکه جریان خصوصی‌سازی در کشور بیشتر باعث شد تا دولت از شر و گرفتاری برخی واحدهای اقتصادی زیان‌ده خود که باری مضاعف بر بدنه دولت بودند، رهایی یابد و همچنین در قبال واگذاری این واحدها، درآمد قابل توجهی نیز کسب نمایند. در نتیجه هنگامی که نوع نگاه دولت به واگذاری و خصوصی‌سازی تنها کسب درآمد و رهایی از گرفتاری‌های واحد زیان‌ده باشد بنابراین دولت حاضر نخواهد بود، مدل واگذاری مدیریتی پیشه کند. این درحالی است که حتی پس از واگذاری در عمل چشم‌پوشی از مدیریت و دخالت در امور شرکت به طور کامل محقق نمی‌گردد. به طور مثال شاهد هستیم شرکت‌های خصوصی حتی اجازه اصلاح ساختار یا تعدیل نیرو در شرکت‌های تحویل گرفته را نداشتند که نتیجه آن ایجاد مشکلاتی برای موسسات واگذاری شده از جمله شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه شده است. تا جایی که خبر استخدام ۱۸۰۰ نفر توسط مدیران دولتی قبل از واگذاری، از رسانه‌ها به گوش می‌رسید که به معنای تحمیل نیروی کار اضافی به واحد واگذاری شده با توان مالی کمتر از دولت می‌باشد. در واقع خصوصی‌سازی نباید تنها به تغییر مالکیت شرکت‌ها منجر شود، بلکه باید ترکیب مدیریتی شرکت‌ها را نیز هدف قرار دهد. در حالیکه متأسفانه حتی بعد از واگذاری مالکیت، عملاً بخش‌های دولتی، وزارتخانه‌ها و نهادها از کرسی‌های هیأت‌مدیره خود نگذشتند و همچنان در مدیریت این واحدها دخالت می‌کنند. بنابراین خصوصی‌سازی به صورتی که بخش‌های مختلف دولت و حاکمیت در ابتدایی‌ترین امور شرکت‌های واگذاری شده، مانند چه تعداد نیرو انسانی داشته باشند یا محصول خود را به چه قیمتی بفروشند، دخالت و تعیین تکلیف کنند، خصوصی‌سازی موفق نخواهد شد. در حالیکه در کشورهای پیشرفته در واگذاری بنگاه‌های دولتی تنها تحقق تعهدات آن شرکت رصد می‌گردد و بر نحوه مدیریت و مسیر رسیدن به تعهدات دخالتی ندارند.

اگر روند واگذاری به درستی صورت گرفته باشد، اهلیت خریدار و سایر فاکتورهای دخیل در واگذاری در مسیر



یادداشت

دیدگاه

انتخاب سردبیر

اروپا

آمریکا

بازارها

چندملیتی‌ها

تجارت امروز

صنعت ایران

داستان نیشکر

دو اتفاق بزرگ برای پیشبرد سرمایه‌گذاری



در جریان دهمین نمایشگاه Kish Invex ۲۰۱۸ که باهدف معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری کشور در جزیره کیش برگزار شده و تا پایان هفته نیز دایر است، گروه‌های متعددی از فعالان اقتصادی در نشست‌های تخصصی حضور پیدا کرده و اهمیت و لازمه‌های ارتقای سطح سرمایه‌گذاری در کشور را مورد بررسی قرار می‌دهند.

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران با توجه به همراهی اتحادیه اروپا با ایران در تحریم‌های اخیر آمریکا، در حاشیه نمایشگاه اینوکس ۲۰۱۸ نشست تخصصی با محوریت همکاری شرکت‌های ایرانی با بنگاه‌های کوچک و متوسط خارجی در شرایط تحریم البته با مشارکت وزارت امور خارجه برگزار کرد.

حسین سلاح‌ورزی نایب‌رئیس اتاق ایران در این پنل تخصصی به دستاوردهای برجام برای اقتصاد ایران اشاره و تصریح کرد: برجام شرایط مناسبی را برای فعالیت بنگاه‌های ایرانی در صحنه بین‌المللی ایجاد کرد هرچند متأسفانه این موضوع ادامه پیدا نکرد و اقتصاد کشور با شرایط تحریمی از سوی آمریکا مواجه شد. خروج این کشور از برجام مجدداً شرایط سخت اقتصادی را برای ایران رقم زد. بر اساس اظهارات وی امروز عمده

در جزیره کیش برگزار شد. بسیاری از مجموعه‌های اقتصادی مرتبط به حوزه سرمایه‌گذاری و بازار سرمایه از بخش‌های دولتی و خصوصی در بخش نمایشگاهی رویداد حضور داشتند و به اصطلاح غرفه یا پویون داشتند.

اتاق ایران نیز در بخش نمایشگاهی دارای ۲ پویون بزرگ جمعاً به مساحت ۶۵۰ مترمربع به شرح زیر بود.

پویون اول: ۳۹۰ متر مربع، طراحی شده برای اتاق‌های شهرستان‌ها با فضا و میز کانتر اختصاصی برای هر اتاق.

پویون دوم: ۲۵۶ متر مربع، طراحی شده برای اتاق‌های مشترک و تشکلهای بالادستی با فضا و میز کانتر اختصاصی برای هر اتاق.

♦ بنگاه‌های کوچک و متوسط و همکاری با اروپا

حسین سلاح‌ورزی، نایب‌رئیس اتاق ایران در نشست تخصصی پیرامون همکاری شرکت‌های ایرانی با بنگاه‌های کوچک و متوسط خارجی در شرایط تحریم، تصریح کرد: ایران در تلاش است بر اساس رویکرد اروپا در مورد تداوم همکاری‌های اقتصادی با ایران، بنگاه‌های کوچک و متوسط خود را تقویت کند و زمینه همکاری‌های تجاری را فراهم کند.

اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران اکنون پرچمدار بخش خصوصی و سخنگوی فعالان این بخش به حساب می‌آید. این نقش بی‌بدیل که از طرف قانون، ده‌ها هزار بازرگان و صنعتگر و سرانجام دولت در اختیار نهاد خصوصی قرار داده شده است هنگامی پررنگ‌تر و برجسته‌تر می‌شود که با عملکرد مناسب پاسخ داده شود. بخش‌های گوناگون اتاق در این مهم نقش انکارناپذیر دارند. مرکز سرمایه‌گذاری اتاق ایران به مثابه یک مجموعه نوپای اتاق با برنامه‌ریزی از پیش اندیشیده و هماهنگ با سایر نهادهای اتاق حضوری کامیاب در «همایش کیش اینوکس ۲۰۱۸» داشت.

همایش کیش اینوکس ۲۰۱۸، پنجمین دوره نمایشگاه معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری کشور بود که به همراه دهمین نمایشگاه بین‌المللی بورس، بانک بیمه و خصوصی‌سازی از تاریخ ۳۰ مهر لغایت ۳ آبان ۹۷ در جزیره کیش برگزار شد. هدف اصلی این نمایشگاه معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری کشور به اجزای آکوسیستم سرمایه‌گذاری در داخل و خارج از کشور می‌باشد.

بخش نمایشگاهی رویداد کیش اینوکس ۲۰۱۸، هر روز از ساعت ۱۷ الی ۲۲ در محل سالن نمایشگاه‌های خلیج فارس

نگرانی بنگاه‌های اقتصادی به امکان تداوم همکاری‌های تجاری خارجی و وضعیت سرمایه‌گذاری‌های انجام شده معطوف می‌شود.

نایب‌رئیس اتاق ایران در ادامه با اشاره به راه‌اندازی معاونت دیپلماسی اقتصادی در وزارت امور خارجه و ارتقای سطح اهمیت مسائل اقتصادی در این وزارتخانه، تأکید کرد: حال که موضوع اقتصاد به‌صورت تخصصی در وزارت امور خارجه دنبال می‌شود، بخش خصوصی نیز می‌تواند با همکاری وزارت امور خارجه بخشی از مطالبات خود را دنبال کند. در مورد برجام و FATF این همکاری‌ها وجود داشت.

سلاح‌ورزی در ادامه به برنامه‌ریزی اروپا برای ادامه همکاری‌های اقتصادی خود با ایران در شرایط تحریمی اشاره و تأکید کرد: اروپا در حال تدوین بسته‌ای است که در قالب آن سازوکاری را برای موضوع نقل و انتقالات مالی و بانکی بین اروپا و ایران تدوین کند. به نظر می‌رسد امکان تداوم همکاری‌های تجاری بین ایران و اتحادیه اروپا بر پایه فعالیت واحدهای کوچک و متوسط وجود دارد. در همین راستا طی حضور وزیر امور خارجه در نشست هیات نمایندگان اتاق ایران در تیرماه، مقرر شد اتاق اطلاعات کاملی از واحدهای کوچک و متوسطی که امکان کار با اروپا را دارند تهیه کند.

به اعتقاد وی مذاکرات انجام شده بین ایران و اروپا مثبت و امیدوارکننده بوده و می‌تواند تا حدودی راه را در روزهای تحریم برای اقتصاد ایران باز کند.

♦ سازوکارهای اقتصادی بین‌المللی در حال تغییر هستند

در ادامه این نشست تخصصی احمد معصومی‌فر، مدیرکل پایش روابط اقتصادی دوجانبه وزارت امور خارجه کشور با اشاره به شرایط خاص بین‌المللی و چالش‌هایی که ایران با آنها مواجه است، تأکید کرد: تمرکز این چالش‌ها تنها روی ایران نیست بلکه کشورهای اروپایی نیز شاهد برخی تحولات بزرگ در وادی اقتصاد بین‌المللی هستند. قدرت‌های اروپایی نیز متوجه شدند زیر پوست سازوکارهای اقتصادی، موانع و مسائلی وجود دارد که تاکنون دیده نشده و حال که ظاهر شده باید برای مقابله با آن‌ها فکری کرد.

وی ادامه داد: سازوکارهای مالی و نقل و انتقالات بانکی در حال تغییر بوده و

حتی کشورها به دنبال ارزهای جایگزین هستند. در حقیقت خروج آمریکا از برجام و حتی سایر معاهدات بین‌المللی عامل این تحولات است. این تغییرات در طولانی‌مدت انجام خواهد شد و نگاه‌های سنتی را درگیر می‌کند.

این مقام مسئول با اشاره به دیدگاه‌های اروپا در مورد تداوم برجام و همکاری با ایران گفت: باید توجه داشت به دلیل به در هم تنیدگی موضوعات اقتصادی و سیاسی اروپا و آمریکا، پیدا کردن راهی برای همکاری با ایران زمان‌بر است. البته مقدمات در حال انجام است و مذاکرات به‌صورت مستمر انجام می‌شود. هیات‌های اروپایی دائم در رفت‌وآمد بوده و ایران نیز برنامه تقویت بنگاه‌های کوچک و متوسط را در برنامه کاری خود قرار داده است.

معصومی‌فر تصریح کرد: لازم است ارگان‌های مربوطه در این بخش با هم هماهنگ شده و مدل‌هایی را برای همکاری با یکدیگر طراحی کنند. در این بین هماهنگی نمایندگی‌های ایران در سایر کشورها نیز اهمیت بالایی دارد. به اعتقاد مدیرکل پایش روابط اقتصادی دوجانبه وزارت امور خارجه، آنچه بیش از هر چیز دیگر مهم است، ارائه تعاریف مشترک از مفاهیمی است که قرار است در همکاری بین ایران و اروپا مورد توجه قرار گیرند.

♦ ایجاد دفتر اتحادیه اروپا در ایران

محسن عامری، مدیر سرمایه‌گذاری اتاق ایران نیز ضمن اشاره به فرصت‌هایی که برای همکاری بین ایران و اروپا در حال تعریف است، خاطرنشان کرد: توجه به واحدهای کوچک و متوسط برای ادامه همکاری‌ها بین ایران و اروپا در شرایط تحریمی به معنای توجه به بخش کوچک از اقتصاد جهانی نیست چراکه این بنگاه‌ها در حدود ۹۰ درصد اقتصاد اروپا را شامل شده و ۶۰ درصد اشتغال بخش خصوصی را دربرمی‌گیرند.

وی با بیان این مطلب که پس از برجام تا سال ۲۰۱۷ تراز تجاری بین ایران و اتحادیه اروپا در حال برابری بود، گفت: به دنبال همین همکاری‌ها، پس از خروج آمریکا از برجام، اتحادیه اروپا بر لزوم تداوم برجام تأکید و قرار شد مکانیزم همکاری‌های مالی بین ایران و اروپا تعریف شود. استفاده از این چنین ساختارهایی در اروپا سابقه دارد و می‌توان به اجرایی شدن

آن امیدوار بود. یک روی این سکه، برای ایران فرصت است هرچند طرف دیگر آن عقب‌گرد بوده و کشور را وارد دوران مبادله کالا به کالا خواهد کرد.

عامری در بخش دیگری از سخنان خود ایجاد دفتر اتحادیه اروپا در ایران را به‌عنوان مطالبه بخش خصوصی از دولت مطرح کرد و افزود: دورتادور ایران در همه کشورهای همسایه این دفتر راه‌اندازی شده اما در ایران همچنان مقدمات کار فراهم نیست.

به باور وی، لازم است در این دوران خطیر، از همه ظرفیت‌های ممکن برای حضور در صحنه بین‌المللی استفاده شود.

♦ پیگیری عضویت ایران در شبکه کسب‌وکار اروپا

اسفندیار امیدبخش، مدیر روابط چندجانبه اتاق ایران به موضوع پیوستن ایران به شبکه کسب‌وکار اروپا اشاره کرد و این کار را موضوعی اساسی و ضروری خواند و گفت: از تابستان گذشته موضوع را در دستور کار قرار دادیم و خوشبختانه امروز این موضوع در وزارت امور خارجه نیز در حال پیگیری است.

بر اساس اظهارات وی، اگر ایران وارد این شبکه شود می‌تواند از خدمات ویژه آن بهره‌مند شده و از خدمات آموزشی و مشاوره‌ای این شبکه نیز استفاده کند. همچنین بانک اطلاعاتی گسترده‌ای در اختیار ایران قرار می‌گیرد که در گسترش روابط بین‌المللی اهمیت ویژه‌ای دارد.

امیدبخش توجه به بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران را یک استراتژی عکس‌عملی توصیف کرد و گفت: البته باید این موضوع را به فال نیک بگیریم هرچند اگر این اتفاقات در سطح بین‌المللی رخ نمی‌داد به‌طور حتم همچنان موضوع بنگاه‌های کوچک و متوسط نیز همچنان در دستور کار نبود.

مدیر روابط چندجانبه اتاق ایران در ادامه به ۹ پروژه‌ای که به همت سازمان توسعه تجارت طراحی شده است اشاره و تأکید کرد: از آنجاکه این موضوع جدید است و سابقه ندارد، نیازمند بحث‌های آموزشی بوده و قرار است در این بخش نیز فعالیت کنیم.

طبق این گزارش، ۶۰ کشور عضو شبکه کسب‌وکار اروپا هستند و دبیرخانه آن در ایران نیز در اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران خواهد بود.



بسمه تعالی

ماهنامه تخصصی اتاق بازرگانی، متعلق به اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران با هدف اطلاع رسانی و آگاهی بخشی به فعالان بخش خصوصی و پیشبرد اهداف کلان اقتصادی کشور به صورت منظم و ماهیانه منتشر می گردد.

این نشریه بر اساس سیاست های بالادستی اتاق بازرگانی ایران در جهت انعکاس اخبار، فعالیت و خدمت رسانی به اعضای محترم اتاق و صاحبان کارت بازرگانی و ارسال مستقیم برای مشترکین و صاحبان مشاغل، کلیه اتاق های سراسر کشور و با تیراژ بالا و مطلوب در کیوسک های مطبوعاتی نیز توزیع می گردد.

این نشریه ضمن ارتباط دوسویه و مستقیم میان اعضا و اتاق ایران، زمینه انعکاس نظرات دیدگاه های نخبگان اقتصادی و صاحب نظران را فراهم می آورد.

تعارف آگهی سازمان آگهی های ماهنامه اتاق بازرگانی

پشت جلد..... ۱۰ میلیون تومان	صفحه داخلی..... ۲ میلیون تومان
پشت روی جلد..... ۷ میلیون تومان	گزارش ویژه..... ۵ میلیون تومان
صفحه ۳..... ۷ میلیون تومان	تخفیفات:
صفحه ۴..... ۵ میلیون تومان	■ پرداخت نقدی: ۱۰ درصد
پشت پشت جلد..... ۴ میلیون تومان	■ سه شماره متوالی: ۱۵ درصد
دو صفحه ماقبل پشت جلد (هر صفحه)..... ۳ میلیون تومان	■ شش شماره متوالی: ۲۰ درصد
دو صفحه روبروی وسط..... ۵ میلیون تومان	■ دوازده شماره متوالی: ۳۰ درصد

فرم اشتراک ماهنامه «نامه اتاق بازرگانی»

نام و نام خانوادگی مشترک:.....

تاریخ تولد:..... میزان تحصیلات:.....

تعداد نشریه مورد تقاضا و مدت اشتراک:.....

نشانی:.....

تلفن ثابت:..... تلفن همراه:.....

کد پستی:..... صندوق پستی:.....

به پیوست فیش بانکی به شماره..... و به مبلغ..... ریال

بابت حق اشتراک ماهنامه نامه اتاق بازرگانی از شماره..... ارسال می شود.

تاریخ:.....

امضاء:

تجربه جهانی
برای شفافیت ابزاری جز "رتبه‌بندی" وجود ندارد

رتبه‌بندی فعالان اقتصادی
ساده‌ترین مسیر دریافت خدمات دولتی و جذب سرمایه‌گذاری

رتبه‌بندی
کمک به توسعه اقتصاد پایدار و توانمندی اقتصاد ملی

رتبه‌بندی
کلید ورود به
عرصه جهانی



پایگاه خبری اتاق ایران

مرجع اخبار روز

پارلمان بخش خصوصی



otaghiranonline.ir



[@otaghiranonline](https://t.me/otaghiranonline)



[iccima.ir](https://www.instagram.com/iccima.ir)



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران



اپلیکیشن اتاق

سامانه‌ی همراه فعالان اقتصادی ایران



چهارموتی زین بازرگانان ایران زمین

با اپلیکیشن **اتاق** می‌توانید:

- در میان اطلاعات دارندگان کارت‌های بازرگانی جستجو و بازرگانان و مشتریان بالقوه را شناسایی کنید؛
- با فعالان اقتصادی ارتباط داشته و گروه‌ها و جلسات تجاری B2B تشکیل دهید؛
- در لحظه به اطلاعات اقتصادی، اخبار و گزارش‌های اتاق ایران دسترسی داشته باشید؛
- اعتبار کارت بازرگانی و گواهی مبدأ را استعلام بگیرید؛
- از فرصت‌های سرمایه‌گذاری کشور مطلع شوید و ...

اتاق را



دانلود کنید...